

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسئول: علی فرخنده

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب‌اله احمدی
 ۲. دکتر محمد بهنام‌فر
 ۳. دکتر هادی پور شافعی
 ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
 ۵. دکتر محمد تقی راشد محصل
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۸. دکتر ویلم فلور
 ۹. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
استاد تناتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار: سمیه پورسلطانی

امور فنی: فائزه دستگردی

ویرایش انگلیسی: دکتر سعید عامری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری ذره‌بین رسانه نوین

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آرا و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسئول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- سمیرا پور
 - هادی پور شافعی
 - علیرضا تشکریان جهرمی
 - نیره شاه محمدی
 - محمدعلی طالبی
 - زهرا علیزاده بیرجندی
 - کلتوم قربانی جویباری
 - حمید مسعودی
 - طاهره میرزایی
 - حامد نوروزی
 - محمد ولی پور
- استادیار دانشگاه بیرجند
دانشیار دانشگاه بیرجند
استادیار دانشگاه بیرجند
دانشیار و عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
استادیار دانشگاه پیام نور
دانشیار دانشگاه بیرجند
دانشیار دانشگاه بیرجند
استادیار دانشگاه بیرجند
استادیار دانشگاه پیام نور
دانشیار دانشگاه بیرجند
استادیار دانشگاه فرهنگیان



پیشینه: *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ پرتال جامع علوم انسانی آدرس <http://ensani.ir/fa/article/journal/1831/> گوگل اسکالر https://scholar.google.com/citations?viewop=list_works&hl=en&user= اسکالر <https://civilica.com/1/60837> پایگاه سیولیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش با تمرکز در دو حوزه فرهنگی و اجتماعی در گستره خراسان را که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱- ساختار مقاله دارای عنوان، چکیده، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسئله، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، منابع و ارجاعات دقیق و در صورت لزوم، پیوست‌ها باشد.

۲- مقاله در محیط Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود.

۳- صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب ۱۶/۵ * ۲۳/۵ (وزیری) باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه template) حداکثر ۲۵ صفحه باشد. مجله از پذیرش مقاله‌های طولانی (بیش از ۸۰۰۰ واژه) معذور است.

۴- چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و واژه‌های کلیدی (سه تا هفت کلمه) است.

۵- ارسال چکیده مبسوط به فارسی و لاتین توسط نویسنده الزامی و پس از داوری مقاله توسط نویسنده ارائه می‌گردد. جهت تنظیم چکیده مبسوط به راهنمای نویسندگان در سامانه مراجعه نمایید.

۶- معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی، اصطلاحات غیررایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۷- جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300px)، با شماره و عنوان گویا (B Nazanin 12 Regular) و همچنین ذکر مأخذ در ذیل هر کدام (B Nazanin 12 Regular) آورده شود.

۸- ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۹- فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۹-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاژ*. تهران: نشر علم.

۹-۲- مقاله

شاطری، مفید. (۱۳۸۵). گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان. *فرهنگ خراسان جنوبی*، ۱ (۱)، ۴۹-۶۶.

۹-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد. (۱۳۸۹). اثرات مهاجرت های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی. *مجموعه مقالات اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت*، جلد ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۹-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا. (۱۳۷۰). *رویاری اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی*. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۹-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا. (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۹-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت. (۱۳۸۶). *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*. بازیابی شده در:

از: <http://www.Farhanghenasi.com/article/s/9/5/html>، ۱۳۸۸/۸/۲

۱۰- نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه نویسنده بر روی صفحه جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده دارد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۱۱- مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب نظر مرتبط با موضوع مقاله ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۲- جهت اطلاعات بیشتر و تنظیم مقاله، نحوه نگارش ارجاعات درون متنی و منابع به راهنمای نویسندگان در سامانه فصلنامه مراجعه نمایید.

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی. تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴
دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

آدرس وبگاه: <http://farhangekhorasan.ir>

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: farhangekhorasan@gmail.com

فهرست مطالب

- پدیدارشناسی مضامین تجربه‌ی زیسته‌ی مادرانگی در موسیقی فولکلور شرق خراسان
سحر تبریزی، غلامرضا تبریزی کاهو ۹

- وجه تسمیه و دگرگونی نام و جایگاه قاین و قهستان
مرتضی دانشیار ۴۵

- نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی، با
میانجی چاپکی سازمانی در کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس
احمد عربشاهی کریزی، مرتضی درودگر ۸۵

- بررسی ارتباطات دانشجویان دختر در سراهای دانشجویی؛ مطالعه‌ی موردی: دانشگاه
فرهنگیان خراسان جنوبی
محمد علی پور، محمد ولی پور، محسن آیتی، فاطمه عباسی مقدم، ساجده احمدی ۱۲۹

- الگوی ازدواج کارآمد زوج‌های ساکن شهر مشهد
مونا کارگر، سید علی کیمیایی، حسین کارشکی، خدابخش احمدی ۱۵۹

- بازتاب قرآن و حدیث در دفتر دوم «مقامات الأبرار» محمدحسین آیتی بیرجندی
احمد لامعی گیو ۱۹۷



A Phenomenological Study of Lived Experiences of Motherhood in the Folk Music of East Khorasan

Sahar Tabrizi¹

Golamreza Tabrizikahou²

Received: 25/10/2024

Accepted: 21/1/2025

Introduction

The concept of motherhood has undergone significant changes and transformations over time. Archaeological evidence presented by Malinowski highlights that, in early civilizations, motherhood formed the foundation of family structures, with mothers being central to child-rearing and caregiving. In contrast, fathers held marginal and relatively insignificant roles in these early family systems (Mohammadi & Mohammadi, 2021, p. 232). However, contemporary trends have shifted dramatically. Today, women have greater autonomy and the ability to choose whether to embrace motherhood (Omidvar Tehrani et al., 2021, p. 1026).

Modern perspectives regard motherhood as a social category shaped by the cultural and societal positioning of women. According to recent theories, motherhood is influenced by the cultural constructs surrounding women, with art playing a significant role in this dynamic. Art not only reflects a woman's individuality and independence but also shapes and is shaped by her experiences (Amidipour, Rajablo & Bastani, 2024, p. 322). For instance, art can portray the distinctiveness of a mother's perspective, enhancing her quality of life, while also serving as a medium for artists to embed themes of motherhood in their work. This influence is evident in how the creative output of female artists often transforms before and after they become mothers (Khaleq Panah, Mirzavandian & Rahimi, 2018, p. 73).

In this study, the focus is on music, specifically the folk music of East Khorasan, as a form of art that embodies and expresses these cultural narratives. By employing a phenomenological approach, this research aims to explore and identify the themes

1. Master of Art research, Department of Art, University of Tarbiat modares, Tehran, Iran.

E-mail: sahar.tabrizi@ymail.com

<https://orcid.org/0000-0002-9250-5350>

2. Corresponding Author, Assistant professor, Department of Counseling, University of Attar, Mashhad, Iran. E-mail: rtabrizi@ymail.com

<https://orcid.org/0000-0001-99959-4901>



COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

emerging from women's lived experiences of motherhood as reflected in the region's folk music.

Method

This research employs a phenomenological approach to identify common themes and sub-themes within the intersubjective experiences of individuals who, firstly, have musical expertise and, secondly, are mothers. The primary objective is to describe and analyze the shared experiences of the participants. Phenomenology is particularly well-suited for this purpose, as it facilitates a deeper understanding of people's lived experiences by exploring their thoughts, emotions, and underlying systems. Additionally, it considers both the visible and hidden aspects of the phenomenon under investigation—in this case, folk music. The study aims to uncover the collective meaning participants assign to their 'conceptual encounter' with motherhood. Furthermore, it seeks to represent and analyze their narratives and perceptions of motherhood. To achieve this, the research follows Colaizzi's seven-step method for phenomenological analysis. Semi-structured interviews were conducted with 11 female musicians and music teachers from the city of Mashhad during the winter of 2024. Participants were selected using a stratified sampling method to ensure maximum diversity within the group. The interviews focused on exploring participants' inner world experiences after engaging with the folk music of East Khorasan. The narratives collected during these interviews were then analyzed using MAXQDA software to extract themes and insights.

Findings

The findings reveal that the motherhood experiences of female musicians influenced by the folk music of East Khorasan are shaped by various factors, including age, education level, academic field, child's gender, marital status, and child's age. The narratives of the participants confirm that these external variables significantly impact their perceptions and experiences of motherhood. A key focus of this research was to analyze and represent the participants' experiences of motherhood. The women's perceptions of motherhood were closely tied to their musical experiences. Many participants believed that East Khorasan's folk music contains themes related to motherhood, which, in turn, influence their personal experiences of being mothers while listening to this music. Through analyzing their narratives, three main themes and ten sub-themes were identified in relation to their motherhood experiences after engaging with folk music.

The participants' narratives highlighted a sense of *motherly hope* that emerged while listening to Khorasan's folk music. This hope was expressed through three core themes:

- wish for health for children
- hope for independence

- wish for a successful marriage for the child

Each theme was explored through detailed participant narratives that illustrated their profound connection to these aspirations. Additionally, the mothers who were also artists described experiencing feelings of *anxiety* about fulfilling their maternal roles when listening to East Khorasan's music. This anxiety reflected their concerns and responsibilities as mothers. On the other hand, several participants expressed feelings of *happiness* and joy after listening to the folk music of East Khorasan, showcasing the multifaceted emotional impact of music on their lived experiences of motherhood.

Discussion and Conclusion

The findings of this research reveal that the music of East Khorasan evokes contradictory experiences of motherhood for many women artists. On one hand, the joy of motherhood enriches their experiences of listening to and engaging with music. On the other hand, anxiety related to fulfilling their maternal roles casts a shadow over these experiences, ultimately contributing to shifts in their identity.

The lived experiences of the artists who are also mothers reflect a structural contradiction in their relationship with the music of East Khorasan and their maternal roles. Two primary themes emerge from their narratives: the *joy of embracing motherhood* and the *concern about performing maternal duties*. For some women, engaging with music—whether through listening or active participation—enhances their motivation for motherhood. Conversely, for others, music becomes a space where the demands of their artistic and maternal roles intersect, intensifying feelings of insecurity. This heightened insecurity makes their perception of time more fluid and uncertain. While some participants find harmony between their musical past and their role as mothers, a larger number derive significant satisfaction from their engagement with East Khorasan's music. However, the ambiguity of time and the conditions it creates disrupt their sense of stability in their maternal roles. Given the increasing number of women active in music, it is essential to establish legal and cultural frameworks to support their dual roles as mothers and artists. These frameworks should aim to alleviate the conflicts they face, ensuring that their musical pursuits do not interfere with their responsibilities as mothers. It is recommended that cultural and artistic authorities acknowledge and adapt to these evolving realities, thereby reducing the intensity of these conflicts. Such measures can help empower women musicians to balance their roles as artists and mothers more effectively.

Acknowledgment

The authors are grateful to the General Directorate of Islamic Guidance of Khorasan Razavi and all the female artists who have given their valuable time to this research.

Keywords: Phenomenology, Lived Experience, Khorasan, Motherhood, Folk Music.

References

- Abram, J., & Hinshelwood, R. D. (2021). *Paradāym-hā-ye balini-ye Melanie Klein va Donald Winnicott* (H. Goudarzi & S. Mohammadian, Trans.) [The clinical paradigms of Melanie Klein and Donald Winnicott]. Tehran: Arjmand. [In Persian]
- Amirian, Sh., & Azhand, Y. (2024). Ta'sir-e ravabet-e beynāmāti dāstān-e boland-e Mār va Mard dar jalb-e moshārekāt-e mokhātab dar jaryān-e khāndane matn (bā dar nazar gereftan-e naghsh-e shakhsiat-e zan dar khānnesh beynāmāti-ye asar) [The effect of intertextual relations in the novella *Snake and Man* on engaging readers: The role of the female character in intertextual reading of the work]. *Woman in Culture and Arts*, 16(1), 111–132. [In Persian]
- De Beauvoir, S. (2023). *Jens-e dovom* (Q. Sanavi, Trans.) [The second sex]. Tehran: Tous. [In Persian]
- Falak-ol-Din, Z., & Hajizadeh Meimandi, M. (2022). Naghshe zanān dar shādkāmi-ye khānavādeh: Motāle'eh-ye keyfi dar shahr-e Yazd [The role of women in family happiness: A qualitative study in Yazd]. *Applied Sociology*, 33(4), 95–122. [In Persian]
- Golabi, F., Alizadeh Aghdam, M. B., & Hosseinzadeh, E. (2023). Sākhār-e ghodrat-e khānavādeh va rezāyat-e jensi-ye zanān [Family power structure and women's sexual satisfaction]. *Women and Family Studies*, 11(4), 20–44. [In Persian]
- Hamm, M. (2022). Farhang-e nazariyeh-hā-ye feministi (F. Mohajer, N. Ahmadi Khorasani, & F. Ghareh Daghi, Trans.) [Dictionary of feminist theories]. Tehran: Towse'eh. [In Persian]
- Hanna Segal, H. (2007). *Yesterday, today and tomorrow*. UK: Routledge Prees.
- Henriksson, W, H; Williams, A; & Fahlgren, M. (2023). *Ambivalent narratives of motherhood and mothering: From normal and natural to not-at-all*. Uppsala, Sweden, Macmillan.
- Heshmati, A., Amiri, Sh., & Ghanbari, S. (2019). Tadvin-e olgou-ye rābete mādar-koodak bā neshāngānhā-ye ekhtelāl-e delbastegi-ye vākneshi dar koodakān-e 2 tā 5 sāle [Developing a model of mother-child relationship with reactive attachment disorder symptoms in children aged 2 to 5 years]. *Family Research*, 15(1), 69–88. [In Persian]
- Khadem Saba, P., Azkia, M., Safiri, K., & Seifollahi, S. (2022). Tahlil-e paradāymi-ye mafhoum-e zanāneangāri-ye māderi bā ravesh-e nazariye-ye benyādi; mored-e motāle'e: kārmandān-e sherkat-e ābfā-ye manteqe-ye yek-e Tehran [Paradigmatic analysis of the concept of maternal feminization using grounded theory: A case study of employees of Tehran's Water and Wastewater Company, District 1]. *Sociological Studies*, 29(2), 305–322. [In Persian]
- Khalegh Panah, K., Mirzavandian, F., & Rahimi, M. (2019). Az mādarānegi hamchon ostoureh tā bohran-e mādarānegi: yek khānesh-e neshāneshenākhti bar bāznamāyi-ye mādarānegi dar sinemā-ye Iran-e pas az enghelab [From motherhood as a myth to a crisis of motherhood: A semiotic reading of motherhood representation in post-revolution Iranian cinema]. *Sociology of Art and Literature*, 11(1), 67–88. [In Persian]

- Ma, C. (2022). A balancing act: unlearning and embracing Chinese immigrant mothering. *Journal of the Motherhood Initiative*, 51(2), 341-349.
- Mahmoudiyani, S., Ahmadi, A. Y., & Abbasi, K. (2019). Barrasi-ye rabete sākhte ghodrat dar khānavādeh va kanshā-ye farzandāvāri-ye zanān-e shahr-e Lār [An investigation into the relationship between family power structures and women's fertility behaviors in Lar]. *Women's Strategic Studies*, 22(85), 73–98. [In Persian]
- Medanlou, M., & Bagherzadeh Ledari, R. (2023). Ezterāb-e salāmat: Moruri-e ravāyati bar modākhelāt-e ravānshenashti [Health anxiety: A narrative review of psychological interventions]. *Clinical Excellence*, 13(2), 91–100. [In Persian]
- Merriam, A. (2022). *Ensan-shenāsi-ye mousighi* (M. Gharehsou, Trans.) [Anthropology of music]. Tehran: Mahoor. [In Persian]
- Mirhosseini, Z., & Kouhpeima Ronizi, Z. (2021). Vākāvi fahm-e edrākshode-ye zanān az āsib-hā-ye houzeh-e khānavādeh (mored-e motāle'eh: zanān-e shahr-e Fasa) [An exploration of women's perceived understanding of family-related harms: A case study of Women of Fasa]. *Strategic Research on Social Issues*, 10(1), 71–98. [In Persian]
- Mohammad Taghizadeh, M., Karami, M. T., & Saveh, F. (2023). Tajrobe-ye ziste-ye mādarān-e motaleghe az hezānat-e farzandān bā ta'kid bar chalesh-e ezdevāj-e mojjaddad [The lived experience of divorced mothers regarding child custody with emphasis on remarriage challenges]. *Women's Strategic Studies*, 25(99), 39–62. [In Persian]
- Mohammadi, J., & Mohammadi, F. (2021). Tahlil-e goftemān-e barsākhte suje-ye jismmand-e zanāneh dar ertebāt bā soltane mardāneh (zanān-e shahr-e Sanandaj) [Discourse analysis of the constructed embodied female subject in relation to male dominance: A case of women in Sanandaj]. *Women's Research Letter*, 12(36), 227–256. [In Persian]
- Mousavian, E. (2020). Moruri bar mafhoum-e "oghde-ye mādar-e morde" Andre Green va barrasi-ye tasirat-e ān bar tanzim-e ehssāsāt [A review of André Green's concept of 'dead mother complex' and its effects on emotion regulation]. *Psychological Growth*, 9(10), 125–134. [In Persian]
- Omidipour, Z., Rajablou, A., & Bastani, S. (2024). Suratbandi-ye suje-ye zan-e modern dar goftemānhā-ye dore-ye mashruteh [The formulation of the modern woman subject in the discourses of the Constitutional period]. *Women in Development and Politics*, 22(2), 319–352. [In Persian]
- Omidvar Tehrani, A., Zarani, F., Noheh Sara, S., Panaghi, L., & Malekzadeh Moghani, M. (2021). Edrak az zanānegi dar keshvarhāye mokhtalef: yek farātrakib-e keyfi [Perception of femininity in different countries: A qualitative meta-synthesis]. *Psychological Sciences*, 20(103), 1015–1038. [In Persian]
- Phuong H. T. A. (2017). *Redefining diversity & dynamics of natural resources management in Asia*. Natural Resource Dynamics and Social Ecological Systems in Central Vietnam Prees.
- Razaghi, N., Alizadeh, M. A., & Alinejad, K. (2020). Tahlil-e jame'eshenākhti-ye naghsh va jayeghāh-e zanān dar mousighi-ye mardom-pasand: Erā'eh-ye yek nazariye-ye zaminei [Sociological analysis of the role and status of women in

- popular music: Presenting a grounded theory]. *Sociology of Culture and Art*, 2(1), 26-47. [In Persian]
- Sadeghi Fosaei, S. (2005). Chalesh-e feminizm bā mādarānegi [The feminist challenge with motherhood]. *Women's Strategic Studies*, (28), 19-43. [In Persian]
- Shabanivarki, B., & Kazemi, S. (2010). Pejooresh-e keyfi: Ravesh yā bosh? [Qualitative research: Method or approach?]. *Cultural Strategy*, 19(54), 33-58. [In Persian]
- Shiralinia, K., Izadi, M., & Aslani, Kh. (2019). Naghshe vāsetei-ye estres-e farzandparvari, keyfiyat-e rābete mādar-koodak va salāmat-e ravāni-ye mādar dar rabete beyn-e farzandparvari-ye zehndāne va moshkelāt-e raftāri-ye koodakān [The mediating role of parenting stress, mother-child relationship quality, and maternal mental health in the relationship between mindful parenting and children's behavioral problems]. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 10(38), 135-146. [In Persian]
- Tabrizi Kaho, G., Salehi, K., Keshavarz Afshar, H., & Madani, Y. (2023). Paydarshenāsi-ye tajrobe-ye ziste-ye zanān-e sarparast-e khānavār az hemāyat-hā-ye ejtemāi [A phenomenological study of the lived experience of female-headed households with social support]. *Applied Sociology*, 34(1), 113-138. [In Persian]
- Tabrizi, S., Tabrizi Kaho, G., & Boroumand Mahmoudabadi, M. (2024). Barrasi-ye paydārnegāri-ye hemāyat-e ejtemāi dar zanān-e sarparast-e khānavār [A phenomenological investigation of social support in female-headed households]. *Women in Development and Politics*, 22(2), 487-509. [In Persian]
- Yarigarrosh, M. (2022). Tajrobe-ye ziste-ye zanān az zendegi-ye khod va farzandānshān pas az talāgh [The lived experience of women regarding their life and children after divorce]. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(50), 253-274. [In Persian]
- Zamanpour, Z., Pakdaman, Sh., Ghanbari, S., & Nejat, P. (2023). Naghshe tadeelgari-ye zarfiat-e tafakkor-e mādar dar rabete beyn-e kholgho khooye-koodak bā keyfiyat-e rābete mādar-koodak [The moderating role of maternal reflective capacity in the relationship between child temperament and the quality of the mother-child relationship]. *Family Research*, 19(3), 519-531. [In Persian]
- Zargarian, T., Sadeghpour, M. J., & Khazaei, M. (2020). Mokhtasāt-e mafhumi-ye "tahdid va khatar-e jān-e mādar dar ghavānin-e saght-e darmāni" [Conceptual characteristics of threats and maternal risks in therapeutic abortion laws]. *Women and Family Studies*, 8(4), 1-20. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

پدیدارشناسی مضامین تجربه‌ی زیسته‌ی مادرانگی در موسیقی فولکلور شرق خراسان

غلامرضا تبریزی کاهو^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

سحر تبریزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_213836.html

چکیده

موسیقی را هنر بیان احساسات به وسیله‌ی آواها گفته‌اند که مهم‌ترین عوامل آن صدا و ریتم هستند؛ زیرا که موسیقی صرفاً صوتی به هم پیوسته نیست، بلکه قادر است مایه‌هایی برای ذهن فراهم آورد. هدف این پژوهش بازنمایی تجربه‌ی زیسته‌ی مادرانگی زنان هنرمند با گوش دادن به موسیقی شرق خراسان است. در این مطالعه با رهیافتی پدیدارشناسی، با ۱۱ زن موسیقی‌دان و مدرس موسیقی که به شیوه‌ی نمونه‌گیری ملاکی و با بیشینه‌ی پراکنش در سطح شهر مشهد در زمستان ۱۴۰۲ انتخاب شده بودند، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند درباره‌ی تجربه‌ی جهان درونی‌شان پس از گوش فرادادن به موسیقی فولکلور شرق خراسان انجام شد. سپس روایت مشارکت‌کنندگان با روش کلایزی و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شد. روایت مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد هنگامی که به موسیقی فولکلور شرق خراسان گوش فرامی‌دهند، سه مضمون مادرانگی امید و آرزو برای فرزندان، اضطراب و نگرانی برای آن‌ها و احساس شادمانی

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

sahar.tabrizi@ymail.com

<https://orcid.org/0000-0002-9250-5350>

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی، دانشگاه عطار، مشهد، ایران. نویسنده مسئول

<https://orcid.org/0000-0001-99959-4901>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

نسبت به فرزندان را تجربه می‌کنند. موسیقی فولکلور شرق خراسان امید بخش مادران نسبت آینده‌فرزندان‌شان (ازدواج، استقلال و خودمختاری و...) و بازتاب دل‌نگرانی‌های آنها در مورد سلامت، تربیت و غم دوری از آنهاست. برخی از مادران مشارکت‌کننده نیز از اینکه در مادری کردن موفق بودند و فرزندان خود را رشد دادند، شادمانی را تجربه می‌کنند. غنای موسیقایی به تجارب درونی افراد وابسته است. بنابراین لازم است جنبه‌ی کارکردهای روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و معناگرایی موسیقی مد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، تجربه‌ی زیسته، خراسان، مادرانگی، موسیقی فولکلور.

مقدمه

امروزه، زنان به عنوان بخشی از جمعیت جامعه در روند نقش‌های برگزیده شده برای آنان، مبادرت به ایفا و زیستن در نقش‌هایی می‌نمایند که «مادری» از جمله آن‌ها است (امیریان و آژند، ۱۴۰۳: ۱۱۹؛ خالق‌پناه، میرزاوندیان و رحیمی، ۱۳۹۸: ۷۲). این در حالی‌ست که شواهد متعددی از مردان را می‌توان در طول تاریخ یافت که برای فرزندان خود «مادرانگی» کرده‌اند. در واقع «مادری» به عنوان یک هویت ساخته شده برای زنان و مردان و بیش از هر چیز در نحوه‌ی زیستن، ایفا کردن نقش مادرانه، توجه به خویشتن و در ابعاد وسیع‌تر و متنوع‌تر دیگری بازنمایی می‌شود (زمانپور و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۲۹). همچنین مفهوم مادرانگی تاکنون دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی شده است. شواهد باستان‌شناسی مالینووسکی از فجر مدنیت تاریخ موید آن است که چون مادر عهده‌دار وظیفه‌ی پرورش کودکان بوده است، نظم خانواده نیز بر پایه‌ی حضور مادر بنا می‌شد و پدر منزلت عرضی و ناچیز داشت (محمدی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۲). اما محققانی مانند دریفوس^۱ (2021) و رابینیو^۲ (2023) معتقدند که تقسیم‌بندی افراد در گروه‌های مختلف نه براساس تفاوت‌های زیست‌شناختی، بلکه براساس نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه شکل می‌گیرد (خادم صبا و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱۹). در این جا مادری کردن نه یک ویژگی طبیعی، بلکه مفهومی تاریخی تصور می‌شود.

1. Dreyfus
2. Robinho

امروزه روندها تا حدود زیادی تغییر کرده است؛ به طوری که دختران فعلی می‌توانند تصمیم بگیرند که مادر بشوند یا نشوند (امیدوار طهرانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۲۶). با این حال گزارش‌های صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (2024) نشان می‌دهد که هم اکنون در سراسر جهان دو میلیارد زن در طیف سنی ۱۱ الی ۱۰۶ سالگی در قالب‌هایی همچون مادر بیولوژیک، مادر رضاعی، مادرخوانده، مادر همسر، شبه مادر، دختر مادر و مادر ادعایی، مادرانگی را تجربه می‌کنند (گلابی، علیزاده اقدم و حسین‌زاده، ۱۴۰۲: ۳۷). در ایران نیز بنا بر گزارش مرکز رصد جمعیت کشور هر چند که در دهه‌های اخیر، باروری کاهش داشته، با این حال ۲۹۹۶۰۰۰۰ زن، مادر هستند (محمدتقی‌زاده، کرمی و ساوه، ۱۴۰۲: ۵۱).

در طول سه دهه‌ی گذشته موضوعاتی مانند تسلط و سرکوب در ادبیات مربوط به پژوهش‌های انسانی انجام شده است که تمرکز آن‌ها بر مؤلفه‌هایی مانند جنسیت، جنس و نژاد بوده است (صادقی فسایی، ۱۳۸۴: ۳۲). از جمله‌ی این نظریه‌ها می‌توان به نظریه‌های سنتی و نظریه‌های معاصر نسبت به مادرانگی و مادر شدن اشاره کرد. تئوری‌های سنتی مادری بر نقش‌های جنسیتی و تعینات بیولوژیکی تأکید می‌کنند و مادری را پیامد طبیعی تفاوت بیولوژیکی بین زن و مرد می‌داند (تبریزی، تبریزی کاهو و برومند محمودآبادی، ۱۴۰۳: ۵۰۲)؛ در این رویکرد مادری کردن کارکردی غریزی است که ریشه در بیولوژی انسانی دارد. اما در رویکردهای معاصر، مادری مقوله‌ای اجتماعی و متأثر از موقعیت تثبیت شده‌ی زنان در یک نظم فرهنگی است. بنابراین در تئوری‌های جدید مادری کردن متأثر از مقوله‌های فرهنگی است که گرداگرد زنان را احاطه کرده است و در این بین هنر جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. به بیانی، یک زن از هنر تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر نیز می‌گذارد (امیدی پور، رجبلو و باستانی، ۱۴۰۳: ۳۲۲). به طور مثال از یک سو هنر می‌تواند فردیت و استقلال رأی یک مادر را به تصویر بکشد و بر کیفیت زندگی او بیفزاید و از سوی دیگر هنرمند نیز می‌تواند مادری را به اثر خود تزریق کند. مصادیق این ادعا بسیارند. آثار هنرمندان زن که قبل و بعد از مادر شدن با هم متفاوت است (خالق پناه، میرزاوندیان و رحیمی، ۱۳۹۸: ۷۳). در پژوهش حاضر از میان انواع هنر موسیقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا که موسیقی و اولین لایه‌های مادرانه رابطه‌ای دیرینه با مادرانگی دارد. حتی آثار

موسیقی متعددی در سطوح جهانی (مانند اثر موریتس فون شوینر، که الهام بخش سمفونی شماره ۱ مالر است) وجود دارد (محمدی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۴۱).

بر این مبنا هدف پژوهش حاضر نیز بازنمایی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان موسیقی‌دان از مادرانگی‌شان با شنیدن موسیقی فولکلور شرق خراسان است. به بیانی، این پژوهش با اتخاذ رهیافتی پدیدارشناسی به دنبال شناسایی مضامین تجربه‌ی زیسته‌ی مادرانگی زنان از موسیقی فولکلور شرق خراسان است. در این روند، ما نیز به تأسی از هرسول، تجارب پیشین خود را تا جایی که ممکن است (اگرچه به صورت موقت) کنار می‌نهیم (زرگریان، صادق پور و خزائی، ۱۳۹۹: ۱۱) تا موانع پژوهش در فهم اپوخه هنرمند که به معنای تعلیق قضاوت یا اجتناب از پیش‌داوری است را به کمینه‌ترین حد ممکن برسانیم (امیریان و آژند، ۱۴۰۳: ۱۱۹). با این حال همسو با آنسلم اشتراوس و بارنی گلیزر معتقدیم که یک هنرمند موسیقی بر مبنای اینکه چگونه سمبل‌های خاصی مانند ریتم، آهنگ، عبارات کلامی و غیرکلامی موسیقی را معنی و تفسیر می‌نماید، مادرانگی خود را به نمایش می‌گذارد.

پیشینه‌ی تحقیق

دو موضوع عمده در مسیر مطالعات مادری وجود دارد: ابتدا اینکه، واژه‌ی «مادری» در جامعه‌شناسی چه تعریفی دارد و متضمن چه نظریه‌هایی است؟ دوم اینکه، رویکرد روان‌شناسی به «مادرانگی» چیست؟

اساساً مضامین مادرانگی را می‌بایست در درون جامعه‌شناسی زنان جستجو کرد. گروهی از جامعه‌شناسان معتقدند مادری، ابزاری برای یک نظام مردسالار برای دور کردن زنان از حوزه‌ی اجتماعی است (یارگرروش، ۱۴۰۱: ۲۵۹). این در حالی است که گروه دوم معتقدند مادری قدرت چانه‌زنی زنان در مناسبات اجتماعی را افزایش می‌دهد (میرحسینی و کوه‌پیما رونیزی، ۱۴۰۰: ۸۳)؛ و بالاخره گروه سوم مادری را پدیده‌ای ذاتی و اجتماعی می‌دانند (خادم صبا و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱۹).

به اعتقاد گروه اول که عمدتاً در طیف فمینیست‌ها جای می‌گیرند، امروزه مادران گرفتار مجموعه‌ای از مباحث ایدئولوژیکی، بیولوژیکی و ساخت اجتماعی شده‌اند. از یک سو فمینیست‌های کلاسیک مانند میشل^۲ (1980)، آستل^۳ (2000) و آدامز^۴ (2006) معتقدند که زنان در طول تاریخ مظلوم واقع شده‌اند و باید تلاش نمود تا ضمن اینکه دنیای بهتری را برایشان فراهم کرد، مادریشان را نیز به نحو مطلوبی ایفا نمایند (Ma, 2022: 346).

از سوی دیگر فمینیست‌های جدید و عمدتاً رادیکال، مانند رز الینداد دلمار^۵ (2021) و سارا لوسیا هوگلند^۶ (2019) اساساً با مادری کردن مخالفاند (Henriksson, Williams & Fahlgren, 2023: 412). این دسته معتقدند که نظم پدرسالار وظایفی را بر زنان تحمیل کرده است و مادران را وادار می‌سازد که این وضعیت را در کودکان نیز بازتولید و ارزش‌های فرهنگ مسلط را به فرزندان خود منتقل سازند (صادقی فسایی، ۱۳۸۴: ۴۳). این گروه، مادری را به دلیل فشارهایی که بر بدن زنان وارد می‌کند و نیز به دلیل محرومیت‌هایی که برای زنان به دنبال آن ایجاد می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ مثلاً اُکلی^۷ (1995) معتقد است که مادری فرآورده‌ای فرهنگی است و آن را اسطوره‌ای می‌داند که برای سرکوب زنان ساخته شده است. به عقیده‌ی وی مردان به زنان باورنده‌اند که زن تا وقتی مادر نباشد یک زن طبیعی نیست (خادم صبا و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱۱). عده‌ای دیگر از فمینیست‌های تندرو همچون فیرستون^۸ (1970) تا آنجا پیش می‌روند که بیولوژی تولیدمثل را موجب سرکوب زنان می‌دانند. وی همسو با مرلین فرای^۹ (1983) معتقد است که سیستم سیاسی-اجتماعی طوری طراحی شده است که یک طبقه، عامدانه بر طبقه‌ی دیگر تسلط داشته باشد (میرحسینی و کوه‌پیما رونیزی، ۱۴۰۰: ۷۹).

گروه دوم از جامعه‌شناسانی هستند که مادر شدن را در بستر تعاملات اجتماعی مورد نقد قرار می‌دهند. این گروه معتقدند امروزه با پیشرفت علم ژنتیک و قراردادن اسپرم (از هرکس که آن را

-
1. Feminism
 2. Michel, A
 3. Austell, M
 4. Adams, A
 5. Delmar, R, E
 6. Hoagland, S, L
 7. Oakley, A, R
 8. Firestone, S
 9. Frye, M

اهدا کند) در رحم زنان و حتی در رحم‌های مصنوعی، تولید نسل بدون مردان نیز کم و بیش میسرگشته و به نظر می‌رسد که در واقع آرزوی دبووار^۱ تحقق یافته است (شیرالی نیا، ایزدی و اصلانی، ۱۳۹۸: ۱۳۸). چنانکه وی در کتاب جنس دوم خود می‌گوید: «شاید زمانی همکاری مردان در تولیدنسل غیرضروری گردد» (دبووار، ۱۴۰۲: ۱۲۱). در واقع، این گروه از جامعه‌شناسان یکی از ابعاد مهم تجارب زیسته‌ی مادری در مناسبات اجتماعی و قدرت را مورد نقد قرار می‌دهند. به طور مثال فوکو^۲ بر این باور است که مادران می‌بایست از قیود غریزی خود فرا روند و بدن خود را به عرصه‌ای برای روابط قدرت تبدیل کنند (محمودیانی، احمدی و عباسی، ۱۳۹۸: ۷۸). وی این سازکارها را «تکنولوژی خود»^۳ می‌نامد که دارای دو وجه سرکوب‌کننده و ارتقا دهنده‌اند؛ بدین معنا که صرفاً ذهن و بدن سوژه را محدود نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را پرورش می‌دهند. بنابراین زنانی که مادر می‌شوند باید بدانند که بدن آن‌ها یک سوژه‌ی هستموند و قصدار است که می‌توانند در مناسبات قدرت و چانه‌زنی از آن بهره ببرند.

همچنین دیدرا^۴ از منظر پسامدرن^۵ به مسئله‌ی سوژکتیویته مادری می‌نگرد. براساس این نظریه، عقل محوری حاکم در تمدن غرب دلیل اصلی غیاب زنان در مناسبات قدرت است (تبریزی کاهو و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱۹). از این رو، راه حل، تقابلی دوگانه است تا بدین وسیله فرادستی پدران و فرودستی مادران متزلزل شود. اسپیواک^۶ (۲۰۱۷) نیز به عنوان یک اندیشمند پسااستعمار، به تبعیت از دیدرا معتقد است که زنان بعد از اینکه مادر شدند می‌بایست ابتدا در جایگاه مستحکمی موضع بگیرند و آنگاه وضعیت استعمارگرایانه‌ی مردانه را شالوده شکنی کنند (میرحسینی و کوه‌پیما رونیزی، ۱۴۰۰: ۷۹).

از سویی در حالی که جامعه‌شناسان به تأثیر و تأثر مادرانگی و لایه‌های اجتماعی بر آن می‌پردازند، روان‌شناسی به این موضوع از درون می‌نگرد و تغییرات روان‌شناختی مادری را دنبال می‌کند (حشمتی، امیری و قنبری، ۱۳۹۸: ۷۳). چودوروف^۷ در کتاب *بازتولید مادرائگی* (۱۹۸۷)

-
1. De Beauvoir, S
 2. Foucault, M
 3. Technologies of self
 4. Derrida, J
 5. Postmodernism
 6. Spivak, G, C
 7. Chodorow, N

یکی از مهم‌ترین عوامل سلطه‌ی مردانه را این می‌داند که پرورش کودکان برعهده‌ی مادر است. چرا که زنانی که مادر می‌شوند، دخترانی که میل به مادر بودن و پرورش‌دهندگی دارند و پسرهایی که مردانگی برایشان به معنای برتری مردانه است و ظرفیت‌ها و نیازهای پرورش‌دهندگی در آن‌ها سرکوب و محدود می‌شود تربیت می‌کنند (هام^۱، ۱۴۰۱: ۲۱۹). بنابراین وی معتقد است. در نظریه‌ی چودروف، کودکان ابتدا میل عاطفی به مادر دارند، اما این دلبستگی، برای به دست آوردن یک حس جداگانه از خود باید در مرحله‌ای گسسته شود. فرآیندی که فروید^۲ آن را تحت عنوان مرحله‌ی انتقالی اودیپ توصیف می‌کند که برای پسران و دختران به شیوه‌ای متفاوت رخ می‌دهد. بنابراین برای مدتی طولانی‌تر نسبت به پسران به مادر وابسته می‌مانند. وضعیتی که چودروف آن را «همزیستی بادوام»^۳ و «زیاده‌روی در همانندسازی خودشیفته»^۴ نامید (موسویان، ۱۳۹۹: ۱۲۹). چودروف معتقد بود که اشتراک در پدر و مادری کردن نوعی تعدیل ساختاری است که به زنان و مردان امکان می‌دهد بخش‌هایی از روان رشد نیافته خود را ترمیم و دختران و پسرانی رشد دهند که از قابلیت یکسانی برای پروراندن صحیح کودکان نسل آینده برخوردار باشند (تبریزی، تبریزی کاهو و برومند محمودآبادی، ۱۴۰۳: ۴۹۴).

در نظریه‌ی وینیکات^۵ نیز مادری کردن اهمیت ویژه‌ای دارد. وی معتقد است که عملکرد مادر در مراحل اولیه زندگی نوزاد می‌بایست دارای حداکثر حساسیت باشد تا بتواند به کودک توجه کند. تنها در این سطح از حساسیت است که می‌تواند خود را به جای نوزاد بگذارد و نیازهای او را درک و برآورده کند. وی چنین مادری را با اصطلاح «مادر به قدر کافی خوب»^۶ می‌شناساند (محمدی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۸). به نظر وینیکات این محیط نگهدارنده که مادر فراهم می‌کند، به نوزاد این امکان را می‌دهد، که با سرعتی که برای او مناسب است، به مرحله‌ی بعدی رشد که در آن خودمختاری بیشتری دارد منتقل شود (موسویان، ۱۳۹۹: ۱۲۹). در این موقعیت یک «مادر به قدر کافی خوب» با فاصله گرفتن از نوزاد در مقادیر کوچک و کوتاه به شکل‌گیری حسی

-
1. Ham
 2. Freud, S
 3. Sustainable coexistence
 4. Excessive narcissistic identefecation
 5. Winnicott, D
 7. Good enough mothering

سالم از استقلال در کودک کمک می‌کند. وینیکات برای توصیف این وضعیت از کلمه «شل شدن» استفاده می‌کند. در چنین حالتی مادر به جای اینکه به یکباره کودک را رها کند، بند اتصال خود و نوزاد را کمی شل می‌کند (زمانپور و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۲۷). در این وضعیت مادر می‌تواند تحریکات حسی کودک را کنترل و دنیا را در دوزهای کوچک به بچه بدهد. وی معتقد است که در این روند ابژه یا شی انتقالی^۱ نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. وقتی مادر از کودک دور می‌شود، کودک برای مقابله با اضطراب جدایی از مادر، شیئی مانند یک اسباب‌بازی، پتو یا یک تکه ملافه را جایگزین او می‌کند. شیئی که به نوعی نماینده‌ی مادر است و، در غیاب حضور واقعی او، ارتباط کودک و مادر را حفظ می‌کند (محمدی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۸). شاید بتوان اهمیت اصطلاح «مادر قدر کافی خوب» را در تقابل با «مادر مُرده»^۲ در نظریه‌ی گرین^۳ دانست.

بنا به تعریف گرین (1980) عقده‌ی مادر مرده پیکربندی روانی خاصی است که حول تصویر مادری شکل می‌گیرد. همچنین بنا به تعریف الپالنس و پونتالیس^۴ «عقده‌ی مادر مرده» به مجموعه‌ای از بازنمایی‌هایی مربوط می‌شود که نوزاد به شدت در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. این بازنمایی‌ها عمدتاً ناهشیار هستند و در ابتدای دوران نوزادی تشکیل می‌شوند. جوهره‌ی این حالت، دل‌کندن شدید مادر افسرده از کودک است. از منظر کودک، این دل‌کندن نوعی ترومای دوگانه است. در این وضعیت نوزاد نمی‌تواند به خاطر ناگهانی بودن این موقعیت، به آن معنا بدهد (موسویان، ۱۳۹۹: ۱۳۰). در چنین حالتی کودک برای دفاع در برابر خلاء ناشی از دل‌کندن مادر از خودش، مکانیسم‌های مختلفی را به کار می‌بندد و به صورت ناهشیار، با تصویر مادر مرده، همانندسازی^۵ می‌کند. به بیانی در سندرم مادر مرده، به علت افسردگی مادر امکان ترمیم واقعی وجود ندارد و در عوض، کودک دست به نوعی تقلید می‌زند و به صورت ناهشیار برخی از صفات مادر، خصوصاً ناتوانی وی در سرمایه‌گذاری روانی بر روی ابژه‌ها، را جذب روان خود می‌کند (محمدی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۵۲).

-
1. Transitional object
 2. The dead mother
 3. Green, A
 4. Laplanche and Pontalis
 5. Identification

کلاین^۱ نیز گستره‌ی وسیعی از نظریه‌ی خود را به درک چگونگی سازمان یافتن واقعیت روانی کودک از نخستین ماه‌های زندگی اختصاص داد. کلاین وجود دو حالت پایه تعامل، یا همان «موضع‌های»^۲، روان‌گسیخته-پارانویاگونه^۳ و افسرده‌وار^۴ را در دوران نوزادی مطرح می‌کند (Segal, 2004:192). از نظر وی، ایگوی کودک هنوز آنقدر بالغ نیست که بتواند تنش ناشی از تعارض بین سابق‌های زندگی و مرگ را تحمل کند و به همین دلیل، مجبور می‌شود بخشی از این سائق‌ها را به یک ابژه (پستان مادر) فرافکنی^۵ کرده و ایگو را وادار به دوپاره‌سازی^۶ کند. بدین ترتیب و در نتیجه این دوپاره‌سازی، دو ابژه ایجاد می‌شود: ابژه‌ی (مادر) دوست داشتنی که اضطراب‌ها و ترس‌های نوزاد را آرام و برطرف می‌کند و ابژه‌ی (مادر) منفور که نوزاد را آزار می‌دهد و او را تهدید به نابودی می‌کند (آبرام و هینشل وود^۷، ۱۴۰۰: ۳۱۱).

هم‌اینک آنچه در حال رخ دادن است و ما نیز در ایران می‌توانیم مشاهده کنیم، این است که نوعی تصویر ذهنی از یک سوپر‌مام^۸ در نزد مادران در حال شکل‌گیری است. پر واضح است که تعادل بین خواسته‌های فردی اینگونه زنان با مادرانگی‌شان، فشار مضاعفی را به آنان تحمیل می‌کند (خادم صبا و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱۹). زیرا که بچه‌دار شدن صحنه‌ی «نازنین ماندن» هر مادری را تغییر می‌دهد. اینجاست که مادران با بسیاری از احساسات متعارض روبرو می‌شوند. بی‌شک در شرایطی که این دو به شدت به هم نزدیک هستند، بروز احساس خشم نیز اجتناب‌ناپذیر است، اما به این دلیل که بینش نسبت به خشم می‌تواند موجب اضطراب گردد، از مکانیسم دفاعی انکار استفاده می‌کنند و وانمود می‌کنند که اساساً چنین خشمی وجود ندارد و وجود مادر سراسر عشق به فرزندش است (امیریان و آژند، ۱۴۰۳: ۱۲۶). به اعتقاد بوش^۹ چنین وضعیتی مادر را دچار دوسوگرایی^{۱۰} می‌کند (گلابی، علیزاده اقدم و حسین‌زاده، ۱۴۰۲: ۳۷).

-
1. Klein, M
 2. Positions
 3. Schizo-paranoid
 4. Depressive
 5. Projection
 6. Splitting
 7. John Abram, Wood
 8. Super Mom
 9. Busch, F
 10. Ambivalence

وولف^۱ (1998) نیز با طرح نظریه‌ی «مادری اولیه»^۲ معتقد است هر مادر تصویری ذهنی از فرزندش می‌سازد؛ و نتیجه، این تصویرسازی است که احساسات و رفتار مادر و مدل فرزندپروری او را شکل می‌دهد. از سوی مسعود خان^۳ معتقد است اساساً «مادر بودن» یک الگوی «فرا نسلی»^۴ است (محمودیانی، احمدی و عباسی، ۱۳۹۸: ۷۹). بنابراین روش‌های فرزندپروری هیچ مادری را نمی‌توانیم بشناسیم، مگر اینکه رابطه مادر با مادر خودش را نیز در نظر بگیریم. وقتی مادر در حال بزرگ کردن فرزندش است، مانند این است که خودش در حال طی کردن دوباره آن مراحل است. مادران در چنین وضعیتی تمام نیازهای برآورده نشده، ناکامی‌ها^۵ و همه‌ی آن مواردی که خودشان در آن سن با آن‌ها مسئله داشته‌اند، از سطح ناهوشیار به سمت خودآگاهی می‌آیند. وی تأکید می‌کند که اگر در فرزندپروری نیازهای برآورده نشده‌ی دوران کودکی مادر بر وضعیت غلبه کند، ارتباط سالمی بین مادر و کودک شکل نمی‌گیرد و مادر به شکلی ناهوشیار جهت فرزندپروری را به سمتی می‌برد که نیازهای کودکی خویش را برآورده سازد (محمودی، محمدی، ۱۴۰۰: ۲۵۱). با این اوصاف آنچه در این پژوهش مد نظر است، پاسخ به این سوال است که اساساً از آنجا که موسیقی فولکلور پیوندی عمیقی با احساسات درونی مخاطبین مرتبط دارد، چگونه می‌تواند تجارب درونی مادران را بازنمایی کند؟ به بیانی دیگر سوال اصلی پژوهش آن است که شنیدن موسیقی فولکلور شرق خراسان، که ارتباط عمیقی با جهان درونی دارد، تجارب مادرانگی را در چه سطوحی بازنمایی می‌کند؟

روش‌شناسی پژوهش

به عقیده‌ی فانک،^۶ در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگر نقش یک مشاهده‌گر بی‌طرف را ایفا نمی‌کند و دیدگاهی که وی با خود به میدان پژوهش می‌آورد، نقش اساسی در یافته‌ها و نتایج حاصل دارد. براین اساس، ما نیز در این پژوهش همسو با هایدگر^۷ معتقدیم که فهم^۸ فعالیتی دو

-
1. Wolf, J, R
 2. Primary maternal
 3. Khan, M, M, R
 4. Trans generational
 5. Frustrated
 6. Phuong H. T. A
 7. Heidegger, M
 8. Undrstanding

سویه میان پژوهشگر و مشارکت‌کننده است که از چرخه‌ی هرمنوتیک^۱ میان این دو حاصل می‌شود؛ لذا بنابر مفروضات معرفت‌شناسی فوق، ملاحظات روش‌شناختی این پژوهش دربرگیرنده‌ی استراتژی پدیدارشناسی^۲ است (Phuong, 2017: 319).

همچنین از آن‌جا که تجربه‌ی زیسته^۳، منظومه‌ی نهانی^۴ است که «پیشینه» یا «افق» تمام تجارب یک فرد را شکل می‌دهد، غور و فهم درباره آن نیز استلزاماتی را ایجاب می‌کند که مشخصه‌ی اصلی آن استنکاف از طرح فرضیه، مقدم بر مشاهده است (شعبانی‌ورکی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۸). در نتیجه، این پژوهش از این جهت که به دنبال شناسایی مضامین و زیر مضامین مشترک در زیست جهان بین‌الذهانی افرادی است که اولاً تجربه‌ی موسیقایی دارند و دوم، این که خود نیز مادر می‌باشند، یک مطالعه‌ی پدیدارشناسانه است؛ زیرا که هدف اصلی آن احصا و توصیف اشتراک تجارب زیسته‌ی مشارکت‌کنندگان است. پر واضح است که در این مسیر، پدیدارشناسی مناسب‌ترین طریق برای فهم عمیق‌تر مفهوم تجارب زیسته‌ی افراد است؛ زیرا که در این روش، پژوهشگر علاوه بر اینکه به افکار، احساسات و منظومه‌های پنهان آنان می‌پردازد، هم‌زمان به وجه حاضر و غایب پدیده (موسیقی فولکلور) نیز التفات دارد. از سوی دیگر هدف این تحقیق دستیابی به معنای مشترکی است که این افراد از «مواجهه مفهومی» با مادری‌شان دارند. بنابراین بازنمایی و تحلیل روایت‌ها و برداشت‌های آنان از مادر بودگی‌شان نیز یکی از اهداف این پژوهش را شکل می‌دهد، که این مهم نیز با روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۵ انجام شد. در این روش، بعد از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آن‌ها این مراحل صورت می‌گیرد: خواندن مجدد مصاحبه‌ها، استخراج جملات و عبارات مهم از متن مصاحبه‌ها، فرموله کردن جملات مهم، تدوین مضامین و سازماندهی آنان، ارائه‌ی توصیفی از هر یک از مضامین، فرموله‌بندی مفهوم تجربه‌ی زیسته آن‌ها در فضای نتیجه و تحلیل و بازبینی نتایج توسط شرکت‌کنندگان به منظور اعتباربخشی.

-
1. Hermeneutic circle
 2. Phenomenology
 3. Lived experience
 4. Latent constellation
 5. Colaizzi method

میدان این مطالعه حوزه‌ی جغرافیایی شهر مشهد و شرکت‌کنندگان زنانی بودند که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند: رضایت آگاهانه، دارا بودن حداقل یک فرزند، سابقه‌ی ۵ سال تدریس و مربی‌گری موسیقی ایرانی و حداقل ۱۰ سال سکونت در استان خراسان رضوی. مشارکت‌کنندگان همگی در زمستان ۱۴۰۲ در آموزشگاه‌های موسیقی دارای مجوز از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی مشغول به تدریس بودند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و با پیشینه‌ی پراکنش انجام گردید. بنابراین مشارکت‌کنندگان از سطوح گوناگون دموگرافی^۲ انتخاب شدند. همچنین در انتخاب مشارکت‌کنندگان ملاحظات اخلاقی پژوهش براساس بیانیه‌ی هلسینکی^۳ (2019) مانند رضایت آگاهانه و آزاد، رعایت حریم خصوصی، رازداری اطلاعات شرکت‌کنندگان، آزادی در ترک تحقیق نیز رعایت گردید. پس از انتخاب اولین مشارکت‌کننده مصاحبه‌ای نیمه ساختارمند با وی انجام گردید و با اتمام یازدهمین مصاحبه محرز شد که عمق و گستردگی داده‌های حاصل به منظور مفهوم پردازی به اشباع نظری^۴ رسیده است.

-
1. Maximum variation
 2. Demography
 3. Declaration of Helsinki
 4. Theoretical saturation

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان

| شماره | کد | تحصیلات | سن | تاهل | رشته تحصیلی | تعداد فرزند | سنوات تدریس |
|-------|--------|------------|----|--------|-------------|-------------|-------------|
| ۱ | I-۰۱ | لیسانس | ۲۷ | متاهل | مهندسی | ۱ | ۸ سال |
| ۲ | I-۰۲ | فوق لیسانس | ۲۶ | متاهل | هنر | ۱ | ۶ سال |
| ۳ | I-۰۳ | دیپلم | ۳۴ | متاهل | ریاضی | ۲ | ۱۰ سال |
| ۴ | I-۰۴ | فوق لیسانس | ۲۹ | متاهل | هنر | ۱ | ۷ سال |
| ۵ | I-۰۵ | لیسانس | ۳۲ | متاهل | هنر | ۲ | ۹ سال |
| ۶ | II-01 | دیپلم | ۳۱ | متاهل | ریاضی | ۲ | ۱۲ سال |
| ۷ | II-02 | لیسانس | ۲۸ | متارکه | مهندسی | ۱ | ۷ سال |
| ۸ | II-03 | لیسانس | ۳۳ | متاهل | فیزیوتراپی | ۲ | ۱۱ سال |
| ۹ | II-04 | فوق لیسانس | ۲۶ | متاهل | هنر | ۱ | ۸ سال |
| ۱۰ | II-05 | دیپلم | ۳۲ | متاهل | تجربی | ۲ | ۹ سال |
| ۱۱ | III-01 | لیسانس | ۳۱ | متارکه | روان‌شناسی | ۱ | ۵ سال |

سؤالات اصلی مصاحبه نیز به گونه‌ای طراحی شده بود که بتواند هدف اصلی پژوهش که احصای دیدگاه‌های متنوع مشارکت‌کنندگان درباره مادرانگی‌شان بود را استخراج کند. بنابراین مهم‌ترین سؤالات عبارت بودند از: لطفاً توضیح دهید که بعد از شنیدن موسیقی چه احساسی نسبت به مادر بودنتان داری؟ چه موضوعاتی درباره فرزندتان را به یاد می‌آورید؟ موسیقی یادآور چه تجاری خوشایند و ناخوشایند مادری برایتان بود؟ مدت انجام هر مصاحبه، به طور میانگین، ۱۰۰ دقیقه بود.

جدول ۲. ملاک‌های مرتبط با ارزیابی پژوهش کیفی و اقدامات انجام شده برای تأمین آن‌ها در پژوهش حاضر

| عنوان ملاک | اقدام در مطالعه‌ی حاضر برای تأمین آن‌ها |
|------------------------------------|---|
| صحت یا روایی درونی | به منظور افزایش صحت داده‌ها، از سه نفر از کارشناسان روان‌شناسی کمک گرفته شد تا به بررسی و میزان باورپذیری تفسیرهای به عمل آمده از سوی پژوهشگر بپردازند. |
| انتقال‌پذیری در مقابل روایی بیرونی | به منظور افزایش انتقال‌پذیری یافته‌ها، از راهبرد (چند سویه‌سازی داده‌ها) با استفاده هم‌زمان از اسناد و داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه و استفاده از دستیار پژوهشی در فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها (چند سویه‌سازی محیطی)، با انجام مصاحبه‌ها در مکان و زمان‌های متفاوت استفاده شد تا بر میزان تفسیرهای به عمل آمده افزوده شود. |
| وابستگی و اتکاپذیری | سعی شد تا با تهیه شواهد همسان مورد قبل، درباره موسیقی فولکلور شرق خراسان، به گونه‌ای مشروح و دقیق، رویه‌های مورد مطالعه زمینه و شرایط پژوهش توصیف شود. |
| تأییدپذیری | سعی شد تا با توضیح جزئیات کافی از فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، تأییدپذیری یافته‌ها تأمین شود. |
| قانع‌سازی خواننده | به منظور قانع‌سازی خوانندگان، از رویه‌هایی مانند به کارگیری اصطلاحات شرکت‌کنندگان در گزارش پژوهش و توضیحات دقیق استفاده شد. |

پایایی داده‌ها نیز به شیوه‌ی بازبینی و استفاده از نظرات کارشناسان بهداشت اجتماعی - روانی و تأیید آن‌ها (ممیزی بیرونی)^۱ انجام گردید. همچنین تحلیل داده‌ها، در هر مرحله از فرآیند پژوهش با استفاده از نرم‌افزار تحلیل محتوای کیفی MAXQDA نسخه‌ی ۲۰ صورت گرفت. این در حالی بود که، به منظور به دست آوردن افزایش قدرت انتقال‌پذیری، کدهایی که به هر مقوله اختصاص داده شده بود با کمک محققان دیگر ارزیابی شد.

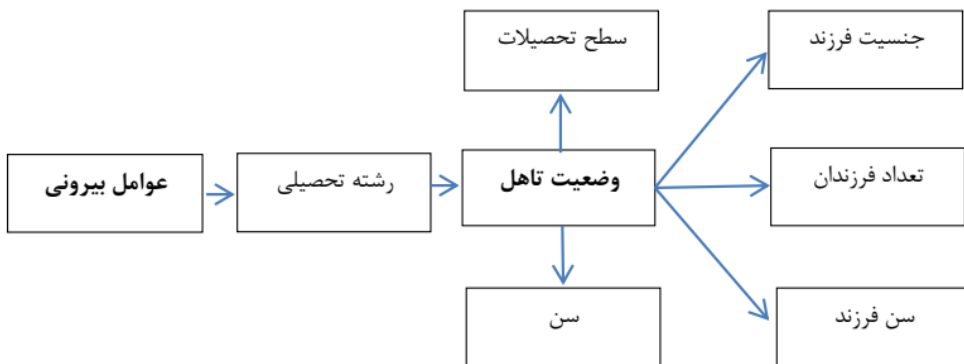
به منظور نیل به اشباع نظری^۲، نیز پس از پایان هر مصاحبه کدگذاری‌های لازم انجام می‌شد تا در صورتی که داده‌های تکراری باشد، نمونه‌گیری را متوقف و به مراحل بعدی بپردازیم. سؤالات مصاحبه با انتهای باز، مشارکت‌کننده را به سمت «بیان خود» که مورد نظر پژوهش بود هدایت می‌کرد. همچنین پاسخ‌دهندگان اجازه داشتند تا به ابعادی از سؤالات پاسخ دهند که بیشتر مایل بودند. این روایت آزاد^۳ نه تنها به برقراری رابطه پژوهشگر - مشارکت‌کننده کمک می‌کرد، بلکه

1. External audit
2. Theoretical saturation
3. Free narration

قادر بود تا در ایجاد احساس اعتماد در شروع مصاحبه بسیار ارزشمند باشد. این در حالی بود که اتخاذ موضعی برابر، استفاده از واژگان آشنا برای مصاحبه شونده، رعایت فاصله فیزیکی، عدم کنجکاو‌ی بیش از حد، بازجویی نکردن و برجسب تشخیصی نزدن از ابتدا در دستور کار قرار گرفت. پس از اتمام مصاحبه، داده‌ها با روش هفت مرحله‌ای کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مطالعه نتایج به دو شیوه ارائه شد: الف - توصیف کیفی شیوه‌های متفاوت تجربه‌ی مادربودگی مشارکت‌کنندگان که دامنه‌ی طبقات مشترک آن‌ها زمینه‌ی فضای نتیجه را فراهم کرد. ب - توصیف حیطه‌های اصلی و مؤلفه‌های مشترک آن‌ها که جنبه‌های مشابه و متفاوت بین طبقات و در نهایت ساختار فضای نتیجه را مشخص ساخت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل نشان می‌دهد تجارب مادرانگی زنان موسیقیدان از موسیقی فولکلور شرق خراسان تحت تأثیر عوامل گوناگونی، مانند سن، سطح تحصیلات، رشته‌ی تحصیلات دانشگاهی، جنسیت فرزند، وضعیت تأهل و سن فرزند قرار دارد. به بیانی روایت مشارکت‌کنندگان مویید این است که متغیرهای عینی (بیرونی) فوق قادرند پدیدارهای مادرانگی را در مشارکت‌کنندگان تحت تأثیر قرار دهند.



شکل ۱. شبکه‌ی عوامل بیرونی موجد مادربودگی

شرکت‌کنندگانی که فرزندشان در سنین بالاتری بودند، روایت کردند که با گوش دادن به قطعات موسیقی فولکلور نگرانی‌شان نسبت به سلامت فرزندشان را تجربه می‌کنند. همچنین

مشارکت‌کنندگانی که در سطوح تحصیلی بالاتری بودند با شنیدن موسیقی‌های فولکلور خراسان بیش از آنکه به ساحت فانتزی‌های مادرانگی خود وارد شوند، مجذوب بنیادهای قومی قطعات فوق می‌شدند. به همین سیاق مادرانی که رشته تحصیلی‌شان مرتبط با هنر بود، با گوش فرادادن به موسیقی‌های فولکلور خراسان، تداعی‌هایی مرتبط با میل به مراقبت از فرزند خردسال را روایت نمودند. همچنین مادرانی که بیش از یک فرزند داشتند، نگرانی نسبت به کاهش مراقبت از فرزند قبلی با آمدن فرزند جدید را تجربه نمودند. مادرانی هم که واجد فرزند دختر بودند، با شنیدن موسیقی‌های فولکلور احساس تألم را تجربه نمودند.

جدول ۳. روایت‌های مشارکت‌کنندگان از تأثیر عوامل بیرونی

| محور - انتخابی | مصادق | کد مشارکت کننده | عبارات مهم |
|-------------------|--------------------|-----------------------|--|
| رشته تحصیلی | مرتبط با هنر | II-04 | اصلاً هنر آدم رو با احساس بار میاره. اینکه الان می‌تونم احساسات مادرانه رو در موسیقی و بعضی اوقات در خودم بفهمم علتش اینکه که رشته‌ام هنر بوده. |
| سطح تحصیلات | بالاتر از دیپلم | I-۰۳ | تا قبل از اینکه رشته موسیقی رو بخونم موسیقی رو فقط گوش می‌کردم؛ ولی الان موسیقی رو می‌تونم درک کنم. الان می‌فهمم که «مادر» کجای موسیقی جای داره. |
| وضعیت تاهل | متارکه | II-02 | یادم آمد از روزی که بعد از چند سال زندگی مشترک از همسرم جدا شدم. اون موقع اضطراب این رو داشتم که چطوری می‌تونم از پس مخارج و تربیت فرزندم برآیم. |
| سن | بالاتر از ۳۰ | II-03 | ان الان احساس می‌کنم که می‌تونم معنای سوز و ناله مادرانه رو در موسیقی درک کنم. قطعاً چند سال قبل که کم سن و سالتر بودم این توانایی رو نداشتم. |
| جنسیت فرزند | فرزند دختر | III-01 | وقتی داشتم موسیقی رو گوش می‌دادم، دخترم رو به خاطر آوردم. دختری که آرام می‌نشینه و به سازی که براش می‌زنم گوش می‌کنه. ولی فکر می‌کنم اگر پسر داشتم به راحتی نمی‌نشست تا براش ساز بزنم. |
| تعداد فرزندان | ۲ و بالاتر | I-۰۵ | بعضی از موسیقی‌های فولکلور خراسان درباره خواهر و برادی است. از اینکه دو تا فرزند دارم که هم پسر و هم دخترند احساس خوشحالی می‌کنم. |
| سن فرزند | بیشتر از ۱۰ | I-۰۴ | بچه در هر سنی دغدغه‌ها و نگرانی‌های خودشون رو دارند. تا کوچکنند باید فکر سلامتی‌شان باشی. بزرگتر که شدند فکر درس و احتمالاً کمی بعد باید دغدغه ازدواجشان را داشته باشم. |

بازنمایی ادراک مادرانگی مشارکت‌کنندگان

یکی از محورهای اصلی این پژوهش واکاوی و بازنمایی تجربه‌ی مادرانگی در نزد مشارکت‌کنندگان بود. ادراکی که این زنان از مادربودگی‌شان داشتند، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای با تجارب موسیقایی آنان داشت. مصاحبه‌شوندگان قبل از هر چیز باور داشتند که موسیقی فولکلور در خود مضامین مادرانگی را دارد و این مضامین نیز به نوبه‌ی خود مؤثر در تجربه‌ی آنان در مادرانگی خودشان در حین گوش دادن به آن‌ها دارد. تحلیل روایت‌ها و گفته‌های مشارکت‌کنندگان به شناسایی سه مضمون اصلی و هشت مضمون فرعی درباره‌ی تجربه‌ی مادرانگی بعد از شنیدن موسیقی فولکلور انجامید.



شکل ۲. مضامین و زیر مضامین تجربه‌ی مادرانگی در زنان مشارکت‌کننده

شکل ۲ نشان می‌دهد که مادران بعد از شنیدن موسیقی خراسان مشخصاً سه مضمون اصلی را تجربه می‌کنند که عبارت‌اند از: امیدواری، اضطراب و شادمانی.

مضمون امیدواری مادرانه و مضامین فرعی آن

براساس روایت، مشارکت‌کنندگان با شنیدن موسیقی فولکلور خراسان نوعی از امیدواری مادرانه‌ای را تجربه می‌کنند که در آن سه مضمون آرزوی سلامتی برای فرزندان، امید به کسب استقلال و آرزوی یک ازدواج موفق برای فرزند حضور دارد. در این قسمت به توضیح هر یک از مضامین و روایت‌هایی که منعکس‌کننده‌ی آن‌ها بوده است پرداخته می‌شود.

مضمون آرزوی سلامتی برای آینده فرزندان: مریام^۱ معتقد است که درون مایه هر نوع موسیقی تمنا و آرزوست (مریام، ۱۴۰۱: ۱۱۱). مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نبودند. به طوری که بسیاری از آنان هنگامی که به قطعات موسیقی فولکلور شرق خراسان گوش فرا می‌دادند، آرزو می‌کردند که فرزندان‌شان سلامت بمانند. مشارکت‌کننده‌ی II-02 گفت: «هر وقت که قطعه "الله مزار" را گوش می‌کنم، به شدت حسی را که دارم اینه که آرزو می‌کنم دخترم همینطور که سالمه، همینطور بمونه». و یا مشارکت‌کننده‌ی I-03 بیان کرد: «اصلاً موسیقی شرق خراسان، دلگیر است. وقتی که گوش می‌کنم به یاد بیماری پسر می‌افتم، ولی باز هم عمق موسیقی به من امید می‌ده. امید به آینده. امید به اینکه بیماری پسر درمان بشه». این در حالی‌ست که برخی از زنان هنرمندی که در این پژوهش شرکت داشتند، بیان نمودند که نه براساس اتفاق، بلکه عامدانه و ارادی به سمت موسیقی می‌روم تا آرزوهایم غرق شوم. مشارکت‌کننده‌ی III-01 بیان نمود: «من با موسیقی ارتباط برقرار می‌کنم. هم گوش می‌دم و هم با موسیقی حرف می‌زنم. خیلی اوقات میرم سمت موسیقی شرق خراسان که حرف دلمو باهش بزنم. چند وقت پیش پسر رو دیدم و احساس کردم که خیلی خوشگل شده. نگران شدم و بی‌اختیار رفتم سمت موسیقی. یکی از قطعات شرق خراسان رو گوش کردم. آروم شدم. بهم امید داد».

مضمون امید به کسب استقلال فرزندان: اساساً هر والدی که در خانواده‌ی مبدأ مسیر بهنجاری را طی نموده باشد و هم از ازدواج سالمی برخوردار باشد، مایل است تا فرزندان به استقلال نایل شوند. در مقابل خانواده‌هایی وجود دارند که در واکنش‌پذیری هیجانی اعضا نسبت به یکدیگر زیاده‌روی می‌کنند. بوئن^۲ برای توصیف اینگونه خانواده‌ها از اصطلاح «توده‌ی خانوادگی نامتمایز»^۳ یاد می‌کند. زنان مشارکت‌کننده با گوش دادن به قطعات موسیقی فولکلور شرق خراسان آرزو می‌کردند که فرزندان‌شان هم‌زمان که به «با هم بودن»^۴ می‌رسند، «فردیت»^۵ و

1. Merriam, A, P

2. Bowen, L, M

3. Undifferentiated family mass

4. Togetherness

5. Individuality

استقلال را نیز به دست آورند. مشارکت‌کننده‌ی II-03 گفت: «آرزو می‌کنم که فرزندانم بتوانند افرادی مستقل بشوند، به شکل بیمارگونه به دیگران وابسته نشوند. خودشان مسیر زندگی شان را تعیین کنند و نه دیگران». در همین زمینه مشارکت‌کننده‌ی I-02 بیان کرد: «می‌دونم چرا هر وقت به موسیقی شرق خراسان گوش می‌کنم، آرزو می‌کنم که فرزندم از نظر عاطفی هیجان‌زده و وابسته نشود. من فکر می‌کنم اگر فرزندم از نظر عاطفی مستقل شود به راحتی بتواند واقع‌بین باشد و منطقی عمل کند».

مضمون آرزوی ازدواج موفق برای فرزندان: یکی از وظایف والدینی بدرقه‌ی فرزند جوان به سمت ازدواج است. والدینی می‌توانند به طرز مطلوبی این وظیفه را انجام دهد که از یک سو به فرزند خویش اجازه‌ی کسب استقلال و تشکیل خانواده را بدهند و از سوی دیگر پذیرای عضو جدیدی باشند که به خانواده‌ی آن‌ها ملحق می‌شود (تبریزی کاهو و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۲۶). یکی از آرزوهایایی که زنان هنرمند شرکت‌کننده با شنیدن موسیقی شرق خراسان برای فرزندشان بیان می‌کردند، ازدواج موفق آن‌ها بود. مشارکت‌کننده‌ی II-05 گفت: «حالا که یواش یواش سنم داره بالا می‌ره و بچه‌ها دارند بزرگ میشن، خیلی از اوقات با گوش دادن به موسیقی شرق خراسان، آرزو می‌کنم که بچه‌هام یک ازدواج خوبی داشته باشند». مشارکت‌کننده‌ی II-01 نیز بیان کرد: «وقتی تنها هستم و به موسیقی خراسان شرقی گوش می‌دم، آرزو می‌کنم که بچه‌هام ازدواجی داشته باشند که بتونند رشد کنند، درس بخوند و بتونند به هر چیزی که علاقه دارند برسند».

مضمون اضطراب مادرانه و مضامین فرعی آن

تحقیقات نشان می‌دهند که رابطه‌ی مادر - فرزند یک رابطه‌ی مهم و حیاتی برای ایجاد رشد است و با اینکه در فرآیند رشد فرزند، هر دو والد نقش دارند، اما در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، مادر نقش بیشتری نسبت به پدر در امر تربیت و مراقبت از کودک دارد (شیرالی نیا، ایزدی و اصلانی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). این در حالی‌ست که به اعتقاد بوئن مؤثرترین عوامل اضطراب در مادران تأمین امنیت، مراقبت و تربیت، کنترل و تحریک ذهنی فرزندان است، که وی همه‌ی آن‌ها را در قالب اضطراب تربیت فرزند مقوله‌بندی می‌کند (Phuong, 2017: 152). مادران هنرمند

مشارکت‌کننده در این تحقیق نیز با گوش دادن به موسیقی شرق خراسان اضطراب‌هایی را درباره‌ی ایفای نقش‌های مادرانگی خود تجربه می‌نمودند.

مضمون اضطراب تربیت فرزندان: بسیاری از مادران مخصوصاً مادرانی که شاغل هستند و یا ساعاتی را برای شغل خویش مجبورند در بیرون از منزل باشند و فرزند خود را تنها بگذارند، نسبت به تأمین امنیت فرزند خود دچار اضطراب می‌شوند (شیرالی نیا، ایزدی و اصلانی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). در همین زمینه مشارکت‌کننده‌ی II-04 گفت: «وقتی که دارم به موسیقی خراسان گوش می‌کنم احساس می‌کنم که برای دقایقی از همه چیز جدا شدم و هنگامی که به خودم می‌آیم دچار نگرانی می‌شوم. نگرانی از اینکه اتفاقی برای فرزندم رخ نداده باشد. مثلاً تصادف نکرده باشد. نگران اینم که در رشد و تربیت فرزندم کوتاهی کرده باشم». برخی از مشارکت‌کنندگان نیز اظهار می‌کردند که با شنیدن آهنگ‌های موسیقی شرق خراسان (مخصوصاً قطعه‌ی «ننه گل محمد» و الله‌مزار) نوعی نگرانی را تجربه می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ی II-01 بیان کرد: «من اصولاً به موسیقی شرق خراسان علاقه زیادی دارم. با این حال هر وقت که قطعه گل‌محمد رو گوش می‌کنم، مضطرب می‌شوم که آیا به درستی نیازهای تربیتی، عاطفی و هیجانی فرزندم رو برآورده کرده‌ام یا نه». مشارکت‌کننده‌ی II-05 گفت: «خودم از شنیدن این موسیقی لذت می‌برم. احساس می‌کنم ذهنم باز میشه. ولی هم زمان نگران فرزندم هستم. نگران از اینکه آیا همان قدر که به رشد ذهنی خود اهمیت می‌دهم توانسته‌ام با بازی و یا موضوعات مورد علاقه فرزندم نیاز به تحریکات ذهنی او رو پاسخ بدم».

مضمون اضطراب نسبت به سلامتی فرزندان: اضطراب سلامتی^۱ یا اضطراب بیماری، نوعی نگرانی است و یا به ترس در مورد داشتن و یا مبتلا شدن به یک بیماری اشاره دارد (مدانلو و باقرزاده لداری، ۱۴۰۲: ۹۷). زنان هنرمند مشارکت‌کننده در این پژوهش متفق‌القول بودند که با شنیدن قطعه‌ی «دو قرصه و سه قرصه» که یکی از قطعات معروف در موسیقی شرق خراسان است، نگران می‌شوند که اتفاق شوک‌آوری برای سلامت فرزندشان رخ دهد. مشارکت‌کننده‌ی I-04 بیان کرد: «من هر وقت به این نوع موسیقی گوش می‌کنم، با خودم می‌گم نکنه که منم مثل اون مادر نسبت به سلامت فرزندم غفلت کنم. خیلی پریشان میشم. وقتی گوش می‌کنم

عجله می‌کنم که خودم رو به بچه/م برسونم.» در همین ارتباط مشارکت‌کننده‌ی II-03 نیز بیان داشت: «آدم احساس می‌کنه که هر مادری نیاز داره که به این نوع موسیقی هر از چندگاهی گوش کنه تا احساس مادریش در این وانفسای زندگی پر هیاهو زنده بمونه. بفهمه که یک فرزندی هم داره و باید مواظب سلامتی‌اش باشه».

مضمون اضطراب ازدواج فرزندان: بسیاری از فرزندان برای رهایی از فشار زیاد و تنش‌های خانوادگی، ازدواج می‌کنند که همین موضوع می‌تواند موجب بروز مشکلات زیادی در ازدواج و ازدواج ناموفق شود. فراهم کردن یک محیط امن و همراه با آسایش برای فرزندان باعث می‌شود که آن‌ها برای فرار از خانواده به هر ازدواجی تن ندهند (یاریگر روش، ۱۴۰۱: ۲۷۳). از سویی فرزندان باید برای ازدواج آمادگی و شناخت کافی داشته باشند (گلابی، علیزاده اقدم و حسین‌زاده، ۱۴۰۲: ۳۸). زنان هنرمند مشارکت‌کننده تقریباً متفق‌القول نگران ازدواج فرزندان در آینده بودند. مشارکت‌کننده‌ی II-03 بیان کرد: «وقتی که موسیقی خراسان شرقی رو گوش می‌کنم، حس می‌کنم شعف و اوجی بهم دست می‌ده. این حس رو بارها و باره تجربه کردم. به نظرم یک از دلایل این موضوع اینه که همسر خوبی دارم. بنابراین دوست دارم همچی حس خوبی رو که من دارم دخترم هم داشته باشه. با اوضاع این روزها خیلی نگرانم». مشارکت‌کننده‌ی I-05 نیز در این رابطه گفت: «خیلی از مضامین این موسیقی‌ها عاشقانه است، و عشق من به بچه‌ام بیشترین است. الان که داشتم موسیقی دو قرصه و سه قرصه رو گوش می‌کردم نگران این بودم که عشق من به فرزندم باعث نشه که موقعیت‌های خوبی که در آینده برای ازدواج داره رو از دست بگیرم».

مضمون اضطراب دوری از فرزندان: دووال^۱ (1984) معتقد است که در فرآیند چرخه‌ی تحول خانواده در همان حال که یک نسل به مرحله پیری وارد می‌شود، نسل دیگر تلاش می‌کند با خروج فرزندان از خانه کنار بیاید (شیرالی نیا، ایزدی و اصلانی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). در این مسیر یکی از انواع فشارهای روانی که به والدین وارد می‌شود، پذیرش دوری فرزندان است. نقطه‌ی شروع این فشار خروج کامل فرزندان از خانواده است. اساساً موسیقی شرق خراسان موسیقی فراق است. مشارکت‌کننده‌ی II-02 در این زمینه بیان کرد: «شما خودتون می‌دونید که موسیقی‌های خراسان شرقی، ناله‌های فراق است. مثلاً قطعه «اشترخجو» مقام سفر و جدایی است. مقام کاروان

ست که می رود و آتشی را که در دل باقی می‌گذارد. و باز خودتان می‌دانید که یک مادر بیشترین دلتنگی‌اش برای فرزندش است. من هر وقت به این موسیقی‌ها گوش می‌کنم نگران جدایی از فرزندم می‌شوم». مشارکت‌کننده‌ی II-04 نیز گفت: «می‌دونم، حتماً خود شما قطعه‌ی نوایی رو گوش کردید که دایماً از درد جدایی می‌گه. حتی الان هم که اینجا هستم وقتی این نوع قطعات رو گوش می‌کنم، از اینکه از فرزندم دور هستم، کمی نگرانم».

مضمون شادمانی مادرانه و مضمون فرعی آن

اساساً امروزه، شادمانی زنان و خانواده یکی از موضوعات مهم حوزه‌ی توسعه در کشورهای پیشرفته جهان است. زنان علاوه بر اینکه حدود نیمی از جمعیت و بخش مهمی از جمعیت فعال‌اند که می‌توانند سهم بسزایی در فضای عاطفی خانواده ایفا کنند. به بیانی مادران رکن اصلی ایجاد مهر، شادی و محبت در خانواده‌اند و از این رو با ارتقای سطح شادمانی زنان می‌توان پیش‌بینی کرد که سطح شادمانی خانواده و به‌ویژه نسل جدید نیز افزایش یابد (فلک‌الدین و حاجی‌زاده می‌مندی، ۱۴۰۱: ۱۱۴). این در حالی‌ست که در نظریه‌ی دیالوگ عاشقانه‌ی اریک فروم^۱ یکی از متغیرهای تأثیرگذار در شادمانی هر زنی این است که وی فرصت عشق ورزیدن به فرزندش را داشته باشد؛ بتواند محافظت کند؛ بتواند تغذیه کند و بالاخره بتواند نوازش کند (تبریزی کاهو و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۲۹). تعدادی از زنان هنرمند مشارکت‌کننده در این پژوهش نیز با شنیدن موسیقی فولکلور شرق خراسان تجربه‌ی شادمانی را روایت کردند. شادمانی از اینکه توانسته‌اند مادر موفقی در موضوع فرزندپروری باشند؛ از اینکه فرزندانشان رشد بهنجاری داشته‌اند و توانسته‌اند هم‌زمان که به بعد جسمانی فرزندشان توجه نمایند، بعد عاطفی آن‌ها را نیز رشد داده‌اند.

مضمون موفقیت در مادری: اصولاً زنان با وجود گنجاندن فرزندانشان در خود هویت خود را گسترش می‌دهند. در واقع بسیاری از مادران با ایفای نقش مادرانگی در تعامل با کودکانشان مرزهای هویتی خود را گسترش می‌دهند (سفیری و زندی، ۱۴۰۰: ۵۷). مشارکت‌کنندگان این

تحقیق بیان کردند که گوش دادن به موسیقی فولکلور شرق خراسان آنان را به همدلی کردن با فرزندان‌شان ترغیب می‌کند. همدلی نیز، نوعی آمادگی روانی برای پذیرش موقعیت مادرانه را برایشان فراهم می‌کند. مشارکت‌کننده‌ی I-02 بیان کرد: «من وقتی که / این نوع موسیقی‌ها رو گوش می‌کنم، حس همدلانه‌ای رو با فرزندم پیدا می‌کنم. سعی می‌کنم که باهاش بیشتر صحبت کنم و یا بیشتر باهاش بازی کنم». از مواردی که اکثر مادران مصاحبه‌شونده به آن اشاره داشتند این نکته بود که با شنیدن قطعات فولکلور شرق خراسان خاطرات کودکی‌شان برایشان تداعی می‌شد و این حس را داشتند که نمی‌خواهند کمبودها و مشکلات زندگی خودشان در زندگی فرزندان تکرار شود. مشارکت‌کننده‌ی III-01 نیز گفت: «بعد از شنیدن / این نوع موسیقی‌ها بیشتر ترغیب می‌شوم که بچه‌هام رو ببرم کلاس موسیقی، یا کلاس نقاشی و ورزش. چون ما رو از این کلاس‌ها نمی‌بردند. دلم می‌خواد فرزندم از بچگی‌اش لذت ببره».

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از احساسات ادراکی که قابلیت تجربه حسی مادرانه را در در زنان بروز می‌دهد، حس شنیداری است؛ حس شنیداری که با موسیقی معنا می‌یابد. در واقع موسیقی می‌تواند یکی از ابژه‌های بیرونی باشد که هر مادری را به سمت عمیق‌ترین تداعی‌های روان‌شناختی‌اش هدایت کند. همچنین از آنجا که موسیقی بازتابی از سنن و آیین‌های زندگی هر قوم و ملتی است (مریام، ۱۴۰۱: ۳۵۱)، یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نیز نشان داد که گستردگی فرهنگ‌ها در شرق، ایران و در این بین خراسان که از تنوع فرهنگی بالایی برخوردار است، از غنای بیشتری برخوردار است و شاید بتوان گفت که موسیقی مقامی خراسان بهترین بازنمود این تنوع فرهنگی است. به طوری که سنت تساهل، تسامح، همگرایی و تعامل فرهنگی در میان اقوام مختلف این خطه از دیرباز تاکنون رایج بوده است و رپرتوار موسیقی مقامی را نیز می‌توان از مصادیق آن دانست.

در کشور ایران آن دسته از پژوهش‌های موسیقی‌شناسی که فاعلیت زنان در موسیقی موضوع محوری آن‌ها باشند، پیشینه‌ای طولانی ندارند و شاید بی‌اعتنایی به جایگاه زنان و کمبود پژوهش در این زمینه به همان دلایلی پدید آمد که در طول سده‌ها زنان در عرصه‌ی موسیقی (آموزش آکادمیک، آهنگسازی و موسیقی‌شناسی) با ممنوعیت روبرو بوده‌اند (رازقی، علی‌زاده و علی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۳۸). با این حال سوال این است که موسیقی چگونه مادرانگی را به یک زن انعکاس می‌دهد. در این بین اگر قرار باشد که انعکاس مادرانگی را به یک زن در موسیقی جستجو کنیم، قطعاً موسیقی مقامی مخصوصاً در خطه خراسان که دارای پیشینه‌ای غنی از اسطوره است از جایگاه خاصی برخوردار است.

نتایج نشان می‌دهد که موسیقی شرق خراسان تجاربی متناقض از مادرانگی را برای اکثریت آنان فراهم می‌کند. از یک سو شادمانی از حس مادری و از سوی دیگر اضطراب نسبت به ایفای نقش مادری بر تجارب آنان از گوش دادن به موسیقی سایه انداخته است و زمینه را برای تغییر هویتشان فراهم کرده است. اولین تغییر در مناسباتشان با فرزندشان رخ می‌دهد. بدین معنا که گوش دادن به موسیقی شرق خراسان تجربه‌ای از نگرانی را برایشان داشته که باید مسئولیت‌ها و ارتباطشان با فرزندشان را بیشتر کرده و در میزان، نوع و جنس رابطه‌هایشان نیز تغییر ایجاد

کنند. بنابراین تجربه‌ی زیسته‌ی مادران هنرمند از موسیقی خراسان شرقی در ارتباط با نقش مادرانگی‌شان از یک تناقض ساختاری رنج می‌برد. به طوری که دو محور اصلی «شادگامی از ایفای نقش مادری» و «نگرانی نسبت به انجام وظایف مادری» اکثر تجربه‌آنان از موسیقی مقامی خراسان را پوشش می‌دهد. عده‌ای دیگر نیز در واکنش به این نوع موسیقی، به فکر نوعی بازاندیشی در روابط خود با فرزندشان افتاده‌اند. مضافاً این که همگی‌شان، با توجه به شرایط موجود و ممنوعیت‌های زنان در موسیقی اعتمادی به بهبود وضعیت دخترانشان در موسیقی ندارند و در اکثر موارد خواهان حضور مقطعی و نیمه وقت فرزندانشان و یا به زعم باومن زندگی از دور هستند و تمایلی برای فعالیت تمام وقت دخترشان در عرصه‌ی موسیقی ندارند. چنین احساسی دو نگرش متفاوت در تجربه‌ی آنان از گوش فرادادن به موسیقی مقامی شرق خراسان را برایشان رقم زده است: اهمیت موسیقی در بروز و متعادل نمودن انگیزه‌ی مادری و اجتناب از آن که نگرانی‌شان را بیشتر می‌کند. به این معنی که برای عده‌ای گوش دادن و هر نوع فعالیت موسیقایی موجب تقویت انگیزه‌ی مادری‌شان شده و برای گروهی دیگر موسیقی تلاقی‌گاه ایفای نقش‌های مادرانگی‌شان و نگرانی‌های مربوط به آن شده و با تشدید تجربه‌ی ناامنی‌های مادرانگی، زمان برایشان سیال‌تر از همیشه می‌شود. برخی از تعادل بین گذشته‌ی موسیقایی خود و ایفای نقش مادری خویش خشنودند؛ ولی برای تعداد بیشتری از آن‌ها موسیقی خراسان موجد نگرانی شده است. مبهم بودن زمان و شروطی که زمان برایشان ایجاد می‌کند، نقش مادری‌شان را برایشان متزلزل کرده است.

از آنجایی که اولاً، تعداد زنان فعال در عرصه‌ی موسیقی رو به افزایش است؛ و دوم، این که اگر نه الزاماً اما در موارد متعدد هر مادری الگوی رفتاری فرزند خود است که می‌تواند به عاملی بین نسلی تبدیل شود؛ نیاز است که با یک سیاست مدیریتی و با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و فرهنگی از سوی متولیان هنری زمینه‌ی حضور بدون نگرانی آنان در حوزه‌ی موسیقی را فراهم آورد تا فعالیت آنان خدشه‌ای به ایفای نقش مادرانگی‌شان وارد نکند. همچنین هر چند سعی شد ویژگی‌های منحصر به فرد روایت هر مادری از مادری بودگی‌اش به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان آن را فهم نمود؛ اما لایه‌های محرمانه هر فرد که غالباً تمایلی به هویدا شدن این منظومه پنهان را ندارد، برای هر پژوهش کیفی مانعی برای ورود به جهان تجربه‌ی افراد مورد

مطالعه است. با توجه به این موضوع پیشنهاد می‌شود محققان آتی ضمن اینکه کانون توجه‌شان را به جهان زندگانی واقعی معطوف می‌سازند، به دنیای ذهنی سوژه نیز توجه کافی داشته باشند. پر واضح است که اگر روش فوق به منزله‌ی مسیر جدیدی در پژوهش‌های علوم انسانی پذیرفته شود، آنگاه روش‌هایی مانند پساساختارگرایی، انتقادی و پارادایم‌های تفسیری نیز احتمالاً در کرانه قرار خواهند گرفت. بدون شک، تحت تأثیر شرایط جهانی شدن و روند شتابان تکنولوژیکی در ایران زنان در انگاره‌های جنسیت بنیاد خود تجدید نظر کرده‌اند و دست به شکل‌دهی نوعی «تخاصم» ارزشی - ایدئولوژیک بین گفتمان «هژمون» و خواسته‌های جدید خود زده‌اند. این تقابل قسمتی از پتانسیل زنانه آنان را مصرف می‌کند و انرژی مادرانه آن‌ها را به هدر می‌دهد. پیشنهاد می‌شود که کانون‌های فرادستی، واقعیت‌تغییرات را پذیرفته تا از وزن تخصص فوق کاسته شده و زنان هم‌زمان که به موسیقی می‌پردازند، بیشتر بتوانند مادری نمایند.

تعارض منافع

در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد. نویسنده‌ی مسئول ترسیم‌گر خطوط فکری انجام پژوهش بوده است. نویسنده‌ی اول اجرای مراحل مختلف تحقیق را بر عهده داشته است. سایر فعالیت‌های مرتبط با پژوهش همکاری بین دو نویسنده بوده است.

سپاسگزاری

محققان از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی و ادارات تابعه در شهر مشهد و انجمن موسیقی خراسان رضوی به جهت همکاری تشکر و قدردانی می‌نمایند. سپاس ویژه‌ی خود را تقدیم زنان نوازنده و مدرسین موسیقی می‌کنیم که وقت ارزشمندشان را با بزرگ‌منشی در اختیار این پژوهش قرار دادند.

منابع

- آبرام، جان، و هینشلوود، آر. دی (۱۴۰۰). *پارادایم‌های بالینی ملانی کلاین و داندل وینیکات* (ترجمه حسام گودرزی و صفورا محمدیان). تهران: ارجمند.
- امیدوار طهرانی، آسیه، زرانی، فریبا، نوحه سرا، شب‌نم، پناغی، لیلی، و ملک‌زاده مغانی، مونا (۱۴۰۰). ادراک از زنانگی در کشورهای مختلف: یک فراترکیب کیفی. *علوم روانشناختی*، ۲۰ (۱۰۳)، ۱۰۱۵-۱۰۳۸.
- امیدی‌پور، زهره، رجبلو، علی، و باستانی، سوسن (۱۴۰۳). صورت‌بندی سوژه زن مدرن در گفتمان‌های دوره‌ مشروطه. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۲(۲)، ۳۱۹-۳۵۲.
- امیریان، شاهرخ، و آژند، یعقوب (۱۴۰۳). تأثیر روابط بینامتنی داستان بلند مار و مرد در جلب مشارکت مخاطب در جریان خوانش متن (با در نظرگیری نقش شخصیت زن در خوانش بینامتنی اثر). *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۶(۱)، ۱۱۱-۱۳۲.
- تبریزی، سحر، تبریزی کاهو، غلامرضا، و برومند محمودآبادی، ملیحه (۱۴۰۳). بررسی پدیدارنگاری حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۲(۲)، ۴۸۷-۵۰۹.
- تبریزی کاهو، غلامرضا، صالحی، کیوان، کشاورز افشار، حسین، و مدنی، یاسر (۱۴۰۲). پدیدارشناسی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴(۱)، ۱۱۳-۱۳۸.
- حشمتی، اعظم، امیری، شعله، و قنبری، سعید (۱۳۹۸). تدوین الگو رابطه مادر - کودک با نشانگان اختلال دلبستگی واکنشی در کودکان ۲ تا ۵ سال. *خانواده پژوهی*، ۱۵(۱)، ۶۹-۸۸.
- خادم صبا، پیام، ازکیا، مصطفی، سفیری، خدیجه، و سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۴۰۱). تحلیل پارادایمی مفهوم زنانه‌نگاری مادری با روش نظریه بنیانی؛ مورد مطالعه (کارمندان شرکت آبفای منطقه یک تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۹(۲)، ۳۰۵-۳۲۲.

خالق پناه، کمال، میرزاوندیان، فاطمه، و رحیمی، مبین (۱۳۹۸). از مادرانگی همچون اسطوره تا بحران مادرانگی خوانشی نشانه‌شناختی بر بازنمایی مادرانگی در سینمای ایران پس از انقلاب. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۱۱(۱)، ۶۷-۸۸.

دوبووار، سیمون (۱۴۰۲). *جنس دوم* (ترجمه قاسم صنعوی). تهران: توس.

رازقی، نادر، علی‌زاده، محمدمین، و علی‌نژاد، کریم (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی نقش و جایگاه زنان در موسیقی مردم‌پسند: ارائه یک نظریه زمینه‌ای. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۲(۱)، ۲۶-۴۷.

زرگریان، طه، صادق‌پور، محمد جعفر، و خزائی، میثم (۱۳۹۹). مختصات مفهومی تهدید و خطر جانی مادر در قوانین سقط درمانی. *مطالعات زن و خانواده*، ۸(۴)، ۱-۲۰.

زمانپور، زینب، پاکدامن، شهلا، قنبری، سعید، و نجات، پگاه (۱۴۰۲). نقش تعدیل‌گری ظرفیت تأملی مادر در رابطه بین خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک. *خانواده پژوهی*، ۱۹(۳)، ۵۱۹-۵۳۱.

شعبانی‌ورکی، بختیار، و کاظمی، صدیقه (۱۳۸۹). پژوهش کیفی؛ روش یا بوش. *راهبرد فرهنگ*، ۱۹(۵۴)، ۳۳-۵۸.

شیرالی‌نیا، خدیجه، ایزدی، معصومه، و اصلانی، خالد (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن‌آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰(۳۸)، ۱۳۵-۱۴۶.

صادقی‌فسایی، سهیلا (۱۳۸۴). چالش فمینیسم با مادری. *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۸، ۱۹-۴۳.

فلک‌الدین، زهرا، و حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۴۰۱). نقش زنان در شادکامی خانواده: مطالعه کیفی در شهر یزد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳(۴)، ۹۵-۱۲۲.

گلابی، فاطمه، علیزاده اقدم، محمد باقر، و حسین‌زاده، الهام (۱۴۰۲). ساختار قدرت خانواده و رضایت جنسی زنان. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۱(۴)، ۲۰-۴۴.

محمدتقی‌زاده، مهدیه، کرمی، محمدتقی، و ساوه، فائقه (۱۴۰۲). تجربه‌ی زیسته‌ی مادران مطلقه از حضانت فرزندان با تأکید بر چالش ازدواج مجدد. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۵(۹۹)، ۳۹-۶۲.

محمدی، جمال، و محمدی، فاطمه (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان برساخت سوژه جسم‌مند زنانه در ارتباط با سلطه مردانه (زنان شهر سنندج). *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۲(۳۶)، ۲۲۷-۲۵۶.

محمودیانی، سراج‌الدین، احمدی، علی‌یار، و عباسی، کبری (۱۳۹۸). بررسی رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان شهر لار. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۵)، ۷۳-۹۸.

مدانلو، معصومه، و باقرزاده لداری، رحیم. (۱۴۰۲). اضطراب سلامت: مروری روایتی بر مداخلات روانشناختی. *تعالی بالینی*، ۱۳ (۲)، ۹۱-۱۰۰.

میرام، آرن (۱۴۰۱). *انسان‌شناسی موسیقی*. (ترجمه مریم قره‌سو). تهران: ماهور.

موسویان، الهام (۱۳۹۹). مروری بر مفهوم «عقدۀ مادر مرده» آندره‌گرین و بررسی تأثیرات آن بر تنظیم هیجان. *رویش روان‌شناسی*، ۹ (۱۰)، ۱۲۵-۱۳۴.

میرحسینی، زهرا، و کوه‌پیما رونیزی، زهرا (۱۴۰۰). واکاوی فهم ادراک‌شده‌ی زنان از آسیب‌های حوزه خانواده (مورد مطالعه: زنان شهر فسا). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۷۱-۹۸.

هام، مگی (۱۴۰۱). *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. (ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی). تهران: توسعه.

یاریگرو، محیا (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندان‌شان پس از طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۵۰)، ۲۵۳-۲۷۴.

- Henriksson, W, H; Williams, A; & Fahlgren, M. (2023). *Ambivalent Narratives of Motherhood and Mothering: From Normal and Natural to Not-at-all*. Uppsala, Sweden, Macmillan.
<https://www.academia.edu/70898991>
- Ma, C. (2022). A Balancing Act: Unlearning and Embracing Chinese Immigrant Mothering. *Journal of the Motherhood Initiative*, 51(2), 341-349. <https://jarm.journals.yorku.ca/index.php/jarm/article/view/40668>
- Phuong H. T. A, (2017). *Redefining Diversity & Dynamics of Natural Resources Management in Asia*. Natural Resource Dynamics and Social Ecological Systems in Central Vietnam prees.
<https://www.researchgate.net/publication/318687596>
- Hanna Segal, H. (2007). *Yesterday, Today and Tomorrow (The New Library of Psychoanalysis)*. UK. Routledge prees.
<https://www.amazon.com/Yesterday-Today-Tomorrow-Library-Psychoanalysis/dp/0415415748>

Etymology and Transformation of the Name and Status of Qaen and Qohestan

Morteza Daneshyar¹

Received: 22/11/2024

Accepted: 18/1/2025

Introduction

Qohestan, a province in southern Khorasan with Qaen as its center, boasts a history dating back to at least the Sassanid period. This rich historical background has prompted numerous studies on the region, particularly on the history of Qaen and Qohestan. Many of these works delve into the etymology of the province's name, offering various interpretations. Some suggest it stems from a transformation of the word Gavīn (meaning 'cow'), others link it to Qabil (the son of Adam), and some attribute it to a Mongol origin. However, these interpretations appear inaccurate. Qaen predates the Arab and Semitic cultural influences in the region, rendering the Mongol origin hypothesis implausible. Similarly, the idea that Qohestan derives from the word Quh—attributed to the presence of qanats in the area—lacks merit. The water system in Qohestan was not significantly different from its neighboring regions, nor did it feature a greater number of qanats. The broader historical changes, such as the region's rise and decline, its renaming, and the relocation of its capital, remain topics of scholarly debate. This study aims to explore the etymology of Qaen and Qohestan while shedding light on the primary factors behind the region's historical transformations.

Methodology

This study adopts a descriptive-analytical approach to critically evaluate previous research. It relies on library-based research to investigate the etymology of the names

1. Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. daneshyar@um.ac.ir



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Qaen and Qohestan, as well as to explore the factors contributing to the region's prosperity, decline, and shifts in its administrative center.

Findings and Conclusion

The repeated invasions and occasional dominance of foreign powers in Iranian territory have led to significant cultural intermixing and the influence of foreign cultural elements. One prominent result of this cultural exchange is the variety of narratives surrounding the etymology and attribution of many Iranian cities to Greek, Semitic, or Mongol myths and figures. This article examines how these influences shaped the etymology of the city of Qaen. While the history of Qaen and the broader Qohestan region predates the Arab Muslim conquest (circa 30 AH), Islamic sources often attributed the etymology of Qaen to Semitic myths, with some even proposing a Mongol origin. However, historical evidence suggests that the name Qaen, referred to as 'Kayen' in Sassanid-era sources, originates from the term 'Karen'. Karen was the name of a prominent family in pre-Islamic Iran, known for its influence across various regions, including Qohestan. This family likely played a key role in founding or developing the city of Qaen. Additionally, the term 'Kohestan' was historically used to describe several provinces or regions in pre-Islamic Iran, all characterized by their mountainous terrain. After the advent of Islam, this term evolved into 'Quhestan' or 'Qohestan', retaining its original meaning of a 'mountainous region'.

An analysis of events during the early years of the Arab conquest reveals that the absence of references to the capital and other districts of Qohestan until the fourth century AH likely stemmed from the resistance of the Qohestani people to Arab control and the widespread devastation caused by the conquest. The hereditary rule of the Simjuri family over the province during the Samanid period (287–395 AH) marked a turning point in the region's revival. This era saw the formation of Greater Qohestan through the annexation of provinces such as Tabas and Turshiz, as well as the emergence of its districts in historical sources from the fourth century. The Ismaili dominance over Qohestan in the latter half of the fifth century, characterized by repeated conflicts with the Seljuks and significant destruction—particularly in Qaen and Turshiz—further shaped the region's trajectory. Despite these challenges, the Ismaili policy toward the Mongols shielded the area from Mongol invasions, transforming it into a refuge for those fleeing Mongol massacres. However, this protection ended with the establishment of the Ilkhanid dynasty. Under Hulagu Khan, Qohestan became a target for invasions, resulting in widespread massacres, particularly in the city of Tun. Following the fall of the Ismailis, Qohestan was freed from continuous conflicts with neighboring powers, and conditions for reconstruction began to improve. This resurgence was facilitated by the Ilkhans, who designated the region as a hereditary domain for a Mongol family. During the Timurid period, Qohestan experienced a second wave of prosperity. The prominence of the Qaeni family within the Timurid

administration brought increased attention and investment to the region. Additionally, the transfer of the Timurid capital from Samarkand to Herat provided economic and social benefits to neighboring areas, including Qohestan. However, the decline of the Timurid dynasty, marked by the capital's relocation from Herat to western Iran and the constant incursions of the Uzbeks in eastern Iran, pushed Qohestan into a state of decline. The Safavid policy of granting independence to various cities within Qohestan further fragmented the region, ultimately leading to the collapse of its unity and the disappearance of the name "Qohestan" from common usage.

A major transformation in the region occurred during the early years of the hereditary rule of the Alam family, under the reign of Nader Shah Afshar (1148–1160 AH), when the provincial capital was relocated from Qaen to Birjand, and the province was renamed from Qaen to Qaenat. Several factors likely influenced this decision, the most prominent being the Alam family's origins in Sarbisheh, near Birjand, and Birjand's more central location within the province. This strategic positioning ensured a safer distance from neighboring provinces, such as the hereditary domains of Tabas, Torbat-e Heydariyeh, and Herat. The transfer of the capital to Birjand spurred the settlement's growth into a relatively large city, while simultaneously reducing the prominence of Qaen, which became the province's secondary city.

Keywords: Qohestan, Qaen, Birjand, Etymology, Ismailis, Mula'iyān

References

- Allah-Yari, H. (2014). *Robot-e Pariyan* [Robot-e Pariyan]. In G.-A. Haddad-Adel (Ed.), *Encyclopedia of the Islamic World* (Vol. 19). Tehran: Foundation for the Islamic Encyclopedia.
- Amoli, O. (1969). *Tarikh-e Royan* [History of Royan] (M. Sotoudeh, Ed.). Tehran: Bonyad Farhang-e Iran. [in Persian]
- Aramjo, A. (2010). *Barrasi-e tahavvolat-e siyasi, eqtesadi va ejtemai-e velayat-e qaenat dar dowre-ye qajarieh* [A study of the political, economic, and social changes of Qaenat county in the Qajar era] (Unpublished master's thesis). University of Tehran, Tehran, Iran. [in Persian]
- Asnad va Mokatabat-e Tarikhi az Teymur ta Shah Esmail [Historical Documents and Correspondences from Timur to Shah Ismail] (1977). Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab. [in Persian]
- Ayati, M. H. (1992). *Baharestan dar Tarikh va Tarajom-e Rijal-e Qaenat va Ghahestan* [Baharestan: A History and Biographies of Qaenat and Ghahestan]. Mashhad: Chap-e Sheerkat-e Sahami. [in Persian]
- Azami Sangsari, C. A. (1976). Qarenvand ya Sokhrayian [Qarenvand or Sokhrayian]. *History Studies*, 11(3), 201-244.
- Bal'ami, A. A. (1999). *Tarikhnameh-ye Tabari* [The History of Tabari]. Tehran: Soroush. [in Persian]
- Baladhuri, A. ibn Y. (1988). *Futuh al-Buldan* [Conquests of the Lands]. Beirut: Dar wa Maktabah al-Hilal. [in Arabic]
- Bayhaqi, A. al-F. (1995). *Tarikh-e Bayhaqi* [The History of Bayhaqi]. Tehran: Mahtab. [in Persian]
- Bayhaqi, A. al-H. A. ibn Z. (1938). *Tarikh-e Beyhaq* [History of Bayhaq] (A. Bahmanyar, Ed.). Tehran: Ketabforoushi Foroughi. [in Persian]
- Bellew, H. W. (1874). *From the Indus to the Tigris: A narrative of a journey through the countries of Balochistan, Afghanistan, Khorassan and Iran in 1872*. London: Trübner & Co.
- Daneshyar, M. (2015). *Tahavvolat-e Siyasi va Eghtesadi - Ejtemai Khorasan dar Dore-ye Qajariyah (1266-1332 Q/1850-1914)* [Political, economic, and social transformations of Khorasan during the Qajar era]. (Unpublished doctoral dissertation), University of Tehran, Tehran, Iran. [in Persian]
- Daneshyar, M. (2018). *Sistan. Encyclopedia of the Islamic World*. Tehran: Foundation for the Islamic Encyclopedia. [in Persian]
- Dekhoda, A. A. (1998). *Loghatnameh* [A dictionary]. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Eskandar Beg Turkman Munshi (1971). *Tarikh-e Alam-Ara-ye Abbasi* [The world-conquering history of the Abbasids]. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Estarabadi, M. M. (1998). *Jahan-Gosha-ye Naderi* [The world conqueror of Nader]. Tehran: Anjoman Asar va Mafakher-e Farhangi. [in Persian]
- Etesam al-Molk, M. K. K. (1972). *Safarnameh-ye Etesam al-Molk* [The travelogue of Etesam al-Molk]. Tehran: Ferdowsi Printing House. [in Persian]

- Fanoudi, S. A. (2004). *Tarikh-e Qa'enat (Mirat al-Maknoonat fi Tarikh-e Qa'enat)* [History of Qa'enat]. Tehran: Hirmand. [in Persian]
- Forqani, M. F. (2002). *Tarikh-e Esma'iliyoun-e Qohestan* [The history of the Ismailis of Qohestan]. Tehran: Society for Cultural Heritage and Honors. [in Persian]
- Fraser, J. B. (1825). *Narrative of a journey into Khorasan in the years 1821-2*. London: Longman.
- Gardizi, A. S. A. al-H. ibn al-Z. ibn M. (1984). *Zayn al-Akhbar* [The adornment of histories]. Tehran: Donyaye Ketab. [in Persian]
- Golestaneh, A. al-H. ibn M. A. (1977). *Majmal al-Tawarikh* [The concise histories] (M. T. Modarres Razavi, Ed.). Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Hafez Abru, S. al-D. A. K. (1996). *Joghrafiya-ye Hafez Abru* [The geography of Hafez Abru]. Tehran: Miras-e Maktoub. [in Persian]
- Hafez Abru, S. al-D. A. K. (2001). *Zobdat al-Tavarikh* [Essence of histories]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Persian]
- Hafez Abru, S. al-D. A. K. (2020). *Joghrafiya-ye Hafez Abru, Bakhsh-e Khorasan* [Geography of Hafez Abru: Khorasan section]. Tehran: Mahmoud Afshar Publications. [in Persian]
- Haft Keshvar ya Sur al-Aqalim* [Seven countries or the forms of the climes] (1974). Edited and Annotated by M. Sotoudeh. Tehran: Foundation of Iranian Culture. [in Persian]
- Hamdallah Mustawfi (1983). *Nozhat al-Qolub* [The pleasure of the hearts]. Tehran: Donyaye Ketab. [in Persian]
- Hatami, H. (2001). *Joghrafiya-ye Shahrestan-e Qainat* [Geography of Qainat county]. Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Persian]
- Hedayat, R. Q. K. (2001). *Tarikh-e Rowzat al-Safa-ye Naseri* [The history of the Rose Garden of purity, Naseri version] (J. Kianfar, Ed.). Tehran: Asatir. [in Persian]
- Hodud al-'Alam min al-Mashriq ila al-Maghrib* [The boundaries of the world from the East to the West] (1983). Tehran: Tahouri. [in Persian]
- Hosseini Monshi, M. ibn I. (2007). *Tarikh-e Ahmad Shahi* [The history of Ahmad Shah]. Tehran: Erfan. [in Persian]
- Hosseini Qomi, Q. A. ibn S. al-D. H. (2005). *Kholasat al-Tavarikh* [Summary of histories]. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Hosseini, K. ibn Q. (2000). *Tarikh-e Ilchi Nezamshah* [The history of the Ilchi Nezamshah]. Tehran: The Society of Cultural Works and Luminaries. [in Persian]
- Ibn al-Athir, I. al-D. A. al-H. (1965). *Al-Kamil fi al-Tarikh* [The complete history]. Beirut: Dar Sadir. [in Arabic]
- Ibn Faqih, A. ibn M. (1996). *Al-Buldan* [The book of lands] (H. Yusef, Ed.). Beirut: Alam al-Kutub. [in Arabic]
- Ibn Hawqal, A. al-Q. M. (1939). *Surat al-Ardh* [The face of the earth] (J. H. Kramers, Ed.). Leiden: Brill. [in Arabic]
- Ibn Khordadbeh, A. al-Q. U. A. (1889). *Al-Masalik wa al-Mamalik* [Routes and kingdoms] (De Goeje, Ed.). Leiden: Brill. [in Arabic]

- Ibn Rusta, A. ibn U. (1891). *Al-Alaqa al-Nafisa* [The precious connections] (De Goeje, Ed.). Leiden: Brill. [in Arabic]
- Istakhri, I. ibn M. (1927). *Al-Masalik wa al-Mamalik* [Routes and kingdoms]. Leiden: Brill. [in Arabic]
- Janabadi, M. B. (1999). *Rowzat al-Safaviyyah* [The safavid garden]. Tehran: Mahmoud Afshar Foundation. [in Persian]
- Jeyhani, A. al-Q. ibn A. (1989). *Ashkal al-Alam* [The Forms of the World] (A. ibn A. S. Kateb, Trans.). Mashhad: Beh Nashr. [in Persian]
- Jovayni, A. al-D. A.-M. (1937). *Tarikh-e Jahan-Gusha* [The history of the world conqueror]. Leiden: Brill. [in Persian]
- Khalifeh ibn Khayyat, A. O. (1995). *Tarikh* [The History] (N. Fawaz, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [in Arabic]
- Khavari Shirazi, M. F. (2001). *Tarikh-e Zulqarnain* [The History of Zulqarnain]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Persian]
- Khavari, A. (1983). *Zahabiyeh: Tasavof-e Elmi - Asar-e Adabi* [The Zahabiyeh: Scientific Sufism - Literary Works]. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Khwandamir, G. al-D. (1983). *Tarikh-e Habib al-Siyar fi Akhbar-e Afrad-e Bashara* [The history of the beloved of biographies in the accounts of humans]. Tehran: Khayyam. [in Persian]
- Labaf Khaniki, R. A. (2009). *Qanat, Origin and Sustenance of Gonabad and Kohestan*. *Paj*, 2(5), 165–172. [in Persian]
- Le Strange, G. (2004). *Geography of the Eastern Caliphate* (M. Erfan, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Maqdisi, A. A. M. (1991). *Ahsan al-Taqasim fi Ma'rifat al-Aqalim* [The best divisions in the knowledge of regions]. Cairo: Maktabat Madbuli. [in Arabic]
- Marco Polo (1984). *Safarhay-e Marco Polo* [The travels of Marco Polo] (R. Golbang, Trans.). Tehran: Koushesh. [in Persian]
- Marvi, M. K. (1985). *Alam Ara-ye Naderi* [The history of Nader Shah]. Tehran: Zavvar. [in Persian]
- Mashkoor, M. J. (1966). *Fehrest-e bana-ha-ye tarikhi va amaken-e bastani-ye Iran* [A list of historical buildings and ancient sites of Iran]. Tehran: Donyaye Ketab. [in Persian]
- Minhaj-e Siraj, A. O. O. (1984). *Tabaqat-e Naseri* [The Naseri classes] (A. Habibi, Ed.). Tehran: Donyaye Ketab. [in Persian]
- Mir Khvand, M. ibn K. S. (1853). *Rowzat al-Safa* [The garden of purity]. Tehran: Dar al-Taba'a Khasseh Jadideh. [in Persian]
- Mirnia, S. A. (1990). *Ilha va Tayefeh-ha-ye Ashayeri-ye Khorasan* [Tribes and Nomadic Groups of Khorasan]. Mashhad: Danesh. [in Persian]
- Mohammad ibn Ebrahim (1964). *Seljukian va Ghaz dar Kerman* [The Seljuks and the Ghaz Tribes in Kerman]. Tehran: Nashr-e Elm. [in Persian]
- Mohammad ibn Najib Bakran (1963). *Jahannameh* [The Worldbook]. Tehran: Ibn Sina. [in Persian]

- Mohammadi Khomak, J. (1999). "Nakha'i-ha va Laluyi-ha che Kasani Hastiand?" [Who Are the Nakha'i and Laluyi Tribes?]. *Matikan-e Sistan* [Collection of Articles on Sistan Studies]. Mashhad: Vajiran. [in Persian]
- Mojtahed-Zadeh, P. (2008). *The Amirs of the Borderlands: And Eastern Iranian Borders* (H. M. M. Nouri, Trans.). Tehran: Shirazeh.
- Mostowfi Bafqi, M. M. (2006). *Jame'-e Mofidi* [The Comprehensive Book by Mofid]. Tehran: Asatir. [in Persian]
- Naderi, B. (1980). *Masjed-e Jame'-e Qa'en* [The Jameh Mosque of Qa'en]. *Asar Journal*, 1(1), 103–107. [in Persian]
- Na'ini, M. J. (1974). *Jame'-e Ja'fari* [The Comprehensive Book of Ja'fari] (I. Afshar, Ed.). Tehran: Society for National Monuments. [in Persian]
- Nasavi, M. (2005). *Seerat-e Jalal al-Din Mankoberni* [The Biography of Jalal al-Din Mankoberni] (M. Minovi, Ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Nashriyeh Asami-ye Anasir va Vahad-ha-ye Taqsimat-e Keshvari* [Newsletter of the names of elements and units of territorial divisions] (2014). Tehran: Ministry of Interior, Office of Territorial Divisions. [in Persian]
- Nasir Khusraw, A. M. H. al-D. Q. (1965). *Safarnameh* [The travelogue] (M. Dabirsiaghi, Ed.). Tehran: Tahuri. [in Persian]
- Pazouki-Toroudi, N., & Shadmehr, A. (2005). *Asar-e Sabt Shode-ye Iran dar Fehrest-e Asar-e Melli* [Iranian cultural heritage sites registered on the National Heritage List]. Tehran: Cultural Heritage Organization. [in Persian]
- Qashani, A. al-Q. A. ibn M. (1969). *Tarikh-e Oljaito* [The history of Oljaitu]. Tehran: Bongah Tarjomeh va Nashr Ketab. [in Persian]
- Qatqan, M. Y. ibn A. (2006). *Moskhar al-Bilad* [The conqueror of lands]. Tehran: Mirath-e Maktoub. [in Persian]
- Qodameh, ibn J. K. B. (1981). *Al-Kharaj wa San'at al-Kitabah* [Land tax and the craft of writing]. Baghdad: Dar al-Rashid. [in Arabic]
- Qomi, H. ibn M. (2006). *Tarikh-e Qom* [The history of Qom] (H. ibn A. Qomi, Trans.). Qom: Marashi Najafi Library. [in Persian]
- Rajabi, N. (2005). *Tarikh va Joghrafiya-ye Shahrestan-e Qainat* [History and geography of Qainat County]. Tehran: Shahrasub. [in Persian]
- Rashid al-Din Fazlollah (1940). *Tarikh-e Mobarak Ghazani* [The blessed history of Ghazan]. Hertford: Stephen. [in Persian]
- Rashid al-Din Fazlollah (1994). *Jame al-Tawarikh* [The compendium of histories]. Tehran: Mirath-e Maktoub. [in Persian]
- Razi, A. A. (1961). *Haft Eqlim* [The Seven Climes]. Tehran: Elmi. [in Persian]
- Razmara, H. A. (1950). *Farhang-e Joghrafiya-ye Iran (Abadiha)* [A geographical dictionary of Iran: Settlements], Vol. 9. Tehran: Army Printing House. [in Persian]
- Razpoosh, S. (1998). Banou Simjur. *Encyclopaedia of the Islamic World*, Vol. 4. Tehran: Foundation for the Islamic Encyclopaedia. [in Persian]
- Saeedzadeh, M. (1992). *Da'erat al-Ma'aref-e Qa'en* [Encyclopedia of Qa'en]. Qom: Without Publisher. [in Persian]

- Safa, A. (1994). *Tarikh-e Jiroft va Kahnooj* [History of Jiroft and Kahnooj]. Kerman: Kerman Studies Center. [in Persian]
- Sam Khaniyani, A. A., Barzegar, K., Zarei, A., & Mahmoudi-Nasab, A. A. (2023). Mo'arrefi va tahlil-e ketibeh-ha-ye masjid-e jame-e Qa'en [Introduction and analysis of the inscriptions of Qa'en's Jame Mosque]. *Farhang-Social Studies of Khorasan*, 18(2), 53–94. [in Persian]
- Sam'ani, A. al-K. ibn M. (1962). *Al-Ansab* [The genealogies] (A. al-M. al-Yamani, Ed.). Hyderabad: Da'erat al-Ma'aref al-Othmaniyyah. [in Arabic]
- Samarqandi, K. al-D. A. al-R. (2004). *Matla' al-Sa'dain va Majma' al-Bahrain* [The rise of two auspicious stars and the confluence of two seas]. Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Shabankareh'i, M. ibn A. (2002). *Majma' al-Ansab* [The compendium of genealogies]. Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Shahrestan-ha-ye Iranshahr*, a Middle Persian Text (2009). Edited by T. Daryaei; Translated by S. Jalilian. Tehran: Toos. [Persian trans.]
- Shirvani, Z. al-A. (1936). *Bostan al-Siyahah* [The garden of travels]. Tehran: Ketabkhaneh-ye Sanaei. [in Persian]
- Sistani, M. S. H. ibn M. G. al-D. (2004). *Ehya al-Molouk: Tarikh-e Sistan ta Asr-e Safavi* [Revival of Kings: History of Sistan until the Safavid Era]. Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Smith, E. (1876). *The Perso-Afghan Mission, 1871–72. Eastern Persia: An Account of the Journeys of the Persian Boundary Commission*, Vol. 1. London: Macmillan and Co.
- Sobki, T. al-D. A. N. A. al-W. ibn A. (1963). *Tabaqat al-Shafi'iyah al-Kubra* [The major classes of the Shafi'is] (M. M. al-Tanahi & A. M. al-Halou, Eds.). Cairo: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah. [in Arabic]
- Soltani, S. (2008). *Jostari dar Bazshenasi-ye Qala'eh-ye Kohestan* [A study on recognizing the fortresses of Kohestan]. Birjand: Cultural Heritage Organization. [in Persian]
- Tabari, M. ibn J. (1967). *Tarikh al-Umam wa al-Muluk* [The history of nations and kings]. Beirut: Dar al-Turath. [in Arabic]
- Tarikh-e Qizilbashan* [The history of the Qizilbash] (1982). Tehran: Behnam. [in Persian]
- Tarikh-e Sistan* [The history of Sistan] (1987). Tehran: Padideh-e Khavar. [in Persian]
- Tattavi, Q. A., & Qazvini, A. K. (2003). *Tarikh-e Alfi* [The millennium history]. Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Tehrani, M. S. (2004). *Mirat-e Varidat* [The mirror of inspirations]. Tehran: Mirath-e Maktoub. [in Persian]
- Utbi, M. ibn A. (2005). *Tarikh-e Yamini* [The Yamini history] (Jarafadaghani, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Ya'qubi, A. ibn I. (2001). *Al-Buldan* [The countries]. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [in Arabic]

- Yaqut al-Hamawi, A. A. (1995). *Mu'jam al-Buldan* [The dictionary of countries]. Beirut: Dar Sadir. [in Arabic]
- Yazdi, S. al-D. A. (2008). *Zafarnameh* [The book of victories]. (S. S. Mir Mohammadsadeq & A. Navaei, Eds.). Tehran: Islamic Parliament. [in Persian]
- Zahiri Nishapuri, Z. al-D. (1953). *Seljuknameh* [The book of the Seljuks]. Tehran: Kalaleh Khavar. [in Persian]
- Zamchi Esfazari, M. al-D. M. (1959). *Rauzat al-Jannat fi Awsaf-e Madinat Herat* [Gardens of paradise in the description of the City of Herat]. Tehran: University of Tehran. [in Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

وجه‌تسمیه و دگرگونی نام و جایگاه قاین و قهستان

مرتضی دانشیار^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_213573.html

چکیده

هجوم مکرر بیگانگان به خاک ایران و سلطه‌ی چندگاهی آنان، زمینه‌ی آمیختگی و تأثیر وجوه فرهنگی ایشان را در پی داشته است. از نمودهای این تأثرات فرهنگی، شیوع روایت‌های متعدد در مورد وجوه تسمیه و انتساب بسیاری از شهرها و اماکن ایران به اسطوره‌ها و اشخاص یونانی، سامی و مغولی است. پژوهش کنونی بر پایه روش توصیفی- تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی وجه‌تسمیه‌ی بحث‌برانگیز شهر قاین و عنوان ولایت آن، قهستان، می‌پردازد. بررسی تاریخ جابجایی کرسی قهستان، تغییر نام این ولایت و نقاط عطفی که موجب شکوفایی یا زوال و در عین حال عامل تغییر کرسی یا نام آنجا بوده، دیگر اهداف این پژوهش را تشکیل می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاکی است که برخلاف روایت‌های معمول که وجه‌تسمیه قاین را در اسطوره‌های سامی یا واژگان مغولی جستجو می‌کنند، نام آن برگرفته از خاندانی کهن ایرانی و تغییر یافته‌ی واژه‌ی کارن است. ولایت قهستان یا قوهستان نیز که معرب کوهستان است، نه به سبب قنوت متعدد، بلکه به سبب کوهستان‌ها و ارتفاع بالاتر آنجا نسبت به نواحی پیرامون، بدین نام خوانده شده است. دیگر یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اگرچه قهستان در هجوم اعراب مسلمان آسیبی

daneshyar@um.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

ویرانگر دید، اما در سده‌ی چهارم و هم‌روزگار با حاکمیت موروثی خاندان سیمجوریان، ضمن الحاق چند ولایت دیگر به آن، امنیت و ثباتی یافت که در سایه‌ی آن به شکوفایی اقتصادی و اجتماعی رسید. تغییر نام ولایت و از تداول افتادن نام قهستان نیز در آغاز دوره‌ی صفویه رخ داد که ولایت پهناور قهستان به چند ولایت کوچک تقسیم شده هر یک به نام کرسی خود شهرت یافتند. بعداً این تغییر، قائن مرکز ولایتی به همین نام شد که بیش از دو سده‌ی بعد، هم‌روزگار با نادرشاه افشار (حک. ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ق)، کرسی ولایت به بیرجند منتقل گشت و نام ولایت نیز به قائنات تغییر یافت.

واژه‌های کلیدی: قهستان، قاین، بیرجند، وجه تسمیه، اسماعیلیان، مولائیان.

مقدمه

قهستان یا قوهستان، نام مناطق متعددی در فلات ایران بوده است که مشهورترین آن‌ها بعد از اسلام، قهستان خراسان است. این ایالت عمدتاً از توابع خراسان و گاه مستقل از آن به شمار می‌رفته است. قهستان در جنوب خراسان جای داشت و مرز شرقی آن به ولایت خواف و بیابانی میان خواف، فراه و سیستان محدود می‌شد. مرز غربی آن بیابان میان فارس و کرمان، یعنی دشت کویر، حد شمالی آن ولایات نیشابور و سبزوار و مرز جنوبی قهستان، ایالت سیستان و بیابان کرمان، یعنی کویر لوت بود. کرسی این ولایت عمدتاً شهر قاین بوده است که پیشینه‌ی این شهر نیز به دوره‌ی ساسانیان یا پیش از آن باز می‌گردد. اطلاعی از وضع قهستان و قاین تا پیش از فتح آنجا به دست اعراب مسلمان به‌جای نمانده است و برای اطلاع از وضع کلی این سرزمین از جمله در مورد تاریخ شکل‌گیری و تحول سکونتگاه‌های انسانی در خاک آن‌ها، باید به داده‌های باستان‌شناسی مراجعه کرد.

این دیرینگی موجب اختصاص پژوهش‌های نسبتاً پرشمار به تاریخ این منطقه شده است که از میان آن‌ها، آن دسته از تحقیقاتی که به بررسی تاریخی عمومی قاین یا قهستان پرداخته‌اند، به وجه تسمیه آن توجه داشته و وجوه گوناگونی برای آن برشمرده‌اند.^۱ از جمله آن را دگرگون شده‌ی

۱. نظر این تحقیقات که پیشینه‌ی پژوهش حاضر به شمار می‌روند، در ادامه‌ی مقاله مورد نقد قرار گرفته است. از همین رو، در مقدمه برای جلوگیری از تکرار و درازگویی به معرفی و بررسی آن‌ها پرداخته نشده است.

واژه‌ی گاوئین یا ریشه گرفته از واژه‌ی قابیل، فرزند آدم، یا واژه‌ای مغولی دانسته‌اند که هیچ یک درست نمی‌نماید، چرا که قاین پیش از ورود اعراب و فرهنگ سامی به این منطقه، وجود داشته است. بر همین اساس تحلیل‌هایی که وجهی مغولی برای نام آن ارائه کرده‌اند نیز، درست نیست. نظر آن دسته از منابع نیز که ریشه‌ی واژه‌ی قهستان را «قَه» دانسته‌اند و وجه‌تسمیه‌ی آن را وجود قنات‌های این ولایت پنداشته‌اند نیز درست نمی‌نماید، چرا که نه وضعیت آبی این مناطق نسبت به ولایات پیرامونش تفاوتی ساختاری داشته است و نه تعداد قنات‌های این ولایت از ولایات پیرامونش بیشتر بوده است. افزون بر این، همچنان دگرگونی‌های بنیادین که منجر به شکوفایی یا زوال، تغییر نام یا جابه‌جایی کرسی ولایت شده است، مورد بحث و اختلاف است. پژوهش حاضر، نخست به بررسی وجوه تسمیه‌ی قائن و قهستان می‌پردازد و سپس با مشخص کردن نقاط عطف این ولایت، موجبات دگرگونی عمده و تغییر مکرر نام و محل کرسی آن را روشن می‌نماید.

وجه تسمیه‌ی قاین و قهستان

نخستین بار نام شهر قاین در مکتوبی به نام *شهرستان‌های ایران‌شهر* (۱۳۸۸: ۳۲، ۳۸) که متنی مربوط به دوره‌ی ساسانی است، با عنوان «کائن» آمده و سازنده‌ی آن کی‌لهراسپ، از شاهان اسطوره‌ای ایران، ذکر شده است. باین‌وصف، نظر پژوهشگرانی که واژه‌ی قاین را سامی/عربی و دگرگون شده‌ی واژه قابیل، فرزند حضرت آدم، دانسته یا آن را کلمه‌ای مغولی (به معنای بردار همسر) برشمرده و بر همین پایه‌ی وجوه تسمیه‌ی گوناگونی برای آن آورده‌اند (برای نمونه، نک. آیتی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵؛ فنودی، ۱۳۸۳: ۳۲؛ سعیدزاده، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۷؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۲۵۳، حاتمی، ۱۳۸۰: ۲۲)، صحیح نیست؛ زیرا سابقه‌ی ورود اسطوره‌های سامی/عربی به ایران به سال‌های پس از شکست شاهنشاهی ساسانی و غلبه اعراب مسلمان در دوره‌ی خلافت عمر (خلافت. ۱۳-۲۳ ق) بازمی‌گردد. حال آنکه، شاهد بالا نشان داد که تاریخ پیدایی شهر قائن به سده یا سده‌ها پیش از ورود اعراب به ایران می‌رسد. بر پایه‌ی همین تحلیل، وجوه تسمیه‌ای که قائن را واژه‌ای مغولی می‌دانند نیز درست نیست، چرا که هجوم آنان به خراسان و ورود عناصر فرهنگ مغولی به ایران از سال ۶۱۶ق فراتر نمی‌رود. همچنین گمانه‌هایی که این واژه را دگرگون

شده‌ی گاوئین (مخفف گاو آئین)، و به معنای کشاورز یا تغییر یافته‌ی کوهین به معنای کوهستانی دانسته‌اند، هیچ پشتوانه‌ای ندارد (آیتی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵؛ حاتمی، ۱۳۸۰: ۲۲).

نام کائن یا معرب شده‌ی آن، قائن یا قاین، همچون بسیاری از شهرهای ایران می‌بایست برگرفته از نام سازنده یا آبادکننده‌ی آن و بر همین مبنا دگرگون‌شده‌ی واژه کارن/کارن (معرب آن قارن) باشد. شواهد این مدعا به شرح زیر است: کارن/قارن یکی از هفت خاندان بزرگ دوره اشکانی است که قدرت و اعتبارشان تا پایان دوره ساسانی همچنان پابرجا بوده است (نک. اعظمی سنگسری، ۱۳۵۵: ۲۰۶-۲۰۷). این خاندان دست‌کم از دوره‌ی ساسانیان در جنوب خراسان و از جمله در منطقه‌ی قاین دارای نفوذ بوده‌اند (آیتی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۷). پس از فتح قهستان به دست لشکر مسلمان نیز، قارن نامی از همین حوالی و احتمالاً از خاندان قارن، با حمایت قهستانیان و اهل هرات در سال ۳۲ق بر اعراب شورید، ولی شکست خورده و در همان سال کشته شد (طبری، ۱۳۸۷ق/ج ۴: ۳۱۴-۳۱۵؛ برای روایتی متفاوت، نک. بلعمی، ۱۳۷۸/ج ۳: ۵۹۰-۵۹۱).^۱ شاهد دیگر، وجود خرابه‌های شهری باستانی به نام قارن در چهار فرسنگی جنوب غرب شهر قاین است که، گذشته از برجای ماندن بخشی از ویرانه‌های آن، کاریزی به همین نام نیز در محدوده‌ی آن شهر جاری است (آیتی، ۱۳۸۸: ۱۶؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۹۹).^۲

درباره‌ی وجه تسمیه‌ی ولایت قوهستان/قهستان می‌باید بیان نمود که، دست‌کم از دوره‌ی ساسانیان تا کم‌وبیش دوره صفویان، مناطق مختلفی در ایران به قوهستان یا قهستان موسوم

۱. جالب آنکه، قارن نام خاندانی پرنفوذ در قاین سده‌های ۷ و ۸ق بود که دست‌کم دو نسل از آن‌ها حاکم این منطقه بوده‌اند و مسجد جامع کنونی قاین را نیز فردی از همین خاندان موسوم به جمشید بن قارن که از حکام دوره تیموریان بود، در سال ۷۹۶ق تجدید بنا کرده است (نک. ادامه‌ی مقاله). افزون بر این، به گزارش میرنیا (۱۳۶۹: ۱۸۰-۱۸۱) در سال ۱۳۲۹ش طایفه‌ای موسوم به قارنی در شهر قاین وجود داشت که خود را از نسل قارن دانسته و جمشید قارن را از جمله بزرگان خود به شمار می‌آوردند، و افزون بر روایت‌های شفاهی در مورد بزرگان خود، اسنادی نیز در مورد ایشان داشتند. این شواهد می‌تواند نشانی از تداوم خاندان قارن یا نام و یاد آنان در این منطقه، از پس سده‌ها بعد از فروپاشی ساسانیان، باشد.

۲. در خراسان شاهی دیگر از تغییر نام کارن به عنوانی جدید وجود دارد. روستای کارده واقع در حدود ۴۵ کیلومتری شمال خاوری مشهد تا دوره‌ی صفویه به کارنده شهرت داشت و از آن پس به کارده تغییر یافت. گواه این موضوع جغرافیای حافظ‌ابرو (۱۳۹۹، ج ۱: ۱۵۹) است که در معرفی روستاهای بلوک رزان‌رود مشهد از این روستا با نام کارنده یاد کرده است. درویش محمد کارنده‌ی (د. ۱۰۳۷ق)، از شیوخ صوفی سلسله‌ی ذهبیه و ملقب به پیر پلان‌دوز متولد این روستا بود و شهرت او به عارف کارنده‌ی در دوره‌ی شاه عباس (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸ق) نشان می‌دهد که تا آن زمان همچنان از این روستا با نام کارنده یاد می‌شده است (نک. خاوری، ۱۳۶۲: ۲۶۳).

بوده‌اند. پهناورترین منطقه‌ی موسوم به کوهستان/ قهستان، سرزمین وسیع میانه و پیرامون رشته‌کوه زاگرس بوده است که پس از اسلام با تعریب این واژه، جَبَل و جِبَال خوانده شده و از دوره‌ی سلجوقیان تا پایان دوره‌ی قاجاریه از آن با نام عراق عجم یاد شده است (ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۹، ۵۶؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰: ۵۱۵؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۴۱۶؛ ج ۵: ۱۲۱، ۱۳۵؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۳۶۵؛ لسترنج، ۱۳۸۳: ۱۸۵). قهستان دیگر، قهستان کرمان یا قهستان ابوغانم بوده است که از وصف آن در منابع جغرافیایی مسلمانان، به‌ویژه *حدودالعالم*، (۱۳۶۲: ۳۱؛ همچنین، اصطخری، ۱۹۲۷: ۹۷-۹۸، ۱۶۲، ۱۶۴؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۳۱۲؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۱، ۴۶۷؛ حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۴۱۶؛ صفا، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۲) (۱۲۷) چنین برمی‌آید که همان جبال‌بارز امروزی واقع در جنوب شرق شهر جیرفت است.

دیگر قهستان‌های مشهور ایران عبارت بوده‌اند از: قهستان یزد واقع در جنوب شهر تفت (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۷، ۲۸۹؛ ج ۳: ۱۱۹؛ مستوفی باقعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰-۳۱، ۹۵، ۱۸۷؛ ج ۳: ۸۶، ۲۲۷، ۸۷۹؛ نائینی، ۱۳۵۳: ۳۷۹، ۷۱۰)؛ کوهستان/ قهستان واقع در شمال منطقه‌ی شروان/ شیروان که در سده‌های اخیر بخش اول این واژه به واژه‌ی ترکی داغ تغییر یافته و داغستان خوانده می‌شود (نک. حسینی قمی ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۷۹، ۳۲۱، ۳۲۳؛ ج ۲: ۶۷۶-۶۷۷، ۹۲۸)؛ قهستان قم که نام یکی از بلوکات جنوب شرقی این ولایت بوده و به روایتی، نظامی گنجوی، زاده‌ی یکی از آبادی‌های همین قهستان بوده است (قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۱، ۱۷۶، ۳۲۱؛ شیروانی، ۱۳۱۵: ۴۵۳). اما مشهورترین قوهستان/ قهستان، قهستان خراسان بوده است که نامش نسبت به دیگر مناطق موسوم به قوهستان/ قهستان ماندگاری بیشتری داشته است. از روایت منابع آشکار است که نام آنجا دست‌کم از دوره‌ی ساسانیان و نیز به هنگام هجوم مسلمانان به این ولایت، کوهستان (مغرب آن قهستان یا قوهستان) بوده است (بلعمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۶۸؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹۰).

اما برخی واژه‌ی قهستان را برگرفته از واژه‌ی قَه، قَه یا کَه و به معنای سرزمینی که آب آنجا منحصر به آب کاریز یا چاه است، دانسته و برآنند سبب نامگذاری چندین منطقه در ایران، از جمله قهستان خراسان، به سبب همین شیوه‌ی استحصال آب در این مناطق است (نک. منصور، تعلیقات بر تصحیح *اشکال العالم جیهانی*، ۱۳۶۸: ۲۲۶-۲۲۷؛ سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۷؛ لباف‌خانیک،

۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۶۷). منصورى (۱۳۶۸)، به عنوان نخستین مدعی این نظر، گواه صحت عقیده خود را این می‌داند که در منابع پیش از مغول، قهستان خراسان منحصرأً به صورت «قهستان» و نه قوهستان، ثبت شده است. اما برخلاف این ادعا، نویسندگان متعددی از جمله بلاذری (۱۹۸۸: ۳۹۰)، اصطخری (۱۹۲۷م: ۱۵۸)، ابن حوقل (۱۹۳۹م: ۴۴۶) و یاقوت حموی (۱۹۹۵م، ج ۴: ۴۱۶) از آنجا عمدتاً یا صرفاً به صورت «قهستان» یاد کرده و نویسنده *حدود العالم* (۱۳۶۲: ۹۰-۹۱) رسماً آن را «کوهستان» خوانده است. بحث زبانشناسانه‌ی لباف‌خانیکی نیز که آن را قهستان می‌خواند، به هیچ روی از سوی منابع تأیید نمی‌شود. افزون آنکه، قهستان‌های مذکور بستری عمدتاً کوهستانی و بعضاً بدون امکان حفر هیچ‌گونه کاریزی داشته‌اند.

شواهد متعدد حاکی است که عنوان کوهستان/ قوهستان یا قهستان در برابر ایراهستان/اراهستان به کار برده شده و به مناطقی مرتفع در فلات ایران اطلاق می‌شده است که در کنار آن‌ها سرزمین پست کرانه رود، دریا و یا حتی دشت‌های خشک و پست جای داشته است. مشهورترین گواه این مدعا، نامیدن سرزمین پست کرانه دو رود دجله و فرات در ایران باستان به ایراه (مغرب آن عراق)، و نهادن نام کوهستان (مغرب آن قهستان یا جبال)، به سرزمین مرتفع خاور آنجا است (نک. یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۲۹۰؛ ج ۴: ۹۴؛ لسترینج، ۱۳۸۳: ۳۵۲؛ دهخدا، ذیل مدخل ایراه). براین اساس، قهستان خراسان می‌بایست به سبب همسایگی با سرزمین پست کرانه رود هیرمند و نیز کویر لوت و دشت کویر که به ترتیب در جنوب شرق، جنوب و غرب قهستان بوده‌اند، بدین نام خوانده شده باشد.

شکوفایی و زوال قهستان: از فتح عرب تا هجوم مغول (۳۰-۶۵۴ق)

کشفیات باستان‌شناسی در نزدیک شهر قاین و از جمله آثار مکشوف در غار لکی آسپور - واقع در کمتر از ۲۰ کیلومتری شهر قاین - سابقه‌ی سکونت در آن حوالی را به چندین هزار سال پیش می‌رساند (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۱۴۹). اما چنانکه اشاره شد، اطلاعات مکتوب ما از شهر قاین از دوره‌ی ساسانی فراتر نمی‌رود. با فروپاشی ساسانیان، بنابر روایت مشهورتر در منابع دوره‌ی اسلامی، لشکر اعراب به فرماندهی احنف بن قیس در سال ۲۹ق از سمت طبرس به قهستان هجوم آورد که با ایستادگی اهالی مواجه شد. اگر روایت گشودن شهرهای قهستان به جنگ پذیرفته

شود، بی‌گمان این شیوهی فتح می‌توانست تبعاتی سخت برای آن‌ها داشته باشد. شورش قارن/کارن کمی بعد از سلطه‌ی اعراب و حمایت اهل قهستان از وی، می‌توانست به مفهوم اعتراض به همین وضع باشد که به تبع با شکست قارن از لشکریان مسلمان، شهرهای آنجا را ویران تر می‌کرد (سال ۳۲ق). خاصه که دو دهه بعد و در حدود سال ۵۱ ق، اهالی قهستان بار دیگر سر به قیام برداشتند که ربیع بن زیاد حارثی، والی وقت خراسان (حک. ۵۱-۵۳ق)، آنان را درهم شکست (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق: ۱۳۰؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۲۸۶). شاید همین موضوع موجب شده است که هیچ نامی از شهرهای قهستان و حتی شهرهای مهم آنجا یعنی قاین، تون (فردوس) و جناز (گناباد) در منابع سه سده‌ی نخست اسلامی نیابیم و نویسندگان مسلمان تا سده‌ی چهارم عنوان قوهستان/قهستان را افزون بر ایالت به مرکز آن (به احتمال بیشتر قاین) هم اطلاق کنند.

چنین به نظر می‌رسد که در همین سال‌های نخست فتح قهستان و جهت ممانعت از شورش مجدد اهالی آنجا، اعراب بکر بن وائل را در این منطقه سکونت دادند که گویا همین قضیه سرآغاز رواج زندگی کوچ‌نشینی در قهستان شده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹۰؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۵۵). اطلاق عنوان ولایت به مرکز آن نیز، از آنجا آشکار می‌شود که در توصیف کشورگشایی اعراب، از فتح شهر قهستان یاد شده و آنجا را دارای حصار و فتح آنجا را به جنگ ثبت کرده‌اند. همچنین در وصف مسیر راه میان طبس و نیشابور یا دیگر مسیرهای خراسان، بدون هیچگونه اشاره‌ای به قاین و تون و گناباد، صرفاً از قهستان یا «روستاهای قهستان» نام برده‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۲۱، ۵۲؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹۰؛ قدامه بن جعفر، ۱۴۰۱ق: ۱۷۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۳۰۱، ۳۱۴؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۲۷). این درحالی است که هم وجود آتشکده‌ای در شهر قاین که به عقیده‌ی باستان‌شناسان مسجد جامع کنونی شهر بر ویرانه‌ی آن استوار شده است (نادری، ۱۳۵۹: ۱۰۳) و هم ذکر نام کائن/قاین در کتاب *شهرستان‌های ایران‌شهر* (۱۳۸۸: ۳۲، ۳۸)، نشان می‌دهد که رونق و جایگاه این شهر در دوره‌ی ساسانی تا بدانجا بوده نام آن در کتاب مذکور آمده است. حمدالله مستوفی (۱۳۶۲: ۱۴۳-۱۴۶) در سال ۷۴۰، قهستان را شامل ۱۶ ولایت دانسته است که در نسخ باقیمانده از اثر او، اسامی و وصف آن‌ها اندکی مغشوش است و نام یکی از ولایات به درستی مشخص نیست. طبق گزارش او نام این ولایات به شرح زیر بوده‌اند: ترشیز [کاشمر

کنونی]، تون [فردوس]، تنجه [احتمالاً بجستان]، جنابد [گناباد]، دشت بیاض، برجند/ بیرجند، خوسف، شاخین/شاخن، فشارود، زیرکوه، خور، طبس مسینان، طبس گیلکی، قاین، مؤمن‌آباد [سربیشه کنونی]، منابع جغرافیایی سده‌ی چهارم نیز اگرچه به صورت دقیق نام تمام توابع این ولایت را نیاورده‌اند، اما وصف آن‌ها از حد و مرز قهستان، مؤید همین قلمرو است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۶۲-۱۶۴؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۱، ۳۲۱؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۹۰-۹۱). حافظ‌ابرو در دوره‌ی شاهرخ تیموری (حک ۸۰۷-۸۵۰)، قهستان را با اندکی تفاوت در نام توابع آن، شامل ۱۵ ناحیه به این شرح ثبت کرده است: جنابد، بیرجند، تون، زیرکوه، بجستان، نهارجان، دشت بیاض، طبس گیلکی و رقه، شاخن، فشارود، مؤمن‌آباد، ترشیز، قاین، طبس مسینا و خوسف (حافظ‌ابرو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۲۰-۱۲۵؛ قس. زمیچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۳۲۷-۳۲۸). اما چنین می‌نماید که به هنگام فتح این منطقه در سده‌ی نخست هجری تا حدود آغاز سده‌ی چهارم، برخی ولایات از جمله طبس و طریث/ ترشیز، مستقل از قهستان بوده‌اند، چرا که منابع پیش از سده‌ی چهارم، هم روایت فتح طبس و هم میزان مالیات آنجا را جدای از قهستان آورده‌اند و هم مسیر راه‌های این دو شهر را مستقل از قهستان وصف کرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۳۵، ۲۴۳؛ یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۹۵؛ بلاذری، همانجا؛ ابن‌رسته، ۱۸۹۱: ۱۰۵؛ ابن‌فقیه، ۱۴۱۶ق: ۶۱۵، ۶۲۹). ابن خردادبه (۱۸۸۹: ۳۵)، مجموع مالیات طبس را ۱۲۹۲۵۰ درهم و قهستان را ۹۱۲۳۷۷ درهم و چند دهه بعد ابن‌فقیه (۱۴۱۶ق: ۶۲۹) مالیات طبس را ۳۰۷۴۴۰ درهم و مالیات قهستان را ۷۷۸۰۸۸ درهم ذکر کرده‌اند. اما در سده چهارم، جیهانی (۱۳۶۸: ۱۷۰)، اصطخری (۱۹۲۷م: ۲۲۹، ۲۷۳)، ابن‌حوقل (۱۹۳۹م: ۴۰۳، ۴۴۶) و مقدسی (۱۴۱۱ق: ۲۴، ۳۴۱) طبس و ترشیز را جزو قهستان به شمار آورده و مقدسی (۱۴۱۱ق: ۳۴۰ پاورقی)، میزان خراج قهستان را ۹۸۷۸۸۰ درهم ثبت کرده است. باین‌وصف، چنین می‌نماید که تحولاتی سیاسی در سده‌ی چهارم موجب الحاق طبس و ترشیز به حوزه‌ی قلمرو حاکم قهستان شده است و هم‌احیا و رونقی را برای قهستان به همراه داشته است؛ چنان‌که نام و وصف شهرهای آن در سده‌ی چهارم در منابع تاریخی و جغرافیایی پیدا شده است. همچنین، براساس همین منابع، مرکز قهستان دست‌کم تا دوره‌ی سلطه‌ی مغولان شهر قاین بوده است.

آغاز شکل‌گیری قهستان بزرگ هم‌زمان با دوره‌ی حکومت سامانیان (حک. ۲۸۷-۳۹۵) بود که دوره‌ای از آرامش و شکوفایی نسبی را برای آنجا به همراه داشت؛ چه آنکه از حدود سال ۲۹۸ق که ابوعمران سیمجور به حاکمیت سیستان منصوب شد یا حداکثر در طی چند سال بعد از آن تاریخ، حاکمیت قهستان به اقطاع او درآمد. پس از وی، حکومت قهستان به صوت موروثی به فرزند او ابراهیم و بعد از او به دست ابوالحسن محمد بن ابراهیم و سپس دو فرزند محمد بن ابراهیم، یعنی ابوعلی و ابوالقاسم بن محمد رسید (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۵؛ سماعی، ۱۳۸۲ق، ج ۷: ۳۵۱-۳۵۴؛ رازپوش، ۱۳۷۷، ج ۴، ۳۷۹-۳۸۱). گواه رونق قهستان در سال‌های حاکمیت سیمجوریان، پیدایی و ذکر مکرر نام شهرهای آن در منابع جغرافیایی سده‌ی چهارم به هنگام معرفی مسیرهای ارتباطی خراسان، و وصف محصولات و عمارت‌های شهرهای قهستان است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۲۷۳-۲۷۵، ۲۸۳-۲۸۶؛ ابن‌حوقل، ۱۹۳۹: ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۲۷، ۴۵۴-۴۵۶، ۴۵۸؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۱، ۳۵۱؛ حدود‌العالم، ۱۳۶۲: ۹۰-۹۱).

وصف ساخت‌وسازهای مرکز قهستان، قاین، از جمله دارالاماره، خندق و حصار آنجا از نیمه‌ی نخست سده‌ی چهارم تا نیمه‌ی سده‌ی پنجم نیز که گواه توسعه و شکوفایی نسبی آنجا در سال‌های حاکمیت سیمجوریان است، محتملاً در نتیجه‌ی رقابت و منازعات مکرر خاندان سیمجوری با دیگر حکام تابع سامانیان فراهم آمده بود تا آنجا را پناهگاهی نیرومند برای این خاندان گرداند (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰؛ حدود‌العالم، ۱۳۶۲: ۹-۹۱؛ عتبی، ۱۳۸۴: ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۳). مسجد جامعی با ایوانی بلند و منحصربه‌فرد نیز که ناصر خسرو (۱۳۴۴: ۱۲۶) در سال ۴۴۴ق از آن به‌عنوان مهم‌ترین بنای قاین یاد کرده است، می‌بایست در همین دوره‌ی حاکمیت سیمجوریان بر قهستان ساخته شده باشد. همچنین ناصر خسرو (همان: ۱۲۵) که در همان سال از وجود ۴۰۰ کارگاه زیلوبافی و وسعت و آبادی تون در گذشته‌ای نه‌چندان دور یاد کرده است، می‌بایست مربوط به همین دوره‌ی حاکمیت سیمجوریان و در چند دهه پیش از سفر ناصر خسرو شکل گرفته باشد.

چنین می‌نماید که با سلطه‌ی غزنویان، عملاً قهستان به عنوان واحد سیاسی فروپاشید و شهرهای مختلف آن هر یک به حاکمی مستقل سپرده شد، چرا که در منابع این دوره نامی از

حاکم قهستان یا رویدادهای سیاسی قهستان در میان نیست. در همین دوره‌ی غزنویان و مشخصاً در ربیع‌الاول سال ۴۲۸ ترکمانان تازه وارد سلجوقی به شهر تون تاخته آنجا را تاراج کردند (بیهقی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۴۰). وصف ناصر خسرو (۱۳۴۴: ۱۲۶) از ویرانی بخشی از شهر تون و از بین رفتن کارگاه‌های متعدد زیلوبافی هم، می‌بایست نتیجه‌ی همین تاخت و غارت باشد. آگاهی دیگر از وضع قاین تا ربع پایانی سده‌ی پنجم، یعنی زمانی که پای اسماعیلیان به این شهر باز شد، در دست نیست، اما آشکار است که دست‌کم از سده‌ی چهارم تا نیمه‌ی سده‌ی ششم، فقها و محدثین متعدد پیرو مذاهب حنفی، شافعی و شیعه از این منطقه برخاسته‌اند که در منابع مختلف از ایشان با پسوندهای شهر مولدشان یا عمدتاً قهستانی و قاینی یاد شده است (نک. سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۳: ۱۱۲، ۳۳۴؛ ج ۱۰: ۳۱۴-۳۱۵، ۵۲۰-۵۲۳؛ سبکی، ۱۳۸۳ق، ج ۵: ۱۱-۱۲؛ ج ۷: ۵۴-۵۶؛ آیتی، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۵۲، ۱۵۸).

سلطه‌ی اسماعیلیان بر قهستان، سرآغاز دوره‌ی طولانی از ناپایداری بود. براساس منابع، نفوذ اسماعیلیه در قهستان با فرستادن حسین قاینی از داعیان حسن صباح در سال ۴۸۴ق به آنجا و سلطه‌ی او بر ترشیز آغاز شد و در سال‌های بعد در سراسر قهستان و حتی تا مؤمن‌آباد، در مرز آنجا و سیستان، گسترش یافت. منابع از جمله عوامل گسترش سریع دعوت اسماعیلیه در قهستان را ظلم حاکم سلجوقی آنجا و نیز بی‌حرمتی او به خاندان سیمجوری (خاندان حاکم بر قهستان در سده چهارم)، دانسته‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱۰: ۳۱۸؛ جوینی ۱۹۳۷، ج ۳: ۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳؛ تتوی و آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۶۲۷). موقعیت کوهستانی با استعداد ساخت دژهایی تسخیرناپذیر همچون منطقه‌ی الموت و کناره بودن آن از شهرهای بزرگی که مورد توجه بیشتر سلسله‌های وقت و مأمین لشکرهای آن‌ها بود، می‌تواند از عوامل دیگر چیرگی و تداوم حضور اسماعیلیان تا بیش از ۱۶۰ سال بر این منطقه باشد (نک. آیتی، ۱۳۸۸: ۲۷؛ فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۲-۲۱۴).

سلطه‌ی اسماعیلیان بر قهستان، به‌زودی سلجوقیان را به اعزام لشکری گران و متشکل از نیروی حکام ولایات مختلف اطراف در سال ۴۸۵ق به قاین واداشت که، به رغم سخت‌شدن کار بر اسماعیلیان، رسیدن خبر مرگ ملک‌شاه سلجوقی (حک. ۴۶۵-۴۸۵ق) موجب رها کردن کار شهربندان دژهای آنان و پراکنده شدن لشکر سلجوقیان گشت. اعزام دو لشکر از سوی سلطان

سنجر سلجوقی (حکومت بر خراسان ۴۹۰-۵۵۲ ق) نیز، یکی در سال ۴۹۴ ق و دیگری در سال ۴۹۷ ق، با کشتار و ویرانی بسیار به ویژه در منطقه‌ی قاین و طبرستان همراه بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۳۲۴، ۳۷۸؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۶۶-۴۶۷؛ فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۲، ۲۲۳-۲۲۴). این لشکرکشی‌ها چنان ویرانگر بود که علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷: ۲۴۱) از ویرانی قاین و پراکنده شدن اهل آنجا در سال‌های پایانی سده‌ی پنجم، خبر داده است. از جمله مهاجران، پزشکی حاذق به نام علی بن محمد حجازی قاینی (د. ۵۴۶ ق) بود که نخست در نیشابور و سپس در سبزوار اقامت کرد و رسائلی متعدد، به ویژه در زمینه‌ی پزشکی، نگاشت که ظاهراً هیچ یک به امروز نرسیده است. زین‌الاسلام ابوالقاسم جنید بن محمد بن علی الصوفی نیز، که براساس منابع، نام‌بردارترین عالم دینی قاین در سده‌های پیش از مغول بوده است، در همان سال‌ها به هرات مهاجرت کرد و پس از مرگش در سال ۵۴۷ ق در همان شهر به خاک سپرده شد (سمعانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۵: ۳۰۱؛ ج ۱۰: ۳۱۴-۳۱۵؛ سبکی ۱۳۸۳ ق، ج ۷: ۵۴-۵۵). مهاجرت او نیز می‌بایست تحت تأثیر استیلای اسماعیلیان بر قاین یا درگیری‌های پی‌درپی آنان با امیران سلجوقی بوده باشد.

سلطان سنجر لشکر دیگری در سال ۵۲۰ ق برای سرکوب اسماعیلیه در شمال غرب قهستان، یعنی ترشیز، فرستاد که با کشتار و تاراج گسترده‌ای در آن منطقه همراه بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۰: ۶۳۱؛ حافظ/برو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۹۲-۲۹۳؛ میرخواند، ۱۲۷۰، ج ۴: ۶۳۸، ۶۴۰؛ ۲۰۹). ۱۵ سال بعد نیز لشکری که ظاهراً از سوی سلطان سنجر فرستاده شده بود، به کشتار اهالی ترشیز در حدود یکی از روستاهای بیهق پرداخت. از فحوای کلام علی بن زید بیهقی پیداست که این منازعه جهت سرکوب اسماعیلیان آنجا بوده است. این جنگ‌ها به حدی ویرانگر بود که علی بن زید بیهقی (۱۳۱۷: ۲۴۶-۲۴۷) از ویرانی ترشیز نیز در روزگار خود خبر داده است (سال نگارش کتاب او: ۵۶۳ ق). افزون بر تاراج و کشتار ناشی از این جنگ‌ها، جوینی (۱۹۳۷، ج ۳: ۲۳۹) نیز از گریختن برخی از اهالی قهستان از سلطه‌ی اسماعیلیه و مهاجرت به نواحی دیگر، خبر داده است. آخرین اطلاع از وضع قهستان در دوره‌ی سلجوقیان مربوط به سکونت کوچ‌نشینان ترکمان در آنجاست که چالش و منازعاتی با اسماعیلیان آنجا از جمله در سال ۵۵۳ ق، داشته‌اند (نک. ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۱: ۲۳۸؛ تتوی و آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۱۶۸).

اطلاع ما از وضع قهستان در نیمه‌ی سده‌ی ششم اندک و عمدتاً در مورد چالش اسماعیلیان قهستان با همسایگانشان است. در سال ۵۷۴ق با حکام محلی سیستان درگیر جنگ شده بودند و در سال ۵۹۰ق لشکر متحد خوارزمشاهیان، غوریان و امرای سیستان به مرکز قهستان، قاین، هجوم برده، در حین شهربندان عده‌ای از اهل آنجا را کشتند، اما نتوانستند آن را بکشایند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۳۹۲؛ برای اطلاعات کلی از وضع منطقه در سده‌ی ششم و دوره‌ی حکومت اسماعیلیان، نک. فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۲۵-۲۳۷، ۲۴۲-۲۵۰). همین شهربندان حکایت از بازسازی قاین تا آن زمان توسط اسماعیلیان قاین دارد. چند سال بعد نیز سلطان تکش خوارزمشاه جهت انتقام خون وزیرش که اسماعیلیان متهم به کشتن او بودند، رسماً به لشکر خود دستور داد که به تاخت و تاراج گسترده قهستان پردازند (سال ۵۹۶ق). ظاهراً این لشکر صرفاً خساراتی به ولایت ترشیز وارد کرد و پیش از ویرانی‌های بیشتر، به سبب مرگ سلطان تکش در همان سال، آنجا را ترک کرد (جوینی، ۱۹۳۷، ج ۲: ۴۶؛ همچنین نک. تتوی و آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۵۰۵). سال بعد لشکری از غوریان با وجود پیمان صلحی که با اسماعیلیه قهستان داشتند، به جنابدا/ گناباد هجوم برده، موجب کشتار و تاراج اهالی آنجا و خاصه نابودی کامل یکی از روستاهای قهستان که همه‌ی باشندگانش متهم به اسماعیلی‌گری بودند، شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱۲: ۱۶۶-۱۶۷). سال ۶۰۰ق لشکر دیگری از غوریان، به بهانه‌ی جنگ با اسماعیلیان، قاین را شهربندان کرد. اما هنگامی که مردم آنجا از جنگ به ستوه آمده بودند، لشکر امیر غوری به سبب مسائل داخلی قلمرو خود به‌ناچار با گرفتن ۶۰ هزار دینار با اهل قاین صلح کرد و بازگشت. لیکن همین تاخت و تازهای غوریان در قهستان - به‌ویژه در تون و قاین - به حدی خسارت‌بار بود که در منابع سده‌های بعد مَثَل شده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱۲: ۱۶۶-۱۶۷، ۱۸۹؛ جوینی، ۱۹۳۷، ج ۲: ۴۹؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۰۴-۴۰۵؛ محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۱۹).

به رغم منازعات مکرر حکام اسماعیلی قهستان با سلجوقیان و خوارزمشاهیان و سلسله‌های محلی اطراف، گزارش منهاج سراج (۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۲-۱۲۳، ۱۸۲-۱۸۶) که سه بار بین سال‌های ۶۲۱ تا ۶۲۳ق به قهستان سفر کرده بود، گواه آن است که آنان قهستان را از هجوم ویرانگر مغولان در امان نگه داشته بودند. این امر بدان سبب بود که اسماعیلیان با پذیرش ایلی، خود را در برابر مغولان قرار نداده بودند و از همین رو حاکمیت آنان تا هجوم هلاکوخان بدان‌جا در سال

۶۵۴ق پایدار ماند (نک. جوینی، ۱۹۳۷، ج ۱: ۲۰۵؛ ج ۳، ص ۲۶۳؛ منهج سراج، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۲-۱۸۶؛ تتوی و آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۳۸۹۴). به گزارش منهج سراج (۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۳، ۱۸۶؛ قس نک. جوینی، ۱۹۳۷، ج ۳: ۱۳۷) که قلاع قهستان را بیش از ۵۰ قلعه دانسته است، اسماعیلیان ۷۰ قلعه در سراسر خاک قهستان داشتند و با وجود بدنامی، در دو سه سال نخست هجوم مغولان به خراسان، امیر وقت اسماعیلیان قهستان، موسوم به «محتشم شهاب منصور ابوالفتح»، عالمان و غریبان بسیاری را پناه داده به آنان کمک مالی کرده بود.

سه دهی بعد که سیاست مغولان به برانداختن اسماعیلیان و ویرانی قلاع آنان تغییر کرد، بخشی از لشکر هلاکوخان در آغاز سال ۶۵۴ق به قهستان هجوم آورد و با برانداختن اسماعیلیان، بر شهرهای آنان چیره شد و دژهای آنان را ویران کرد. اگرچه بیشتر شهرها و آبادی‌های قهستان، از جمله قاین، به سبب عدم مقاومت چندان آسیبی ندید، اما دستور قتل پیروان مذهب اسماعیلی از خان بزرگ مغول، منکوقاآن (حک. ۶۴۸-۶۵۷)، موجب کشتار گسترده پیروان این مذهب در سراسر قهستان شد، چنانکه مرکز وقت قهستان، شهر تون، به کلی ویران شد و حدود دوازده هزار تن از اهالی ولایت کشته شدند (نک. جوینی، ۱۹۳۷، ج ۳: ۱۰۲، ۲۷۶-۲۷۷؛ میرخواند، ۱۲۷۰، ج ۴: ۶۵۱؛ ج ۵، ص ۸۹۰؛ خواندمیر ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۷۹؛ تتوی و آصف‌خان قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۳۹۵۳، ۳۹۶۲). افزون بر این، لشکر مغول چندان از اهالی قهستان اسیر گرفت که به گزارش اولیاءالله آملی (۱۳۴۸: ۱۶۰، ۶) سراسر خراسان از بردگان قهستانی پر شده بود. هلاکوخان در اواخر همان سال با کمک اسیران قهستانی متبحر در دهقانی و کاریزگری کار احیای شهر خوشان/قوچان را آغاز کرد (جوینی ۱۹۳۷، ج ۳: ۱۰۵؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۸۴-۹۸۵). چنین می‌نماید که در سال‌های بعد بخشی از همین اسیران در توس، مقر مغولان در خراسان، سکونت داشتند، چنانکه در سده‌ی هشتم همچنان یکی از محلات پنجگانه‌ی شهر توس «محلای قهستانیان» نام داشت (حافظ‌ابرو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۵۸).

در عین این کشتار و تفرق گسترده، مذهب اسماعیلیه از این منطقه رخت برنست و در سده‌ی نهم همچنان برخی از اهالی قهستان، به‌ویژه مردم تون، را معتقد به این مذهب می‌دانستند (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۳۰۷). این کشتار گسترده می‌بایست زوال بیشتر آنجا را در پی می‌داشت، اما احتمالاً نابودی اسماعیلیه که با همسایگان خود درگیر جنگ و نزاع مداوم بودند،

آرامشی را به وجود آورد که زمینه‌ی احیای زودهنگام قهستان را فراهم آورد، چرا که مارکوپولو (۱۳۶۳: ۶۶) در گذر از قهستان در حدود ۶۷۱ ق، گزارشی از آنجا ارائه داده است که گواه آبادی و آسایش شهرهای آنجاست. مارکوپولو از این ولایت با نام "تون و کائن/قاین" یاد می‌کند، که از دوره‌ی سلطه‌ی اسماعیلیه، در کنار عنوان قهستان، بدین نام نیز خوانده می‌شد (محمد بن نجیب بکران، ۱۳۴۲: ۵۷، ۶۲؛ نسوی، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۱۹؛ هفت‌کشور، ۱۳۵۳: ۸۸).

رونق مجدد قهستان تا فروپاشی در دوره‌ی صفویه

تملک مغولان بر قهستان از نیمه‌ی سده‌ی هفتم و ضمیمه شدن آن به قلمرو حاکم خراسان بی‌رقیب نبود و دست‌کم از اواخر سده‌ی هفتم ملوک سیستان نیز بر سر حاکمیت بر آن با امیران مغولی رقابت داشتند؛ چنان‌که چندین بار به قهستان هجوم آورده، نهایتاً در سال ۶۹۴ ق بر قاین چیره شدند (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۴۰۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۲؛ ۱۲۲۵-۱۲۲۶، ۱۲۳۵؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۱۹: ۳۶). سلطه‌ی آنان تنها ۱۲ سال دوام داشت و در آغاز سال ۷۰۶ ق لشکر مغولان قاین را شهربندان کرد و امیر سیستانی آنجا را کشته، شهر را به حاکمیت امیر مغولی خراسان بازآورد (قاشانی، ۱۳۴۸: ۵۴). از گزارش‌های پراکنده‌ی رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳: ۲؛ ۱۲۲۶، ۱۲۳۰، ۱۲۳۴-۱۲۳۵) و قاشانی (همانجا) چنین برمی‌آید که حاکمیت قهستان پیش از سال ۶۸۷ ق در دست امیری مغولی به نام مولای بوده است و سرانجام هم او این ولایت را از سلطه‌ی شاهان سیستان بیرون آورد و حاکمیت منطقه را در خانواده‌ی خود موروثی کرد (نک. حافظ ابرو، ۱۳۹۹: ۱؛ ۴۹۱-۴۹۲؛ ج ۲: ۶۴۷-۶۴۸). تغییر محسوس دوره‌ی حاکمیت مولای و فرزندانش، که بیش از نیم‌قرن بر قهستان تداوم داشت، انتقال کرسی قهستان از قاین به جنابذ/گناباد بود (حافظ ابرو، همان: ۱۲۰).

حمدالله مستوفی که *نزهه‌القلوب* را مقارن همین سال‌ها یعنی در ۷۴۰ ق می‌نوشت، جز ویرانی شهر ترشیز و کوچک‌تر شدن تون نسبت به سده‌های گذشته، از آبادی نسبی سایر شهرهای این ولایت، خاصه قاین، سخن گفته است. به گزارش او قاین در آن زمان شهری بزرگ با باره‌ای استوار و دارای چند کاریز روان در زیر شهر بود، چنانکه بیشتر خانه‌هایش سرداب داشتند. او محصولات

قهبستان را عمدتاً غله و میوه و زعفران و ابریشم دانسته و تنها در وصف قاین از مردمش نیز سخن رانده و آن‌ها را سپاهی و دارای ابزار جنگی وصف کرده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۳-۱۴۶). احتمالاً این خوی جنگندگی میراثی از سال‌های چیرگی اسماعیلیان بوده است که در طی بیش از یک سده و نیم در فرهنگ آنان ریشه دوانده بود.

با فروپاشیدن حکومت ایلخانان در ۷۳۶ ق، مدتی قارن نامی، از بومیان منطقه، به استقلال بر نیمه‌ی جنوبی قهبستان به مرکزیت قاین حکم راند، لیکن به زودی حکام موروثی قهبستان یعنی مولائیان که در آن زمان به آئین اسلام درآمد بودند، آنجا را بازستاندند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۰۸، ۳۲۱-۳۲۲، ۳۴۵؛ فریومدی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۴۵؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲، ۶۳، ۷۳؛ میرخواند، ۱۲۷۰، ج ۵: ۹۷۶-۹۷۷). حاکمیت خاندان مولای نیز چندان پایدار نماند و سرانجام در پی منازعات مکرر با حاکمان هرات موسوم به آل کرت (حک. ۶۴۳-۷۸۳ ق)، قهبستان در سال ۷۵۹ ق به تصرف آنان درآمد، امیر مولائی کشته شد و مولائیان برفتادند. نزدیک به دو دهه‌ی بعد از سلطه‌ی آل کرت بر قهبستان، پای تیمورلنگ (حک. در خراسان، ۷۸۱-۸۰۷) به خراسان و قهبستان باز شد و با تسلیم امیر کرت، قهبستان هم اگرچه با مقاومت و ویرانی ترشیز، ضمیمه‌ی قلمرو تیمور شد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۲۲؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۲۴؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۷۲، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۹۹-۳۰۱؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷۱، ۲۶۷؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۲۱-۲۳).

با سلطه‌ی تیمور، بار دیگر مرکزیت قهبستان به قاین بازگشت (نک. حافظ‌ابرو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۳۱). خاندان قارن نیز که دست‌کم دو برادر از ایشان به نام قارن و جمشید در نیمه‌ی نخست سده‌ی هفتم دارای شهرتی در قاین بودند و مدتی حکومت آنجا را در دست داشتند، قدرت و نفوذ خود را چنان حفظ کرده بود که با سلطه‌ی تیمورلنگ بر قهبستان، فرزند قارن پیش‌گفته، یعنی جمشید بن قارن (د. ۷۰۵) و فرزندش علی، از سرداران تیمور گشته و به حکومت ولایاتی در شمال ایران منصوب شدند (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۹۳؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۴۲). مسجد جامع قاین از سوی همین جمشید بن قارن در سال ۷۹۶ ق از نو ساخته یا بازسازی شده است (مشکور، ۱۳۴۵: ۵۷). این موضوع می‌تواند نشان از حاکمیت او یا خاندانش بر قاین در سال‌های حکومت تیمور لنگ نیز باشد.

انتقال پایتخت تیموریان در دوره‌ی حکومت شاهرخ تیموری (حک. ۸۰۸-۸۵۰ق) از سمرقند به هرات بر اهمیت و آبادی قهستان افزود، زیرا همسایگی با پایتخت حکومت هم رونق محصولات آنجا و هم گسترش سواد و مدنیت را برایش به همراه داشت، چنان‌که به‌صورت مشهود بر تعداد عالمان و اشخاص این منطقه نسبت به سده‌های گذشته و یکی دو سده‌ی بعد افزوده شد (برای آگاهی از برخی از شخصیت‌های قهستانی مقارن دوره‌ی تیموریان، نک. آیتی، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۲۴۴، ۲۵۱-۲۶۳). عدم انعکاس وضع قهستان در منابع دوره‌ی تیموریان، می‌تواند گواه آرامش سیاسی آنجا در نیمه‌ی نخست سده‌ی نهم باشد. تنها آگاهی که در سال ۸۵۵ق حاکمیت قهستان به مرکزیت قاین در دست فردی موسوم به مولانا احمد یساول و در سال ۸۷۴ق در دست امیر شیخ زاهد طارمی بوده است که در همین سال لشکر ترکمانان آق‌قویونلو از سمت کرمان به قاین هجوم آورده، ضمن کشتن حاکم آنجا، در ولایت قهستان و از جمله شهر قاین نیز کشتار و ویرانی بسیار کردند. اما حاکمیت آنان پایدار نبود و قهستان تا پایان دوره‌ی تیموریان در قلمرو این حکومت باقی ماند (اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل، ۱۳۵۶: ۵۷۳، اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۳۴۵-۳۴۴؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۴۳، ۱۴۷).

منابع آب قهستان تقریباً منحصر به به چاه و قنات بود و رودی دائمی نداشت. به سبب باران اندک و منابع آبی مختصر، آبادی‌های آن فاصله‌ای بسیار از هم داشت. ساختمان‌های قهستان نیز ساده‌تر از سایر مناطق خراسان و عمدتاً گلی بود (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰-۱۷۱؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۲۷۴-۲۷۵؛ ابن‌حوقل، ۱۹۳۹: ۴۴۷؛ مقدسی، همانجا؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۴۱۶). به‌تبع همین محدودیت منابع آب و کشاورزی، صنایع‌دستی در قهستان رونق یافته بود تا بخشی از معیشت ساکنانش از این راه تأمین شود. گواه این موضوع گزارش منابع سده‌ی چهارم از تولید و صادرات پارچه و لباس، به‌ویژه از دو شهر قاین و تون، و بافت فرش، پلاس و زیلو در قهستان است (جیهانی ۱۳۶۸: ۱۷۱؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۱، ۳۲۴، ۴۸۱؛ ناصرخسرو، ۱۳۴۴: ۱۲۵). انتقال پایتخت در دوره‌ی شاهرخ تیموری به شهر هرات، با ایجاد بازار مصرفی بزرگ، می‌توانست رونق بیشتر صنایع‌دستی این منطقه را در پی داشته باشد چرا که زمیچی اسفزاری (۱۳۳۸، ج ۱:

۳۲۷) در نیمه‌ی سده‌ی نهم پوشش غالب اهل هرات را از منسوجات قهستان دانسته و از منسوجات آنجا ملّه و خودرنگ^۱ را نام برده است.

اما وضع قهستان در سده‌ی دهم دگرگون شد. حاکم آنجا یکی از شاهزادگان تیموری به نام سلطان حسین میرزا بود که ازبکان در سال ۹۱۳ق بر هرات، پایتخت تیموریان، سلطه یافتند و به تبع با فروپاشی این سلسله، قهستان نیز به دست ازبکان افتاد. اگرچه سلطه‌ی آنان دوامی نداشت و سه سال بعد، با شکست از صفویان، قهستان جزو قلمرو ایشان شد، لیکن به گزارش منبعی از ازبکان، این ایالت به همراه خراسان، مقارن روزگار شاه تهماسب صفوی (حک. ۹۳۰-۹۸۴ق)، متناوباً و برای چندین سال جزو قلمرو ازبکان بوده است (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۶۹، ۳۸۶، ۵۴۰؛ قطغان، ۱۳۸۵: ۲۲۴-۲۲۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۷۷). به هر صورت، سقوط تیموریان چند دگرگونی عمده را در وضع قهستان در پی داشت: نخستین تغییر انتقال پایتخت کشور به غرب ایران بود که قهستان را از همسایگی پایتخت و مواهب آن محروم کرد. تغییر دوم تاخت و تاراج مکرر ازبکان و ترکمانان از آغاز سلطه‌ی صفویه تا اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار (حک. ۱۳۱۳-۱۲۶۴) در خاور ایران بود که عاملی مضاعف در پراکندگی جمعیت و زوال این نواحی و از جمله قهستان شد. تغییر سوم، فروپاشی قهستان به عنوان یک واحد سیاسی است. پس از سلطه‌ی صفویان بر شرق ایران، قهستان به چند بخش با نام «ولایت قاین»، «ولایت ترشیز»، «ولایت جنابد»، «ولایت طبس»، «ولایت تون» و گاه با الحاق یکی از این ولایات به دیگری به نام «ولایت تون و طبس» یا «ولایت تون و جنابد» تقسیم و حاکمیت هر یک از آنها به یکی از امرای قزلباش سپرده شد (برای نمونه نک. خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴: ۵۴۰، ۵۵۳؛ تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۱۱، ۲۶، ۵۴؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۷۷، ۵۹۱، ۶۰۸، ۶۲۶، ۶۸۰، ۶۹۸). اگرچه پس از این تا دوره‌ی قاجاریه گاه در برخی منابع عمدتاً در اشاره به ولایت قاین آنجا را قهستان نیز خوانده‌اند (برای نمونه، نک. جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۵، ۴۵۹، ۴۹۸، ۵۳۰، ۵۹۱، ۷۳۹؛ میرخواند و

۱. ملّه نوعی پارچه بافته شده از پنبه خاکی‌رنگ است که رنگ طبیعی آن حفظ شده رنگ‌آمیزی نمی‌شود. خودرنگ به هر چیزی از قبیل محصولات چوبی، فلزی یا پارچه‌ای گفته می‌شود که دارای رنگ طبیعی است نه مصنوعی. پارچه‌ی خودرنگ پارچه‌ای پنبه‌ای یا پشمی بود که از پنبه‌ی زردرنگ یا پشم قهوه‌ای یا خاکی‌رنگ بافته می‌شد (تغتنامه دهخدا، ذیل مدخل ملّه و خودرنگ).

هدایت، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۸۴، ۶۲۷، ۶۳۰)، اما این نام دیگر رسمیت نداشت و شهرهای تابع آن هر یک ولایتی مستقل شده بودند. امیران ولایات تازه تشکیل شده از میان سران قزلباش برگزیده می شد که کار اصلی آنان حفاظت از منطقه در برابر هجوم مکرر ازبکان بود.

زوال قاین و مرکزیت یافتن بیرجند

قاین خاکی گسترده تر و توابعی بیشتر از سایر ولایات برآمده از خاک قهستان داشت، اما از وضع آن مقارن روزگار صفویه جز اطلاع از نام برخی از والیان قاین و گزارش از وقوع زلزله‌ای در سال ۹۵۶ق که به تخمین منابع موجب مرگ سه هزار تن در پنج روستای قاین شده است، نداریم (نک. اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۴۰، ۲۱۵، ۲۹۵؛ ج ۲، ص ۴۵۵؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۹۵، ۴۶۸، ۵۶۴-۵۶۵، ۵۹۱؛ اسامی امیران قاین نیز نک. خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۴: ۵۵۳؛ حسینی قمی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۳۴، ۴۴۰؛ ج ۲، ص ۷۹۴؛ اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۳۰۳؛ ج ۲: ۴۰۳، ۴۵۶، ۴۸۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۵، ۶۵۰). با وجود این آشکار است که تاخت و غارت ازبکان قضیه‌ی پایدار خاور ایران در این سده بوده است و ولایت قاین نیز نمی توانست بی تأثیر از این رخدادها باشد. سرانجام نیز با هجوم ازبکان در سال ۹۹۹ق - که خاور کشور را به اشغال آنان درآورد - قاین برای هشت سال ضمیمه‌ی قلمرو ازبکان شد. شکست آنان در جنگ رباط پریان^۱ در ۱۰۰۷ق بار دیگر آنجا را به قلمرو صفویان بازگرداند (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۲: ۴۵۷، ۴۸۹، ۵۶۲، ۶۲۰؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۹۴، ۷۳۹، ۷۴۶). پس از این جنگ، دست کم جنوب خراسان از تاخت و تاز ازبکان نسبتاً ایمن ماند و احتمالاً همین موضوع فرصت ساخت و سازی را در این منطقه، از جمله تعمیر مسجد جامع قاین را در دو بازه‌ی زمانی و نیز ساخت مسجد و حمامی در یکی از روستاهای بزرگ ولایت قاین به نام فنود را فراهم ساخت (نک. فنودی، ۱۳۸۳: ۱۷۱؛ در مورد مسجد جامع قائن، نک. سام خانیانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۱-۶۷). همین آرامش نسبی مانع انعکاس اخبار قاین تا سال‌های پایانی پادشاهی صفویه در

۱. نام جنگی میان شاه عباس بزرگ و دین محمدخان ازبک در سال ۱۰۰۷ق در منطقه‌ی رباط پریان، واقع در غرب هرات، که به پیروزی شاه عباس انجامید. این پیروزی تاخت و غارت ازبکان در خاک خراسان را برای چند دهه متوقف کرد (الله‌باری، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۴۳۶-۴۳۷).

منابع موجود شده است. تنها مشخص است که از دوره‌ی صفویه با ورود صنایع دستی ایران از جمله صنعت قالی بافی به بازارهای جهانی، از قالی قاین و شهرت آن برای نخستین بار در منابع یاد شده است (رازی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۸۶۵).

افزون بر این، نخستین بار در سال ۹۹۶ ق از خاندان خزیمه و بزرگ ایشان امیرعلم خزیمه، یاد شده است که در ولایت قاین دارای شهرتی بود و ظاهراً حاکمیت بخشی از جنوب ولایت (احتمالاً منطقه‌ی سربیشه) را از سال‌های حکومت شاه طهماسب (حک. ۹۳۰-۹۸۴) در دست داشت. کار جوانمردانه‌ی میرعلم در گمراه کردن لشکر سنگین ازبکان برای حفظ سیستان از تاخت و غارت آنان که به قیمت جان‌ش تمام شد، نمی‌توانست از سوی دولت صفویه بی‌پاداش و در آینده‌ی بازماندگانش بی‌تأثیر بماند (سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۵۹، ۲۶۷).

۱. پیشینه‌ی خاندان علم تا پیش از حاکمیت آنان بر قانات چندان روشن نیست. چنانکه اشاره شد، نخستین بار ملک‌شاه سیستانی (۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۸) از شخصیتی ساکن قهستان به نام «میرعلم خزیمه» ذیل وقایع سال ۹۹۶ ق یاد کرده است. حدود ۱۵۰ سال بعد از او، آثار دوره‌ی افشاریه از «میراسماعیل خان عرب خزیمه» (د. ۱۱۵۵) و فرزند او میرعلم خان (مقتول ۱۶۷ ق) به عنوان سرداران نادرشاه افشار، اهل قاینات و حاکمان آن منطقه، یاد کرده‌اند. مجتهدزاده بدون هیچ سند و تحلیل قانع‌کننده‌ای و ظاهراً تنها به سبب تشابه اسمی، خاندان خزیمه را از نسل خازم بن خزیمه تمیمی (د. حدود ۱۵۳ ق)، از سرداران خلافت عباسی و ساکن خراسان دانسته و با گزاره‌هایی غیرمستند خازم را نه عرب بلکه ایرانی و مهاجر از بحرین معرفی کرده و به تبع خاندان خزیمه را ایرانی فارس‌زبان دانسته است (مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۱۳). اما برخی قرائن نشان می‌دهد که خاندان خزیمه اصلی سیستانی داشته‌اند که مقارن آشفتگی ایالت سیستان در دوره‌ی شاه تهماسب صفوی (حک. ۹۸۴-۹۳۰ ق) و سلطان محمد خدابنده (۹۸۶-۹۹۶ ق)، به جنوب خراسان کوچ کرده‌اند (در مورد این آشفتگی‌ها و مهاجرت سیستانیان، نک. دانشیار، ۱۳۹۷: ۶۹۶/۲۵-۶۹۸). شواهد این مدعا به شرح زیر است: سردار ازبک، شاهم قورچی، پس از تسخیر مرکز وقت خراسان، هرات، با لشکر دوازده هزار نفری جهت غافلگیری حاکمان سیستان نه از راه مستقیم و معمول یعنی مسیر اسفزار، بلکه شتابان از مسیر شرق قهستان در ۹۹۶ ق راهی سیستان شد. او در قهستان میرعلم خزیمه (مقتول ۹۹۶ ق) را وادار به همراهی و راهنمایی لشکر خود برای رفتن به سیستان و تسخیر آنجا کرد (ملکشاه سیستانی، ۲۶۷). انتخاب میرعلم به عنوان راهنمای لشکر ازبکان بدان مفهوم است که میرعلم در جنوب قهستان و بر سر راه سیستان، یعنی حدود سربیشه، ساکن بوده و آشنایی کامل با جغرافیای سیستان داشته است. شاهد دیگر، اقدام میرعلم خزیمه در فدا کردن جان خود در راه حفظ سیستان و به ویژه حاکمان محلی آنجا، ملوک سیستان، از هجوم ازبکان است. این آشنایی کامل و این تاوان سنگین مهم‌ترین گواه بر سیستانی بودن اوست. سومین شاهد، اطلاع ما از مهاجرت دو ایل لالویی / لالوی و نخعی / نخعی از سیستان مقارن روزگار شاه سلطان حسین صفوی (حک. ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) به ولایت تون و طیس در جنوب خراسان است. این دو ایل که در منابع ظاهراً به اشتباه عرب اما فارس‌زبان معرفی شده‌اند (طهرانی، ۱۳۸۳: ۱۲۰، ۱۵۹؛ محمدی خمک، ۱۳۷۸: ۴۹۵-۴۷۸)، نخست از حامیان اصلی ملک محمود سیستانی (مقتول ۱۱۳۹ ق) در دوره سلطه‌ی او بر تون و طیس و بعداً مشهود بودند. اما بعد از قتل ملک محمود، زبردست و دست‌کم تا زمان قتل میرعلم خان (مقتول ۱۱۶۷ ق) به همراه ایل خزیمه، مهم‌ترین حامیان خاندان خزیمه بودند (نک. استرآبادی، ۱۳۷۷: ۸۱۵؛ گلستانه، ۱۳۵۶: ۶۶؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶:

منابع موجود از میانه‌ی سال‌های حکومت شاه عباس اطلاعاتی از قاین و خاندان علم ارائه نمی‌دهند تا آنکه آثار دوره‌ی افشاریه خبر از سلطه‌ی ملک محمود سیستانی در ۱۱۳۴ ق بر قاین و سپس منازعه‌ی نماینده‌ی او با افغانان و نادر افشار بر سر حاکمیت آنجا مقارن یورش افغانان به اصفهان، داده‌اند. بر پایه‌ی همین منابع، سرانجام پس از سال ۱۱۳۹ ق قاین به تصرف نادر افشار درآمد و او پیش از سال ۱۱۴۴ حاکمیت آنجا را به یکی از نوادگان میرعلم خزیمه، به نام اسماعیل خان (د. حدود ۱۱۵۵) سپرد. او هم‌زمان از فرماندهان نادر نیز به شمار می‌رفت (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۲، ۱۷۹؛ مروی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۸، ۱۶۸-۱۶۹، ۲۰۰). ظهور اسماعیل خان خزیمه در عرصه‌ی رقابت‌های سیاسی قاین نمی‌توانست یکباره رخ داده باشد. قدرت او که بر سپاهیان ولایت قاین و تون استوار بود، بی‌گمان از همان دوره‌ی صفویه روبه‌افزایش گذاشته بود. مهم آنکه از دوره‌ی حاکمیت همین اسماعیل خان خزیمه، نام ولایت قاین یک‌بار دیگر تغییر یافت و این بار به قاینات مشهور شد (محمدکاظم مروی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۰۵-۲۰۷). مرکز این ولایت نیز از قاین به آبادی بزرگ و روبه‌رشدی در جنوب این ولایت به نام بیرجند انتقال پیدا کرد که منابع سال این انتقال را مشخص نکرده‌اند (برای گمانه‌هایی در مورد سبب انتقال مرکزیت، نک. Bellew, 1874: 305؛ اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۳۱۳؛ آرام‌جو، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۴). اسمیت، مأمور انگلیسی تعیین مرز بلوچستان ایران با هندوستان، که در سال ۱۸۷۱/۱۲۸۸م از قاینات گذشته بود، بر پایه‌ی گفته‌ی اهالی قاین، انتقال مرکز آنجا را صراحتاً مربوط به سال‌های حاکمیت اسماعیل خان خزیمه (د. حدود ۱۱۵۵ ق) و در دوره‌ی حاکمیت نادر افشار دانسته است (Smith, 1876: 341).^۱ درستی این گزارش اسمیت را شواهد متعدد تأیید می‌کند: تغییر عنوان ولایت از قاین به قاینات در همان دوره‌ی نادر افشار، نخستین شاهد است چرا که صرفاً با خارج شدن مرکزیت از شهر قاین، تغییر نام ولایت ضرورت پیدا می‌کرد. شاهد دیگر، ساخت مدرسه‌ی معصومیه و وقفی به این مدرسه توسط امیر معصوم خان، فرزند اسماعیل خان، در همان روزگار افشاریه در آبادی بیرجند است

۱۱۴-۲۴۰). همراهی این دو ایل با خاندان خزیمه نمی‌توانست بدون پیشینه‌ی مشترک فرهنگی و سیاسی آنان که در بستر جغرافیایی واحد امکان تحقق داشت، صورت گرفته باشد.

۱. بلو، مأمور انگلیسی همراه اسمیت، در تعیین مرز مذکور معتقد است که مرکز قاینات در دوره‌ی نادرشاه به بیرجند منتقل شده، ولی او به اشتباه حاکم وقت قاینات را میرعلی ثبت کرده است (نک. Bellew, 1874: 305).

که خود نشان از عزم امیران خزیمه در تبدیل آنجا به محلی درخور مرکزیت ولایت دارد (آیتی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). سرانجام آنکه در سال‌های حکومت فتحعلی‌شاه قاجار نیز، از بیرجند به‌عنوان مرکز ولایت قاینات و یکی از مهم‌ترین شهرهای خراسان یاد می‌شد (Fraser, 1825: Appendix B, 20؛ شیروانی ۱۳۱۵: ۱۴۳؛ خاوری، ۱۳۸۰: ۱۴).

انتقال کرسی از قائن به بخش جنوبی ولایت، شهر قاین را در برابر عوامل ناامنی خراسان بی‌پناه‌تر کرده، آشکارا از اهمیت و آبادی آن کاست و آنجا را به شهر دوم ولایت قاینات تبدیل کرد. قاین و توابعش در بیشتر دوره‌ی قاجاریه همچون بیشتر خاک خراسان، میدان تاخت‌وتاز مکرر ازبکان و ترکمانان از مسیر شمال یا هجوم بلوچ‌ها از جنوب و افغانان از شرق بود. اگرچه هجوم گهگاه افغانان و بلوچ‌ها به هنگام آشفتگی‌های داخلی ایران تا برآمدن حکومت پهلوی همچنان تداوم داشت (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۳۱۳؛ آیتی، ۱۳۸۸: ۱۱۳، ۱۲۳؛ دانشیار، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۵، ۵۰، ۱۹۱)، اما قرارداد آخال در ۱۲۹۹ق که رسماً شمال خراسان را از ایران جدا و سلطه‌ی روسیه تزاری بر آنجا را تأیید می‌کرد، به هجوم ازبکان و ترکمانان به این بخش از خراسان خاتمه بخشید. همین موضوع زمینه‌ی رشد و رونق نسبی شهرهای این بخش از خراسان و از جمله قاین را نیز فراهم آورد (دانشیار، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۰۰، ۱۱۹-۱۲۲).

تغییر بعدی منطقه، هنگام تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ش رخ داد که طبق آن با تشکیل شهرستان بیرجند در دی‌ماه آن سال، عنوان قائنات حذف شده و قاین یکی از پنج بخش این شهرستان به شمار رفت. در ۱۳۲۸ش بار دیگر تغییراتی در تقسیمات این شهرستان صورت گرفت که براساس آن قاین، با ۵۰۰۷ تن جمعیت، به شهر ارتقا یافت. سرانجام، با تشکیل شهرستانی با مرکزیت شهر قاین در بهمن ماه ۱۳۵۸ش، نام قائنات احیا گشته و عنوان این شهرستان شد (رزم‌آرا، ۱۳۲۹، ج ۹: ۷۰، ۲۹۲).

نتیجه‌گیری

منابع دوره‌ی اسلامی و پژوهش‌های پیشین وجه تسمیه قاین را به اسطوره‌های سامی پیوند زده یا آن را واژه‌ای مغولی قلمداد کرده‌اند. اما شواهد ارائه شده در این پژوهش نشان داد که قائن در منابع مربوط به دوره‌ی ساسانی کائن خوانده می‌شد و دگرگون شده‌ی واژه کارن است. کارن عنوان خاندانی برجسته در ایران پیش از اسلام بود که در مناطق مختلف کشور و از جمله در حدود قهستان دارای نفوذ بوده و احتمالاً خود سازنده یا آبادکننده‌ی شهر قاین نیز بوده‌اند. اطلاق عنوان کوهستان به ایالات یا ولایات متعددی در ایران پیش از اسلام که همگی بستری کوهستانی داشته‌اند نیز، نشان می‌دهد که عنوان این ولایت هم، قطعاً برگرفته از واژه‌ی کوهستان است که بعد از اسلام معرب شده، قوهستان یا قهستان خوانده شده است.

همچنین، بررسی رخدادهای سال‌های آغازین فتح این منطقه به دست اعراب مسلمان نشان می‌دهد که علت عدم ذکر نام کرسی و سایر توابع قهستان تا سده‌ی چهارم هجری، احتمالاً، مقاومت اهالی قهستان در برابر سلطه‌ی اعراب و ویرانی گسترده‌ی ناشی از آن بوده است. حاکمیت موروثی خاندان سیمجوریان بر این ولایت در دوره‌ی سامانیان (حک. ۲۸۷-۳۹۵ ق) سرآغاز احیای این منطقه، تشکیل قهستان بزرگ با ضمیمه‌شدن دست‌کم دو ولایت طبس و ترشیز و پیدایی نام توابع آن در منابع سده‌ی چهارم است. سلطه‌ی اسماعیلیه بر این ولایت در نیمه دوم سده‌ی پنجم با زدوخورد مکرر آنان با سلجوقیان و ویرانی گسترده در این ولایت، به‌ویژه در دو شهر قائن و ترشیز، همراه بود. باوجود این، سیاست اسماعیلیان در برابر مغولان آنجا را یک‌چند از تاخت و غارت آنان در امان داشت؛ از همین رو به هنگام هجوم مغولان، گذشته از حفظ امنیت ساکنان آنجا، پناهگاه گریختگان از کشتار مغولان نیز شده بود. با تغییر سیاست مغولان در آغاز تشکیل سلسله‌ی ایلخانان، قهستان عرصه‌ی تاخت‌وتاز هلاکوخان گشت که نتیجه‌ی آن کشتار گسترده به‌ویژه در شهر تون بود. باین‌حال، این ولایت با سقوط اسماعیلیه از منازعات مکرر با همسایگان خود خلاصی یافت؛ از همین رو، احتمالاً از دهه‌های بعد زمینه‌ی آبادی دیگربر آن فراهم شد، خاصه که ایلخانان برای چندین دهه حکومت آنجا را در میان خاندانی مغولی موروثی کردند. در سال‌های حکومت تیموریان موجبات دوره‌ی دوم شکوفایی این ولایت فراهم آمد، زیرا هم نفوذ خاندانی قائنی در حکومت تیموریان زمینه‌ی توجه بیشتر و جذب سرمایه به آنجا را

ممکن ساخت و هم انتقال پایتخت این سلسله از سمرقند به هرات، امتیازات اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای ولایات پیرامون آن، از جمله قهستان، به همراه آورد. اما زوال تیموریان که با انتقال پایتخت از هرات به غرب ایران همراه بود و مهم‌تر از آن خاور ایران را عرصه‌ی تاخت و غارت ازبکان و میدان منازعات مکرر آنان با سلسله‌ی صفویان کرد، قهستان را روی به ویرانی برد. سیاست صفویان در استقلال شهرهای مختلف قهستان، یکپارچگی این منطقه را نیز فروپاشاند و نام قهستان را از تداول انداخت.

آخرین تغییر مهم این منطقه، انتقال کرسی ولایت از قائن به بیرجند و تغییر دیگر بار نام ولایت از قاین به قاینات در آغاز حاکمیت موروثی خاندان علم بر این منطقه، مقارن سال‌های حکومت نادرشاه افشار (حک. ۱۱۴۸-۱۱۶۰ق)، بود. انتقال کرسی ولایت به بیرجند، می‌تواند ناشی از عوامل متعددی بوده باشد که محتملاً مهم‌ترین آن‌ها این دو عامل است: ریشه داشتن خاندان علم از سربیشه در نزدیکی بیرجند؛ جای داشتن آبادی بیرجند در مرکز خاک این ولایت و دوری آن نسبت به شهر قاین از مرکز ولایات دیگر حکومتگران محلی و رقیب منطقه، یعنی حاکمان موروثی ولایات طبس، تربت‌حیدریه و هرات. نهایتاً آنکه، انتقال کرسی به بیرجند موجب برآمدن این آبادی و تبدیل آن به شهری نسبتاً بزرگ و تنزل اهمیت و جایگاه قاین به شهر دوم این ولایت شد.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

آرام‌جو، علی (۱۳۸۹). *بررسی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ولایت قائنات در دوره قاجاریه* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی)، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸). *تاریخ رویان* (تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: شرکت سهامی چاپ.

ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۹م). *صوره الارض* (به کوشش جی. اچ کرامر). لیدن: بریل.

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله (۱۸۸۹م). *المسالك و الممالک* (چاپ دخویه). لیدن: بریل.

ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۱). *الاعلاق النفیسه* (چاپ دخویه). لیدن: بریل.

ابن‌فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *البلدان* (تحقیق هادی یوسف). بیروت: عالم‌الکتب.

استرآبادی، میرزامهدی (۱۳۷۷). *جهان‌گشای نادری*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اسکندربیک ترکمان منشی (۱۳۵۰). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تهران: امیرکبیر.

اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل (۱۳۵۶). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷م). *المسالك و الممالک*. لیدن: بریل.

اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه اعتصام‌الملک* (به کوشش منوچهر محمودی).

تهران: چاپخانه فردوسی.

اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۵۵). *قاروند یا سوخرائیان*. *بررسی‌های تاریخی*، ۱۱ (۳)، ۲۰۱-

۲۴۴.

الله‌یاری، حسین (۱۳۹۳). *رباط‌پریان*. *دانشنامه جهان اسلام* (زیر نظر غلامعلی حدادعادل)، ج ۱۹.

تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

بکران، محمد بن نجیب (۱۳۴۲). *جهان‌نامه* (مقدمه محمدمامین ریاحی). تهران: ابن‌سینا.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت: دار؛ مکتبه الهلال.

بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸). *تاریخ‌نامه طبری* (تصحیح محمد روشن). تهران: سروش.
 بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۱۷). *تاریخ بیهقی* (تصحیح احمد بهمنیار). تهران: کتابفروشی فروغی.

بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۴). *تاریخ بیهقی* (به کوشش خلیل خطیب رهبر). تهران: مهتاب.
 پازوکی طرودی، ناصر، و شادمهر، عبدالکریم (۱۳۸۴). *آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی*. تهران: میراث فرهنگی.

تاریخ سیستان (۱۳۶۶). (به تصحیح محمدتقی بهار). تهران: پدیده خاور.
تاریخ قزلباشان (۱۳۶۱). (به اهتمام میرهاشم محدث). تهران: بهنام.
 تتوی، قاضی احمد، و قزوینی، آصف‌خان (۱۳۸۲). *تاریخ الفی* (به تصحیح میرهاشم محدث). تهران: علمی و فرهنگی.

جنابدی، میرزابیگ (۱۳۷۸). *روضه الصفویه* (به کوشش غلام‌رضا طباطبایی مجد). تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

جوینی، علاءالدین عظاملک (۱۹۳۷ م). *تاریخ جهانگشای* (به تصحیح محمد قزوینی). لیدن: بریل.
 جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم* (ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب). مشهد: به نشر.

حاتمی، حسین (۱۳۸۰). *جغرافیای شهرستان قاینات*. مشهد: آستان قدس.
 حافظ‌ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ‌ابرو* (مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی). تهران: میراث مکتوب.

____ (۱۳۸۰). *زبده‌التواریخ* (مقدمه، تصحیح و تعلیقات سیدکمال حاج‌سیدجوادی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

____ (۱۳۹۹). *جغرافیای حافظ‌ابرو، بخش خراسان* (مقدمه و تصحیح علی آل‌داود). تهران: انتشارات محمود افشار.

حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲). (به کوشش منوچهر ستوده). تهران: طهوری.
 حسینی منشی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۶). *تاریخ احمد شاهی*. تهران: عرفان.

حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلچی نظام‌شاه* (تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

حسینی‌قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین حسین (۱۳۸۴). *خلاصه‌التواریخ* (تصحیح احسان اشراقی). تهران: دانشگاه تهران.

حمدالله مستوفی (۱۳۶۲). *نزهة القلوب* (به اهتمام گای لسترنج). تهران: دنیای کتاب.

خاوری، اسدالله (۱۳۶۲). *ذهبیه، تصوف علمی - آثار ادبی*. تهران: دانشگاه تهران.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین* (تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خلیفه بن خیاط، ابوعمر (۱۴۱۵ق). *تاریخ* (تحقیق نجیب فواز). بیروت: دارالکتب العلمیه.

خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر* (زیر نظر محمد دبیرسیاقی). تهران: خیام.

دانشیار، مرتضی (۱۳۹۴). *تحولات سیاسی و اقتصادی - اجتماعی خراسان در دوره قاجاریه* (۱۳۳۲-۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰-۱۹۱۴) (رساله دکتری، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی)، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دانشیار، مرتضی (۱۳۹۷). *سیستان، دانشنامه جهان اسلام* (زیر نظر غلام‌علی حدادعادل)، ج ۲۵. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.

رازپوش، شهناز (۱۳۷۷). *بنوسیمجور، دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

رازی، امین‌احمد (۱۳۴۰). *هفت‌اقلیم* (به تصحیح و تعلیق جواد فاضل). تهران: علمی.

رجبی، نجیب‌الله (۱۳۸۴). *تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات*. تهران: شهر آشوب.

رزم‌آرا، حسینعلی (۱۳۲۹). *فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادی‌ها)*، ج ۹. تهران: چاپخانه ارتش.

— (۱۳۱۹). *تاریخ مبارک غازانی* (به اهتمام کارل یان). هرتفورد: اوستین.

زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* (به تصحیح و تعلیقات سید محمد کاظم امام). تهران: دانشگاه تهران.

سام خانیانی، علی اکبر، برزگر، خدیجه، زارعی، علی، محمودی نسب، علی اصغر (۱۴۰۲). معرفی و تحلیل کتیبه‌های مسجد جامع قائن. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، سال ۱۸ (۲)، ۵۳-۹۴.

سبکی، تاج‌الدین ابی‌نصر عبدالوهاب بن علی (۱۳۸۳ق). *طبقات الشافعیه الکبری* (محقق: محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد الحلو). قاهره: دار إحياء کتب العربیه.

سعیدزاده، محسن (۱۳۷۱). *دائرةالمعارف قاین*. قم: بی‌نا.

سلطانی، سعید (۱۳۸۷). *جستاری در بازشناسی قلاع قهستان*. بیرجند: میراث فرهنگی.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین* (به اهتمام عبدالحسین نوایی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲ق). *الأنساب* (به تصحیح و تعلیق عبدالرحمن المعلمی الیمانی). حیدرآباد: دائرةالمعارف العثمانیه.

سیستانی، ملک‌شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین (۱۳۸۳). *احیاءالملوک، تاریخ سیستان تا عصر صفوی* (به اهتمام عبدالحسین نوایی). تهران: علمی و فرهنگی.

شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱). *مجمع الانساب* (به تصحیح میرهاشم محدث). تهران: امیرکبیر.

شهرستان‌های ایرانشهر، *نوشته‌ای به زبان فارسی میانه* (۱۳۸۸). (با آوانویسی و یادداشت‌های تورج دریایی. ترجمه شهرام جلیلیان). تهران: توس.

شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۱۵). *بستان‌السیاحه*. تهران: کتابخانه سنایی.

صفا، عزیزالله (۱۳۷۳). *تاریخ جیرفت و کهنوج*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم والملوک* (تحقیق محمد أبو‌الفضل ابراهیم). بیروت: دارالتراث.

طهرانی، محمدشفیع (۱۳۸۳). *مرآت واردات*. تهران: میراث مکتوب.

ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). *سلجوقنامه*. تهران: کلاله خاور.

عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۸۴). *ترجمه تاریخ یمینی* (تصحیح جعفر شعار و ترجمه جرفاذقانی). تهران: علمی و فرهنگی.

فرقانی، محمدفاروق (۱۳۸۱). *تاریخ اسماعیلیان قهستان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
فَردی، عبدالحسین (۱۳۸۳). *تاریخ قاینات (مرآت المکنونات فی تاریخ القاینات)* (به اهتمام محمود رفیعی). تهران: هیرمند.

قاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). *تاریخ اولجایتو*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
قدامه بن جعفر (۱۴۰۱ق). *الخراج و صناعه الکتابه*. بغداد: دارالرشید.

قطغان، محمدیار بن عرب (۱۳۸۵). *مسخرالبلاد (تصحیح نادره جلالی)*. تهران: میراث مکتوب.
قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ قم (ترجمه حسن بن علی قمی)*. قم: مرعشی نجفی.
گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳). *زین الاخبار (تصحیح و تحشیه
عبدالحی حبیبی)*. تهران: دنیای کتاب.

گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین (۱۳۵۶). *مجمل‌التواریخ (به کوشش محمدتقی مدرس رضوی)*.
تهران: دانشگاه تهران.

لباف‌خانیک، رجب‌علی (۱۳۸۸). *قنات منشأ نام و موجب دوام گناباد و قهستان*. پاز، ۲ (۵)، ۱۶۵-
۱۷۲.

لسترنج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی خلافت شرقی (ترجمه محمود عرفان)*. تهران: علمی و
فرهنگی.

مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرهای مارکوپولو*. (ترجمه رامین گلبانگ). تهران: کوشش.
مجته‌زاده، پیروز (۱۳۸۷). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران* (ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی
نوری). تهران: شیرازه.

محمد بن ابراهیم (۱۳۴۳). *سلجوقیان و غز در کرمان (به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی)*.
تهران: نشر علم.

محمدی‌خمک، جواد (۱۳۷۸). *نخی‌ها و لالویی‌ها چه کسانی هستند؟ ماتیکان سیستان (مجموعه
مقالات سیستان شناسی)*. مشهد: واژیران.

مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). *عالم‌آرای نادری*. تهران: زوآر.
مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵). *جامع مفیدی*. تهران: اساطیر.

مشکور، محمدجواد (۱۳۴۵). *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*. تهران: دنیای کتاب.

مقدسی، أبو عبدالله محمد (۱۴۱۱ق). *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*. القاهره: مکتبه مدبولی. منهج سراج، ابو عمر عثمان (۱۳۶۳). *طبقات ناصری* (تصحیح عبدالحی حبیبی). تهران: دنیای کتاب.

میرخواند، محمد بن خواندشاه (۱۲۷۰ق). *روضه الصفا*. تهران: دارالطباعه خاصه جدیده. میرنیا، سید علی (۱۳۶۹). *ایلها و طایفه های عشایری خراسان*. مشهد: دانش. نادری، بقرات (۱۳۵۹). *مسجد جامع قاین*. *مجله اثر*، (۱)، ۱۰۳-۱۰۷. ناصر خسرو، ابومعین حمیدالدین (۱۳۴۴). *سفرنامه* (تصحیح محمد دبیرسیاقی). تهران: طهوری. نائینی، محمدجعفر (۱۳۵۳). *جامع جعفری* (تصحیح ایرج افشار). تهران: انجمن آثار ملی. نسوی، محمد (۱۳۸۴). *سیرت جلال الدین منکبرنی* (تصحیح مجتبی مینوی). تهران: علمی و فرهنگی.

نشریه اسامی عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری (۱۳۹۳). تهران: وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفا ناصری* (تصحیح جمشید کیانفر). تهران: اساطیر.

هفت کشور یا صور الاقالیم (۱۳۵۳). (تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۳). *جامع التواریخ* (تصحیح و تحشیه محمد روشن). تهران: میراث مکتوب.

یاقوت حموی، ابو عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. بیروت: دارصادر.

یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷). *ظفرنامه*. (تصحیح سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی). تهران: مجلس شورای اسلامی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۲۲ق). *البلدان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- Bellew, H. W.(1874), *From the Indus to the Tigris: A narrative of a journey through the countries of Balochistan, Afghanistan, Khorassan and Iran in 1872*. London: Trübner & Co .
- Fraser. J. B. (1825). *Narrative of a journey into Khorasan in the years 1821-2*. London: Longman.
- Smith, E. (1876).The Perso- Afghan mission, 1871-72. *Eastern Persia, an account of the journeys of the Persian Boundary Commission*, Vol. 1. London: Macaillan & Co.

The Role of Electronic Human Resource Management in Organizational Entrepreneurship and Organizational Effectiveness, Mediated by Organizational Agility among Employees of Shahid Chamran Hospital, Ferdows

Ahmad Arabshahi Karizi¹

Morteza Doroodgar²

Received: 3/10/2024

Accepted: 31/12/2024

Introduction

In today's highly competitive global landscape, the importance of innovation, flexibility, responsiveness and collaboration has become increasingly evident for the long-term success of organizations. As the pace of environmental change accelerates, organizations must adapt to new conditions, seize emerging opportunities, and foster an entrepreneurial culture to address evolving needs effectively. Information technology, as a powerful enabler, plays a crucial role in enhancing internal organizational resources, particularly human resources.

An efficient electronic human resource management (e-HRM) system, when properly implemented, can foster organizational learning and empower employees, thereby enhancing the organization's capacity for innovation. The growing demand for more effective work processes, coupled with advancements in information and communication technology (ICT), has driven the rapid development of e-HRM systems.

One of the critical capabilities required in today's competitive environment is organizational agility. An agile organization aligns its processes and workforce with advanced technologies to meet customer demands through high-quality products and services within a relatively short timeframe. However, despite significant advancements in ICT, the adoption and provision of electronic services remain limited in organizations across developing countries, including our own.

1. Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran
aarabshahi@pnu.ac.ir

2. Master's in Human Resource Management, Payame Noor University, Tehran, Iran
morteza22125@gmail.com



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

This study explores the benefits and advantages of e-HRM systems, highlighting their impact on key components such as organizational agility, entrepreneurship, and effectiveness. By examining these factors, the research aims to shed light on how e-HRM can contribute to improved organizational performance in dynamic and competitive environments.

Research Method

This applied study aims to address organizational needs and improve overall performance and optimization. Methodologically, it is a descriptive-survey study. The research's statistical population consists of 200 employees from Shahid Chamran Hospital in Ferdows. Using the Morgan table, a sample size of 127 was determined. Participants were selected through simple random sampling, and a questionnaire was distributed to them for completion. In the study's analytical model, e-HRM serves as the predictor variable, while organizational entrepreneurship and organizational effectiveness are the dependent variables. Organizational agility is included as the mediating variable. To measure these variables, standard questionnaires were employed: Firouzi's e-HRM Questionnaire (2015), Robbins and Coulter's Entrepreneurship Questionnaire (1989), Sharifi and Young's Organizational Agility Questionnaire (2000), and Eidi et al.'s Organizational Effectiveness Questionnaire (2012).

The validity of the questionnaires was established through expert review by professors. Reliability was assessed using Cronbach's alpha, resulting in the following coefficients: e-HRM (0.92), Organizational Entrepreneurship (0.87), Organizational Effectiveness (0.85), and Organizational Agility (0.93), all indicating high internal consistency. These values confirmed the reliability of the instruments. After collecting the completed questionnaires, the data were analyzed using PLS (version 4) in two stages: descriptive and inferential analysis. Descriptive statistics were presented in tabular format to characterize the sample. Subsequently, structural equation modeling with path analysis was employed to empirically test the research hypotheses.

Findings and Conclusion

The main objective of this study was to examine the role of e-HRM in organizational entrepreneurship and organizational effectiveness, where organizational agility acted as a mediating factor. To achieve this, two main hypotheses and five sub-hypotheses were formulated and tested. The results of the first hypothesis test revealed that organizational agility does not mediate the relationship between e-HRM and organizational entrepreneurship. Similarly, the results of the second hypothesis test indicated that organizational agility does not mediate the relationship between e-HRM and organizational effectiveness.

For the third hypothesis, the analysis showed that the direct effect of e-HRM on organizational entrepreneurship was 0.57, indicating a moderate and statistically significant relationship. For the fourth hypothesis, the direct effect of e-HRM on organizational effectiveness was found to be 0.43, also reflecting a moderate and statistically significant relationship. The results of the fifth hypothesis test indicated that the significance level for the effect of e-HRM on organizational agility was greater than 0.05, meaning that this relationship was not statistically confirmed. The sixth hypothesis test revealed that the effect of organizational agility on organizational entrepreneurship was 0.26, indicating a weak but statistically significant direct relationship. The seventh hypothesis test showed that the effect of organizational agility on organizational effectiveness was 0.49, reflecting a moderate and statistically significant direct relationship.

To successfully implement e-HRM, managers should utilize electronic systems for various functions, such as recruitment, training, payroll, and employee evaluations. Achieving organizational effectiveness requires systematic efforts from both managers and employees to ensure that organizational goals are met at a satisfactory level. Additionally, fostering organizational entrepreneurship and cultivating an entrepreneurial culture should be prioritized. Conditions must be created to enable all individuals within the organization to take on entrepreneurial roles, encouraging creativity and innovation. Lastly, organizational agility should be developed to allow the organization to adapt effectively to changing environmental conditions and navigate the process of growth and development.

Keywords: Electronic Human Resource Management, Organizational Entrepreneurship, Organizational Effectiveness, Organizational Agility.

References

- Aflakifard, H., Nikfarjam, S., & Ghalehnoei, M. (2020). Rabeteḥ karafarini sazemani va chaboki sazemani ba mianjigari modiriat danesh (mord motaleh: ostadan daneshkadeh fani pesaran marvdasht) [The relationship between organizational entrepreneurship and organizational agility with knowledge management mediation: The case of Professors of Marvdasht boys' technical college]. *A New Approach to Educational Management*, 11(4), 263–278. [In Persian]
- Aghaei, M., & Aghaei, R. (2014). Eraeh olgouye mafhoomi chaboki sazemani [Presenting a conceptual model of organizational agility]. *Journal of Technological Development*, 10(39), 37–43. [In Persian]
- Ahammad, M. F., Glaister, K. W., & Gomes, E. (2020). Strategic agility and human resource management. *Human Resource Management Review*, 30(1), 100700.
- Alborathy, A., Masmoudi, F., & Ismael, F. (2024). The relationship between organizational agility and strategic entrepreneurship: An analytical research in some companies at the Ministry of Agriculture in Iraq. *Journal of Economics and Administrative Sciences*, 30, 38-55.
- Alqarni, K., Agina, M. F., Khairy, H. A., Al-Romeedy, B. S., Farrag, D. A., & Abdallah, R. M. (2023). The effect of electronic human resource management systems on sustainable competitive advantages: The roles of sustainable innovation and organizational agility. *Sustainability*, 15(23), 16382.
- Aminbeidokhti, A., Mohmadi Hoseini, S., & Hoseinpoor, O. (2016). Rabeteḥ karafarini sazemani ba chaboki sazemani: Azmoon naqsh mianji taahod sazemani (mord motaleh: karkonan daneshgah Semnan) [The relationship between organizational entrepreneurship and organizational agility: Testing the mediating role of organizational commitment: A case study of employees of University of Semnan.]. *Higher Education Letter*, 9(35), 135–155. [In Persian]
- Asgari, A. (2020). *Mabani karafarini sazemani* [Fundamentals of organizational entrepreneurship]. [Paper presentation] Third International Conference on Dynamic Management, Accounting, and Auditing. Saleh Higher Education Institute, Tehran. [In Persian]
- Bahadori, S., Abdollahnia, H., Maleki, S., & Bagheri Tanha, M. (2021). Barresi rabeteḥ karafarini sazemani ba chaboki sazemani dar sharkathaye danesh bonian [Investigating the relationship between organizational entrepreneurship and organizational agility in knowledge-based companies]. *Journal of Economics, Occupation and Work*, 11(23), 65–73. [In Persian]
- Bahadorifard, A., & Rasooli, R. (2020). Barresi rabeteḥ bein modiriat menabe ensani elektroniki, chaboki va asarbakhshi sazemani dar sazmanhaye zirmajmueh vezarat ertebatat va fanavari etlaat [The relationship between electronic human resource management, agility, and organizational effectiveness in organizations under the Ministry of Communications and Information Technology]. *Iranian Journal of Information and Communication Technology*, 12(45–46), 159–184. [In Persian]
- Bakhshi, S., Jamshidi, M., & Hoseinpoor, M. (2021). Barresi tasir modiriat manabe ensani elektroniki bar karafarini sazemani ba naqsh mianji pazirsh sistemhaye

- etlaati [The impact of electronic human resource management on corporate intrapreneurship with the mediating role of information systems acceptance]. *Public Administration Research*, 14(51), 253–278. [In Persian]
- Eidi, H., Ramezanezhad, R., Uosefi, B., Sajadi, S., & Malek Akhlagh, E. (2012). Tarahi model asarbakhshi sazemani bar asas roikard arzeshhayi reghabati [Designing an organizational effectiveness model based on the competitive values approach]. *Journal of Sports Management and Movement Behavior*, 1(14), 15–30. [In Persian]
- Farzi, H., Abbasi, H., & Zardoshtian, S. (2015). Tabeen rabeteh hoosh sazemani va chaboki sazemani ba karafarini sazemani dar vezart varzesh va javanan Iran [Explaining the relationship of organizational intelligence and organizational agility with organizational entrepreneurship in Ministry of Sport and Youth of Iran]. *Sports Management*, 7(5), 713–729. [In Persian]
- Hamidianpour, F., Esmailpour, M., & Firouzi, H. (2017). Barresi tasir abad modiriat menabe ensani elektronik bar eijad chaboki sazemani (mord motaleh: bankhaye shahar Booshehr) [Investigating the impact of electronic human resource management dimensions on creating organizational agility: A case study of Banks in Bushehr]. *Management Tomorrow*, 16(52), 219–234. [In Persian]
- Karunarathna, T. D., & Nanayakkara, N. W. O. K. D. S. P. (2020). Impact of electronic human resource management on employee job performance in multinational entities in Colombo District, Sri Lanka. *Proceedings of the International Conference on Business & Information (ICBI) 2020*, 403–418.
- Kordjezi, Z., Samadi, A., & Sharifzadeh, F. (2021). Barresi moalfehhayeh chaboki sazemani va erbebat an bar asarbakhshi sazemani [Investigating the components of organizational agility and its relationship to organizational effectiveness]. *Quarterly Journal of Global Challenges*, 3(2), 108–116. [In Persian]
- Maghsoodloo, S., Fallah, Z., Behlakeh, T., & Askari, A. (2021). Azmoon model naghsh mianji chaboki va noavari sazemani dar rabeteh elli sarmayeh fekri ba karafarini sazemani dar vezart varzesh va javanan [Testing the mediating role of organizational agility and innovation in the causal relationship between intellectual capital and organizational entrepreneurship in the Ministry of Sports and Youth]. *Strategic Studies of Sports and Youth*, 52, 151–167. [In Persian]
- Moosavi Moheb, S., & Shahandeh Aghdam Sari Ghah, Z. (2021). *Barresi avamel moasar bar asarbakhshi sazeman* [A study of factors affecting organizational effectiveness]. The 6th International Conference on Innovation and Research in Educational Sciences, Management, and Psychology. Tehran: International Center for Sustainable Development Seminars of Islamic World Sciences. [In Persian]
- Nyathi, M., & Kekwaletswe, R. (2024). Electronic human resource management (e-HRM) configuration for organizational success: Inclusion of employee outcomes as contextual variables. *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 11(1), 196–212.
- Poorkiani, M., Amiri, A., & Azarpoor, F. (2013). Barresi rabeteh hooshe hayejani va karafarini sazemani dar karkonan daneshgah aluom pezeshki va khadamat

- behdashti darmani Kerman [Investigating the relationship between emotional intelligence and organizational entrepreneurship among employees of Kerman University of Medical Sciences and Health Services]. *Health and Development*, 2(3), 214-222. [In Persian]
- Qanbari, M., Fallah, V., & Zamani, F. (2016). Barresi naqsh modiriati manabe ensani elektronik bar asarbakhshi sazemani dar sazeaman amuzesh va parvareh ostan Golestan [Investigating the role of electronic human resource management on organizational effectiveness in the Golestan Province Education Organization]. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 7(1), 39-59. [In Persian]
- Qanbari, M., Fallah, V., & Zamani, F. (2018). Eraye olguye ta'sir-e modiriyaat-e manba'-e ensani-ye elektroniki bar asrbakhshi-ye sazmani dar sazman-e amuzesh va parvareh-e ostane Golestan [Presenting a model of the impact of electronic human resource management on organizational effectiveness in the Golestan Province Education Organization]. *A New Approach in Educational Management*, 9(2), 181-198. [In Persian]
- Saha, N., Gregar, A., & Saha, P. (2017). Organizational agility and HRM strategy: Do they really enhance firms' competitiveness? *International Journal of Organizational Leadership*, 6, 323-334.
- Sanatigar, H., Hadi Peykani, M., & Gholamzadeh, D. (2016). Barresi va azmoon model chaboki sazemani dar sandooagh bazneshastegi sanat naft [Investigating and testing the organizational agility model in the oil industry pension fund]. *Journal of Strategic Studies in Oil and Energy*, 8(29), 117-142. [In Persian]
- Sargazi, A., & Hoshyar, V. (2023). Shenasi va tabyin shayestegi-ha-ye modiran-e rahbordi-ye sazman-e haram-e motahhar-e astan-e qods-e razavi [Identifying and explaining the competencies of strategic managers in the organization of the Holy Shrine of Astan Quds Razavi]. *Khorasan Cultural and Social Studies*, 17(1), 35-64. [In Persian]
- Shoghi, R., Ahanchian, M., & Ghorrooneh, D. (2021). Toseh manabe ensani bar karafarini sazemani dar bongahhei sanati [Human resource development based on enterprise entrepreneurship in industrial firms]. *Journal of Transformational Management*, 13(25), 23-54. [In Persian]
- Sinaei, Z., & Manzari Tavakoli, H. (2016). *Naqsh farhang sazemani dar asarbakhshi sazemani* [The role of organizational culture in organizational effectiveness]. [Paper presentation] International Conference of Management Elite. Tehran: Shahid Beheshti University International Conference Hall [In Persian]
- Talebi, M., Ghorbani, A., & Ghasemi, K. (2024). Modiran-e gheyr-e bomi dar khorasan-e jonubi: barrasi-ye payamadha bar towse'eh-ye ejtema'i-ye mahalli va modiriyaat-e sarmaye-ye ensani [Non-local managers in South Khorasan: Examining the impacts on local social development and human capital management]. *Khorasan Cultural and Social Studies*, 3(8), 127-160. [In Persian]

- Thathsara, A. D. S., & Sutha, J. (2021). Investigating the influence of E-HRM practices on organizational performance: The mediating role of organizational agility (with special reference to financial institutions). *International Journal of Engineering and Management Research (IJEMR)*, 11(1), 1-8.
- Yazdani, N., & Yektayar, M. (2023). Naghsh tadilgari rahbari karafarinaneh dar rabete bein chaboki fekri va noavari karkonan edarat varzesh va javanan ostan Kordestan [The moderating role of entrepreneurial leadership in the relationship between intellectual agility and innovation of employees of sports and youth departments of Kurdistan province]. *Journal of Management and Organizational Behavior in Sports*, 12(11), 49–74. [In Persian]
- Zand, G., Ahghar, G., & Ahmadi, A. (2018). Rabete rahbordha-ye modiriyat-e danesh, maharat-ha-ye karafarini va tavanmandsazi-ye karkonnan ba asar-bakhshi-ye sazmani va era'e-ye olgu-ye monaseb [The relationship between knowledge management strategies, entrepreneurial skills, and employee empowerment with organizational effectiveness: Proposing an appropriate model]. *Leadership and Educational Management*, 12(3), 141–160. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی، با میانجی‌چایی سازمانی در کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس

مرتضی درودگر^۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

احمد عربشاهی کریزی^۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_212488.html

چکیده

در عصر حاضر شرایط محیطی سازمان‌ها پویا و متغیر است و دستیابی به قابلیت‌های جدیدی در سازمان‌ها چون چابکی سازمانی، کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی ضروری است. با توجه به نقش مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن در حوزه‌های مختلف، در این پژوهش در صدد هستیم تا نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی را در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی با توجه به نقش میانجی‌چایی سازمانی مورد بررسی قرار دهیم. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس است که تعداد آن‌ها به ۲۰۰ نفر می‌رسد. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان تعداد ۱۲۷ نفر تعیین که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان جامعه‌ی آماری انتخاب و پرسش‌نامه جهت تکمیل در اختیارشان قرار گرفت. جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از چهار پرسش‌نامه‌ی استاندارد استفاده شد. روایی پرسش‌نامه‌ها نیز با نظرخواهی از اساتید مورد تأیید قرار گرفت. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه‌ها ضریب آلفای کرونباخ محاسبه

aarabshahi@pnu.ac.ir

۱. گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

morteza22125@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

شد (مدیریت منابع انسانی الکترونیکی ۰/۹۲، پرسش‌نامه‌ی کارآفرینی سازمانی ۰/۸۷، پرسش‌نامه‌ی اثربخشی سازمانی ۰/۸۵ و پرسش‌نامه‌ی چابکی سازمانی ۰/۹۳) و پایایی پرسش‌نامه‌ها تأیید شد. پس از تکمیل و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار PLS 4 در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی نقش میانجی ایفا نمی‌کند. مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی (۰/۵۷) و کارآفرینی سازمانی (۰/۴۳) نقش دارد. مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در چابکی سازمانی نقش ندارد. چابکی سازمانی در کارآفرینی سازمانی (۰/۲۶) و اثربخشی سازمانی (۰/۴۹) نقش دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، کارآفرینی سازمانی، اثربخشی سازمانی، چابکی سازمانی.

مقدمه

امروزه رقابت شدید در سطح بین‌المللی، اهمیت نوآوری، انعطاف‌پذیری، پاسخ‌گویی و همکاری را در موفقیت بلندمدت سازمان‌ها آشکار کرده است. با افزایش سرعت تغییر در محیط، باید به سرعت خود را با شرایط جدید سازگار و از همه‌ی فرصت‌های جدید، بیشترین بهره‌برداری را کرد و جهت شناسایی نیازهای در حال تغییر، همواره فرهنگ کارآفرینی سازمانی را تقویت نمود. کارآفرینی سازمانی عنصر کلیدی افزایش ظرفیت نوآورانه شرکت‌ها و تحقق مزیت رقابتی است. وجود مشخصه‌هایی همچون پیچیدگی و عدم قطعیت در محیط کسب و کار امروزی می‌تواند اقدامات و روند رو به رشد سازمان‌ها را با چالش مواجه سازد. از این رو، بقا و ادامه‌ی حیات در چنین محیط رقابتی در سازمان‌ها، نیازمند انعطاف‌پذیری و افزایش ظرفیت نوآوری در سایه‌ی توسعه‌ی فعالیت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی هستند. بروز رفتارها و فعالیت‌های کارآفرینی نه تنها منجر به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای جدید می‌شود، به توسعه و معرفی محصولات، خدمات و فناوری جدید در سازمان نیز کمک می‌کند. شکوفایی کارآفرینی در سازمان، نیازمند بهبود

شرایط داخلی سازمان و هدایت کارکنان در این مسیر توسط مدیران سازمان است (بخشی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵۸).

فناوری اطلاعات در جایگاه یک توانمندساز می‌تواند موجب ارتقای سایر منابع درون سازمانی همچون نیروی انسانی شود. قابلیت‌هایی نظیر اشتراک‌گذاری سریع دانش، افزایش قدرت پردازش داده‌های مرتبط با نیروی انسانی، ایجاد امکان تعامل بیشتر میان کارکنان، آموزش ضمن خدمت الکترونیک کارکنان و ... از کاربردهای فناوری اطلاعات در سازمان جهت توانمندسازی منابع انسانی است. وجود یک سیستم کارآمد مدیریت منابع انسانی الکترونیکی با کارکرد مناسب و با توسعه‌ی یادگیری سازمانی و قدرتمند ساختن کارکنان، توان نوآوری سازمانی را بالا می‌برد. شایان ذکر است که طی سال‌های اخیر، استقرار سیستم‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در سازمان‌های ایرانی، بدون انجام مطالعات علمی، با رشد روزافزونی مواجه بوده و مطالعاتی در زمینه‌ی اجرایی شدن آن و پیامدهای آن برای افراد و سازمان‌ها صورت نگرفته است. در تمامی سازمان‌ها، چه سازمان‌های بخش خصوصی و چه بخش دولتی، ابزارهای الکترونیکی مدیریت منابع انسانی، جایگزین فعالیت‌های چهره به چهره شده‌اند، این فناوری‌ها تأثیر عمیقی بر فرآیندهای مدیریت منابع انسانی داشته و آن‌ها را به دنیای کاملاً جدیدی وارد کرده است. این نظام‌های جدید، متخصصان منابع انسانی را قادر به ارائه‌ی خدمات بهتری به ذی‌نفعان خود (مدیران، کارکنان، متقاضیان) نموده است و مرز امور اداری را تغییر داده است (بهداری فرد و رسولی، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

ویژگی این سیستم در انعطاف‌پذیری آن در سازمان‌های مختلف است و بسیاری از سازمان‌ها به تحقیقات مختلفی در این زمینه پرداخته‌اند و با ارتقای سیستم‌های منابع انسانی به اثربخشی فعالیت مدیریت منابع انسانی کمک نموده‌اند. سازمان‌ها همواره به دنبال امکاناتی برای اجرای عملیات منابع انسانی با اثربخشی بیشتر هستند. ترکیبی از نیاز به کار اثربخش‌تر از یک سو و امکانات در دسترس فناوری اطلاعات و ارتباطات از سوی دیگر، منجر به توسعه‌ی سریع سیستم‌های الکترونیکی منابع انسانی شده است. از این رو، انتظار می‌رود که معرفی مدیریت الکترونیک منابع انسانی روش کاری راهبردی‌تر و موثرتری برای متخصصان منابع انسانی باشد. چنانچه مدیریت منابع انسانی در تحقق اهداف خود موفق باشد، گفته می‌شود که مدیریت منابع انسانی

اثربخش است. پیتر دراگر^۱ معتقد است که اثربخشی - انجام دادن کارهای درست - کلید موفقیت سازمان است. اثربخشی سازمانی حدی است که یک سازمان، به عنوان یک سیستم اجتماعی، با در نظر گرفتن منابع و ابزارهای خاصی که صرف می‌کند، بدون فرسوده کردن ابزارها و منابع و بدون فشار وارد کردن بر اعضای سازمان، اهداف آن را برآورده می‌کند. در واقع سازمان زمانی اثربخش است که نتایج قابل مشاهده فعالیت‌های آن با اهداف سازمانی برابر بوده و یا بیشتر از آن‌ها باشد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰).

یکی از قابلیت‌های مورد نیاز در شرایط رقابتی امروزی چابکی و سازمان چابک است. سازمان چابک فرایندها و افراد سازمان را با تکنولوژی پیشرفته همگام ساخته و نیازهای مشتریان را براساس محصولات و خدمات با کیفیت خود و در یک قالب زمانی نسبتاً کوتاه رفع می‌کند. سازمان چابک همیشه برای یادگیری هر چیز جدیدی که باعث افزایش سودآوری ناشی از بهره‌گیری از فرصت‌های جدید می‌شود، آماده است. اگر سازمان خواهان بقا و افزایش اثربخشی خود است، باید خود را با محیط تطبیق دهد. چابکی توانایی سازمان برای تغییر است تا فرصت‌هایی را که براساس این تغییر ایجاد می‌شود مورد بهره‌برداری قرار دهد. چابکی، توانایی سازمان برای عرضه‌ی محصولات و خدمات با کیفیت بالا را ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای اثربخشی سازمان می‌شود. یکی از مزایای بهبود و افزایش سطح چابکی سازمانی پیشبرد سریع‌تر سازمان به سمت اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد (کردجری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

با وجود رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، هنوز به طور کامل خدمات الکترونیک در سازمان‌های کشورهای در حال توسعه، و از جمله کشورمان، ارائه نمی‌شود. علت این موضوع هم می‌تواند عدم آشنایی مدیران ارشد سازمان‌ها با فناوری‌های نوین و قابلیت‌های این فناوری‌ها باشد؛ لذا باید تحقیقات و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود تا مدیران به درک بهتری در این خصوص دست یابند و در جهت استفاده از فناوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف سازمان و خصوصاً مدیریت منابع انسانی اقدامات جدی‌تری انجام دهند. پژوهش حاضر با تمرکز بر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در صدد است تا اهمیت و ضرورت اجرای آن در سازمان‌ها را برای مدیران نمایان سازد. همچنین در جهت اقناع مدیران فواید و مزایای مدیریت منابع انسانی

الکترونیکی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و به مولفه‌هایی همچون چابکی سازمانی، کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی که متأثر از مدیریت منابع انسانی الکترونیکی هستند، اشاره خواهد شد. سوال‌های اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌گردد:

- آیا مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی نقش دارد؟

- آیا در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی،

چابکی سازمانی نقش میانجی دارد؟

مبانی نظری تحقیق

کارآفرینی سازمانی

در شرایط کنونی که سازمان‌ها با مسائلی چون تغییر و تحولات سریع فناوری، رقابت پیچیده، رشد سریع و تعداد رقبای جدید روبرو هستند، سازمان‌هایی می‌توانند قدرت رقابت داشته باشند که با برعهده گرفتن نقشی فعال و تأثیرگذار از کارآفرینی سازمانی که به عنوان عامل تحریک و تقویت رقابت، نوآوری و روان‌کننده‌ی تغییر و عامل تعادل در اقتصاد پویا یاد می‌شود، پشتیبانی نمایند. تعریف کارآفرینی سازمانی در طی چند دهه‌ی گذشته تکامل یافته است (بهداری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۶). کارآفرینی سازمانی فرآیندی است که طی آن سازمان با استفاده از دانش موجود به بررسی دانش جدید پرداخته و به دنبال کسب و کار می‌رود (امین‌بیدختی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۰). هدف کارآفرینی در درون سازمان فقط به کسب و کار پرمخاطره مربوط نمی‌شود بلکه گرایش‌ها و فعالیت‌های نوآورانه نظیر توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید، فناوری‌های جدید، تکنیک‌های مدیریت جدید، استراتژی‌ها و وضعیت رقابتی جدید را نیز شامل می‌شود (پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

کارآفرینی سازمانی ابزاری مهم برای افزایش و نوآوری، بازسازی سازمان‌ها و افزایش بهره‌وری است. کارآفرینی سازمانی منبع خلق دانش جدید است که به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا شایستگی‌هایی را برای ورود به بازارهای جدید و دستیابی به رشد بالاتر، ایجاد کنند. کارآفرینی سازمانی، گرایش استراتژیک است که اصلاح و تجدید محصولات، فرآیندها، خدمات و استراتژی‌ها و حتی کل سازمان را دربرمی‌گیرد. کارآفرینی سازمانی در ابعادی از قبیل نوآوری، ریسک‌پذیری

و پیشگامی مطرح شده است (بهادری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷). پویایی و پیچیدگی شرایط و محیط کسب و کار امروزی داشتن و به کارگیری رفتار و تفکرات کارآفرینانه برای همه‌ی سازمان‌ها در هر اندازه‌ای ضروری است و به عبارتی سازمان‌های امروزی بدون داشتن آن‌ها امکان دستیابی به موفقیت را نخواهند داشت. برای دستیابی به مزیت‌های رقابتی که امروز و فردای سازمان‌ها را تأمین و تضمین می‌کند، آن‌ها نیازمند نهادینه‌سازی نوآوری در درون خود هستند و این ممکن نیست جز از طریق کارآفرینی سازمانی (عسگری، ۱۳۹۹: ۳).

آنتونیک و هیسریچ^۱ با توجه به بررسی‌هایی که انجام دادند، هشت بُعد را برای کارآفرینی سازمانی برشمرده‌اند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که کارآفرینی سازمانی بایستی به عنوان یک مفهوم چندبعدی در نظر گرفته شود که در عین حال که با یکدیگر مرتبط هستند، از یکدیگر متمایز نیز هستند. این هشت بُعد عبارت‌اند از: ۱- ایجاد شرکت‌ها یا واحدهای مستقل، ۲- کسب و کار جدید، ۳- نوآوری در محصول و خدمات، ۴- نوآوری در فرآیند، ۵- خودتجدیدی، ۶- ریسک-پذیری، ۷- پیشگامی، ۸- رقابت تهاجمی.

کوارتکو، نافزیگر^۲ و همکاران معتقدند که فرایند ایجاد کسب و کار کارآفرینانه‌ی جدید، محصول تعامل عوامل مختلف است. طبق این مدل اقدام برای کارآفرینی نتیجه‌ی تعامل ویژگی‌های سازمانی و مشخصات فردی و برخی تسریع‌کننده‌ها است که با هشت گام به پیش می‌رود: ۱- ویژگی‌های سازمانی، ۲- مشخصات فردی، ۳- تسریع‌کننده‌ها، ۴- تصمیم به اقدام کارآفرینانه، ۵- برنامه‌ریزی کاری، ۶- قابلیت دسترسی به منابع، ۷- توانایی غلبه بر موانع، ۸- اجرای تفکر. تامپسون برای شکل‌گیری کارآفرینی در سازمان، پنج بعد را مورد توجه قرار می‌دهد که وجود تمامی این ابعاد برای سازمان کارآفرینانه ضروری است. این ابعاد عبارت‌اند از: کارآفرینی سخت، کارآفرینی نرم، پارادایم مخاطره‌پذیری، پارادایم خلاقیت و ارائه‌ی ایده و طرح (شوقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷-۳۰).

چابکی سازمانی

مفهوم چابکی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰م به عنوان راه‌حل جدیدی برای مدیریت یک محیط پویا و در حال تغییر ظاهر شد. تولید چابک توانایی بقا و موفقیت در محیطی رقابتی با تغییر مداوم، غیرقابل پیش‌بینی و با واکنش سریع و موثر به تغییر بازارها است که از طریق محصولات تعریف شده توسط مشتری ارائه می‌شود. سازندگان ایده‌ی چابکی در موسسه‌ی لاکاکا^۱ مستقر در ایالات متحده آمریکا، آن را به عنوان یک سیستم تولیدی با قابلیت‌هایی (فناوری‌های سخت و نرم، منابع انسانی، مدیریت آموزش دیده، اطلاعات) برای پاسخ‌گویی به نیازهای بازار در حال تغییر زیاد (سرعت، انعطاف‌پذیری، مشتریان، رقبا، تامین‌کنندگان، زیرساخت‌ها، پاسخ‌گویی) تعریف کرده‌اند (بهادری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷). همانند تولیدکنندگان، سایر سازمان‌ها و شرکت‌ها ناچار هستند که برای رقابت در قرن جدید، به دنبال چابکی باشند زیرا سازمان‌های مدرن با فشار فزاینده‌ای جهت یافتن راه‌های جدید رقابت کارآمد در بازار پویای جهان مواجه هستند. چابکی سازمانی توانایی سازمان برای عرضه‌ی محصولات و خدمات باکیفیت بالا را ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای بهره‌وری سازمان تلقی می‌شود (همان: ۶۸).

به باور شریفی و ژانگ^۲ (۱۹۹۹) چابکی به معنای توانایی هر سازمانی برای حس‌گری، ادراک و پیش‌بینی تغییرات موجود در محیط کار است. چنین سازمانی باید بتواند تغییرات محیطی را تشخیص داده، به آن‌ها به عنوان عوامل رشد و شکوفایی بنگرد. آن‌ها همچنین چابکی را توانایی فائق آمدن بر چالش‌های غیرمنتظره برای رویارویی با تهدیدهای بی‌سابقه‌ی محیط کاری و کسب مزیت و سود از تغییرات به عنوان فرصت‌های رشد و پیشرفت تعریف می‌کنند (آقایی و آقایی، ۱۳۹۳: ۳۸). ماسکل^۳ (۲۰۰۱) چابکی را توانایی رونق و شکوفایی در محیط دارای تغییر مداوم و غیرقابل پیش‌بینی تعریف کرده است. به نظر جکسون و یوهانسون^۴ (۲۰۰۳) چابکی هدف نیست، بلکه ابزاری ضروری برای حفظ رقابت‌پذیری در بازار نامطمئن و متغیر است. چابکی مبتنی بر چند قابلیت است که می‌توان آن را در سه وجه اصلی سازمان مشاهده نمود: تولید، محصول و

1. Iacocca

2. Sharifi and Zhang

3. Maskell

4. Jackson and Johansson

بازار. جکسون و یوهانسون (2003) قابلیت‌های چابکی را به چهار محور قابلیت‌های تغییر محصول، شایستگی تغییر عملیات، همکاری درونی و بیرونی و، درنهایت، کارکنان و دانش و خلاقیت تقسیم می‌کنند (حمیدیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

چابکی سازمانی توانایی یک شرکت برای پیش‌بینی، احساس و پاسخ به نوسانات در بازارهای خود به روشی است که مزیت رقابتی ایجاد کند. به طور خاص، در بازارهای نامطمئن مکرر امروزی، می‌توان گفت که چابکی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار غالب در همه‌ی دسته‌ها و حوزه‌های شرکت‌ها با هدف دستیابی به رقابت‌پذیری سازمانی عمل کند. به طور متوالی، لازم است تأکید شود که برای رقابت در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، منابع انسانی اساساً خود را تغییر می‌دهد تا عملکرد به یک محرک مهم چابکی تبدیل شود (Saha & et al., 2017: 325).

قابلیت‌های کلیدی چابکی در سازمان چهار عنصر اصلی را در بر می‌گیرد: سرعت به معنای توانایی انجام فعالیت‌ها در کم‌ترین زمان ممکن، انعطاف‌پذیری یعنی قابلیت سازگاری با تغییرات، پاسخ‌گویی به معنای توانایی تشخیص تغییرات و واکنش مناسب و استفاده از فرصت‌ها، شایستگی به معنای توانایی کسب اهداف و مقاصد سازمان (صنعتی‌گر و همکاران، ۱۳۹۵). شریفی و ژانگ^۱ (1999) معتقدند که تکنولوژی‌ها فراهم‌کننده‌ی چابکی شامل سخت‌افزار، ابزارها و تجهیزات و تکنولوژی اطلاعات می‌باشند. در سیستم‌های تولیدی گسترده، تکنولوژی اطلاعات یک نقش غالب در یکپارچه‌سازی شرکت‌های تولیدی که از نظر فیزیکی پراکنده هستند، ایفا می‌کند. جان و همکاران^۲ (2001) و ژانگ (1999)، پاسخگویی، یادگیری، انعطاف‌پذیری منابع انسانی، نوآوری را به عنوان قابلیت‌های چابکی سازمان معرفی کرده‌اند. ژانگ معتقد است چابکی با تدوین سه استراتژی عمده قابل دستیابی است: سرعت، پاسخگویی و کنش‌گرایی (حمیدیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۴).

اثربخشی سازمانی

اولین دیدگاهی که نسبت به اثربخشی ارائه شد (که احتمالاً در دهه‌ی ۱۹۵۰ م مطرح گردید) بسیار ساده بود. اثربخشی سازمانی موضوعی اصلی در نظریه‌های سازمانی است و یکی از ملاک‌های ارزیابی عملکرد سازمانی به شمار می‌رود (موسوی محب و شاهنده، ۱۴۰۰: ۱).

در ادامه، رویکردهای سنجش اثربخشی سازمانی ارائه می‌گردند:

۱. رویکرد مبتنی بر تأمین هدف^۱: برای سنجش یا اندازه‌گیری اثربخشی سازمان با استفاده از روش مبتنی بر هدف باید هدف‌های تولیدی سازمان را شناسایی و مشخص نمود و آن‌گاه میزان هدف‌های تأمین شده را اندازه‌گیری کرد.

۲. رویکرد مبتنی بر تأمین منابع^۲: در اجرای این روش به بخش مصرف (بخش ورودی) سازمان توجه می‌شود. سازمان این اقلام را از محیط می‌گیرد و وارد مرحله‌ی تبدیل می‌کند. اساس روش مزبور بر این فرض گذاشته شده است که سازمان در تحصیل و تأمین منابع مورد نیاز و نیز حفظ و نگهداری سیستم سازمانی باید موفق باشد، تا در وضعی اثربخش باقی بماند.

۳. رویکرد مبتنی بر فرایند درونی: در این روش، اثربخشی یعنی میزان سلامت و کارایی سازمان. یک سازمان کارآمد، فرایند درون سازمانی یکپارچه، بی‌دغدغه و هماهنگ دارد به گونه‌ای که کارکنان و اعضای آن احساس خوشی و رضایت می‌کنند.

۴. رویکرد مبتنی بر تأمین رضایت گروه‌های ذی‌نفع: بستانکار، عرضه‌کنندگان مواد اولیه، کارکنان و صاحبان شرکت از جمله افراد و گروه‌های ذی‌نفع هستند. در روش مبتنی بر تأمین رضایت گروه‌های ذی‌نفع تعیین میزان رضایت این گروه‌ها به عنوان شاخص عملکرد سازمان به حساب می‌آید.

۵. رویکرد ارزش‌های رقابتی: اگر خواهان درک جامعی از اثربخشی سازمانی هستیم، شناسایی همه متغیرهای کلیدی در حیطه‌ی اثربخشی و سپس تعیین اینکه چگونه این متغیرها به هم مرتبط می‌شود، ارزشمند است. رویکرد ارزش‌های رقابتی یک چنین چهارچوب منسجمی به منظور تحقق این مهم ارائه می‌دهد (کردجری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

1. Goal approach

2. System resource approach

پارسونز^۱ برای اثربخشی چهار بُعد قائل است که هر یک چهار شاخص دارد. در نتیجه، شانزده شاخص مطرح می‌شود:

سازگاری: شامل شاخص‌های قابلیت انطباق، رشد، ابتکار و توسعه.
تحقق هدف: شامل شاخص‌های موفقیت، کیفیت، کسب منابع و کارایی.
انسجام: شامل شاخص‌های رضایت شغلی، جو سالم، ارتباطات و تعارض.
مداومت: شاخص‌های وفاداری، علایق اصلی زندگی، انگیزش و هویت را دربرمی‌گیرند (سینایی و منظری توکلی، ۱۳۹۵: ۸).

مدیریت منابع انسانی الکترونیک

سرمایه‌ی انسانی مهم‌ترین دارایی در جهت توسعه است و در ارتباط مستقیم با پیشرفت و موفقیت در جامعه قرار دارد. سرمایه‌ی انسانی به مهارت‌ها، دانش، توانایی‌ها و ویژگی‌های تجسم-یافته در افراد اشاره دارد که برای جذب و نظام‌دهی دانش و هدایت نوآوری حیاتی هستند (طالبی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۶). اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های رشد و موفقیت سازمان در میان رقبا نیازمند وجود منابع انسانی متخصص و اثرگذار است. چرا که منابع انسانی دارایی اصلی و پیکره سازمان را تشکیل می‌دهند. اگر سازمانی مدیریت منابع انسانی متخصص و متعهدی داشته باشد، نتایج کاری آن سازمان اثربخش خواهد بود (سرگزی و هوشیار، ۱۴۰۱: ۳۷). در سال‌های اخیر و با توجه به رشد فناوری اطلاعات، مدیریت منابع انسانی الکترونیک در سازمان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. اصطلاح مدیریت منابع انسانی الکترونیک یا e-HRM ترکیبی از دو کلمه است. اول "e" مخفف "الکترونیک" است در حالی که اصطلاح HRM را می‌توان به عنوان "استفاده‌ی کارآمد و موثر از منابع انسانی به منظور دستیابی به اهداف یک سازمان" تعریف کرد. بنابراین اصطلاح e-HRM را می‌توان به عنوان استفاده مؤثر از عملکردهای منابع انسانی از طریق شبکه یا رسانه اینترنتی که با اهداف و مقاصد مشترک سازمان همسو هستند، تعریف نمود. بنابراین با پیشرفت سریع فناوری و ارزیابی صنعت HRM، IT اکنون به سمت مدیریت الکترونیکی منابع انسانی حرکت می‌کند. تعاریف متعددی در رابطه با مدیریت منابع انسانی الکترونیکی وجود دارد.

براساس تعاریف لدنیک هال و موریتز^۱ (2003)، مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، هماهنگ کردن عملکردهای منابع انسانی با استفاده از اینترنت است. با این بیانیه، بسیاری استدلال می-کنند که مدیریت منابع انسانی الکترونیک نوعی خدمات پشتیبانی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا فرآیند اداری منابع انسانی را به آرامی اجرا کنند. طبق گفته‌ی فیشر (2010)، مدیریت منابع انسانی الکترونیک استراتژی‌ها، سیاست‌ها و شیوه‌های منابع انسانی را براساس فناوری مبتنی بر وب پیاده‌سازی می‌کند. با دیجیتالی شدن مدیریت منابع انسانی، کارکردهای منابع انسانی از کار دستی به کار مبتنی بر اینترنت (براساس الکترونیک) منتقل شدند (Karunarathna & Nanayakkara, 2020: 406).

اصطلاح مدیریت منابع انسانی الکترونیک برای اولین بار در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰م استفاده شد؛ زمانی که "تجارت الکترونیک" دنیای تجارت را فرا گرفت. با توجه به ادبیات این موضوع، مدیریت منابع انسانی الکترونیک از سال ۲۰۰۳م گسترش یافته و پژوهش‌های دانشگاهی در مدیریت منابع انسانی الکترونیک افزایش یافته است. امروزه استفاده از فناوری اطلاعات در بخش منابع انسانی تبدیل شده است و این به نوبه‌ی خود منجر به تقویت پیاده‌سازی مدیریت منابع انسانی الکترونیک می‌شود. مدیریت منابع انسانی الکترونیک به اصطلاح چتری است که تمام مکانیسم‌های یکپارچه‌سازی ممکن و محتویات بین مدیریت منابع انسانی و فناوری اطلاعات را با هدف ایجاد ارزش در درون و بین سازمان‌ها برای کارکنان و مدیریت هدف پوشش می‌دهد. این تعریف یک رویکرد جامع به مسائل مدیریت منابع انسانی ارائه می‌دهد، می‌تواند با دقت حجم عظیمی از داده‌های چندمنبعی را در زمان واقعی مدیریت کند و مهم‌تر از همه می‌تواند با انتخاب-های استراتژیک سازمان همسو شود. علاوه بر این، سازمان‌ها به طور فزاینده‌ای به عملکرد مدیریت منابع انسانی الکترونیک برای ارائه راه‌حل‌های مدیریتی که به اثربخشی سرمایه انسانی کمک می‌کند، وابسته‌اند (Thathsara and Sutha, 2021: 2).

تأثیر فناوری اطلاعات بر مدیریت منابع انسانی را می‌توان در سه مرحله از کاربرد آن مورد بررسی قرار داد:

الف. اتوماسیون یا خودکار شدن: در این مرحله از فناوری اطلاعات به منظور مکانیزه کردن سیستم‌های دستی و کاهش نیاز به افراد برای انجام کارهای روزمره استفاده می‌شود.

ب. اطلاع‌رسانی و اطلاعات: وقتی فناوری اطلاعات، اطلاعات را ارائه می‌دهد، فراتر از مرحله‌ی خودکار شدن و اتوماسیون ظاهر می‌شود تا اثربخشی را افزایش دهد. اطلاع‌رسانی فناوری اطلاعات سطح شفافیت فعالیت‌ها، حوادث و اهداف را بالا می‌برد زیرا افراد اطلاعات بیشتر و عمیق‌تری درباره فرآیندهای اساسی تولید و اداره‌ی سازمان کسب می‌کنند و در مورد آنچه در سازمان یا واحد آن‌ها رخ می‌دهد، بیشتر می‌دانند و در این حالت فناوری اطلاعات با افزایش سطح کیفیت خدمات و کاهش زمان دسترسی می‌تواند بر جنبه‌های ارتباطی منابع انسانی تأثیر بگذارد.

ج. تحول‌آفرینی: فناوری اطلاعات شرکت را به عملیات و اقدامات تجاری جدید مجهز می‌کند و تحول‌آفرینی، خلاقیت، دانش و اطلاعات منابع اصلی سازمان می‌شود. در این بعد، فناوری اطلاعات در ابداع محصول، خدمت و استراتژیک مشارکت می‌کند، همان‌گونه که در افزایش انعطاف‌پذیری و مزیت رقابتی مشارکت دارد. در این حالت فناوری اطلاعات امکان برقراری ارتباط با فراسوی مرزهای جغرافیایی و سهیم‌شدن در اطلاعات آن‌ها را فراهم می‌کند. به عبارتی محدودیت‌های زمان و مکان حذف می‌شود؛ در نتیجه مدیران منابع انسانی با یک فرآیند جدید مواجه شده و خارج از چارچوب کنونی فکر می‌کنند و نوآوری‌های جدیدی را شکل می‌دهند (بهادری فرد و رسولی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

بیر^۱ و همکارانش نتایج چهارگانه‌ی استقرار مدیریت منابع انسانی الکترونیک در سازمان را به شرح زیر بیان می‌دارند: تعهد بالاتر: تعهد بالاتر به سطح بالایی از اعتماد میان مدیریت و نیروی کار اشاره دارد. شایستگی بالاتر: شایستگی بالاتر به قابلیت‌های کارکنان در یادگیری وظایف و نقش‌های جدید اشاره دارد. اثربخشی هزینه: مربوط به هزینه‌های مختلف نارضایتی کارکنان مانند مقاومت در مقابل تغییر و یا انحصارات است. تناسب بالاتر: مربوط به سیستم‌های پرداخت متناسب با عملکرد متفاوت است. در واقع سیستم پاداش‌دهی بر مبنای خروجی و براساس ورودی‌ها و بازدهی تعریف می‌شود (همان: ۱۶۵). مدیریت منابع انسانی الکترونیکی اجرای شیوه‌های مدیریت عملکرد چابک را که برای چابکی سازمانی حیاتی هستند، تسهیل می‌کند. شیوه‌های مدیریت

عملکرد چابک، که توسط مدیریت منابع انسانی الکترونیکی پشتیبانی می‌شود، به افزایش مشارکت کارکنان، تسریع توسعه‌ی مهارت‌ها و افزایش چابکی سازمانی کمک می‌کند (Alqarni & et al., 2023: 6).

پیشینه‌ی پژوهش

یزدانی و یکتایار (۱۴۰۲) در تحقیقی به بررسی نقش تعدیل‌گر رهبری کارآفرینانه در رابطه‌ی بین چابکی فکری و نوآوری پرداختند. نتایج نشان داد که چابکی فکری دارای رابطه‌ی قابل ملاحظه‌ای بر نوآوری سازمانی است و همچنین رهبری کارآفرینانه باعث کاهش تأثیر چابکی فکری بر نوآوری می‌شود؛ همچنین گرایش به تغییر کارکنان و هزینه‌ی ایجاد محیط فعال اثر تعدیل‌گری منفی، و چشم‌انداز استراتژیک اثر تعدیل‌گری مثبت در رابطه‌ی چابکی فکری و نوآوری دارند. بهادری و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی رابطه کارآفرینی سازمانی با چابکی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین کارآفرینی سازمانی و چابکی سازمانی وجود دارد.

کردجی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی مولفه‌های چابکی سازمانی و ارتباط آن بر اثربخشی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که چابکی سازمانی می‌تواند اثربخشی سازمان را تحت تأثیر قرار دهد و میزان تحقق اهداف سازمان را افزایش دهد. بخشی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی پذیرش سیستم‌های اطلاعاتی پرداختند. نتایج نشان دهنده‌ی تأثیر معنادار و مثبت مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر دو متغیر پذیرش سیستم‌های اطلاعاتی و کارآفرینی سازمانی است. مقصدلو و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی نقش میانجی چابکی و نوآوری سازمانی در رابطه سرمایه‌ی فکری با کارآفرینی سازمانی پرداختند. نتایج نشان داد که چابکی سازمانی نقش میانجی معنی‌داری در رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فکری و کارآفرینی سازمانی دارد.

بهادری‌فرد و رسولی (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، چابکی و اثربخشی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی و چابکی سازمانی رابطه‌ی معنادار و مثبت برقرار است. همچنین بین اثربخشی سازمانی

و چابکی سازمانی رابطه‌ی معنادار و مستقیم برقرار است. افلاکی فرد و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی رابطه کارآفرینی سازمانی و چابکی سازمانی با میانجی‌گری مدیریت دانش پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدیریت دانش در رابطه‌ی بین متغیرهای کارآفرینی و چابکی سازمانی نقش میانجی‌گری معنی‌دار ایفا می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که چابکی سازمانی و کارآفرینی سازمانی با هم ارتباط معنادار دارند. زند و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی راهبردهای مدیریت دانش، مهارت‌های کارآفرینی و توانمندسازی کارکنان با اثربخشی سازمانی و ارائه‌ی الگوی مناسب پرداختند. نتایج نشان داد که مولفه‌های اثربخشی سازمانی شامل تعهد سازمانی، سلامت سازمانی، نوآوری سازمانی و رضایت شغلی بود. بین راهبردهای مدیریت دانش، مهارت‌های کارآفرینی و توانمندسازی کارکنان و ابعاد آن‌ها با اثربخشی سازمانی همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت.

قنبری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به ارائه‌ی الگوی تأثیر مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثربخشی سازمانی پرداختند. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که چارچوب ارائه شده از پشتوانه‌ی نظری، تجربی و اعتبار کافی برخوردار است. حمیدیان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر ابعاد مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر ایجاد چابکی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده از آموزش الکترونیکی منابع انسانی، پرداخت الکترونیکی منابع انسانی، ارزیابی عملکرد الکترونیکی منابع انسانی و حفظ و نگهداری منابع انسانی و همچنین مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر چابکی سازمان تأثیر مثبت و معنادار دارند. به علاوه، تأثیر متغیرهای استخدام الکترونیکی منابع انسانی و ارتباطات منابع انسانی بر چابکی سازمان مورد تأیید قرار نگرفت. قنبری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثربخشی سازمانی گلستان پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثربخشی سازمانی تأثیر دارد. فرزی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به تبیین رابطه‌ی هوش سازمانی و چابکی سازمانی با کارآفرینی سازمانی پرداختند. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون^۱ بین هوش سازمانی و کارآفرینی سازمانی و چابکی سازمانی و کارآفرینی سازمانی مثبت و معنادار است.

نیاتی و کوالیتسو^۱ (2024) در تحقیقی به بررسی تأثیر مدیریت الکترونیکی منابع انسانی برای موفقیت سازمانی همراه با متغیرهای زمینه‌ای در بین کارکنان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین استفاده از مدیریت منابع انسانی الکترونیکی و نتایج کارکنان رابطه‌ی مثبت وجود دارد. عملکرد کارکنان و رضایت شغلی تأثیر استفاده از مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر عملکرد سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. البوراتی^۲ و همکاران (2024) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی بین چابکی سازمانی و کارآفرینی استراتژیک پرداختند. نتایج نشانگر پذیرش همبستگی و تأثیر بر مولفه‌های آن‌ها بود و به این نتیجه رسیدند که رفتارهای چابکی سازمانی به دلیل پاسخ فوری به درک تغییرات محیط از نظر بررسی فرصت‌ها، باید توسط سازمان اتخاذ شود.

القرنی^۳ و همکاران (2023) در تحقیقی به بررسی تأثیر سیستم‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر مزیت‌های رقابتی پایدار با نقش‌های نوآوری پایدار و چابکی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدیریت منابع انسانی الکترونیکی به طور مثبت با مزیت رقابتی پایدار، نوآوری پایدار و چابکی سازمانی مرتبط است. علاوه بر این، ارتباط مثبتی بین نوآوری پایدار و چابکی سازمانی و مزیت رقابتی پایدار وجود داشت. همچنین نشان داده شد که نوآوری پایدار و چابکی سازمانی واسطه‌هایی در رابطه بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی و مزیت رقابتی پایدار هستند. تاتسارا و سودا^۴ (2021) در تحقیقی به بررسی تأثیر شیوه‌های مدیریت الکترونیکی منابع انسانی بر عملکرد سازمانی با نقش میانجی چابکی سازمانی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که شیوه‌های مدیریت الکترونیکی منابع انسانی بر عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد در حالی که چابکی سازمانی رابطه‌ی بین شیوه‌های مدیریت الکترونیکی منابع انسانی و عملکرد سازمانی را میانجی‌گری می‌کند.

احمد^۵ و همکاران (2020) در تحقیقی به بررسی چابکی استراتژیک و مدیریت منابع انسانی پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که چابکی استراتژیک بر مدیریت منابع انسانی

-
1. Nyathi and Kekwaletswe
 2. Alborathy
 3. Alqarni
 4. Thathsara and Sutha
 5. Ahmmad

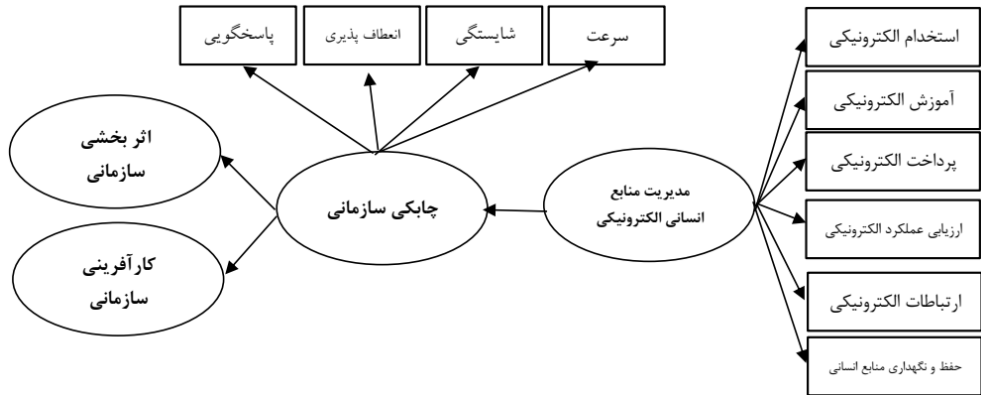
اثرگذار است و نقش و اهمیت بالایی در این زمینه دارد. کاروناراتنا و نانایاکارا^۱ (2020) در تحقیقی به بررسی تأثیر مدیریت الکترونیکی منابع انسانی بر عملکرد شغلی کارکنان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدیریت منابع انسانی الکترونیکی نقشی حیاتی در تأثیرگذاری بر عملکرد شغلی کارکنان ایفا می‌کند. همچنین مشخص شد که بین مدیریت الکترونیکی منابع انسانی با عملکرد شغلی کارکنان رابطه‌ی مثبت وجود دارد. تااثارا و سوتا^۲ (2021) تأثیر شیوه‌های مدیریت منابع انسانی الکترونیکی را بر عملکرد سازمانی با توجه به نقش واسطه‌ای چابکی سازمانی بررسی کردند.

بررسی مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش نشان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ی متغیرهای مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، چابکی سازمانی، کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی در حوزه‌ی سازمان و مدیریت دارد و تقویت آن‌ها در جامعه‌ی آماری مورد بررسی می‌تواند پیامدها و آثار شایانی را به بار آورد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های اندکی برخی از ارتباطات بین متغیرهای مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، چابکی سازمانی، کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی اشاره نموده‌اند ولی پژوهش جامعی که به صورت هم‌زمان ارتباطات بین این متغیرهای مهم را مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است؛ لذا پژوهش حاضر به بررسی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی، با توجه به میانجی چابکی سازمانی، پرداخته است.

مدل مفهومی پژوهش

پس از بررسی مبانی نظری (ادبیات تحقیق) و پیشینه‌ی نظری، مدل مفهومی پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

-
1. Karunarathna and Nanayakkara
 2. Thathsara and Sutha



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

براساس مدل مفهومی فرضیه‌های پژوهش به این شرح است:

- ۱ - چابکی سازمانی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی را میانجی‌گری می‌کند.
- ۲ - چابکی سازمانی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در اثربخشی سازمانی را میانجی‌گری می‌کند.
- ۳ - مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در اثربخشی سازمانی نقش دارد.
- ۴ - مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی نقش دارد.
- ۵ - مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در چابکی سازمانی نقش دارد.
- ۶ - چابکی سازمانی در کارآفرینی سازمانی نقش دارد.
- ۷ - چابکی سازمانی در اثربخشی سازمانی نقش دارد.

روش‌شناسی

هدف پژوهش، بررسی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی، با توجه به میانجی‌گری چابکی سازمانی کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس است. در پژوهش حاضر، نویسنده سعی کرده است موضوعی را بیان کند که نو و تازه باشد و به نتایج

جدیدی دست یابد که پیش تر وجود نداشته و بتواند به پیشبرد مرزهای علم دست یابد. محقق سعی کرده است تا پژوهش را به صورت میدانی و تجربی انجام دهد و تجزیه و تحلیل را روی داده‌هایی انجام دهد که توسط محقق جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش‌های دقیق کمی و آماری استفاده شده است و در گزارش پژوهش، اصول اخلاقی و استنادی رعایت گردیده است. مقاله‌ی حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی است چرا که در جهت رفع نیازمندی‌های سازمان و بهبود و بهینه‌سازی سازمان انجام شده است. پژوهش از نظر روش توصیفی - پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس است، شامل مسئولین واحدها، پرسنل اداری و پشتیبانی بیمارستان، که تعداد آن‌ها به ۲۰۰ نفر می‌رسد. حجم نمونه، به روش جدول مورگان، ۱۲۷ نفر تعیین شد که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و پرسش‌نامه جهت تکمیل در اختیارشان قرار گرفت.

در مدل تحلیلی پژوهش، مدیریت منابع انسانی الکترونیکی متغیر پیش‌بین، کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی متغیرهای وابسته و چابکی سازمانی متغیر میانجی می‌باشند. به منظور سنجش میزان متغیرها از پرسش‌نامه‌های استاندارد (پرسش‌نامه‌ی مدیریت منابع انسانی الکترونیک فیروزی (۱۳۹۴)، پرسش‌نامه‌ی کارآفرینی رابینز و کولتر (1989)، پرسش‌نامه‌ی چابکی سازمانی شریفی و یانگ (2000) و پرسش‌نامه‌ی اثربخشی سازمانی عیدی و همکاران (۱۳۹۱) استفاده شده است. روایی پرسش‌نامه‌ها نیز با نظرخواهی از اساتید مورد تأیید واقع گردید. جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه‌ها ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد (مدیریت منابع انسانی الکترونیکی ۰/۹۲، پرسش‌نامه‌ی کارآفرینی سازمانی ۰/۸۷، پرسش‌نامه‌ی اثربخشی سازمانی ۰/۸۵ و پرسش‌نامه‌ی چابکی سازمانی ۰/۹۳) و پایایی پرسش‌نامه‌ها تأیید شد.

پس از تکمیل و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار PLS 4 در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش توصیفی، جداول مربوط توصیف نمونه‌ی آماری ارائه می‌گردد و در بخش استنباطی نیز معادلات ساختاری و تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌های تحقیق انجام می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

در ابتدا به کمک آمار توصیفی اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه بررسی می‌شود تا با بافت کلی نمونه و وضعیت پاسخگویان آشنایی بیشتری حاصل شود. همچنین شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق از جمله میانگین، واریانس و غیره نیز مرور خواهند شد. سپس در بخش آمار استنباطی صحت و سقم هر یک از فرضیه‌های تحقیق به کمک آزمون‌های آماری بررسی خواهد شد. در ادامه، اطلاعات جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن، سابقه‌ی خدمت و میزان تحصیلات گزارش می‌شوند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌ی آماری

| سن | تعداد | درصد | جنسیت | تعداد | درصد |
|---------------------|-------|------|-----------------|-------|------|
| کمتر از ۲۵ سال | ۱ | ۰/۸ | زن | ۶۰ | ۴۸ |
| ۲۵ تا ۳۵ سال | ۵۲ | ۴۲/۶ | مرد | ۶۵ | ۵۲ |
| ۳۵ تا ۴۵ سال | ۵۳ | ۴۳/۴ | جمع | ۱۲۵ | ۱۰۰ |
| ۴۵ تا ۵۵ سال | ۱۶ | ۱۳/۲ | بدون پاسخ | ۲ | |
| جمع | ۱۲۲ | ۱۰۰ | سابقه خدمت | تعداد | درصد |
| بدون پاسخ | ۵ | | کمتر از ۵ سال | ۱۰ | ۸/۳ |
| میزان تحصیلات | تعداد | درصد | ۵ تا ۱۰ سال | ۴۲ | ۳۵ |
| دیپلم و کمتر | ۴ | ۳/۳ | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۲۹ | ۲۴/۲ |
| فوق دیپلم | ۷ | ۵/۸ | ۱۵ تا ۲۰ سال | ۲۰ | ۱۶/۷ |
| لیسانس | ۸۶ | ۷۱/۷ | بیشتر از ۲۰ سال | ۱۹ | ۱۵/۸ |
| فوق لیسانس و بالاتر | ۲۳ | ۱۹/۲ | جمع | ۱۲۰ | ۱۰۰ |
| جمع | ۱۲۰ | ۱۰۰ | بدون پاسخ | ۷ | |
| بدون پاسخ | ۷ | | | | |

با توجه به جدول ۱ ملاحظه می‌شود که ۶۵ نفر (۵۲٪) از افراد نمونه، مرد و ۶۰ نفر (۴۸٪) از آنان، زن هستند. بر اساس جدول می‌توان گفت ۴ نفر (۳/۳٪) دارای تحصیلات دیپلم و کمتر، ۷ نفر (۵/۸٪) دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۸۶ نفر (۷۱/۷٪) دارای تحصیلات لیسانس و ۲۳ نفر (۱۹/۲٪) دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند. براساس جدول اکثر شرکت‌کنندگان در تحقیق ۵ تا ۱۰ سال سابقه‌ی خدمت دارند (۳۵٪). براساس جدول، اکثر افراد ۳۵ تا ۴۵ سال سن دارند (۴۳/۴٪). کم‌ترین فراوانی نیز مربوط به گروه سنی کمتر از ۲۵ سال است (۰/۸٪).

در این بخش به بررسی و ارائه‌ی شاخص‌های توصیفی هر یک از متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود.

شاخص‌های تمرکز و پراکندگی برای اثربخشی سازمانی در جدول ۲ آمده است. بعد الگوی فرآیندهای درونی دارای بیشترین میانگین (۱۶/۶۵) و بعد الگوی روابط انسانی دارای کمترین میانگین (۱۳/۰۷) هستند. از طرفی چولگی و کشیدگی نیز بین ۲- تا ۲+ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی نرمال بودن داده‌هاست.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی اثربخشی سازمانی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|-----------------------|---------|--------------|-------|--------|
| الگوی سیستم باز | ۱۵/۸۵ | ۳/۸۲ | -۰/۰۹ | -۰/۳۵ |
| الگوی اهداف عقلایی | ۱۶/۲۳ | ۴/۱۹ | -۰/۰۸ | -۰/۱۳ |
| الگوی فرآیندهای درونی | ۱۶/۶۵ | ۴/۸۰ | -۰/۲۴ | -۰/۱۶ |
| الگوی روابط انسانی | ۱۳/۰۷ | ۵/۰۳ | ۱/۰۴ | ۰/۹۵ |

شاخص‌های تمرکز و پراکندگی برای مدیریت منابع انسانی الکترونیک در جدول ۳ آمده است. بعد ارزیابی عملکرد الکترونیکی دارای بیشترین میانگین (۱۴/۸۵) و بعد استخدام الکترونیکی دارای کمترین میانگین (۱۲/۸۵) هستند. از طرفی چولگی و کشیدگی نیز بین ۲- تا ۲+ می‌باشد که نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌هاست.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مدیریت منابع انسانی الکترونیک

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|---------------------------|---------|--------------|-------|--------|
| استخدام الکترونیکی | ۱۲/۸۵ | ۲/۷۵ | -۰/۵۸ | ۰/۶۹ |
| آموزش الکترونیکی | ۱۳/۷۴ | ۲/۹۸ | -۰/۳۳ | ۰/۰۴ |
| پرداخت الکترونیکی | ۱۳/۸۴ | ۳/۵۶ | -۰/۶۵ | ۰/۰۸ |
| ارزیابی عملکرد الکترونیکی | ۱۴/۸۵ | ۳/۱۸ | -۰/۶۸ | ۰/۴۲ |
| ارتباطات الکترونیک | ۱۴/۳۴ | ۳/۶۱ | -۰/۸۳ | ۰/۹۰ |
| حفظ و نگهداری | ۱۴/۳۱ | ۳/۵۳ | -۰/۵۶ | ۰/۲۶ |

شاخص‌های تمرکز و پراکندگی برای چابکی سازمانی در جدول ۴ آمده است. در این میان، بعد انعطاف‌پذیری دارای بیشترین میانگین (۲۷/۴۸) و بعد پاسخگویی دارای کمترین میانگین (۱۰/۳۸) هستند. سه شاخص تمرکز میانگین، میانه و مد برای این متغیرها نزدیک به هم بوده و از طرفی چولگی و کشیدگی نیز بین ۲- تا ۲+ می‌باشد که نشان دهنده‌ی نرمال بودن داده‌هاست.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی چابکی سازمانی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|--------------|---------|--------------|-------|--------|
| سرعت | ۱۲/۸۰ | ۳/۹۱ | ۰/۳۱ | ۰/۳۸ |
| شایستگی | ۲۵/۲۰ | ۶/۰۳ | ۰/۱۱ | ۱/۸۲ |
| انعطاف‌پذیری | ۲۷/۴۸ | ۷/۴۶ | ۰/۰۵ | ۰/۳۲ |
| پاسخ‌گویی | ۱۰/۳۸ | ۳/۴۷ | ۰/۳۱ | -۰/۰۳ |

شاخص‌های تمرکز و پراکندگی برای کارآفرینی سازمانی در جدول ۵ آمده است. میانگین این متغیر ۷۹/۵۴ می‌باشد. از طرفی چولگی و کشیدگی نیز بین ۲- تا ۲+ می‌باشد که نشان دهنده‌ی نرمال بودن داده‌هاست.

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی کارآفرینی سازمانی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|-------------------|---------|--------------|-------|--------|
| کارآفرینی سازمانی | ۷۹/۵۴ | ۱۰/۸۶ | ۰/۲۱ | -۰/۰۵ |

در ادامه و در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات با استفاده آمار استنباطی به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم:

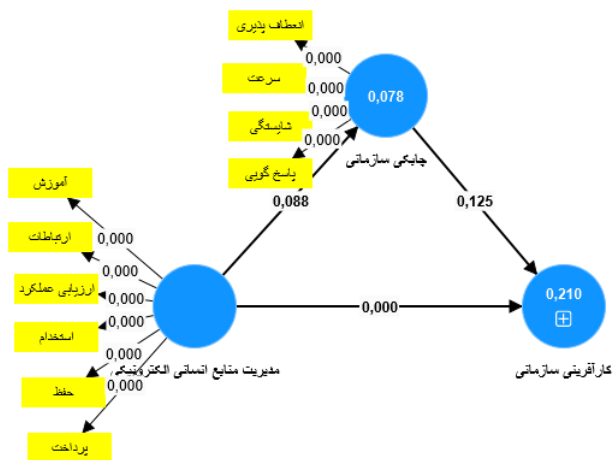
براساس فرضیه‌ی ۱ چابکی سازمانی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر است. سطح معناداری مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی و چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین چابکی سازمانی در بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی و کارآفرینی سازمانی نقش میانجی ندارد.

به منظور حصول اطمینان از نتیجه‌ی به دست آمده برای فرضیه اصلی ۱، به کمک آزمون سوبل نیز این فرضیه را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

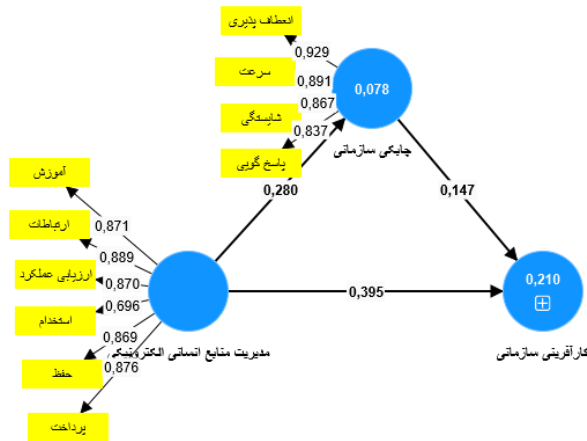
جدول ۶. نتیجه آزمون سوبل برای فرضیه‌ی اصلی ۱

| نتیجه | سطح معنی‌داری | نقش میانجی | آماره سوبل | فرضیه اصلی ۱ |
|-------|---------------|------------|------------|--|
| | | | | |
| رد | ۰/۴۶ | ۰/۰۴۱ | ۰/۷۴ | مدیریت منابع انسانی الکترونیکی ← چابکی سازمانی ← کارآفرینی سازمانی |

سطح معناداری آزمون سوبل نشان می‌دهد نقش میانجی چابکی سازمانی رد می‌شود.



شکل ۲. معناداری میانجی‌گری چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی



شکل ۳. ضرایب بار عاملی میانجی‌گری چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی

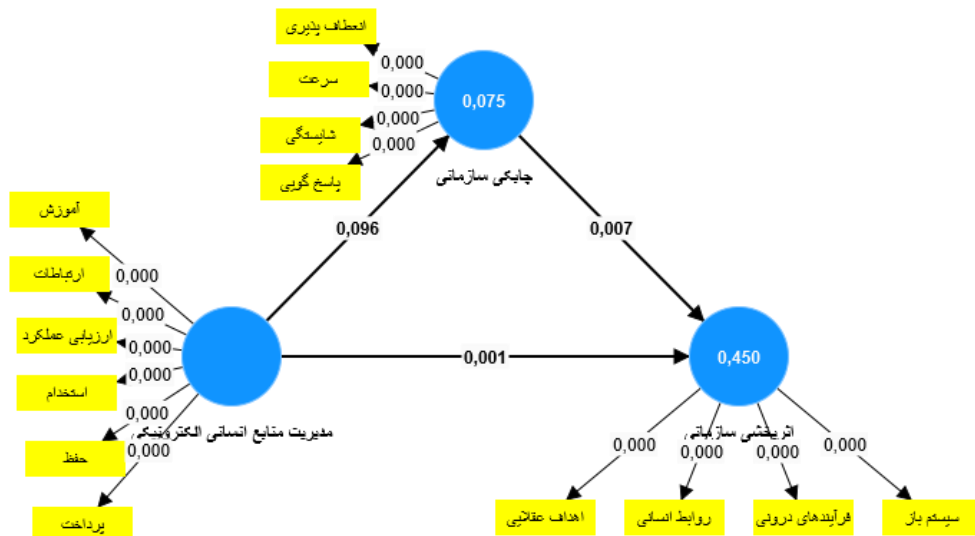
جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل

| مقدار بدست آمده | مقادیر قابل قبول (مطلوب) | شاخص |
|-----------------|--------------------------|----------------|
| ۲/۶۱ | < ۳ | کای اسکور نسبی |
| ۰/۰۸۳ | < ۰/۱ | SRMR |
| ۰/۹۱ | > ۰/۹ | NFI |
| ۰/۴۵ | < ۰/۹۵ | d-ULS |
| ۰/۳۹ | < ۰/۹۵ | d-G |
| ۰/۶۹ | نزدیک به عدد ۱ | Gof |

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقادیر بدست آمده از برازش مدل مورد قبول است و بنابراین برازش مدل تأیید می‌شود.

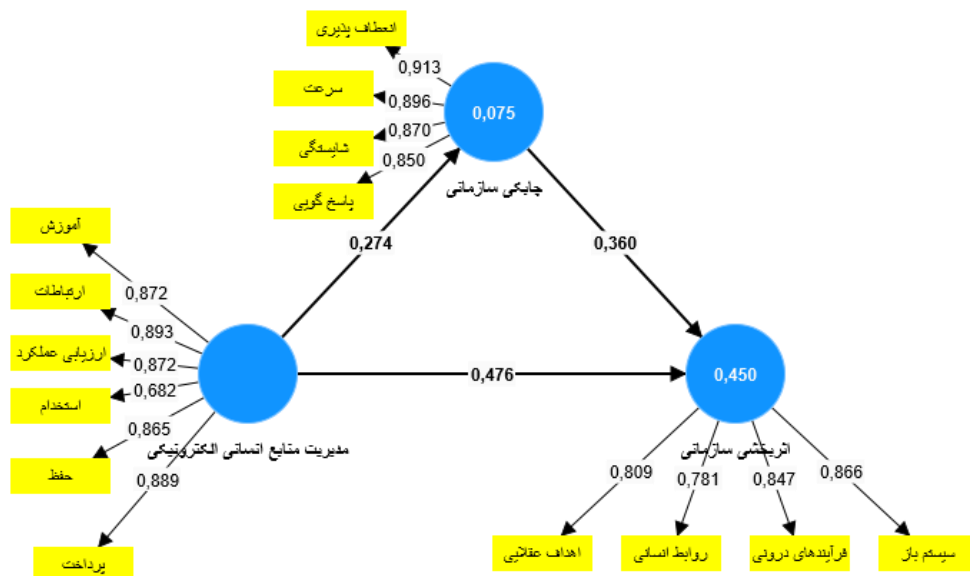
فرضیه ۲ عنوان می‌کند که چابکی سازمانی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در اثربخشی سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی و چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر است. سطح معناداری مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین

مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی با نقش میانجی چابکی سازمانی نقش ندارد.



شکل ۴. معناداری میانجی‌گری چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر

اثربخشی سازمانی



شکل ۵. ضرایب بار عاملی میانجی‌گری چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر

اثربخشی سازمانی

به منظور حصول اطمینان از نتیجه‌ی به دست آمده برای فرضیه اصلی ۲، به کمک آزمون سوبل نیز این فرضیه را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۸. نتیجه آزمون سوبل برای فرضیه اصلی ۲

| نتیجه | سطح | نقش میانجی | آماره سوبل | فرضیه اصلی ۲ |
|-------|-----------|------------|------------|--|
| | معنی داری | | | |
| رد | ۰/۳۴ | ۰/۰۹۹ | ۰/۹۵۲ | مدیریت منابع انسانی الکترونیکی ← چابکی سازمانی ← اثربخشی سازمانی |

سطح معناداری آزمون سوبل نشان می‌دهد نقش میانجی چابکی سازمانی رد می‌شود.

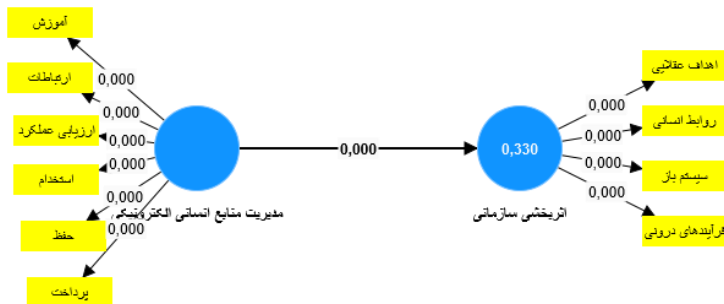
جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل

| مقدار بدست آمده | مقادیر قابل قبول (مطلوب) | شاخص |
|-----------------|--------------------------|-----------------|
| ۲/۸۹ | <۳ | کای اسکوئر نسبی |
| ۰/۰۸۱ | <۰/۱ | SRMR |
| ۰/۹۰ | >۰/۹ | NFI |
| ۰/۶۹ | <۰/۹۵ | d-ULS |
| ۰/۴۹ | <۰/۹۵ | d-G |
| ۰/۶۲ | نزدیک به عدد ۱ | Gof |

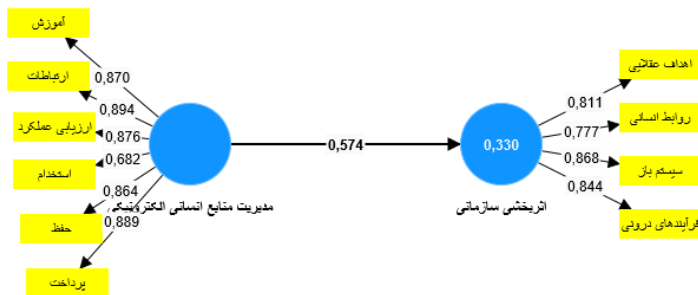
همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود مقادیر به دست آمده از برازش مدل مورد قبول است و بنابراین برازش مدل تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی ۳ بیان می‌کند که مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در اثربخشی سازمانی نقش دارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر و به معنای تأیید نقش می‌باشد. نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی ۰/۵۷ گزارش شده است که نشان‌دهنده‌ی نقش مستقیم و متوسط می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. در واقع می‌توان گفت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها چنانچه مدیریت منابع انسانی الکترونیکی یک واحد افزایش یابد، متغیر اثربخشی سازمانی به اندازه‌ی ۰/۵۷ افزایش خواهد یافت. همچنین مقدار ضریب تعیین برای اثربخشی سازمانی ۰/۳۳ شده است که این

مطلب بیان می‌کند که متغیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی قادر است ۳۳٪ از تغییرات اثربخشی سازمانی را بیان کند.

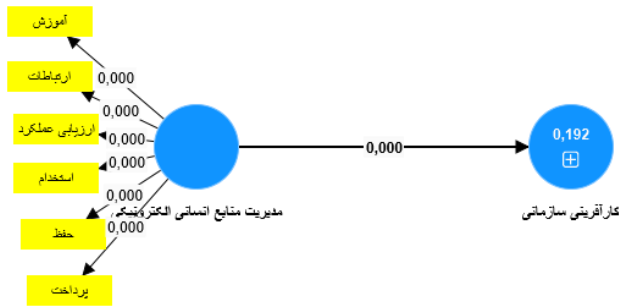


شکل ۶. معناداری نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی

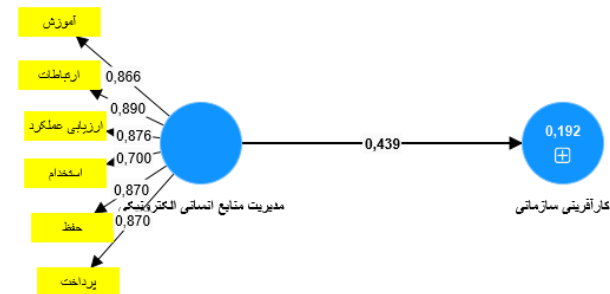


شکل ۷. ضرایب بار عاملی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی

براساس فرضیه‌ی ۴ مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی نقش دارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر و به معنای تأیید نقش می‌باشد. نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی ۰/۴۳ گزارش شده است که نشان دهنده‌ی نقش مستقیم و متوسط می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. در واقع می‌توان گفت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها چنانچه مدیریت منابع انسانی الکترونیکی یک واحد افزایش یابد، متغیر کارآفرینی سازمانی به اندازه‌ی ۰/۴۳ افزایش خواهد یافت. همچنین مقدار ضریب تعیین برای کارآفرینی سازمانی ۰/۱۹ شده است که این مطلب بیان می‌کند که متغیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی قادر است ۱۹٪ از تغییرات کارآفرینی سازمانی را بیان کند. مولفه‌ی ارتباط بالاترین و مولفه‌ی استخدام پایین‌ترین هستند.



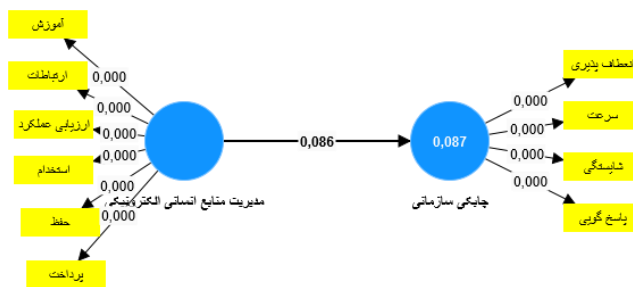
شکل ۸. معناداری نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی



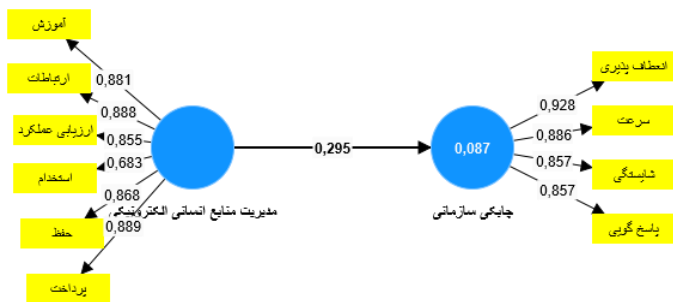
شکل ۹. ضرایب بار عاملی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی

براساس فرضیه‌ی ۵ مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در چابکی سازمانی نقش دارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی از

۰/۰۵ بیشتر و به معنای عدم تأیید نقش می‌باشد.

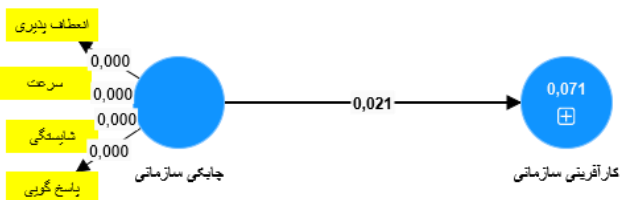


شکل ۱۰. معناداری نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی

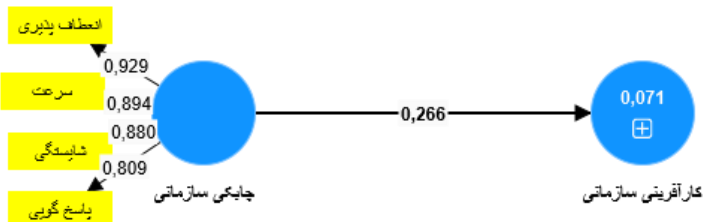


شکل ۱۱. ضرایب بار عاملی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی

فرضیه ۶ عنوان می کند که چابکی سازمانی در کارآفرینی سازمانی نقش دارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر و به معنای تأیید نقش می باشد. نقش چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی ۰/۲۶ گزارش شده است که نشان دهنده نقش مستقیم و ضعیف می باشد که از نظر آماری معنی دار است. در واقع می توان گفت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها چنانچه چابکی سازمانی یک واحد افزایش یابد، متغیر کارآفرینی سازمانی به اندازه ۰/۲۶ افزایش خواهد یافت. همچنین مقدار ضریب تعیین برای کارآفرینی سازمانی ۰/۰۷ شده است که این مطلب بیان می کند که متغیر چابکی سازمانی قادر است ۷٪ از تغییرات کارآفرینی سازمانی را بیان کند.

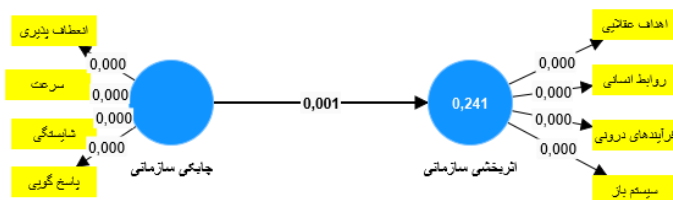


شکل ۱۲. معناداری نقش چابکی سازمانی در کارآفرینی سازمانی

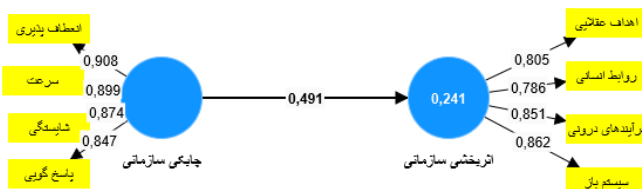


شکل ۱۳. ضرایب بار عاملی نقش چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی

فرضیه ۷ عنوان می‌کند که چابکی سازمانی در اثربخشی سازمانی نقش دارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش چابکی سازمانی بر اثربخشی سازمانی از ۰/۰۵ کمتر و به معنای تأیید نقش می‌باشد. نقش چابکی سازمانی بر اثربخشی سازمانی ۰/۴۹ گزارش شده است که نشان‌دهنده نقش مستقیم و متوسط می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. در واقع می‌توان گفت با فرض ثابت بودن سایر متغیرها چنانچه چابکی سازمانی یک واحد افزایش یابد متغیر اثربخشی سازمانی به اندازه ۰/۴۹ افزایش خواهد یافت. همچنین مقدار ضریب برای اثربخشی سازمانی ۰/۲۴ تعیین شده است که این مطلب بیان می‌کند که متغیر چابکی سازمانی قادر است ۲۴٪ از تغییرات اثربخشی سازمانی را بیان کند.



شکل ۱۴. معناداری نقش چابکی سازمانی بر اثربخشی سازمانی



شکل ۱۵. ضرایب بار عاملی نقش چابکی سازمانی بر اثربخشی سازمانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی و اثربخشی سازمانی، با توجه به میانجی‌چابکی سازمانی کارکنان بیمارستان شهید چمران فردوس بوده است. در این جهت دو فرضیه‌ی اصلی و پنج فرضیه‌ی فرعی مورد بررسی و آزمون قرار گرفت.

نتایج آزمون فرضیه‌ی اول نشان داد که مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی‌چابکی سازمانی نقش ندارد. بدین معنا که چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در کارآفرینی سازمانی نقش میانجی ایفا نمی‌کند و وجود یا عدم وجود آن، نقشی در میزان کارآفرینی سازمانی ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم نشان داد که مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی با نقش میانجی‌چابکی سازمانی نقش ندارد. مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی و چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی از $0/05$ کمتر است. سطح معناداری نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی از $0/05$ بیشتر است. بنابراین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی با نقش میانجی‌چابکی سازمانی نقش معنادار ندارد. همچنین سطح معناداری آزمون سو بل نشان می‌دهد نقش میانجی‌چابکی سازمانی رد می‌شود. بنابراین چابکی سازمانی در نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی در اثربخشی سازمانی نقش میانجی ایفا نمی‌کند و وجود یا عدم وجود آن، نقشی در میزان اثربخشی سازمانی ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم نشان داد که نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی $0/57$ گزارش شده است که نشان‌دهنده‌ی نقش مستقیم و متوسط می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین مقدار ضریب تعیین برای اثربخشی سازمانی $0/33$ شده است که این مطلب بیان می‌کند که متغیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی قادر است 33% از تغییرات اثربخشی سازمانی را بیان کند. نتیجه‌ی این فرضیه با تحقیق قنبری و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی چهارم نشان داد که نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر اثربخشی سازمانی ۰/۴۳ گزارش شده است که نشان‌دهنده‌ی نقش مستقیم و متوسط می باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین مقدار ضریب تعیین برای کارآفرینی سازمانی ۰/۱۹ شده است که این مطلب بیان می‌کند که متغیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی قادر است ۱۹٪ از تغییرات کارآفرینی سازمانی را بیان کند. نتیجه‌ی این فرضیه با تحقیق بخشی و همکاران (۱۴۰۰) همسو می باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی پنجم نشان داد که مقدار سطح معناداری مربوط به نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر چابکی سازمانی از ۰/۰۵ بیشتر و به معنای عدم تأیید نقش می باشد. نتیجه‌ی این فرضیه با تحقیق بهادری فرد و رسولی (۱۳۹۹) و حمیدیان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو است.

نتایج آزمون فرضیه‌ی ششم نشان داد که نقش چابکی سازمانی بر کارآفرینی سازمانی ۰/۲۶ گزارش شده است که نشان‌دهنده‌ی نقش مستقیم و ضعیف می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین مقدار ضریب تعیین برای کارآفرینی سازمانی ۰/۰۷ شده است. این مطلب بیان می‌کند که متغیر چابکی سازمانی قادر است ۷٪ از تغییرات کارآفرینی سازمانی را بیان کند. نتیجه‌ی این فرضیه با تحقیق بهادری و همکاران (۱۴۰۰)، مقصودلو و همکاران (۱۴۰۰)، افلاکی - فرد و همکاران (۱۳۹۸) و فرزی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است.

نتایج آزمون فرضیه‌ی هفتم نشان داد که نقش چابکی سازمانی بر اثربخشی سازمانی ۰/۴۹ گزارش شده است که نشان‌دهنده‌ی نقش مستقیم و متوسط می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین مقدار ضریب تعیین برای اثربخشی سازمانی ۰/۲۴ شده است. این مطلب بیان می‌کند که متغیر چابکی سازمانی قادر است ۲۴٪ از تغییرات اثربخشی سازمانی را بیان کند. نتیجه‌ی این فرضیه با تحقیق کردجزی و همکاران (۱۴۰۰) و بهادری فرد و رسولی (۱۳۹۹) همسو است.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- مدیران در جهت اجرایی نمودن مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، بایستی استفاده از سیستم‌ها و سامانه‌های الکترونیکی جهت استخدام، آموزش، پرداخت حقوق، ارزیابی کارکنان و ... را به کارگیرند.

- اطلاع‌رسانی درست و شفاف‌سازی سازمان با استفاده از سیستم‌های آنلاین و هوشمند صورت گیرد.

- کارکنان به تبادل اطلاعات از طریق سیستم‌های کامپیوتری و استفاده از ابزارهای ارتباطی الکترونیکی تشویق شوند.

- اثربخشی سازمانی از سوی مدیران و کارکنان به صورت نظامند دنبال شود به گونه‌ای که اهداف سازمان در سطح قابل قبولی تحقق یابد.

- کارآفرینی سازمانی و سازمان کارآفرین مورد توجه و تأکید قرار گیرد و شرایط لازم فراهم آید تا همه‌ی افراد در سازمان بتوانند در نقش کارآفرین ظاهر شوند و اقدام به خلاقیت و نوآوری نمایند.

- فراهم آوردن امکانات لازم، برگزاری دوره‌های آموزشی و تشویق کارکنان به خلاقیت و نوآوری می‌تواند زمینه‌ی تحقق کارآفرینی سازمانی را فراهم آورد.

- با توجه به شرایط پویای محیط بایستی قابلیت چابکی در سازمان ایجاد گردد تا بتوان به نحو شایسته‌ای نسبت به شرایط مختلف محیطی پاسخ گفت و روند رشد و توسعه را طی نمود.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- آقایی، میلاد، آقایی، رضا (۱۳۹۳). ارائه الگوی مفهومی چابکی سازمانی. *رشد فناوری*، ۱۰ (۳۹)، ۴۳-۳۷.
- افلاکی فرد، حسین، نیک فرجام، سعیده، و قلعه‌نویی، محمد (۱۳۹۹). رابطه کارآفرینی سازمانی و چابکی سازمانی با میانجی‌گری مدیریت دانش (مورد مطالعه: استادان دانشکده فنی پسران مرودشت). *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱ (۴)، ۲۶۳-۲۷۸.
- امین بیدختی، علی‌اکبر، محمدی حسینی، سیداحمد، و حسین‌پور، عذرا (۱۳۹۵). رابطه کارآفرینی سازمانی با چابکی سازمانی: آزمون نقش میانجی تعهد سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه سمنان). *نامه آموزش عالی*، ۹ (۳۵)، ۱۳۵-۱۵۵.
- بخشی، سعید، جمشیدی، محمدجواد، و حسین‌پور، مهدی (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی الکترونیکی بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی پذیرش سیستم‌های اطلاعاتی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۴ (۵۱)، ۲۵۳-۲۷۸.
- بهادری، سخاوت، عبدالله‌نیا، حمیده، ملکی، صمد، و باقری تنها، مهناز (۱۴۰۰). بررسی رابطه کارآفرینی سازمانی با چابکی سازمانی در شرکت‌های دانش بنیان. *پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار*، ۱۱ (۲۳)، ۶۵-۷۳.
- بهادری فرد، عبدالرضا، و رسولی، رضا (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین مدیریت منابع انسانی الکترونیکی، چابکی و اثربخشی سازمانی در سازمان‌های زیرمجموعه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات. *فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران*، ۱۲ (۴۵ و ۴۶)، ۱۵۹-۱۸۴.
- پورکیانی، مسعود، امیری، افلاطون، و آذرپور، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش هیجانی و کارآفرینی سازمانی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان. *بهداشت و توسعه*، ۲ (۳)، ۲۱۴-۲۲۲.
- حمیدیان‌پور، فخریه، اسماعیل‌پور، مجید، و فیروزی، حبیبه (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ابعاد مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر ایجاد چابکی سازمانی (مورد مطالعه: بانک‌های شهر بوشهر). *مدیریت فرد*، ۱۶ (۵۲)، ۲۱۹-۲۳۴.

زند، غلامرضا، احقر، قدسی، و احمدی، امینه (۱۳۹۷). رابطه راهبردهای مدیریت دانش، مهارت-های کارآفرینی و توانمندسازی کارکنان با اثربخشی سازمانی و ارائه الگوی مناسب. رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۲ (۳)، ۱۴۱-۱۶۰.

سرگزی، ابوالفضل و هوشیار، وجیهه (۱۴۰۱). شناسائی و تبیین شایستگی های مدیران راهبردی سازمان حرم مطهر آستان قدس رضوی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۷ (۱)، ۳۵-۶۴.

سینایی، ژاله، و منظری توکلی، حمدالله (۱۳۹۵). نقش فرهنگ سازمانی در اثربخشی سازمانی. *کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت*. تهران: سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی.

شوقی، ریحانه، آهنگچیان، محمدرضا، و قرونه، داود (۱۴۰۰). توسعه منابع انسانی بر کارآفرینی سازمانی در بنگاه‌های صنعتی. *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، ۱۳ (۲۵)، ۲۳-۵۴.

صنعتی‌گر، هدا، هادی پیکانی، مهربان و غلامزاده، داریوش (۱۳۹۵). بررسی و آزمون مدل چابکی سازمانی در صندوق بازنشستگی صنعت نفت. *مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*، ۸ (۲۹)، ۱۱۷-۱۴۲.

طالبی، محمدعلی، قربانی، علیرضا و قاسمی، کوثر (۱۴۰۳). مدیران غیربومی در خراسان جنوبی: بررسی پیامدها بر توسعه اجتماعی محلی و مدیریت سرمایه انسانی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۳ (۸)، ۱۲۷-۱۶۰.

عسگری، آرزو (۱۳۹۹) مبانی کارآفرینی سازمانی. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و حسابرسی پویا*. تهران: موسسه آموزش عالی صالحان.

عیدی، حسین، رضوانی‌نژاد، رحیم، یوسفی، بهرام، سجادی، سید نصرالله، و ملک اخلاق، اسماعیل (۱۳۹۱). طراحی مدل اثربخشی سازمانی بر اساس رویکرد ارزش‌های رقابتی. *پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، ۱ (۱۴)، ۱۵-۳۰.

فرزی، حامد، عباسی، همایون، و زردشتیان، شیرین (۱۳۹۴). تبیین رابطه هوش سازمانی و چابکی سازمانی با کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران. *مدیریت ورزشی*، ۷ (۵)، ۷۱۳-۷۲۹.

قنبری، مصطفی، فلاح، وحید، و ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵) بررسی نقش مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثر بخشی سازمانی در سازمان آموزش و پرورش استان گلستان. *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۷(۱)، ۳۹-۵۹.

_____ (۱۳۹۷). ارائه الگوی تاثیر مدیریت منابع انسانی الکترونیک بر اثربخشی سازمانی در سازمان آموزش و پرورش استان گلستان. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۹(۲)، ۱۸۱-۱۹۸.

کردجزی، زهرا، صمدی، علی، و شریفزاده، فتاح (۱۴۰۰). بررسی مولفه‌های چابکی سازمانی و ارتباط آن بر اثربخشی سازمانی. *فصلنامه چالش‌های جهان*، ۳(۲)، ۱۰۸-۱۱۶.

موسوی محب، سیده مرتضی، و شاهنده اقدم ساری قیه، زهرا (۱۴۰۰). بررسی عوامل موثر بر اثربخشی سازمان. *ششمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی*. تهران: مرکز بین‌المللی سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام.

مقصودلو، سعیده، فلاح، زین العابدین، بهلکه، طاهر، و عسکری، اسرا (۱۴۰۰). آزمون مدل نقش میانجی چابکی و نوآوری سازمانی در رابطه علی سرمایه فکری با کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۵۲، ۱۵۱-۱۶۷.

یزدانی، نوید، و یکتایار، مظفر (۱۴۰۲). نقش تعدیل‌گری رهبری کارآفرینانه در رابطه بین چابکی فکری و نوآوری کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان کردستان. *مدیریت و رفتار سازمانی در ورزش*، ۱۲(۱۱)، ۴۹-۷۴.

Alborathy, A., Masmoudi, F., & Ismael, F. (2024). The Relationship Between Organizational Agility and Strategic Entrepreneurship: An analytical Research in Some Companies at the Ministry of Agriculture in Iraq. *Journal of Economics and Administrative Sciences*, No.30, 38-55.

Alqarni K., Agina, M.F., Khairy, H.A., Al-Romeedy, B.S., Farrag, D.A., & Abdallah R.M. (2023). The Effect of Electronic Human Resource Management Systems on Sustainable Competitive Advantages: The Roles of Sustainable Innovation and Organizational Agility. *Sustainability*, 15(23), 16382.

- Karunarathna, T.D., & Nanayakkara, N.W.O.K.D.S.P. (2020). Impact of Electronic Human Resource Management on Employee Job Performance in Multinational Entities in Colombo District, Sri Lanka. *Proceedings of the International Conference on Business & Information (ICBI) Sri Lanka*: University of Kelaniya.
- Ahammad, M.F., Glaister, K.W. & Gomes, E. (2020). Strategic agility and human resource management. *Human Resource Management Review*, 30 (1), 100700.
- Nyathi, M., & Kekwaletswe, R. (2024). Electronic human resource management (e-HRM) configuration for organizational success: inclusion of employee outcomes as contextual variables. *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 11 (1), 196-212.
- Saha, N., Gregar, A., & Saha, P. (2017). Organizational agility and HRM strategy: Do they really enhance firms' competitiveness? *International Journal of Organizational Leadership*, No. 6, 323-334.
- Thathsara, A.D.S., and Sutha, J. (2021) Investigating the Influence of E-HRM Practices on Organizational Performance: The Mediating Role of Organizational Agility (With Special Reference to Financial Institution). *International Journal of Engineering and Management Research*, 11 (1), 1-8.

A Phenomenological Study of Communication Among Female Students in Dormitories: A Case Study of South Khorasan Farhangian University

Mohammad Alipour¹

Mohammad Valipour²

Mohsen Ayati³

Fateme Abasimoghadam⁴

Sajede Ahmadi⁵

Received: 19/4/2024

Accepted: 24/12/2024

Introduction

The living environment is a crucial factor influencing the type and quality of human life. The environment and the changes that occur within it play a significant role in shaping individuals' psychological and emotional states (Nadimi et al., 2012, p. 91). Student housing is not merely a place of residence for students; it should also foster their academic, mental, and personal development (Abdi et al., 2019: 95). Entering university marks a critical stage in life, often accompanied by significant changes in social relationships. One such change involves the formation of new expectations and roles that students assume upon entering university (Reza Soltani, et al., 2013, p. 38). This experience is particularly challenging for students who are separated from their families and must live in a new city and student dormitory (Anvari, 2016, p. 106). The period of higher education, or student life, is one of the most

1. Doctoral student of Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Iran. Email: m.alipour@birjand.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-1103-3110>

2. Department of History Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran. Email: m.valipour@cfu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Iran. Email: mayati@birjand.ac.ir.

<https://orcid.org/0000-0001-5864-5846>

4. BA student of Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: itsfoqaddam11@gmail.com.

5. BA student of Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: sajedeahmadi4976@gmail.com.



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

transformative phases in an individual's life. During this time, students undergo significant changes due to new educational experiences, unfamiliar situations, and the pressures of new expectations. These changes can have a lasting impact on their future. For students studying in a city away from their home, living in a student dormitory further intensifies these transitions. The student dormitory plays a vital role in providing a sense of security for non-native students, making it an essential component of the higher education system (Saeidi & Esmailzadeh, 2009, p. 44).

Farhangian University, like other universities, admits a large number of non-native students each year, many of whom must reside in dormitories. At Farhangian University, dormitories hold a unique educational and developmental role. The university's mission is to train teachers in alignment with the values of the Islamic Revolution, and as a result, students spend a significant portion of their time in the dormitories. These halls serve as spaces where student-teacher relationships are cultivated, and students gain valuable experiences through these interactions. Investigating these experiences is of great importance. Moreover, there is a lack of research on student communication within the context of student life in the halls. Therefore, the purpose of this study is to explore the nature of student communication in dormitories.

Method

Given the nature of the subject under study, the approach of the current research is qualitative, specifically of the phenomenological type. The research participants were female student teachers residing in the dormitories of Farhangian University, Imam Sajjad Campus, in South Khorasan. A purposive sampling method was used to select a sample of 11 participants, all of whom had at least two semesters of living experience in the university's student residence. The sample size continued to grow until theoretical data saturation was reached. The research tool was a semi-structured interview, and data collection was carried out through these interviews. During the interview process, a variety of questions were posed, and the main questions are:

- What are your experiences of student communication in dormitories?
- What challenges and problems have you encountered in your communication with students' dormitories?
- What opportunities has student communication in dormitories created for you?
- What are the characteristics of student communication in dormitories?
- What have been the effects and outcomes of your communication with students in dormitories?

To analyze the data, Colaizzi's (2002) seven-step strategy was employed. Additionally, MAXQDA (version 11) was used during the data analysis stages. To evaluate the results of this qualitative research, the criteria set by Lincoln and Guba (1985) were applied.

Findings and Conclusion

The findings from students' lived experiences were categorized into four main themes and nine sub-themes: characteristics (individual, social), consequences

(moral, behavioral, and cultural), opportunities (group and individual) and challenges (personal, intellectual, and cultural). The results revealed that communication among students in the dormitories has created numerous opportunities and challenges. Key opportunities include enhanced communication skills, academic progress, exposure to new concepts and the development of teamwork abilities. However, alongside these opportunities, students identified several challenges, including personal differences, cultural variations, differing morals and attitudes, and the lack of private space.

Based on these findings, it can be concluded that student communication in the dormitory can foster both personal and social growth. The relationship between students and teachers in the dormitories is shaped by the needs of both groups. Both students and teachers view communication in the dormitories as an opportunity and use this platform for self-improvement, aiming to make the most of their four years of study.

Keywords: Communication, Dormitory, Farhangian University, Phenomenology.

References

- Abbaspour, S., Abbasi Esfajir, A., & Rahmani Firozjah, A. (2022). Tahlili bar sabk-e zendegi dar khabgah-e daneshjuyi (motale'e moredi: Daneshjuyan-e saken dar khabgah-haye daneshgah-e San'ati Khajeh Nasir al-Din Tusi) [An analysis of lifestyle in student dormitories: A case study of students residing in dormitories at Khajeh Nasir al-Din Tusi University]. *Islamic Lifestyle with a Focus on Health*, 6(2), 11-122. [In Persian]
- Abdi, A., Hatami Khanghahi, T., & Vaziri, V. (2020). Barresi-ye rabeteh-ye angizeh-ye pishraft ba rezaayat az aamale mohiti dar daneshjuyan-e saken saray-e daneshjuyi (namune moredi: Daneshjuyan-e saken dar saray-e daneshjuyi dowlati Daneshgah-e Mohaqqiq Ardebili) [A study of the relationship between achievement motivation and satisfaction with environmental factors in students residing in dormitories: A case study of students in public dormitories at Mohaghegh Ardabili University]. *Architecture Thought*, 4(7), 94-106. [In Persian]
- Afshani, S. A., Asgari Nadushan, A., & Sefid, M. (2012). Barresi-ye moshkelat-e farhangi-ye zendegi-ye saray-e daneshjuyi-ye daneshjuyan-e pesar-e saray-e daneshjuyi-haye daneshgah-e Yazd [A study of cultural problems in the student dormitories of male students at Yazd University]. *Journal of Sociological Studies of Youth*, 3(5), 9-26. [In Persian]
- Amini, S., Ekhlasi, E., & Hadadi, S. (2023). Motale'e-ye padidarshenasakhti-ye tajrobe-ye tanhaei dar bein-e daneshjuyan ba roykard-e tafsiri (mored-e motale'e: Daneshjuyan-e pesar-e khaabgah-e Shahid Ashtiani Daneshgah-e Allameh Tabatabai) [A phenomenological study of loneliness experience among students with an interpretive approach: The case of Male students of Shahid Ashtiani Dormitory at Allameh Tabataba'i University]. *Cultural Strategy*, 16(62), 31-60. [In Persian]
- Anvari, Z. (2017). Hess-e ta'allogh be saray-e daneshjuyi; motale'e moredi-ye dokhtaran-e daneshgah-haye dolati-ye shahr-e Tehran [A sense of belonging to the student dormitory; A case study of female students at public universities in Tehran]. *Iranian Cultural Quarterly*, 11(2), 105-131. [In Persian]
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss. Vol. 3: Loss, sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Ghoularzi, N., Ghasempour, F., & Etemadi Fard, S. M. (2019). Chalesh-haye zendegi saray-e daneshjuyi daneshjuyan-e dokhtar dar saray-e daneshjuyi-haye daneshgah-haye sarasari shahr-e Tehran [Challenges of student life in dormitories for female students at national universities in Tehran]. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 26(84), 33-60. [In Persian]

- Hasani, H., & Khojasteh, E. (2023). Motale'ye keyfi-ye guzaran-e oqaat-e faraghat-e dokhtaran dar khabgah-e daneshgah-e Yazd [A qualitative study of leisure time activities of female students in Yazd University dormitories]. *Strategic Studies of Women*, 101(26), 145-175. [In Persian]
- Jahangiri, J., Abutorabi Zarchi, F., Tanha, F., & Abutorabi Zarchi, H. (2012). Barresi-ye rabeteh-ye bein-e rezaayat az zendegi-ye saray-e daneshjuyi va az khodbiganegi-ye daneshjuyan-e dokhtar-e saray-e daneshjuyi (motale'e moredi: Daneshgah-e Esfahan) [Study of the relationship between satisfaction with dormitory life and alienation among female students in dormitories (case study: Isfahan University)]. *Journal of Women in Culture and Art*, 4(2), 89-106. [In Persian]
- Kharabati, S., & Yazdanfar, S. A. (2016). Avamale mo'aser dar ijaad-e delbastegi be makan dar saray-e daneshjuyi-e daneshjuyan (namune moredi: Saray-e daneshjuyi Daneshgah-e Semnan) [Factors affecting attachment to place in student dormitories: The case of Semnan University's dormitory]. *Iranian Architecture and Urbanism Journal*, 13(1), 5-26. [In Persian]
- Mahmoudirad, M., & Arasteh, H. (2004). Khabgah-haye daneshjuyi be masabe-e javamei baray-e yadgiri [Student dormitories as communities for learning]. *Teb va Tazkiyah*, 13(2), 45-54. [In Persian]
- Mobasheri, M., Alidoosti, M., & Solati, S. K. (2013). Barresi-ye rabeteh-ye deltangi baraye khanevadeh va sazegari ba daneshgah dar daneshjuyan-e saray-e daneshjuyi [A study of the relationship between homesickness and university adjustment in students living in dormitories]. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*, 21(6), 160-166. [In Persian]
- Mohammadpour, A. (2010). Arzyabi-ye keyfiat dar tahqiq keyfi: Osul va ruykardhaye etebaryabi va tamimi-paziri [Evaluating quality in qualitative research: Principles and strategies for validity and generalizability]. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 17(48), 73-107. [In Persian]
- Mohsenpour, M. (2011). Arzyabi-ye dadeh-haye keyfi [Qualitative data evaluation]. *Journal of the Student Research Committee, Sabzevar University of Medical Sciences*, 16(3&4), 50-55. [In Persian]
- Nadimi, H., Faghihi Habibabadi, M. R., & Nazarpour, M. T. (2013). Ta'sir-e cheshmandaz va tarahi-ye mohit-haye saray-e daneshjuyi bar mizane rizaayatmandi-ye daneshjuyan [The impact of dormitory design and environment on student satisfaction (case study: Dormitories for female students at Hakim Sabzevari University)]. *Environmental Sciences Quarterly*, 11(1), 81-93. [In Persian]

- Nazarpour, M. T., Saadati Vaghar, P., & Heydari, A. (2017). Behbood-e kalbod-e sokunatgah-haye daneshjuyi dar jahan-e afzayesh-e ejtemai-yi ba takyeh bar ruykard-e taho faza [Improving the physical environment of student dormitories to enhance social interaction: Case study: Hakim Sabzevari Dormitory, Sabzevar]. *Arman Shahr Quarterly*, 10(21), 247-256. [In Persian]
- Parvin, S. (2016). Chalesh-haye zendegi-ye daneshjuyi dar khavabgah-haye khodgardan dar shahr-e Tehran (ba ta'kid bar asib-haye ejtemai) [Challenges of student life in self-managed dormitories in Tehran (with emphasis on social harms)]. *Quarterly Journal of Iranian Social Issues Review*, 7(2), 311-338. [In Persian]
- Qanbari Adivi, A. (2019). *Chisti-ye namgozari saray-e daneshjuyi be jaye khabgah* [What does naming a student residence instead of a dormitory mean?]. [Paper presentation] Student Life Conference, Opportunities and Challenges with Emphasis on Students Residing in Dormitories. Hamedan, Bu-Ali Sina University. [In Persian]
- Rahmati, A., Zermat-e-Horfe, F., Alipour, F., & Karbakhshzadeh, F. (2019). Tajrobeh-haye daneshjuyan-e dokhtar az sokoonat dar saray-e daneshjuyi-haye daneshjuyan [Experiences of female students living in dormitories]. *Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 8(14), 75-97. [In Persian]
- Reza Soltani, P., Qanbari Khangha, A., & Moridi, M. (2014). Moqayese-ye keyfiat-e zendegi marboot be salamati dar daneshjuyan-e saray-e daneshjuyi va gheyre-saray-e daneshjuyi [A comparison of health-related quality of life in students living in dormitories and non-dormitories]. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 24(74), 38-45. [In Persian]
- Saeidi, A. A., & Esmailzadeh, K. (2010). Barresi-ye masa'el va moshkelat-e saray-e daneshjuyi-e daneshjuyan-e dokhtar-e daneshgah-haye dolati dar shahr-e Tehran [A study of issues and problems of dormitories for female students at public universities in Tehran]. *Journal of Women and Health*, 1(1), 43-88. [In Persian]
- Sarajzadeh, S. H., & Habibpour Ketabi, K. (2018). Keyfiat-e zendegi-ye saray-e daneshjuyi daneshjuyan-e dokhtar daneshgah-haye dolati Iran [Quality of life in dormitories for female students at public universities in Iran]. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 11(4), 1-31. [In Persian]
- Varastehfar, A., & Mousavi Tazehabadi, S. F. (2014). Dark-e padidar shenāsāneh-ye konesh-e ejtemā'i dar zendegi-e sarā-e daneshjuyi-e daneshjuyan-e dokhtar-e daneshgah-e farhangian [A phenomenological understanding of social action in the dormitory life of female students at Farhangian University]. *Educational and School Studies*, 8(1), 9-39. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

بررسی ارتباطات دانشجویان دختر در سراهای دانشجویی

مطالعه‌ی موردی: دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی

محمد علی پور^۱ محمد ولی پور^۲ محسن آیتی^۳
فاطمه عباسی مقدم^۴ ساجده احمدی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_211947.html

چکیده

دانشجویان در دوران تحصیل زمان زیادی را در سراهای دانشجویی سپری می‌کنند و در این مدت ارتباطات دانشجویی به کسب تجارب مختلف از سوی دانشجویان منجر می‌شود. پژوهش حاضر با هدف مطالعه‌ی ارتباطات دانشجویان دختر در سراهای دانشجویی به شیوه‌ی کیفی از نوع پدیدارشناسی صورت گرفت. با توجه به ماهیت پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که از طریق مصاحبه‌ی عمیق با ۱۱ دانشجوی دختر، داده‌های اخذ شده به اشباع رسید.

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، ایران (نویسنده مسئول).
m.alipour@birjand.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-1103-3110>

۲. گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
m.valipour@cfu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، ایران
mayati@birjand.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-5864-5846>

۴. دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
itsfoqaddam11@gmail.com

۵. دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
sajedahmadi4976@gmail.com



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

داده‌های حاصل از تجارب دانشجویان به روش کلایزی (2002) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از تجارب زیسته‌ی دانشجویان در چهار کد انتخابی و نه کد محوری ویژگی‌ها (فردی، اجتماعی)، پیامدها (اخلاقی، رفتاری و فرهنگی)، فرصت‌ها (گروهی و فردی) و چالش‌ها (شخصی، فکری و فرهنگی) دسته‌بندی شد. نتایج نشان داد که ارتباط دانشجویان در سرای دانشجویی فرصت‌ها و چالش‌های متعددی به همراه داشته است. بالا رفتن قدرت ارتباط، پیشرفت تحصیلی، آشنا شدن با مفاهیم جدید، کسب مهارت کارگروهی از مهم‌ترین فرصت‌ها هستند. در کنار این فرصت‌ها، اختلاف در مسائل شخصی، تفاوت‌های فرهنگی، اخلاق و روحیات متفاوت، نداشتن فضای خلوت با خود از برجسته‌ترین چالش‌ها بودند که دانشجویان به آن اشاره کردند. بر مبنای این یافته‌ها، می‌توان بیان داشت که ارتباط دانشجویان با همدیگر در سرای دانشجویی می‌تواند زمینه‌ی رشد فردی و اجتماعی آنان را فراهم کند. ارتباطی که بین دانشجو - معلمان در سراهای دانشجویی شکل می‌گیرد، ارتباطی است برخاسته از نیازهایی همچون پرسش و پاسخ درسی، مقررات خوابگاهی (ساعت خاموشی، سرو غذا)، نظافت اتاق و رعایت بهداشت دانشجو - معلمان است. دانشجو - معلمان ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی را به‌عنوان فرصت می‌بینند و تلاش می‌کنند از این بستر برای خودسازی و کسب مهارت‌های زندگی استفاده کنند تا بهترین‌ها را برای خود در دوران تحصیل رقم بزنند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط، سرای دانشجویی، دانشگاه فرهنگیان، پدیدارشناسی.

مقدمه

یکی از عوامل موثر بر وضعیت هیجانی و روح و روان فرد، محیط زندگی و تحولات آن است که معمولاً بر انتخاب شیوه‌ی زندگی اثرگذار است. محیط زندگی و تغییراتی که در آن صورت می‌گیرد، یکی از عوامل تعیین‌کننده در وضعیت روان‌شناختی و هیجانی افراد، و به تبع آن، انتخاب شیوه‌ی زندگی آن‌ها است (ندیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). مسکن دانشجویی، نه تنها، باید سرپناهی برای دانشجویان باشد، بلکه باید محیطی را برای پیشرفت علمی و شخصیتی آن‌ها فراهم کند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۵). ورود به دانشگاه، یکی از مقاطع حساس زندگی است که غالباً با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی همراه است. یکی از این تغییرات و پذیرفتن

نقش‌های جدیدی است که هم‌زمان با ورود به دانشگاه در دانشجویان شکل می‌گیرد (رضاسلطانی، قنبری خانقاه و مریدی، ۱۳۹۳: ۳۸). این شرایط برای دانشجویانی که از خانواده خود جدا شده و مجبورند در شهری غیربومی و در سرای دانشجویی زندگی کنند، دوچندان است (انواری، ۱۳۹۶: ۱۰۶). از مهم‌ترین تغییراتی که در دوره دانشجویی رخ می‌دهد، تغییر در نوع آموزش موقعیت‌های متفاوت و روبه‌رو شدن با انتظارات جدید است که می‌تواند تمام زندگی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. سرای دانشجویی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد امنیت برای دانشجویان غیربومی داشته باشد و به همین دلیل سراهای دانشجویی جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش عالی به خود اختصاص داده است (سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۴).

زندگی در سراهای دانشجویی مزایای متعددی دارد؛ یکی از مزایای آن، وجود سرپناهی برای سکونت و آرامش دانشجویان است که تمامی مقررات انضباطی و اداری دانشگاه بر آن حاکم است. از دیگر مزایای سرا دانشجویی فضای اجتماعی و فرهنگی، یادگیری روابط اجتماعی، افزایش مهارت‌های زندگی و کسب تجربه‌های زندگی است. لازم به ذکر است که سکونت در سرای دانشجویی معایبی هم مانند خطر رویارویی با آسیب‌های اجتماعی، کاهش عملکرد آموزشی، تضعیف دینداری، کاهش گرایش به حجاب و پوشش اسلامی نیز دارد (سراج‌زاده و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۷: ۲). عقیده بر این است که زندگی در سرای دانشجویی فرصت‌های زیادی را برای کنش‌ها و ارتباطات اجتماعی فراهم می‌کند و در آن نوعی یادگیری پنهان و غیررسمی وجود دارد؛ از این‌رو سراهای دانشجویی در ساختار دانشگاه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و با افزایش تعداد دانشجویان، ضرورت ارائه خدمات متنوع نیز بیشتر می‌شود (وارسته‌فر و موسوی تازه-آبادی، ۱۳۹۳: ۱۰). دانشجویانی که در چنین محیطی زندگی می‌کنند، به دلیل یادگیری مهارت‌های ارتباطی و زیست‌جمعی، تعامل بیشتری با سایر دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی دارند و در نتیجه مهارت‌های زندگی در آنان تقویت می‌شود (ترینزینی^۱ و همکاران؛ به نقل از وارسته‌فر و تازه‌آبادی، ۱۳۹۳). زندگی در سراهای دانشجویی فرصتی را فراهم می‌کند تا یاد

بگیرند که چگونه مستقل زندگی کنند و فضا و امکانات را با هم به اشتراک گذارند (سراج زاده و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۷). ایجاد دلبستگی به مکان در سرای دانشجویی می‌تواند در تطبیق دانشجویان با محیط جدید و اشتیاق آن‌ها برای زندگی با دیگران نقش مؤثری داشته باشد (خراباتی و یزدانفر، ۱۳۹۵: ۶).

سراهای دانشجویی، در کنار مزایا، دارای مشکلات و چالش‌های متعددی است. سکونت در سراهای دانشجویی، دور از خانواده و برای مدت طولانی، تجربه‌ی دشواری برای دانشجویان دختر است. دانشجویان با ورود به سرای دانشجویی دچار احساس تنهایی و غربت می‌شوند (فريتس ۱ و همکاران، به نقل از خراباتی و یزدانفر، ۱۳۹۵: ۷). و حس دلبستگی به مکان جدید در آن‌ها دیده نمی‌شود (Bowly, 1980: 42). این موضوع به‌نوبه‌ی خود بر روی عملکردهای تحصیلی و رفتاری دانشجویان تأثیر خواهد داشت (خراباتی و یزدانفر، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

سرای دانشجویی، عرصه‌ای نیمه عمومی است که در آن عده‌ای از هم‌سالان، درگیر تعاملات بین فرهنگی و برخوردهای قومیتی می‌شوند. این ارتباطات می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر زندگی فرد داشته باشد و از او در برابر تصمیم‌گیری‌های زندگی اجتماعی‌اش، فردی مستقل یا منفعل بسازد. سرای دانشجویی ادامه‌ی فضای دانشگاه است که در آن فرد، تحت تعلیم و تأثیر است. انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، افزایش تخصص و مهارت، پرورش و رشد شخصی افراد مواردی هستند که افراد در تعاملات خود در این فضا می‌توانند کسب کنند (جهانگیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۰). در نهایت، زندگی در سرای دانشجویی با تمام مسائل خود، برشی از زندگی دانشجوی است (انواری، ۱۳۹۶: ۱۰۷)، اما مهم‌تر از این فضای فیزیکی و فیزیک‌گرایی حاکم بر سرای دانشجویی، این محیط یک فضای اجتماعی و فرهنگی است که جنبه‌های مثبت فراوانی مانند یادگیری روابط اجتماعی، افزایش مهارت زندگی و کسب تجربه‌های زندگی دارد.

دانشگاه فرهنگیان، در کنار سایر دانشگاه‌ها، هرساله تعدادی زیادی دانشجو غیربومی پذیرش دارد که می‌باید در سراهای دانشجویی استقرار یابند. در دانشگاه فرهنگیان، سراهای دانشجویی از جایگاه تربیتی و آموزشی ویژه‌ای برخوردار است. دانشجویانی که در این دانشگاه تحصیل می‌کنند، بخشی زیادی از زمان خود را در سرای دانشجویی سپری می‌کنند؛ لذا ارتباطات دانشجو

- معلمان در سراهای دانشجویی شکل می‌گیرد و دانشجویان در راستای این تعاملات تجارب ارزشمندی دارند و بررسی این تجارب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از طرفی پژوهش‌های اندکی در حوزه‌ی بررسی ارتباطات دانشجویی در زندگی سرای دانشجویی انجام شده است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی است.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی پدیدارشناسی ارتباطات دانشجویان در سراهای دانشجویی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ است.

مبانی نظری

تاریخچه‌ی سراهای دانشجویی نشان می‌دهد که ایجاد جوامع یادگیرنده در سراهای دانشجویی به دانشگاه بولونیای ایتالیا در قرن ۱۲ م برمی‌گردد که پس از آن دانشجویان می‌توانستند در قالب گروه‌های کوچک در محیط‌هایی که اجاره کرده بودند، به طور گروهی به کسب علم بپردازند و سابقه‌ی تشکیل چنین جوامعی در حوزه‌های علمیه اسلامی دست کم به هزار سال پیش بازمی‌گردد و می‌توان گفت مختص و منحصر به جوامع غربی نبوده است (محمودی‌راد و آراسته، ۱۳۸۳: ۴۵).

سرای دانشجویی برای اقامت دانشجویان واجد شرایط با هدف تأمین نیازهای فرهنگی، رفاهی، بهداشت روانی و جسمی و امور فوق برنامه در دوران تحصیل ایجاد شده است و معمولاً در نزدیکی دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی واقع شده و به دانشجویان این امکان را می‌دهد تا در محیطی متمرکز و مناسب تحصیل کرده و از امکانات مربوط به زندگی دانشجویی بهره‌مند شوند. سرای دانشجویی مکانی است که دانشجویان به صورت فردی یا گروهی قسمتی از اوقات خود را در آن می‌گذرانند و باید مطالعه، تعامل و معاشرت را در بین دانشجویان آسان نماید و از پتانسیل‌های

لازم جهت جذب و تعاملات اجتماعی دانشجویان برخوردار باشد (نظرپور، سعادت‌ی وقار و حیدری، ۱۳۹۶: ۲۴۷).

راه‌اندازی سراهای دانشجویی به عنوان فضاهایی برای ارتباط و تبادل اطلاعات میان دانشجویان، تشویق به یادگیری، ایجاد انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی و تحلیلی دانشجویان طراحی شده و سراهای دانشجویی از مهم‌ترین جوامع یادگیری هستند تا از این طریق مرزهای موجود میان اندیشه و زندگی اجتماعی - علمی برداشته شود (عباس‌پور، عباسی اسفجیر و رحمانی فیروزجاه، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

در سراهای دانشجویی فرصت‌های تربیتی و آموزشی بسیار زیادی وجود دارد و علاوه بر تقویت مهارت‌ها و آموزش عملی، در شکل‌دهی به هویت، شخصیت و توانایی‌های فرد بسیار حائز اهمیت است. سرای دانشجویی، در جایگاه خانه‌ی دوم، دانشجو اهمیت ویژه‌ای در ارتقای نشاط معنوی، حفظ آرامش روحی و جسمی، توسعه‌ی فکر و اندیشه، اعتلای شخصیت و افزایش کیفیت تحصیلی دانشجویان دارد. نقش سراهای دانشجویی در تقویت استقلال شخصی، کاهش وابستگی به خانواده، مدیریت منابع مالی و تجربه‌آموزی کاملاً نمایان است و به این سبب که دانشجویان زندگی واقعی را با رعایت ضوابط و حدود اختیار خود تمرین می‌کنند، سرای دانشگاهی، خود، دانشگاهی در درون دانشگاه اصلی و مادر است. حقوق و تکالیف دانشجویی در این حوزه سبب می‌شود که سرای دانشجویی محیطی امن و آرام برای مهارت‌آموزی و کسب همدلی، همراهی، همگامی و هم‌اندیشی جوانان شود (قنبری عدیوی، ۱۳۹۸: ۱۱). سراهای دانشجویی علاوه بر اینکه می‌توانند یک منبع حمایتی برای دانشجویان باشند، ممکن است مشکلاتی چون مشکلات اقتصادی، مشکلات تحصیلی، مسائل و تفاوت‌های فرهنگی را بر افراد تحمیل کنند، زیرا هم‌زیستی اجباری، کم‌رنگ شدن فردیت، تداخل حوزه‌ی عمومی و خصوصی، استرس‌های ناشی از عوامل متعدد و تغییر در تغذیه تجربیاتی هستند که دانشجو در این محیط با آن‌ها روبرو می‌شود و نیازمند رفع آن‌هاست (پروین، ۱۳۹۵: ۳۱۲).

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی سراهای دانشجویی صورت گرفته است. پژوهش امینی، اخلاصی و حدادی (۱۴۰۲) با هدف واکاوی تجربه‌ی تنهایی در دانشجویان خوابگاهی پسر دانشگاه علامه طباطبایی و شناخت تاکتیک‌های آن‌ها در مواجهه با این تجربه نوشته شده است. یافته‌های آن در مضامین اصلی «جامعه‌ی رقابتی»، «جامعه‌ی نظارتی و ناامن»، «حکم‌فرمایی سکوت» و «جامعه‌ی یکرنگ» طبقه‌بندی شدند و سه تاکتیک «انکار تنهایی»، «درون‌گرایی» و «تسلیم انفعال» به‌عنوان تاکتیک‌های دانشجویان در مواجهه با تنهایی کشف شدند. حسنی و خجسته (۱۴۰۲) پژوهشی با هدف واکاوی و مطالعه‌ی تجارب و ادراکات، نیازها و چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر در خوابگاه دانشگاه یزد انجام دادند که تجارب و ادراکات مثبت دانشجویان از گذران اوقات فراغت شامل چهار مضمون اصلی - افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، ارتقای ویژگی‌های روان‌شناختی و تمرین اخلاق، خودباوری و شکوفایی فردی، کسب مهارت و شناخت توانمندی‌ها - بوده است. در واکاوی تجارب و ادراکات منفی اوقات فراغت دانشجویان نیز چهار مضمون اصلی، شامل تفاوت‌های فرهنگی و روابط تنش‌زا، نداشتن مهارت‌های ارتباطی، شرایط سخت و ناآرام محیطی و روانی خوابگاه، ناهنجاری‌های اخلاقی، شناسایی شده است. در مطالعه‌ی نیازهای گذران اوقات فراغت چهار مضمون اصلی، شامل اصلاحات فرهنگی - اجتماعی، نبود خدمات و تجهیزات، برنامه‌ریزی تعاملی و هوشمندانه، آموزش و اشتغال‌آفرینی، به‌دست آمده است. در مطالعه‌ی روش گذران اوقات فراغت پنج مضمون اصلی، شامل آموزش و یادگیری، تفریح و سرگرمی، فعالیت‌های هنری - مهارتی، فعالیت‌های فکری - ورزشی، فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی، به دست آمد. رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به نام «تجارب دانشجویان دختر از سکونت در سراهای دانشجویی» به این نتایج دست یافتند: سکونت در سرای دانشجویی و ارتباط با دیگر دانشجویان در کنار ایجاد فرصت‌های مناسب و داشتن ابعاد مثبت، مشکلاتی را نیز برای دانشجویان ایجاد می‌کند. یکی از این مشکلات ایجاد غربت و دل‌تنگی بود که عمدتاً در اوایل جدایی از خانواده با آن مواجه می‌شوند و این مسئله موجب می‌شود که آنان شرایط سخت و احساسات ناخوشایندی را تجربه نمایند. سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان

«کیفیت زندگی سرای دانشجویی دختر دانشگاه‌های دولتی ایران» دریافتند که تصور اولیه‌ی دانشجویان از سرای دانشجویی، محیطی شاد و دوستانه، مکانی دارای امکانات فراوان، برخوردار از آرامش و امنیت و دارای محیط اختصاصی و منظم بود که پس از ورود به دانشگاه، این تصور به محیطی با عناصری، مانند متراکم یا شلوغی بیش‌ازحد، دوری از خانواده و دل‌تنگی، فاقد آزادی، ناامن و فاقد حریم خصوصی، تبدیل‌شده است. نتایج پژوهش‌گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «چالش‌های زندگی سرای دانشجویی دانشجویان دختر در سرای دانشجویی‌های دانشگاه‌های سراسری شهر تهران» نشان داد که سرای دانشجویی و روابط حاصل از آن می‌تواند مکانی برای آسایش تعلق خاطر، شکل‌گیری عاطفه‌ی جمعی، مهارت‌بخشی در فضای گروهی و بالا بردن مهارت‌های فردی، گروهی و اجتماعی باشد.

پژوهش سراج‌زاده و حبیب‌پور گتایی (۱۳۹۷) نشان داد که در بُعد رفاهی، دانشجویان از امکانات رفاهی اتاق، ساختمان و خوابگاه، امکانات فرهنگی در خوابگاه، و امکانات رفاهی کالبدی خوابگاه ناراضی بوده‌اند. در بُعد فرهنگی، از یک‌سو دانشجویان از فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی در خوابگاه ناراضی بوده‌اند و از سوی دیگر، از وقت فراغت آنان به‌گونه‌ای مطلوب استفاده نمی‌شود. در بُعد اجتماعی، جنس آسیب‌های اجتماعی برای دختران، بیشتر مربوط به امر جنسی و از نوع روابط دوستی بود (رابطه‌ی دوستی، رابطه‌ی جنسی، و پارتی). شایع‌ترین مواد دخانی مصرفی بین دانشجویان، ابتدا قلیان و سپس سیگار، مشروبات الکلی، مواد مخدر، و پیپ بود. بسیاری از دانشجویان از دامنه‌ی زمانی رفت‌وآمد در خوابگاه، ناراضی بودند و روی‌هم‌رفته، رضایت دانشجویان از کیفیت ذهنی زندگی خوابگاهی، چه در شکل شهودی و چه در شکل منطقی آن، پایین بود. پروین (۱۳۹۵) نشان داد نزاع و درگیری دانشجویان بر سر مسائل مختلف و ارتباط مخاطره‌آمیز همچون گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی، مانند اعتیاد و مصرف مواد مخدر، از مهم‌ترین چالش‌های ارتباطی زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان محسوب می‌شوند. پیشینه‌های مقاله نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی درباره‌ی سراهای دانشجویی صورت گرفته، اما پژوهشی در زمینه‌ی بررسی ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی دانشگاه فرهنگیان انجام نگرفته است.

روش تحقیق

بنا بر ماهیت موضوع مورد مطالعه، رویکرد پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش دانشجو - معلمان دختر ساکن در سراهای دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس امام سجاد(ع) خراسان جنوبی بودند. نمونه‌ی پژوهش به تعداد ۱۱ نفر، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. به طوری که از میان مشارکت‌کنندگان، افرادی که حداقل دو ترم تجربه‌ی زندگی در سرای دانشجویی دانشگاه را داشتند، انتخاب شدند. حجم نمونه تا اشباع نظری داده‌ها ادامه داشت. دانشگاه فرهنگیان پردیس امام سجاد(ع) بیرجند دارای دو سرای دانشجویی است که اکثر دانشجویان مستقر در این سراها بومی استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی هستند و خرده‌فرهنگ‌های این دانشجویان شامل کرد، ترک قشقایی، بلوچ، فارس و... است که با توجه به قوانین و مقررات سراهای دانشجویی در کنار هم زندگی و با همدیگر ارتباط دارند.

ابزار پژوهش، مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته و جمع‌آوری داده‌ها از طریق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. در انجام مصاحبه‌ها اختیاری بودن ورود و خروج شرکت‌کنندگان در جریان مصاحبه به‌عنوان یک شرط الزامی برای شروع مصاحبه بود. قبل از مصاحبه ضمن اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات، مجوز ورود در جریان مصاحبه اخذ گردید. طول مدت مصاحبه بین ۱۵ تا ۳۵ دقیقه براساس تحلیل داده‌ها با سؤالات اکتشافی ادامه یافت. بعد از پایان یافتن مصاحبه‌ها تحلیل داده‌ها صورت گرفت. در فرایند مصاحبه سؤالات متعددی مطرح شد. سؤالاتی همچون: ۱- از ارتباطات دانشجویان در سراهای دانشجویی چه تجاربی دارید؟ ۲- ارتباطات شما با دانشجویان در سراهای دانشجویی چه چالش‌ها و مشکلاتی داشته است؟ ۳- ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی چه فرصت‌هایی را برای شما ایجاد کرده است؟ ۴- ارتباطات دانشجویان در سراهای دانشجویی چه ویژگی‌هایی داشته است؟ ۵- آثار و نتایج برقراری ارتباط شما با دانشجویان در سراهای دانشجویی چه بوده است؟

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ (2002) استفاده شد. در این روش از رهنمودهای کلی داده‌ها بهره جسته که شامل تعیین اظهارات مهم، ایجاد معنی، خوشه‌بندی‌های آن‌ها در مضمون‌ها و ارائه توصیفی جامع از پدیده‌ی مورد مطالعه می‌شود. در این راهبرد در مرحله‌ی اول، یادداشت‌برداری از داده‌ها صورت پذیرفت؛ در مرحله‌ی دوم، اظهارات اصلاحات مرتبط با بحث بیرون کشیده شد؛ در مرحله‌ی سوم، از هریک از اظهارات یک مفهوم تدوین شده که بیانگر تفکر اساسی فرد بود، استخراج شد؛ در مرحله‌ی چهارم، شکل‌گیری خوشه‌های معنایی و ارتباط آن با مقوله‌های کلی صورت گرفت؛ مرحله‌ی پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده‌ی تحت مطالعه را به هم پیوند داده و دسته‌های کلی‌تری به وجود آمدند؛ مرحله‌ی ششم، تقلیل‌سازی از یافته‌ها صورت پذیرفت؛ به‌طوری‌که توصیفات زائد، غیرقابل کاربرد و اغراق‌شده از ساختار کلی داده‌ها حذف گردید؛ در مرحله‌ی هفتم، با هدف تأیید یافته‌های پژوهش، با استفاده از بازبینی اعضا انجام گرفت. همچنین در مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه‌ی ۱۱ استفاده شد.

جهت ارزیابی نتایج پژوهش کیفی حاضر، از معیارهای گوبا و لینکلن^۲ (1985) استفاده شد. گوبا و لینکلن از عنوان اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد^۳ برای ارزیابی نتایج پژوهش کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد. به عقیده‌ی گوبا و لینکلن معیار قابلیت اعتماد شامل چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط است که عبارت‌اند از: باورپذیری (همسازی و همبستگی داده‌ها)، اطمینان‌پذیری (توانایی تشخیص جایی که داده‌های یک مطالعه از کجا آمده، چگونه گردآوری شده و چه طور به کاررفته‌اند)، تأثیرپذیری (عینیت کیفی و انطباق یافته‌ها بر داده‌های پژوهش) و انتقال‌پذیری (اعتبار بیرونی) (محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۵؛ محسن‌پور، ۱۳۹۰: ۵۲). به منظور افزایش باورپذیری، از راهبردهایی مانند بررسی به‌وسیله‌ی اعضا، توصیف و تحلیل دقیق یافته‌ها، یادداشت‌های بازتابی و به‌کارگیری سؤالات مناسب استفاده شد. برای تضمین انتقال‌پذیری، از توصیف انبوه و غنی اطلاعات در طول مراحل پژوهش و نمونه‌گیری هدفمند

1. Collaizi

2. Guba & Lincoln

3. Trustworthiness

استفاده شد. برای افزایش تأثیرپذیری، ارائه‌ی جزئیات عملیاتی از جمع‌آوری داده‌ها و ارزشیابی‌های بازتابی از جمله راهبردهای مورد استفاده در این مطالعه بود. با هدف اطمینان‌پذیری، تمام اطلاعات در طول فرایند مطالعه، با دقت، ثبت و ضبط و جزئیات مصاحبه‌ها نیز یادداشت شد.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

| مشارکت‌کننده | سن | مدت زمان اقامت در خوابگاه | استان |
|--------------|----|---------------------------|-------------------|
| ۱ | ۲۰ | ۲ترم | خراسان رضوی |
| ۲ | ۲۰ | ۲ترم | خراسان رضوی |
| ۳ | ۲۱ | ۲ترم | سیستان و بلوچستان |
| ۴ | ۲۲ | ۲ترم | سیستان و بلوچستان |
| ۵ | ۲۱ | ۲ترم | خراسان شمالی |
| ۶ | ۲۳ | ۵ترم | خراسان رضوی |
| ۷ | ۲۲ | ۲ترم | خراسان جنوبی |
| ۸ | ۲۱ | ۳ترم | خراسان شمالی |
| ۹ | ۲۰ | ۱ترم | سیستان و بلوچستان |
| ۱۰ | ۲۴ | ۶ترم | خراسان رضوی |
| ۱۱ | ۲۱ | ۲ترم | خراسان جنوبی |

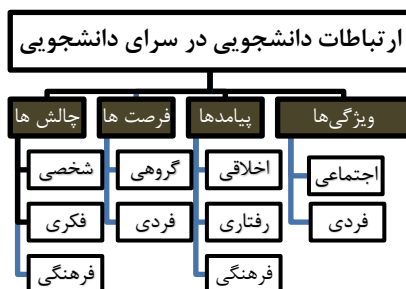
یافته‌های پژوهش

با بررسی و تحلیل مصاحبه‌ی شرکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل کدها در پژوهش، تجارب زیسته‌ی دانشجو - معلمان دختر از ارتباطات دانشجویان در زندگی سرای دانشجویی در قالب چهار کد انتخابی و نه کدمحوری "ویژگی‌ها (فردی، اجتماعی)"، "پیامدها (اخلاقی، رفتاری و فرهنگی)"، "فرصت‌ها (گروهی و فردی)" و "چالش‌ها (شخصی، فکری و فرهنگی)" طبقه‌بندی گردید که هرکدام از این مضامین اصلی دارای مضامین فرعی هستند.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی ارتباطات دانشجویی در سرای دانشجویی

| کد انتخابی | کد محوری | کد باز |
|------------|----------|--|
| | فردی | داشتن گزینه برای برقراری ارتباط، اجتماعی‌تر شدن از طریق ارتباط، جبران کمبود دوری از خانواده از طریق ارتباط با دوستان. |
| ویژگی‌ها | اجتماعی | اجبار در برقراری ارتباط، انجام کارهای گروهی، ارتباط در مسائل درسی، تقسیم کار در جهت نظافت، بازی‌های گروهی، همکاری در دروس با یکدیگر، ارتباط برای انجام پروژه، تأثیر تجربه زندگی سرای دانشجویی بر برقراری ارتباط. |
| | اخلاقی | کنار نیامدن با اخلاقیات یکدیگر، تفاوت‌های فرهنگی و احتمال ایجاد چالش اخلاقی، مشابه شدن شخصیت‌ها به یکدیگر، داشتن اخلاق و عادات متفاوت. |
| پیامدها | رفتاری | یادگرفتن چیزهای مختلف از یکدیگر، به اشتراک گذاشتن مسائل و مشکلات با یکدیگر، شناخت روحیات یکدیگر به مرور زمان، وفق دادن خود با شرایط. |
| | فرهنگی | یادگرفتن کارهای فرهنگی از همدیگر، تعاون و همکاری در کارهای فرهنگی خوابگاهی، همکاری در کارهای فرهنگی دانشگاه با یکدیگر، برگزاری دعا و مراسمات در سراهای دانشجویی. |
| فرصت‌ها | گروهی | انجام کارهای گروهی، تفریح کردن، مشورت کردن با دانشجویان در رابطه با اساتید، کمک برای انتخاب واحد به یکدیگر، دور هم جمع شدن و وقت گذراندن، انجام چالش‌های گروهی دوستانه، فیلم تماشا کردن دسته‌جمعی، تبادل اطلاعات، حل مشکلات ایجاد شده برای یکدیگر، کمک به یکدیگر در یادگیری دروس، درک کردن یکدیگر، دلداری دادن یکدیگر، صحبت کردن یا یکدیگر، رفع اشکال گروهی دروس، خو گرفتن با یکدیگر، پر کردن جای خالی خانواده از طریق دوستان، آشنایی کردن، مرور کردن خاطرات در جمع دوستان، باهم غذا خوردن، دورهمی گرفتن، پاور درست کردن با یکدیگر، ظرف شستن به نوبت، دلسوز هم بودن، مراقبت از یکدیگر، همدلانه به هم کمک کردن، رفتار دوستانه و مهربانانه، به اشتراک گذاشتن استعدادها، خرید کردن با یکدیگر، موسیقی گوش کردن، کمک در جمع‌آوری منبع ارائه، قرض دادن وسایل به یکدیگر، درک شرایط یکدیگر، سازگاری با رفتارهای خاص دیگران، خرید سوغاتی با یکدیگر، ورزش کردن یا یکدیگر، موفق تر شدن در کارهای گروهی درسی، رفع نیازهای آموزشی یکدیگر. |

| | | |
|--|---------------|----------------|
| <p>استفاده بهتر از زمان، بالا رفتن قدرت ارتباط، اجتماعی تر شدن از طریق ارتباط، آشنا شدن با مکان های مختلف، پیدا کردن دوستان جدید، یادگرفتن دقیق تر درس ها، پیشرفت شخصی در درس، یادگرفتن چیزهای جدید و مفید، آشنا شدن با آداب و رسوم مناطق محلی مختلف، یادگیری استعداد های مختلف، یادگیری صبر، یادگیری آشپزی، یادگیری کارکردن با نرم افزارهای مختلف، یادگیری غذاهای محلی، یادگیری سوزن-دوزی از دوستان، آموزش هنرهای محلی به یکدیگر، رغبت فرد برونگرا به ارتباط، یادگیری از طریق ارتباط، تأثیر ارتباط بر روی دیدگاه.</p> | <p>فردی</p> | |
| <p>عقب افتادن در برنامه ریزی شخصی به دلیل حضور در جمع دوستان، عدم رعایت نظم و نظافت، اختلاف داشتن بر سر زمان خواب، مشکل بر سر زمان کلاس ها، نداشتن فضای خلوت با خود، اختلاف در مسائل مختلف شخصی، لزوم داشتن گذشت در ارتباطات.</p> | <p>شخصی</p> | |
| <p>نرسیدن به اتفاق نظر، اشتراک نظر نداشتن برای تصمیم گیری، نداشتن استقلال نظر، تصمیم گیری مطابق شرایط دیگران، تفاوت دیدگاه، اختلاف سلیقه.</p> | <p>فکری</p> | <p>چالش ها</p> |
| <p>اخلاق و روحیات متفاوت، تفاوت شرایط خانوادگی، سختی ارتباط با سایر دانشجویان با فرهنگ های مختلف.</p> | <p>فرهنگی</p> | |



شکل ۱. ارتباطات دانشجویان در سراهای دانشجویی

ویژگی ها

یکی از مضامین اصلی پژوهش، ویژگی های اجتماعی ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی است. مصاحبه شونده شماره ۳ این طور بیان داشت: «من با همکلاسی هام تو مسائل درسی و کلاسی و انجام پروژه ها همکاری می کنیم. با دوستای قدیمیم گاهی آشپزی می کنیم و فیلم می بینیم؛ مرور خاطرات می کنیم و با هم اتاقیام هم تقسیم کار می کنیم. واسه کارهای اتاق دور

هم می‌شینیم؛ غذا و چایی می‌خوریم و یجورایی دورهمی دخترونه می‌گیریم. گاهی تو مسائل درسی به هم کمک می‌کنیم و خب چون همه اینجا غریبیم با هم دردودل می‌کنیم و اگر کسی مشکلی داشته باشه بقیمون سعی می‌کنیم حلش کنیم و بهش کمک کنیم.» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲ چنین اظهار داشت: «خب با آدمای زیادی تو سرای دانشجویی آشنا و ارتباط دارم، هم‌اتاقیام هستن، کسایی هستن که از رشته‌های متفاوتن. من باهاشون در ارتباطم و حتی بعضی دوستای قدیمی دوران دبیرستانم هستن و من با هرکدومشون یه جور در ارتباطم.»

یکی از مضامین اصلی پژوهش، ویژگی‌های فردی ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۴ چنین بیان کرده است: «ما وارد یک شهر غریب شدیم. نبود و کمبود خانواده حس نمیشه و این دوستان میتونن جای خالی خانواده رو برای ما پر کنن که نبود اونها رو خیلی حس نکنیم. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲ بیان کرد: «من وقتی با دوستانم در خوابگاه ارتباط داشتیم، منجر شد که شخصا اجتماعی‌تر شوم.»

پیامدها

یکی از مضامین اصلی پژوهش، پیامدهای اخلاقی ارتباط دانشجویی با دانشجو است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵ چنین بیان کرد: «مثلاً ما با بعضی اخلاقیات نمی‌تونیم کنار بیایم و تصمیم‌گیری برامون سخت میشه» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳ این‌گونه بیان داشت: «بیشتر بخاطر اینکه شخصیت‌های ما شبیه به همه از قبل و از موقعی که مجازی بودیم، ما همدیگه رو می‌شناختیم و می‌دونستیم که مثلاً این افرادی رو که برای هم اتاقی انتخاب می‌کنیم یه ویژگی‌هایی دارن که به ویژگی‌های ما خیلی نزدیکه. یعنی شخصیت‌هامون شبیه به هم است.»

یکی از مضامین اصلی پژوهش، پیامدهای رفتاری ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۴ چنین بیان داشت: «باعث شده خیلی از چیزایی که نمی‌دونستیم رو یاد بگیریم، مثلاً با افراد مختلفی مواجه میشی. دوستات از جاهای مختلف میان. خیلی چیزای جدیدی درمورد مکان زندگی اوناست، میدونی. اونا از تو میدونن. یجوری تبادل اطلاعاته.» مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵ نیز این‌گونه اظهار داشت: «اول کم کم به‌مرور زمان اون شناخت از روحیات دوستات که دستت میاد. دستت میاد که با کی چجوری رفتار کنی، سرچه مسائلی می‌تونی که صحبت کنی باهاشون. نمی‌تونی صحبت کنی، اعتماد کنی. اینا همه کم کم.»

بنظرم زمان می‌بره اول از همه تا بتونی این ارتباطه مشخص باشه تو چه حیطه‌ای باشه. باتوجه به روحیات افراد این کارو انجام بدیم و ارتباط برقرار کنیم. یکیش اینه و اینکه یه ذره هم روی خودت باید کار کنی. بنظرم وفق بدی خودتو با یکسری شرایط. نظرات مختلفی وجود داره راجب هر چیزی حتی امکانات سرای دانشجویی، می‌خواد کولر باشه یا استفاده از وسایل گرمایشی تو زمستون. بچه‌ها هر کدوم یجورین، یجوری دوست دارن. اینکه بتونی خودتو وفق بدی تا حد زیادی این خودش میتونه کمک کننده باشه برای چالش‌هایی که ایجاد میشه».

پیامدهای فرهنگی یکی از پیامدهای تعاملات دانشجویان در سراهای دانشجویی است. وقتی دانشجویان با همدیگر در سراهای دانشجویی ارتباط دارند، همدیگر را در کارهای فرهنگی خوابگاهی و دانشگاهی و برگزاری دعا و مراسمات در سراهای دانشجویی یاری می‌کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳ بیان کرد: «من با دوستانم در خوابگاه برای انجام کارهای فرهنگی دانشگاه همکاری دارم.» مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵ بیان کرد: «مراسمات را در خوابگاه با تعامل با همدیگر انجام می‌دهیم و به خوبی برگزار می‌شود.»

فرصت‌ها

یکی از مضامین اصلی پژوهش، فرصت‌های گروهی ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۶ چنین بیان کرد: «خب برای من شخصاً خیلی فرصت و مزیت داشته. مثلاً من تک دخترم و وابسته خانواده ولی اینجا انقد همه دوستانم مهربونانه رفتار میکنند و میتونم راحت باهاشون صحبت کنم که نبود و دوری خانواده رو برام خیلی قابل تحمل‌تر می‌کنه. تو مسائل درسی هم کارم خیلی راحت شده. قبلاً که مجازی بود خب سخت بود انجام کارهای کلاسی ولی اینجا بچه‌ها به هم کمک میکنند که ارائه‌هامو آماده کنم و مواقع امتحان که باهم درس می‌خونیم باعث میشه که دقیق‌تر درسو یاد بگیرم و خب پیشرفت کردم تو درسام و کلا پیدا کردن دوستای خوب واسه من جذاب‌ترین چیز هستش. دوستایی که میتونم چیزای زیادی ازشون یاد بگیرم.» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱ این‌گونه اظهار کرد: «خب چیزهایی زیادی هست. ما چون هم اتاقی هستیم با دوستانم گاهی اوقات میریم بیرون، باهم چایی و غذا درست

می‌کنیم، با هم می‌ریم تفریح و گردش و بعضی وقتا خرید می‌کنیم، با هم فیلم می‌بینیم، آهنگ گوش می‌کنیم، به هم کمک می‌کنیم چه تو مسائل درسی چه عاطفی و شخصیتی.»

یکی از مضامین اصلی پژوهش، فرصت‌های فردی ارتباط دانشجوی با دانشجو است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۴ این‌گونه بیان کرد: «ما اینجا از همه مناطق هستیم.»

چالش‌ها

یکی از مضامین اصلی پژوهش، چالش‌های فرهنگی ارتباط دانشجوی با دانشجو است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵ این‌طور بیان کرد: «خب مثلاً دلیلش اینه که هرکدوم از ما از فرهنگ‌ها و شهرهای مختلفی داریم، اینجا زندگی می‌کنیم. مثلاً ممکنه یکی از ما از خانواده‌ای باشه که تک دختر باشه و به قول خودمون یجورایی نازنازی بوده و تو خونه کار نمی‌کرده و بعضی‌های دیگه هستن که کار کردن براشون عادیه و خب اینجا اونیه که کار نمی‌کرده و اسش سخته که با بقیه و کار کردن کنار بیاد بخاطر شرایط خانوادگی که قبلاً داشته.» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳ این‌گونه بیان کرد: «اره خب قطعاً چون بالاخره ما هر کدوم توی یه خانواده با یک طرز فکر و فرهنگ متفاوت بزرگ شدیم و شاید برای من سخت باشه با فرهنگ یکی که توی سیستان و بلوچستان بزرگ شده کنار بیام یا برعکس. وقت‌هایی هم با هم، هم نظر نیستیم و به اشتراک نظر برای تصمیم‌گیری نمی‌رسیم و ممکنه برنامه‌هامون خراب بشه. گاهی با هم واسه تایم خواب به مشکل می‌خوریم؛ گاهی واسه تایم کلاس‌هامون که یکی نیست و خلاصه این چیزا.»

یکی از مضامین اصلی پژوهش، چالش‌های فکری ارتباط دانشجوی با دانشجو است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۲ چنین اظهار کرد: «وقتی می‌خوایم تصمیم‌گیری کنیم مثلاً یک چیزی بخریم، هرکس نظر متفاوتی داره و خب مشکل برای تصمیم‌گیری ایجاد میشه و مثلاً وقتی می‌خوایم نظافت رو تقسیم کنیم. برای تایم نظافت به‌اتفاق نظر نمی‌رسیم.» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۱ این‌طور بیان کرد: «بله محدودیت داره. ممکنه مثلاً اختلاف داشته باشیم توی یه زمینه‌هایی یا دیدگاهمون توی مسائلی با هم فرق داشته باشه. بحث‌هایی مثلاً پیش بیاد و اینکه ما کنار هم زندگی می‌کنیم. اگه یه بحثی پیش بیاد چون توی یه اتاق زندگی می‌کنم، این موضوع

خیلی تو روحیه‌مون تأثیر می‌ذاره. واسه همین تو این زمینه باید سعی کنیم یکم گذشت داشته باشیم.»

یکی از مضامین اصلی پژوهش، چالش‌های شخصی ارتباط دانشجویان با دانشجویان است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۳ این‌گونه بیان کرد: «ما که تو اتاق ۱۲ نفره زندگی می‌کنیم، دیگه همه باهم کنار نمیان. هرکس یک عادت و اخلاقی داره. دیگه مثلاً شخصاً تایم خواب من با بقیه یکی نیست و وقتی من می‌خوابم معمولاً بقیه بچه‌ها بیدارن و سروصدا باعث می‌شه تنظیم خواب من به هم بریزه. بعضی بچه‌ها واقعاً بی‌نظمن و یکم نظم و نظافت و رعایت نمی‌کنن و اینکه مثلاً ما با بعضی اخلاقیات نمی‌تونیم کنار بیایم و این آزاردهنده است و یکی دیگه اینکه وقتی می‌خوابیم تصمیم‌گیری کنیم مثلاً یک چیزی بخریم هرکس نظر متفاوتی داره و خب مشکل برای تصمیم‌گیری ایجاد می‌شه و مثلاً وقتی می‌خوابیم نظافت رو تقسیم کنیم برای تایم نظافت به اتفاق نظر نمی‌رسیم.» و مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ۵ این‌طور بیان کرد که: «بدون چالش که نمیتونه باشه. مثلاً این خوشگذرونی که بین دوستان داری ممکنه که باعث بشه که من مثلاً به مقدار روی برنامه‌های روزانم به شخصه حساس‌ترم، بخاطر همون مثلاً دلم می‌خواد وقتی می‌رم درسی چیزی بخونم، برای کارای خودم می‌خوام وقت بزارم، دوست دارم بین بچه‌ها، بین دوستانم باشم. این باعث می‌شه که من هی وسوسه بشم به عبارتی و پیام پیش دوستانم که باهاشون صحبت کنم، خوش بگذروم منم، یه مسئله اینه. چالش‌هایی که بین این ارتباط ایجاد بشه مسلماً توی اتاقای ما که مخصوصاً دوازده نفریم توی هر اتاقی، تعدادمون بالاست مثلاً اخلاقیات مختلفی وجود داره، روحیات مختلفی وجود داره، از دوازده خانواده مختلف با فرهنگ مختلف اومدیم، کنار هم قرار گرفتیم، ممکنه روحیات بچه‌ها به هم نخوره. قطعاً چالش‌هایی ایجاد می‌شه. بدون چالش نمی‌تونه باشه.»

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از یافته‌های پژوهش ویژگی‌های ارتباطات دانشجویی در زندگی سرای دانشجویی است که دارای زیرمضمون‌های ویژگی‌های فردی و اجتماعی است. یافته‌های پژوهش مابشری و همکاران (۱۳۹۲) که نشان داد زندگی در سراهای دانشجویی منجر به سازگاری اجتماعی می‌شود، تأییدکننده‌ی یافته‌های این پژوهش است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت ویژگی‌های فردی در ارتباط بین دانشجویان به این دلیل مؤثر است که عامل اصلی چگونگی رفتار و واکنش بین فردی در دانشجویان متأثر از شاخصه‌ها و تیپ‌های شخصیتی مختلف هرکدام به صورت مستقل هست. سازش یا عدم سازش هرکدام از ویژگی‌های، بعضاً، متناقض و متفاوت در روابط بین فردی از برجسته‌ترین مضامینی است که دریافت شد و در تبیین مضمون اجتماعی می‌توان گفت تعداد زیادی از دانشجویان برای جبران مسئله‌ی دوری از خانواده و رفع دل‌تنگی و حس غربت به ارتباط با دانشجویان دیگر روی می‌آورند؛ لذا دست به انتخاب افرادی می‌زنند که از لحاظ ویژگی‌های شخصی به آن‌ها شبیه باشند تا از این طریق این خلأ را رفع کنند. گاهی اوقات افراد مجبور به سازش با کسانی می‌شوند که به اجبار و به صورت از قبل تعیین‌شده در یک اتاق با همدیگر زندگی می‌کنند.

یکی از یافته‌های پژوهش پیامدهای ارتباطات دانشجویان در سراهای دانشجویی است که دارای زیرمضمون‌های اخلاقی، رفتاری و فرهنگی است. یافته‌های پژوهش رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد سکونت در خوابگاه برای دانشجویان دختر نتایجی همچون استقلال، افزایش صبر و توان تحمل مشکلات، یادگیری و تقویت مهارت‌های مختلف داشته است، تأییدکننده‌ی یافته‌های این پژوهش است. در تبیین مضمون پیامدهای اخلاقی می‌توان بیان داشت که برقراری ارتباط با دانشجویان دیگر باعث افزایش هم‌اندیشی، همکاری و همبستگی می‌شود که ممکن است به تقویت عملکرد تحصیلی و حرفه‌ای دانشجویان کمک کند. با توجه به اهمیتی که این همبستگی در زندگی سرای دانشجویی دارد، آموزش آن باید به یکی از مؤلفه‌های مهم در سرای دانشجویی و میان دانشجویان سرای دانشجویی تبدیل شود. ایجاد این همبستگی باعث می‌شود تا دانشجویان بهتر بتوانند یکدیگر را درک کنند و در مورد مشکلاتشان صحبت کنند و به حل مشکل با یکدیگر بپردازند. در تبیین مضمون پیامد رفتاری می‌توان این‌گونه بیان داشت که دانشجویان با زندگی

در کنار هم می‌توانند چیزهای مختلفی یاد بگیرند، مسائل و مشکلاتشان را با هم به اشتراک بگذارند، به‌مرور زمان با روحیات هم آشنا شوند و خود را با شرایط همدیگر وفق دهند که این به‌خودی‌خود باعث ایجاد نوعی همبستگی و صمیمیت میان آن‌ها می‌شود. پیامدهای فرهنگی در خوابگاه یکی دیگر از پیامدهای مهم سراهای دانشجویی است. دانشجویان در تعامل با همدیگر در کارهای فرهنگی همکاری می‌کنند و مراسمات و کارهای فرهنگی را انجام می‌دهند.

یکی از یافته‌های پژوهش فرصت‌های ارتباطات دانشجو - معلمان در سراهای دانشجویی است که شامل زیرمضمون‌های فرصت‌های فردی و گروهی است. یافته‌های پژوهش رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان داد سکونت در خوابگاه برای دانشجویان دختر، فرصت‌هایی به همراه داشته است که می‌توان به یادگیری مدیریت مالی، تقویت روحیه‌ی قدرشناسی نسبت به خانواده، آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب‌ورسوم مختلف، افزایش نظم و مسئولیت‌پذیری و تقویت بُعد معنوی و عمل به باورهای دینی از مهم‌ترین فرصت‌هایی بودند که سکونت در خوابگاه برای دانشجویان اشاره نمود، تأیید‌کننده‌ی یافته‌های این پژوهش است. در تبیین مضمون فرصت‌های فردی می‌توان گفت یکی از آثار مثبت ارتباط با سایر دانشجویان مستقر در سراهای دانشجویی، آشنا شدن با فرهنگ‌های مختلف مناطق محلی و نحوه‌ی آداب‌ورسوم جالب و جذاب آن‌ها بود. همچنین، یادگیری و تقویت مهارت‌های مختلف، از جمله آشپزی، سوزن‌دوزی و هنرهای محلی، از دیگر فرصت‌هایی بود که مشارکت‌کنندگان بیان کردند که ارتباط با سایر دانشجویان موجب شده که آن‌ها برخی مهارت‌ها را یاد بگیرند و اطلاعات خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دهند و از دانش یکدیگر استفاده کنند. در تبیین مضمون فرصت‌های گروهی می‌توان به مواردی همچون رفع اشکال و کمک در مسائل درسی به صورت گروهی اشاره کرد که دانشجویان در زمان‌های خاص مانند روزهای امتحان دسترسی راحت و سریع‌تری به سایر همکلاسی‌هایشان دارند و یا برای انجام پروژه‌ها و تکالیف درسی، حضور همکلاسی‌ها در یک مکان به همکاری و یادگیری بهتر می‌انجامد.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش چالش‌های ارتباطات دانشجویی است که شامل سه مضمون چالش‌های شخصی، فکری و فرهنگی است. یافته‌های پژوهش گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) که

نشان داد به زوال رفتن حریم خصوصی، تنگنای فراغت، فقدان عاملیت انتخاب، بازتولید نقش‌های جنسیتی و... از مهم‌ترین چالش‌های زندگی خوابگاهی از نگاه دختران است و یافته‌های پژوهش افشانی و همکاران (۱۳۹۱) و پژوهش رحمتی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان دادند احساس غربت و دل‌تنگی، فشارهای روانی ناشی از هم‌اتاق شدن با افراد نامناسب، کیفیت پایین غذای سلف، کاهش کیفیت درس خواندن و به هم خوردن نظم خواب از برجسته‌ترین مشکلاتی بودند که دانشجویان به آن اشاره کردند، تأییدکننده‌ی یافته‌های پژوهش حاضر است. در تبیین چالش‌های شخصی می‌توان گفت اغلب افراد هنگامی که در جمع دوستان قرار می‌گیرند، علاقه‌مند به گذراندن اوقات بیشتری در آن جمع هستند و از این‌رو، آن‌ها ممکن است دچار مشکلاتی از جمله عقب افتادن از برنامه‌های روزانه‌ی شخصی، نداشتن فضای خلوت با خود و این‌گونه موارد شوند که کمتر به کارهای شخصی بپردازند و از برنامه‌ها و زندگی شخصی‌شان عقب بیفتند. در جمع دوستان زمان خواب نیز معضل دیگری است که افراد با آن روبرو هستند و سروصدای زیاد دیگران و ناهمخوانی برنامه‌ها موجب به هم خوردن نظم خواب افراد می‌گردد و اکثر مشارکت‌کنندگان بر این معضل تأکید کرده‌اند. در تبیین مضمون چالش‌های فکری می‌توان گفت هر کدام از دانشجویان از آنجایی که از مناطق محروم گرد هم آمده‌اند، طبیعتاً در بعضی موارد و امور ممکن است دچار اختلاف‌نظر در آن مسئله شوند و در این بین گاهی بعضی افراد از علایق شخصی خود و نظرشان صرف‌نظر می‌کنند و این امر شاید موجبات ناراحتی افراد را فراهم کند. همچنین افراد برای تصمیم‌گیری امور جمعی به‌سختی به اتفاق نظر خواهند رسید و از این‌رو، تصمیمات ممکن است با تأخیر گرفته شود و یا هیچ‌گاه آن تصمیم عملی نشود و این ناهمخوانی عقاید و نظرات برای افراد چالش‌هایی به وجود می‌آورد. در تبیین مضمون چالش‌های فرهنگی می‌توان گفت که تفاوت‌های فرهنگی در دانشجویان از نظر خانوادگی، اجتماعی، مذهبی و زبانی ممکن است دیده شود. مثلاً فرهنگ خانوادگی که دانشجویان از خانواده‌های مختلف و با ریشه‌های فرهنگی متفاوت باهم هم‌زیستی می‌کنند و یا فرهنگ اجتماعی که دانشجویان با محیط‌های مختلفی تعامل دارند و با انواع آداب‌ورسوم و اعتقادات درگیرند که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی در آن محیط ایجاد می‌شود. به‌طور کلی، این تفاوت‌ها منجر به اختلافاتی در برخورد، بیان و استدلال می‌شود و ارتباط را برای دانشجویان دشوار می‌سازد.

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهاد داد با توجه به اینکه زندگی در سرای دانشجویی همراه با چالش‌هایی است، کارگاه‌هایی برای تبیین این چالش‌ها برای دانشجویان برگزار شود تا مشکلات آن‌ها به حداقل برسد. همچنین با توجه به اینکه یکی از پیامدهای ارتباطات دانشجویی در سراهای دانشجویی آشنا شدن با فرهنگ و آداب و رسوم همدیگر است، پیشنهاد می‌شود که در هر ترم نمایشگاهی از دستاوردهای (لباس‌های بومی و محلی، غذاها و...) هر استان توسط دانشجویان در سراهای دانشجویی برپا شود و همچنین در هر ترم مجدد برای هر دانشجو جایابی جدیدی صورت گیرد تا با فرهنگ سایر دانشجویان آشنا شود. در راستای برنامه‌های راهبردی پیشنهاد می‌شود، مسئولین محل تحصیل دانشجو - معلمان، به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که دانشجویان با قومیت‌های نزدیک به هم در حوزه‌ی فرهنگی، اجتماعی و رشته‌ای در یک استان در سراهای دانشجویی گرد هم جمع شوند و با همدیگر زندگی نمایند تا مشکلاتی که مربوط به تناقضات فرهنگی است به حداقل برسد. همچنین معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان جشنواره‌هایی را برنامه‌ریزی کند تا دانشجو - معلمان از این طریق با فرهنگ‌های همدیگر در سطح استان‌های مختلف آشنا شوند.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا، عسگری ندوشن، عباس، و سفید، مجید (۱۳۹۱). بررسی مشکلات فرهنگی زندگی سرای دانشجویی دانشجویان پسر سرای دانشجویی‌های دانشگاه یزد. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳(۵)، ۹-۲۶.
- امینی، سعیده، اخلاصی، ابراهیم، و حدادی، سالار (۱۴۰۲). مطالعه پدیدارشناختی تجربه تنهایی در بین دانشجویان با رویکرد تفسیری (مورد مطالعه: دانشجویان پسر خوابگاه شهید آشتیانی دانشگاه علامه طباطبایی). *راهبرد فرهنگ*، ۱۶(۶۲)، ۳۱-۶۰.
- انواری، زهره (۱۳۹۶). حس تعلق به سرای دانشجویی؛ مطالعه موردی دختران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. *فصلنامه فرهنگی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۰۵-۱۳۱.
- پروین، ستار (۱۳۹۵). چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۲)، ۳۱۱-۳۳۸.
- جهانگیری، جهانگیر، ابوترابی زارچی، فاطمه، تنها، فاطمه، و ابوترابی زارچی، حمیده (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رضایت از زندگی سرای دانشجویی و از خودبیگانگی دانشجویان دختر سرای دانشجویی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان). *مجله زن در فرهنگ و هنر*، ۴(۲)، ۸۹-۱۰۶.
- حسینی، حسین، و خجسته، اسمعیلی (۱۴۰۲). مطالعه‌ی کیفی گذران اوقات فراغت دختران در خوابگاه دانشگاه یزد. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۰۱(۲۶)، ۱۴۵-۱۷۵.
- خراباتی، ساجده، و یزدانفر، سید عباس (۱۳۹۵). عوامل مؤثر در ایجاد دلبستگی به مکان در سرای دانشجویی‌های دانشجویی (نمونه موردی: سرای دانشجویی دانشگاه سمنان). *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۳(۱)، ۵-۲۶.
- رحمتی، عباس، زراعت حرفه، فهیمه، علیپور، فرحناز، و کاربخش‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). تجارب دانشجویان دختر از سکونت در سرای دانشجویی‌های دانشجویی. *فصلنامه پژوهش‌های پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۸(۱۴)، ۷۵-۹۷.
- رضاسلطانی، پروانه، قنبری خاتک، عاطفه، و مریدی، مریم (۱۳۹۳). مقایسه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در دانشجویان سرای دانشجویی و غیرسرای دانشجویی، *مجله پرستاری و مامایی جامع نگر*، ۲۴(۷۴)، ۳۸-۴۵.

سراج‌زاده، سید حسین، و حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۷). کیفیت زندگی سرای دانشجویی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۴)، ۱-۳۱.

سعیدی، علی‌اصغر، و اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۹). بررسی مسائل و مشکلات سرای دانشجویی‌های دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی در شهر تهران، *فصلنامه زن و بهداشت*، ۱۱(۱)، ۴۳-۸۸.

عباس‌پور، سمیه، عباسی اسفجیر، اصغر، و رحمانی فیروزجاه، علی (۱۴۰۱). تحلیلی بر سبک زندگی در خوابگاه دانشجویی مطالعه موردی (دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی). *سبک زندگی/اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۲)، ۱۱-۱۲۲.

عبدی، عالیہ، حاتمی خانقاهی، توحید، و وزیری، وحید (۱۳۹۹). بررسی ارتباط انگیزش پیشرفت با رضایت از عوامل محیطی در دانشجویان ساکن سرای دانشجویی (نمونه موردی: دانشجویان ساکن در سرای دانشجویی دولتی دانشگاه محقق اردبیلی). *اندیشه معماری*، ۴(۷)، ۹۴-۱۰۶.

قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۸). چپستی نام گذاری سرای دانشجویی به جای خوابگاه. *همایش زندگی دانشجویی، فرصت‌ها و آسیب‌ها با تاکید بر دانشجویان ساکن سراهای دانشجویی*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

گودرزی، نجمه، قاسم‌پور، فاطمه، و اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۸). چالش‌های زندگی سرای دانشجویی دانشجویان دختر در سرای دانشجویی‌های دانشگاه‌های سراسری شهر تهران. *فصلنامه علوم اجتماعی (علمی)*، ۲۶(۸۴)، ۳۳-۶۰.

مباشری، محمود، علیدوستی، معصومه، و صولتی، سید کمال (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین دلتنگی برای خانواده و سازگاری با دانشگاه در دانشجویان سرای دانشجویی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۱(۶)، ۱۶۰-۱۶۶.

محسن پور، محدثه (۱۳۹۰). ارزیابی داده‌های کیفی. *مجله کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۱۶(۴ و ۳)، ۵۰-۵۵.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۷(۴۸)، ۷۳-۱۰۷.

محمودی‌راد، مریم، و آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳). خوابگاه‌های دانشجویی به مثابه جوامعی برای یادگیری. *طب و تزکیه*، ۱۳(۲)، ۴۵-۵۴.

ندیمی، هادی، فقیهی حبیب‌آبادی، محمدرضا، و نظریور، محمدتقی (۱۳۹۲). تأثیر چشم انداز و طراحی محیط‌های سرای دانشجویی بر میزان رضایت‌مندی دانشجویان (مطالعه موردی: سرای دانشجویی‌های دانشجویی دختران دانشگاه حکیم سبزواری سبزوار). *فصلنامه علوم محیطی*، ۱۱(۱)، ۸۱-۹۳.

نظریور، محمدتقی، سعادت‌ی وقار، پوریا، و حیدری، احمد (۱۳۹۶). بهبود کالبد سکونتگاه‌های دانشجویی در جهت افزایش اجتماع‌پذیری با تکیه بر روش نحو فضا، نمونه موردی: خوابگاه حکیم سبزواری، سبزوار، *فصلنامه آرمانشهر*، ۱۰(۲۱)، ۲۴۷-۲۵۶.

وارسته‌فر، افسانه، و موسوی تازه‌آبادی، سیده فاطمه (۱۳۹۳). درک پدیدار شناسانه کنش اجتماعی در زندگی سرای دانشجویی دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۸(۱)، ۹-۳۹.

Bowlby, J. (1980). *Attachment and Loss. Vol. 3: Loss, Sadness and Depression*. New York: Basic Books.

The Ideal Marriage Model: A Case Study of Couples Living in Mashhad

Mona Kargar¹
Hossein Kareshki³

Seyed Ali Kimiaee²
Khodabakhsh Ahmadi Noude⁴

Received: 30/10/2024

Accepted: 31/12/2024

Introduction

A high-quality marriage lays the foundation for a flourishing and productive human society (Glasser, 2022, p. 38), and an effective and high-quality marriage is characterized by marital stability and satisfaction. Studies indicate that marital satisfaction is a variable that directly and indirectly impacts the quality of life and its dimensions (Kasapoglu & Yabanigul, 2018, p. 250). On the other hand, divorce leads to a decline in physical health, the emergence of psychological problems, and a decrease in the social and economic status of family members. Therefore, there is a pressing need to understand the factors that contribute to an effective marriage.

According to research, factors such as commitment, love and intimacy, healthy communication, respect, and conflict resolution have been identified as contributors to a successful marriage. Given that marriage is a culturally dependent phenomenon, it can be argued that the necessity of conducting research in this area is greater in Iran. This is because studies on stable and satisfying marriages are either limited or require further elaboration. Moreover, to develop culturally tailored programs

1. PhD student, Department of Counseling Psychology and Education, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. m.m.kargar2002@gmail.com <https://orcid.org/0009-0007-1978-8087>

2. Associate Professor, Department of Counseling and Education Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Corresponding author. Kimiaee@um.ac.ir <https://orcid.org/0000-0003-1982-5902>

3. Associate Professor, Department of Counseling and Education Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. kareshki@um.ac.ir <https://orcid.org/0009-0003-1990-2365>

4. Professor, Behavior Science Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran. kh_ahmady@yahoo.com <https://orcid.org/0000-0001-8969-8449>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

addressing family issues, there is a need for research rooted in the specific culture of each society.

However, the main concern of the researchers in this study was the rising divorce rate in Khorasan Razavi province compared to other provinces in the country. This raised the question: how is it that, within a shared cultural context, some couples succumb to the challenges and crises of life, leading to divorce, while others emerge successful? Thus, we sought to uncover the answer through the lived experiences of couples. Accordingly, the objectives of this study are:

- To identify the factors influencing an effective marriage.
- To develop a paradigmatic model of effective marriage factors based on the cultural context.

Methods

This study employs a qualitative approach using the grounded theory method. The statistical population consists of all married couples in Mashhad in 2022 who had stable and satisfying marital lives. Purposeful sampling was used, and the sample size was determined based on data saturation. Data saturation was achieved after conducting individual interviews with 14 couples (28 participants). The collected data were analyzed immediately after the interviews, and the coding process was carried out in three stages: open coding, axial coding, and selective coding. Ultimately, by comparing and linking the extracted categories, a model for effective marriage was developed.

To ensure the validity and reliability of the collected data, Lincoln and Guba's (1989) four credibility criteria were applied. To guarantee data credibility, the results of each interview analysis were presented to the participants for review to confirm accuracy or make necessary adjustments. To ensure confirmability, the researcher minimized the influence of personal assumptions during data collection. For dependability and adequacy, the coding and categorization processes were conducted in multiple sessions with the research team and in the presence of research methodology experts, reaching the required consensus. To enhance the generalizability of the findings, an effort was made to select participants from diverse social, cultural, economic, and geographical backgrounds, focusing on successful couples in varying contexts.

Findings

Following the interviews, confirmation of data saturation, and subsequent analysis and coding, a total of 225 open codes, 34 subcategories, and ultimately 4 main categories were identified, as presented in Table 1.

Table 1. Main and subcomponents from thematic analysis of the lived experiences of couples in effective marriages

| Main component | | Subcomponent |
|--|------------|--|
| Substrates and contexts | | Appropriate and informed marriage, individual characteristics. |
| Achievements of the marital relationship | Principles | Commitment and trust, respect, honesty, balance and fairness, consultation and coordination, forgiveness, individual freedom. |
| | Themes | Love, appreciation, couple identity, intimacy, sexual satisfaction, relationship enhancement, support, cooperation, and companionship. |
| | Skills | Mutual recognition and understanding, conflict management, healthy communication, marital adjustment, relationship dynamics, financial literacy. |
| Facilitating factors | | Respect and connection with families, protective attitudes, spirituality, hope and optimism, having children, a communication and support network with friends and relatives, and a good economic situation. |
| Consequences | | Understanding happiness and satisfaction with life, feeling of security and peace, efficiency in life management, efficient parenting system. |

This study aimed to deeply and qualitatively explore the features and experiences of stable and satisfying marriages while considering the role of culture in marital studies. The findings revealed that the contextual conditions of an effective marriage include factors such as a suitable marriage and positive individual traits, aligning with the findings of Atari et al. (2020) and Khodadadi-Sangdeh and Parhizkari (2023).

Based on the results of this study, the causal conditions for an effective marriage—events that predict or foster its occurrence and development—are the achievements of the marital relationship. These include commitment and trust, respect, honesty, fairness, consultation, forgiveness, love, appreciation, couple identity, intimacy, optimal sexual satisfaction, support, and cooperation. While all these factors have been corroborated in various studies, specific examples include the alignment of findings on commitment and forgiveness with Li et al. (2024), honesty with Kazim and Rafique (2021), love, intimacy, and effective communication with Beckett et al. (2023), sexual satisfaction with Vakili et al. (2024), and couple identity with Rahmati et al. (2020).

Facilitating factors for a successful marriage identified in this study include having children, supportive families of origin, protective attitudes, optimism, spirituality, maintaining familial connections, and favorable economic conditions. According to the study results, strategies employed by couples to achieve a successful marriage include developing skills such as mutual understanding, conflict management, healthy communication, relationship dynamism, and financial literacy. These findings align with those of Adler-Baeder et al. (2022) and Becotte et al. (2023). Overall, the study concludes that the outcomes of an effective marriage are a sense of happiness and satisfaction, feelings of security and peace, efficiency in life management, and effectiveness in parenting.

References

- Abedini Chamgordani, S., & Niknejadi, F. (2022). Barresi naghsh-e mianji moghabele zoji va tafahom va hamahangi fekri dar erbat beine jazebehaye zanashoi va keifiyat-e zanashoi. [Examining the mediating role of couple coping and intellectual harmony in the relationship between marital attraction and marital quality]. *Rooyesh*, 10(12), 73-84. [In Persian]
- Abida Ajid, A., Khalid, M., Zartashia, K. J., & Minahil, A. (2024). Conflict resolution, psychological well-being and marital satisfaction among spouses of working people. *Pakistan Journal of Law, Analysis and Wisdom*, 3(2), 183-191.
- Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2022). How couple's relationship lasts over time? A model for marital satisfaction. *Psychological Reports*, 125(3), 1601-1627. <https://doi.org/10.1177/00332941211000651>
- Adler-Baeder, F., Futris, T. G., McGill, J., Richardson, E. W., & Yildirim, E. D. (2022). Validating the couple relationship skills inventory. *Family Relations*, 71(1), 279-306. <https://doi.org/10.1111/fare.12590>
- Afroz, G. (2014). Ravanshenasi-e ezdevaj va shokoh-hamsari. [*The psychology of marriage and the glory of marriage*]. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Anderson, S. H., Miller, R., Marks, L., Hatch, T., & Card, N. (2018). Longitudinal test of forgiveness and perceived forgiveness as mediators between religiosity and marital satisfaction in long-term marital relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 46(2), 356-374. <https://doi.org/10.1080/01926187.2018.1547667>
- Becotte, K., Brassard, A., Brault-Labbé, A., Gagné, L., & Péloquin, K. (2023). Positive relationship adaptation of couples transitioning to parenthood: An interpretative phenomenological analysis. *Family Relations*, 72(4), 2251-2269. <https://doi.org/10.1111/fare.12792>
- Clyde, T. L., Hawkins, A. J., & Willoughby, B. J. (2020). Revising premarital relationship interventions for the next generation. *Marital and Family Therapy*, 46(1), 149-164. <https://doi.org/10.1111/jmft.12378>
- Daroonch, T., Ozgoli, G., Ozgoli, Z., & Nasiri, M. (2017). Barresi-e erbat-e avamele eghtesadi va jamiat shenakhti ba rezayat-e jensi va zanashui dar yes remuneration az zanane Irani dar salvage 1394-1395 [A study on the relationship of economic and demographic factors with sexual and marital satisfaction in a sample of Iranian women, 2015-2016]. *Journal of Isfahan Medical School*, 35(48), 50-56. [In Persian]
- Dehghani, Ch. F., & Dehghan, A. (2023). Predicting sexual satisfaction in Iranian women by marital satisfaction components. *Sexual and Relationship Therapy*, 38(1), 35-71. <https://doi.org/10.1080/14681994.2020.1736279>
- Finkel, E. J. (2017). *The all-or-nothing marriage: how the best marriages work*. New York, NY: Dutton.

- Forouzanfar, A., & Fatehizadeh, M. (2023). Tabiin-e dade bonyad-e moraghebatgari zoji: yek pazhuheshe keifi. [A grounded theory study of couple caregiving: A qualitative study]. *Journal of Counseling Research*, 22(88), 4-35. [In Persian]
- Glasser, W. (2022). *Getting together and staying together: solving the mystery of marriage* (A. Sahebi Trans.). Saye Sokhan Publication. (Original work published 2000)
- Han, S. H., Kim, K., & Burr, J. A. (2021). Take a Sad Song and Make it Better: Spousal Activity Limitations, Caregiving, and Depressive Symptoms Among Couples. *Social Science & Medicine*, 114081. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.114081>
- Hatami Varzeneh, A., Esmaili, M., Farahbakhsh, K., & Borjali, A. (2016). Barrasi-e moghayeseii ezdevajhaye paydar-e rezayatmand va ezdevajhaye dar hal-e jodaii (motaleeye keifi). [A comparative analysis of satisfying stable marriages and marriages in the process of separation: A qualitative study]. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 35, 7-39. [In Persian]
- Hooman, H.A. (2019). *Rahnamaye amali pazhuheshe keifi. [A practical guide to qualitative research]*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Publication.
- Hormozi, M., Farahbakhsh, K., & Gholamzadehjofreh, M. (2024). Barresi-e koneshhaye ertebati dar ezdevajhaye movafagh. [Examining communicative actions in successful marriages: A qualitative study]. *Journal of Counseling Research*, 23(89), 61-63. [In Persian]
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, F. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence mode. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376. <https://doi.org/10.1002/ijop.12473>
- Iwasa, H., Yoshida, Y., & Ishii, K. (2024). Association of spousal social support in child-rearing and marital satisfaction with subjective well-being among fathers and mothers. *Behavioral Sciences*, 14(2), 1-11. <https://doi.org/10.3390/bs14020106>
- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Masjedi Arani, A. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiol Health*, 41:e2019023 <https://doi.org/10.4178/epi2019023>
- Kasapoglu, F., & Yabanigul, A. (2018). Marital satisfaction and life satisfaction: The mediating effect of spirituality. *Spiritual Psychology and Counseling*, 3, 177-195. <https://doi.org/10.37898/spc.2018.3.2.0048>
- Kaveh Farsani, Z., Rajabi, GH., Amanelahi, A., & Khojastehmehr, R. (2020). Tadvin-e model-e bumi keifiat-e zanashoi: pazhuhesh-e keifi bar asase nazariee zamineii. [Developing a local model of marital quality: A qualitative study based on grounded theory]. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 21(1), 60-71. [In Persian]
- Kazim, S. M., & Rafique, R. (2021). Predictors of marital satisfaction in individualistic and collectivist cultures: A mini review. *Journal of Research in Psychology*, 3(1), 55-67. <https://doi.org/10.31580/jrpv3i1.1958>

- Khodadadi Sangdeh, J., & Parhizkari, H. (2023). Tadvine olguy-e mafhumi ezdevaj mobtani bar sireye hazrate amiralmomenin va hazrat sedighe tahere. [Developing a conceptual model of successful marriage based on the teachings of Imam Ali (AS) and Lady Fatimah al-Zahra (SA)]. *Journal of Counseling Research*, 22(87), 4-31. [In Persian]
- Khojastehmehr, R., Mohammadi, R., Sudani, M., & Abbaspur, Z. (2018). Tajrobeye zisteye fadakeri dar ezdevajhaye paydar. [Experiencing the essence of sacrifice in stable marriages]. *Journal of Counseling Research*, 17(65), 150-186. [In Persian]
- Lawrence, E. M., Rogers, R. G., Zajacova, A., & Wadsworth, T. (2019). Marital happiness, marital status, health, and longevity. *Happiness Studies*, 20, 1539–1561. <https://doi.org/10.1007/s10902-018-0009-9>
- Li, Q., & et al. (2024). Reciprocal associations between commitment, forgiveness, and different aspects of marital well-being among Chinese newlywed couples. *Family Process*, 63(2), 879-896. <https://doi.org/10.1111/famp.12909>
- Lyness, K. P. (2003). Extending emotionally focused therapy for couples to the contextual realm. *Journal of Couple & Relationship Therapy: Innovations in Clinical and Educational Interventions*, 2(4), 19-32. https://doi.org/10.1300/J398v02n04_02
- Margelisch, K., & et al. (2017). Marital stability, satisfaction, and well-being in old age: Variability and continuity in long-term continuously married older persons. *Aging & Mental Health*, 21(4), 389-398. <https://doi.org/10.1080/13607863.2015.1102197>
- Mazucca, S., & et al. (2019). Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion. *Social and Personal Relationships*, 36(9), 2880–2895. <https://doi.org/10.1177/0265407518804452>
- Meyer, K., Patel, N., & White, C. (2021). The relationship between perceived support and depression in spousal care partners: A dyadic approach. *Aging & Mental Health*, 25(10), 1830-1838. <https://doi.org/10.1080/13607863.2020.1836474>
- Moore, Q., Wood, R. G., & Wu, A. Y. (2023). Impacts of healthy marriage and relationship education with integrated economic stability services. *Family Relations*, 72(4), 1422-1440. <https://doi.org/10.1111/fare.12877>
- Motaharinasab, A., Farahbakhsh, K., Borjali, A., & Farrokhi, A. (2022). Tadvin va eetebaryabi olguye rezayat-e zanashuii dar pandemiha va arzyabi-e asarbakhshi aan bar behzisti ravanshenakhti dar dorav-e korona. [Developing and validating a model of marital satisfaction during pandemics and evaluating its effectiveness on psychological well-being during the COVID-19 period]. *Journal of Counseling Research*, 22(85), 88-127. [In Persian]
- Motamedin, M. (2004). Taasir-e amuzesh-e rahbordhaye moghabele ba bavarhaye gheire makteghi va rezayatmandi-e zanashyiee zojhaye moraje konande be markaz moshavereye Ahvaz. [The impact of training coping strategies for irrational beliefs on marital satisfaction among couples visiting the Family

- Counseling Center of Welfare in Ahvaz]. (Unpublished master's thesis). Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz. [In Persian]
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (Rev. ed.). Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH, Inc.
- Parnell, K., Wood, N. D., & Schel, M. (2020). A gratitude exercise for couples. *Couple & Relationship Therapy*, 19(3), 212-229. <https://doi.org/10.1080/15332691.2019.1687385>
- Postler, K. B., Helms, H. M., & Anastopoulos, A. D. (2022). Examining the linkages between marital quality and anxiety: A meta-analytic review. *Family Process*, 61(4), 1456-1472. <https://doi.org/10.1111/famp.12798>
- Prochaska, J., & Norcross, J. C. (2023). Systems of psychotherapy. (Y. Seyed Mohammadi, Trans.). Tehran: Ravan Publication. (Original work published 2018)
- Rahmati, B., Farahbakhsh, K., Motamedi, A., & Borjali, A. (2020). Olguye tahavole (maii) dar zojhay-e movafagh bar mabnaye nazariee zamine-ei. [The 'We' transformation model in successful couples based on grounded theory]. *Journal of Counseling Research*, 19(75), 252-289. [In Persian]
- Salimi, H., & Golmohammadian, M. (2023). Vakavi rahbordhey-e hefz-e rabeteye zoji dar zanan-e shaghel: tahlil-e keifi. [Exploring strategies for maintaining marital relationships among working women: A qualitative content analysis]. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 18(62), 217-234. [In Persian]
- Samarisafa, J., Zarei, E., Najarpourian, S., & Mohammadi, K. (2022). Eraeeye olguy-e ezdevaje mojadad; yek pazhuheshe keifi. [Developing a model of satisfied remarriage: Qualitative research]. *Journal of Counseling Research*, 21(83), 4-16. [In Persian]
- Sanagooeizadeh, M. (2023). Shenasaai-e avamel-e mortabet ba keifiyat-zanashuii dar motaleaat-e Irani (1389_1401). [Identifying factors related to marital quality in Iranian studies (2010-2022)]. *Journal of Counseling Research*, 22(87), 114-143. [In Persian]
- Sattarzadeh, N., Hakimi, S., & Shakibaifar, M. (2024). Tasir-e amuzesh-e ehghaghe jensi bar rezayat-e zanashoi va shadmani-e zendegi-e zanan-e azari: motalee nime tajrobi. [The impact of sexual rights education on marital satisfaction and life happiness among Azerbaijani women: A semi-experimental study]. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences*, 46(2), 188-198. [In Persian]
- Shifaw, Z. G. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*, 52(3), 249-260. <https://doi.org/10.1080/01926187.2022.2089404>
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the links between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152. <https://doi.org/10.1016/j.copsy.2016.09.002>
- Strauss, A., & Juliet, C. (2022). Basics of qualitative research. (A. Afshar, Trans.). Tehran: Ney Publication. (Original work published 1990).

- Tavakol, Z., Nasrabadi, A. N., Behboodi, Z., & Rezaei, E. (2017). A review of the factors associated with marital satisfaction. *Galen Medical Journal (GMJ)*, 3(6), 197-207. <https://doi.org/10.31661/gmjv6i3.641>
- Vakili, J., Kimiaei, S. A., Kareshk, H., & Amin Yazdi, S. A. (2024). Grounded theory approach in discovering the factors effective on the sexual communication of Iranian couples. *J Health Sci Surveillance Sys*, 12(2), 156-166.
- Young, C., Roberts, R., & Ward, L. (2021). Enhancing resilience in the transition to parenthood: A thematic analysis of parents' perspectives. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 39(4), 358-370. <https://doi.org/10.1080/02646838.2020.1724916>
- Yousefi Afrashteh, M., & Hayati, M. (2023). Sakht va etebaryabi meghyas-e Irani 'khoshbakhti Irani' mobtani bar motaleeye bumiye moalefehaye khanevade movafagh-e Irani. [Development and validation of the Iranian 'Marital Happiness' scale based on a study of the components of successful Iranian families]. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*, 18(62), 39-65. [In Persian]
- Zareh, B., & Safyari Jafarabad, H. (2015). Motaleeye rabete avamel-e moaser bar mizane rezayat az zendegi zanashoi dar bein-e zanan va mardan mojaahel-e shahr-e tehran. [A study of the relationship between factors affecting marital life satisfaction among married women and men in Tehra]. *Social Psychological Studies on Women*, 13(1), 111-140. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

الگوی ازدواج کارآمد زوج‌های ساکن شهر مشهدسید علی کیمیایی^۲خدابخش احمدی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

مونا کارگر^۱حسین کارشکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_212557.html**چکیده**

هدف پژوهش حاضر ارائه‌ی مدل بومی ازدواج‌های کارآمد براساس تجربه‌ی زیسته‌ی زوج‌های موفق است. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه‌ی زمینه‌ای در سال ۱۴۰۱ انجام شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش زوج‌های ساکن مشهد بودند که ملاک‌های ورود به مطالعه را نیز داشتند. این ملاک‌ها عبارت بودند از: زن و شوهر هر دو ایرانی و ساکن مشهد باشند، حداقل ۱۵ سال از ازدواج‌شان سپری شده باشد، تنها یک بار ازدواج کرده باشند، ازدواج خود را موفق توصیف کنند، در مقیاس رضایت زناشویی انریچ (۱۹۷۸) نمره‌ی بالا کسب نمایند و شرایط

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
m.m.kargar2002@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-1978-8087>

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
kimiaee@um.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-1982-5902>

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
kareshki@um.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0003-1990-2365>

۴. استاد مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران.
kh_ahmady@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0001-8969-8449>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

مصاحبه‌ی حضوری را داشته باشند. در نهایت ۱۴ زوج (۲۸ نفر) با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها انتخاب و در پژوهش شرکت کردند. این افراد با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری و پیاده‌سازی، به‌شیوه‌ی سیستماتیک کدگذاری شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۲۲۵ کدباز، ۳۴ مؤلفه‌ی فرعی و ۴ مؤلفه‌ی اصلی شد که در قالب مدل پارادایمی با شرایط علی (اصول و دستاوردهای رابطه)؛ شرایط زمینه‌ای (ازدواج آگاهانه و ویژگی‌های فردی)؛ شرایط مداخله‌گر (خانواده‌ها، نگرش‌های سالم، معنویت، فرزند، شبکه ارتباطی - حمایتی و وضعیت اقتصادی)؛ راهبردها (مهارت‌های زناشویی)؛ پیامدها (خوشبختی، آرامش، مدیریت زندگی و والدگری مطلوب) ارائه و مقوله‌ی مرکزی با عنوان «آنچه ازدواج را کارآمد ساخت» انتخاب شد. متخصصان می‌توانند مدل به‌دست آمده از این پژوهش را در مشاوره‌های پیش از ازدواج به‌کارگیرند و همچنین با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش در افزایش پایداری و رضایتمندی زندگی زناشویی، به خانواده‌ها و جامعه کمک نمایند.

واژه‌های کلیدی: ازدواج کارآمد، ازدواج موفق، پایداری زناشویی، ثبات زناشویی، رضایت زناشویی.

مقدمه

ازدواج باکیفیت که ثمره‌ی آن احساس خوشبختی و آرامش زوجی و خانوادگی باشد، زمینه‌ساز جامعه‌ی انسانی بالنده و ثمربخش است (گلسر، ۱۴۰۱: ۳۸)؛ زیرا ازدواج، مبحثی نیست که منحصر به دو نفر باشد، بلکه ازدواج رویدادی است که هم به خانواده و هم جامعه مرتبط است. از آنجایی که ازدواج بنیان تشکیل خانواده است، پس هر فردی ثمره‌ی یک ازدواج است که می‌توان آن را کارآمد یا ناکارآمد دانست. در روابط زناشویی، روابطی را می‌توان "کارآمد" دانست که رضایت‌بخش و پایدار هستند (Adler-Baeder, & et al., 2022: 280)؛ بنابراین، یک ازدواج کارآمد با پایداری و رضایت زناشویی شناخته می‌شود. شناسایی جنبه‌های خاص روابط زناشویی که به پایداری زناشویی کمک می‌کند، می‌تواند به متخصصان و محققان کمک کند تا انواع خاصی از تعاملات زناشویی را هدف قرار دهند که ممکن است شادی و طول عمر روابط را افزایش دهد و در نتیجه از برخی موارد طلاق جلوگیری کند (Karimi, Bakhtiyari, & Masjedi Arani,)

1: 2019). اگرچه ارتباط مثبت بین ازدواج پایدار، رفاه و سلامت ثابت شده است، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که این تأثیر در درجه‌ی اول به کیفیت ازدواج بستگی دارد نه به خودِ ازدواج (2: Margelisch, & et al., 2017). بر همین اساس یک فاکتور اساسی برای تعیین کیفیت ازدواج، رضایت زناشویی است.

مطالعات مرتبط با رضایت زناشویی حاکی از این است که رضایت از ازدواج متغیری است که بر کیفیت زندگی و ابعاد آن به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار است (Kasapoglu, & Yabanigul, 2018: 250). برای مثال، افرادی که روابط صمیمانه و رضایت زناشویی بالایی دارند در مقایسه با کسانی که از یک زندگی زناشویی رضایتمند بی‌بهره‌اند، طول عمر بیشتری دارند (Lawrence, & et al., 2019: 1539). از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند (Slatcher, & Schoebi, 2017: 148) و برای فرزندان‌شان پدر و مادر بهتری هستند (Iwasa, Yoshida, & Ishii, 2024: 1). از طرف دیگر، از هم پاشیدن زندگی زناشویی منجر به کاهش سلامت جسمانی، ایجاد و افزایش مشکلات روانی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه‌ی افراد خانواده (زن و شوهر و فرزندان) می‌شود؛ لذا با گسترش نگرانی‌ها از گسستگی پیوندهای زناشویی، ما نیاز بیشتری به فهم عواملی که موجب افزایش پایداری و رضایت زندگی زوج‌ها می‌شود، احساس می‌کنیم؛ عواملی که می‌تواند آن‌ها را در برابر چالش‌های زندگی محافظت کند.

پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به اینکه موضوع ازدواج، موضوعی وابسته به فرهنگ است، می‌توان گفت ضرورت انجام پژوهش‌های مختلف در این زمینه در ایران بیشتر است، زیرا جستجوهای پژوهشگر در منابع اطلاعاتی نشان داد که پژوهش درباره‌ی ازدواج‌های پایدار رضایتمند اندک‌اند یا نیاز به کامل شدن دارند؛ زیرا اغلب تحقیقات در ایران صرفاً به بررسی رابطه و یا اثربخشی یک عامل در موفقیت یک رابطه اختصاص یافته و فاقد همه‌جانبه‌نگری لازم است. به طور مثال خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۷) تجربه‌ی زیسته‌ی فداکاری را در ازدواج‌های پایدار بررسی نموده‌اند و نتایج پژوهش حاتمی‌ورزنه و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد مقوله‌ی مرکزی ازدواج‌های پایدار و رضایتمند، حرکت

به سمت بالندگی ازدواج است که متغیر علی آن مقوله‌ی شکل‌گیری درست ازدواج می‌باشد. به‌طور خلاصه، طبق پژوهش‌های انجام‌شده‌ی خارجی و داخلی، مهم‌ترین عواملی که به عنوان پایداری و رضایتمندی زندگی زناشویی ذکر شده‌اند، عبارت‌اند از: متعهد بودن به همسر و ازدواج (Clyde, Hawkins, & Willoughby, 2020; Hou, Jiang, & Wang, 2019)؛ روابط صمیمی و عاطفی (Postler, Helms, & Anastopoulos, 2022)؛ ارتباط سالم (Shifaw, 2024; Abreu-Afonso, Ramos, Queiroz-Garcia, & Leal, 2022)؛ احترام (Kazim & Rafique, 2021)؛ شیوه‌ی مناسب حل تعارض (Abida Abida Ajid, & et al., 2024; Shifaw, 2024).

اگرچه عوامل موثر بر رضایت زناشویی بارها توسط محققین مطرح شده است، اما پیچیدگی مفهوم ازدواج موفق و کارآمد، رضایت زناشویی و عوامل بسیار گوناگون تأثیرگذار در آن، عرصه‌ی چالش برانگیزی را به وجود آورده است؛ لذا هنوز عوامل واقعی موثر بر رضایت زناشویی شناخته نشده‌اند. شاید به این دلیل که بیشتر این پژوهش‌ها بر روابطی که رضایتمند و بلندمدت هستند تمرکز نکرده‌اند، بلکه بر متغیرهایی تمرکز کرده‌اند که دلیل از هم پاشیدن ازدواج‌ها هستند. اخیراً در دنیا گرایش پیدا شده است که به جای تمرکز بر عوامل موثر بر طلاق همسران، بر روی ازدواج‌هایی که پایدار و رضایتمند مانده‌اند تمرکز کرده است که در آن، به جای بررسی تعارضات زناشویی و علل و انواع طلاق، رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی و کیفیت رابطه‌ی زوج مورد تأکید و بررسی قرار می‌گیرد (Young, Roberts, & Ward, 2021: 359)؛ زیرا تمرکز بر اینکه چه عواملی به پایداری زندگی‌های زناشویی می‌انجامد، موجب به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج زندگی‌های زناشویی پایدار در جامعه سازنده باشد. بدیهی است شکل‌گیری یک ازدواج موفق و پایدار و به دنبال آن رضایت زناشویی، نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی به دور باشد و متخصصان و مشاوران آینده باید از تفاوت‌های فرهنگی در پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی و عوامل طلاق در زوجها آگاه باشند (Kazim & Rafique, 2021: 62)؛ به همین دلیل امروزه جوامع مختلف به دنبال الگوهای بومی در زمینه‌ی تحکیم، بهبود و ارتقا سلامت خانواده و زوجها هستند (یوسفی افراشته و حیاتی، ۱۴۰۲: ۴۰)؛ لذا برای داشتن برنامه‌ها و الگوهای بومی در مسائل خانواده نیاز به پژوهش‌های بومی و مبتنی بر فرهنگ همان جامعه وجود

دارد و با توجه به اینکه اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی زندگی زناشویی موفق، در ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت از فرهنگ ایران صورت گرفته است (حاتمی و ورزنه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲)، توجه به انجام پژوهش‌های مختلف در این زمینه در بافت فرهنگی کشورمان و حتی در بافت فرهنگی شهرهای مختلف کشورمان، ضرورت پیدا می‌کند. نکته‌ی مهم دیگر در مورد مطالعات حوزه‌ی خانواده، که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته، این است که افراد به دلیل حریمی که برای خود قائل‌اند اسرار و درونیاتشان را معمولاً بازگو نمی‌کنند و این موضوع در خانواده‌های ایرانی بیشتر است؛ به همین دلیل مطالعات کیفی با هدف بررسی عمقی پدیده‌های دارای حساسیت از سوی مشارکت‌کنندگان و همچنین پدیده‌های در حال تغییر مبتنی بر فرهنگ، به طور خاص از منظر افرادی که تجربه عینی از آن پدیده دارند، می‌تواند اطلاعات مفیدتری در اختیار پژوهشگران و دست‌اندرکاران حوزه ازدواج و خانواده قرار دهد (هومن، ۱۳۹۸: ۱۸)، اما اکثر پژوهش‌های کیفی در حوزه‌ی ازدواج موفق و رضایت زناشویی در جامعه‌ی غیرایرانی صورت گرفته‌اند. اکثر صاحب‌نظران حوزه‌ی علوم رفتاری، مطالعات کیفی را وابسته به بافت می‌دانند و تعمیم یافته‌ها از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر را نامعقول قلمداد می‌کنند؛ بنابراین نیاز به مطالعات کیفی و بومی در این زمینه وجود دارد. از طرف دیگر همان‌طور که اشاره شد، در مطالعات کیفی اندکی که در ایران صورت گرفته، با بررسی یک گروه نمونه‌ی ۱۰ تا ۱۵ موردی (آن هم به صورت فردی نه به صورت زوج)، برخی عوامل مربوط به ازدواج موفق استخراج شده است اما پژوهش کیفی حاضر از گستردگی بیشتری برخوردار است و مطالعه‌ی کیفی روی ۲۸ مورد، به صورت زوج (زن و شوهر)، در شهر مشهد برای اولین بار انجام شده است. اما آنچه بیشتر از همه موجب ایجاد دغدغه‌ی ذهنی برای پژوهشگر شد، سبقت گرفتن آمار طلاق در استان خراسان رضوی نسبت به سایر استان‌های کشور بود. آمارها نشان می‌دهد استان خراسان رضوی، برای چندین سال متوالی بعد از استان تهران، بیشترین آمار ثبت طلاق را به خود اختصاص داده است؛ و سؤالی که در راستای این دغدغه برای پژوهشگر پیش آمد این بود که: چه طور می‌شود در یک بافت فرهنگی مشترک (مانند شهر مشهد) برخی زوج‌ها در دست و پنجه نرم کردن با بحران‌ها و چالش‌های زندگی به سمت طلاق کشیده می‌شوند اما برخی زوج‌ها موفق و سربلند بیرون می‌آیند؟ لذا تصمیم بر آن شد پاسخ، از طریق تجارب عینی پدیده‌های واقعی یعنی خود زوج‌ها کشف

شود. زیرا شناسایی شاخص‌های موجود می‌تواند به‌عنوان یک راهنمایی کاربردی برای مشاوران، درمانگران و زوج‌های ایرانی به‌شمار آید؛ بنابراین در این پژوهش بسترها، عوامل مداخله‌گر، موانع، راهکارها و پیامدهای ازدواج کارآمد از دیدگاه زوج‌های راضی شناسایی و در نهایت نتایج این پژوهش در قالب یک مدل مفهومی تدوین خواهد شد. از این رو، هدف پژوهش حاضر تدوین مدل پارادایمی عوامل ازدواج کارآمد مبتنی بر بافت فرهنگی می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی و روش نظریه‌ی مبنایی یا گراند تئوری استفاده شده است که یک روش استقرایی و با رویکرد کاملاً نظام‌مند است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه زوج‌های شهر مشهد در طی سال ۱۴۰۱ می‌باشد که زندگی زناشویی پایدار و رضایتمندی داشتند. در این پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و معیارهای ورود به مطالعه شامل این موارد بود: زن و شوهر هر دو ایرانی باشند، حداقل ۱۵ سال از ازدواج‌شان سپری شده باشد، تنها یک بار ازدواج کرده باشند، ازدواج خود را موفق توصیف کنند، در مقیاس رضایت زناشویی انریچ نمره‌ی بالا کسب نمایند و شرایط مصاحبه‌ی حضوری را داشته باشند. جهت تعیین حجم نمونه از معیار اشباع داده‌ها استفاده شد که پس از مصاحبه‌ی انفرادی با ۱۴ زوج (۲۸ نفر) داده‌ها به درجه‌ی اشباع رسید.

ابزار سنجش

- پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی انریچ^۱ (EMC): این پرسش‌نامه توسط اولسون^۲ و همکاران (1978) ساخته شد. در ایران فرم کوتاه ۴۷ سؤالی آن نیز توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) تهیه و ضریب اعتبار پرسش‌نامه ۰/۹۵ گزارش شد. معتمدین (۱۳۸۳) برای بررسی روایی سازه پرسش‌نامه انریچ، از پرسش‌نامه سازگاری زناشویی استفاده کرد که ضریب همبستگی ۰/۶۵ ر در سطح معناداری (P=0/01) به‌دست آورد، همچنین برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز، از همسانی درونی (آلفای کرونباخ و تنصیف) استفاده کرد که مقدار آن را به ترتیب ۰/۵۷ و ۰/۶۱ گزارش

1. ENRICH Marital Satisfaction (EMS)
2. Olson

داده است. در پژوهش حاضر، پرسش‌نامه انریچ به‌عنوان ابزاری برای اطمینان از این‌که زوج‌های انتخاب‌شده شرایط ورود به پژوهش را دارند مورد استفاده قرار گرفت. زوج‌ها برای انتخاب به‌عنوان نمونه باید نمره‌ی بالا و خیلی بالا در پرسش‌نامه‌ی رضایت زناشویی انریچ را کسب می‌کردند.

- **مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته:** داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. مدت مصاحبه برای هر فرد بین ۴۵ الی ۷۰ دقیقه متغیر بود. جهت رعایت مسائل اخلاقی در طی پژوهش به این موارد نیز توجه شد: کسب اجازه از افراد و جلب رضایت آن‌ها برای ضبط مصاحبه‌ها، توضیح دقیق هدف انجام پژوهش برای شرکت‌کنندگان، حفاظت از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبین، حق انصراف از پژوهش در تمامی مراحل تحقیق، در نظر گرفتن یک هدیه یا حمایت مالی برای شرکت‌کنندگان.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

بعد از انتشار یک فراخوان به همراه پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ در بین والدین دانش‌آموزان نواحی هفتگانه‌ی مشهد، براساس ملاک‌های ورود و نمره‌ی رضایت زناشویی کسب شده و همچنین انجام گفتگوی تلفنی مختصر، پایش اولیه صورت گرفت. در این مرحله حدود ۶۰ زوج شناسایی شدند که تمایل به همکاری نیز داشتند. از بین این ۶۰ زوج شناسایی شده، تا زمان اشباع داده‌ها، زوج‌هایی برای انجام مصاحبه حضوری انتخاب شدند اما به منظور افزایش کیفیت پژوهش حاضر، سعی بر آن شد، نمونه‌ها به ترتیب از بافت‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی مشهد انتخاب شوند. واضح است که با در نظر گرفتن این میزان تنوع، شرایط لازم برای کسب اطلاعات غنی‌تر، امکان اکتشاف در نمونه‌های نزدیک‌تر به واقعیت جامعه و پیشگیری از اشباع زود هنگام داده‌ها فراهم شده است.

پس از انجام مصاحبه‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده بلافاصله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. فرایند تحلیل در روش داده بنیاد، کدگذاری داده‌ها است. کدگذاری شامل خرد کردن داده‌ها، ایجاد مفاهیم و مقوله‌ها و سپس در کنار هم قرار دادن مقوله‌های مرتبط به هم است (استراوس و کربین، ۱۴۰۱: ۱۲۳). در این پژوهش، کدگذاری در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری

محوری و کدگذاری گزینشی انجام شد. درنهایت با مقایسه و مرتبط ساختن مقوله‌های استخراج شده مدل ازدواج کارآمد تدوین شد.

جهت اعتبار و اطمینان داده‌های جمع‌آوری‌شده از چهار شاخص اعتبار لینکلن و گابا^۱ (1989) استفاده شد. به منظور تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها، با صرف زمان کافی جهت جمع‌آوری داده‌ها و همچنین مرور مکرر داده‌ها جهت تحلیل آن‌ها، نتایج حاصل از تحلیل هر مصاحبه، مجدد به شرکت‌کنندگان ارائه تا صحت و سقم مطالب تأیید و یا تغییرات لازم اعمال شود. به منظور تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگر سعی نمود تا پیش‌فرض‌های خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری داده‌ها دخالت ندهد؛ به این منظور پژوهشگر باید از ذهنیات قبلی، ارزش‌ها و عقاید خود در فرایند پژوهش آگاه باشد و از طریق یادداشت کردن احساسات و افکار خود، به افزایش آگاهی خود کمک کند. به منظور تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت افراد خبره در حوزه‌ی تحقیق و روش تحقیق استفاده شد؛ به‌طوری‌که کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌ها در جلسات متعدد با همکاری تیم پژوهش در حضور متخصصان حوزه‌ی روش تحقیق صورت گرفت تا به اجماع لازم منتهی شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها، سعی بر آن شد انتخاب نمونه از زوج‌های موفق در بافت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی صورت گیرد. همچنین در پژوهش جاری سعی بر آن شد تا حد امکان، از عناوین مطرح شده توسط شرکت‌کننده‌ها در نامگذاری کدها و مقوله‌ها استفاده شود تا تحلیل‌ها عینی‌تر شود و منجر به افزایش اعتبار پژوهش نیز گردد.

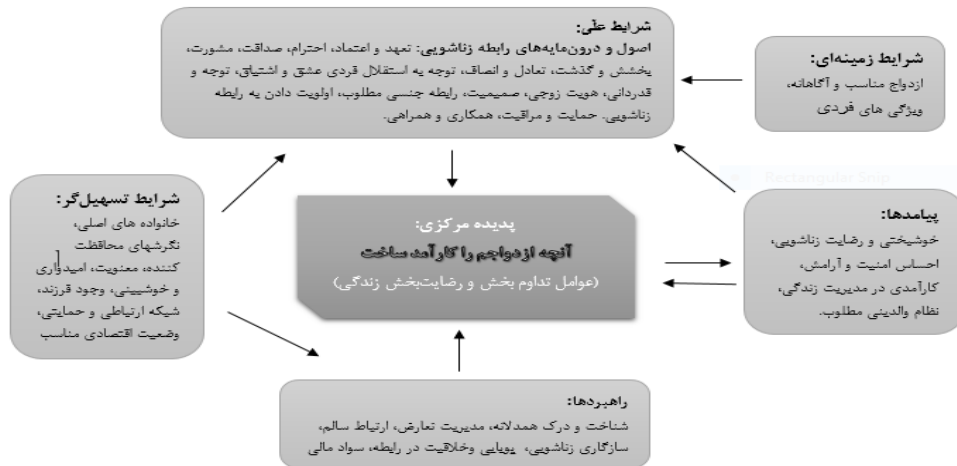
یافته‌های پژوهش

نمونه‌ی مورد مطالعه ۲۸ نفر (۱۴ زوج) از زوج‌های دارای زندگی زناشویی رضایتمند و پایدار بودند که در محدوده‌ی سنی ۳۵ تا ۵۵ سال و طول مدت ازدواجشان در محدوده‌ی ۱۵ تا ۳۳ سال بود و از لحاظ مدرک تحصیلی ۱ نفر زیر دیپلم، ۷ نفر دیپلم، ۵ نفر فوق‌دیپلم، ۱۰ نفر لیسانس، ۳ نفر فوق‌لیسانس و ۲ نفر دارای مدرک دکتری بودند و همه آن‌ها در مقیاس رضایت زناشویی انریچ نمره‌ی بالاتر از ۱۸۸ (یعنی بیش از ۸۰ درصد نمره) را کسب نمودند که بیانگر

رضایت زناشویی بالای آن‌ها بود و نتایج در جدول ۱ ارائه شده است. پس از انجام مصاحبه‌ها و اطمینان از اشباع داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل و کدگذاری آن‌ها، در مجموع ۲۲۵ کد باز، ۳۴ مقوله‌ی فرعی و در نهایت ۴ مقوله‌ی اصلی استخراج شد. که با ذکر فراوانی کدها در جدول ۱ آورده شده است و همچنین نتایج حاصل در قالب مدل پارادایمی از ازدواج کارآمد در شکل ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های اصلی و فرعی استخراج شده از تحلیل موضوعی بر روی تجارب زیسته زوج‌های دارای ازدواج کارآمد

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی |
|-----------------------------|---|
| ۱- بسترها و زمینه‌ها | ازدواج مناسب و آگاهانه (۷ کدباز با ۵۶ فراوانی)، ویژگی‌های فردی (۹ کدباز با ۴۹ فراوانی). |
| ۲- دستاوردهای رابطه زناشویی | تعهد و اعتماد متقابل (۸ کدباز با ۸۸ فراوانی)، احترام متقابل (۸ کدباز با ۵۶ فراوانی)، صداقت و شفافیت (۴ کدباز با ۴۹ فراوانی)، تعادل و انصاف در ابعاد مختلف زندگی (۶ کدباز با ۴۵ فراوانی)، مشورت و هماهنگی (۵ کدباز با ۴۰ فراوانی)، بخشش و گذشت (۷ کدباز با ۳۹ فراوانی)، احترام به استقلال و آزادی فردی یکدیگر (۶ کدباز با ۳۷ فراوانی). |
| | عشق و اشتیاق (۱۰ کدباز با ۱۴۶ فراوانی)، توجه‌کردن و قدردانی (۱۱ کدباز با ۱۲۴ فراوانی)، هویت زوجی قوی (۸ کدباز با ۱۲۲ فراوانی)، صمیمیت زناشویی (۶ کدباز با ۷۷ فراوانی)، رابطه‌ی جنسی مطلوب (۸ کدباز با ۷۷ فراوانی)، اولویت دادن به رابطه زناشویی و ارتقای رابطه (۸ کدباز با ۷۷ فراوانی)، حمایت و مراقبت (۷ کدباز با ۷۷ فراوانی)، همکاری و همراهی (۵ کدباز با ۷۵ فراوانی). |
| مهارت‌های رابطه | شناخت و درک همدلانه متقابل (۹ کدباز با ۹۱ فراوانی)، رسیدگی و مدیریت تعارض (۱۰ کدباز با ۹۰ فراوانی)، ارتباط سالم زناشویی (۷ کدباز با ۸۸ فراوانی)، سازگاری و انعطاف‌پذیری زناشویی (۹ کدباز با ۸۰ فراوانی)، پویایی، تنوع و خلاقیت در رابطه زناشویی (۹ کدباز با ۷۵ فراوانی)، سواد مالی (۵ کدباز با ۳۰ فراوانی). |
| ۳- عوامل تسهیل‌گر | حفظ احترام و ارتباط با خانواده‌های اصلی (۷ کدباز با ۷۳ فراوانی)، نگرش‌های محافظت‌کننده (۴ کدباز با ۷۱ فراوانی)، وجود معنویت در زندگی (۵ کدباز با ۵۶ فراوانی)، امیدواری و خوش‌بینی در زندگی (۳ کدباز با ۳۲ فراوانی)، وجود فرزند در زندگی (۳ کدباز با ۲۵ فراوانی)، وجود شبکه ارتباطی و حمایتی با دوستان و اقوام (صله رحم) (۴ کدباز با ۲۲ فراوانی)، وضعیت اقتصادی مناسب (۳ کدباز با ۲۰ فراوانی). |
| ۴- پیامدها | درک خوشبختی و رضایت از زندگی (۴ کدباز با ۴۸ فراوانی)، احساس امنیت و آرامش (۳ کدباز با ۵۶ فراوانی)، کارآمدی در مدیریت زندگی (۹ کدباز با ۴۷ فراوانی)، نظام والدینی کارآمد (۸ کدباز با ۸۴ فراوانی). |



شکل ۱. مدل پارادیمی ازدواج کارآمد (عوامل تداوم‌بخش و رضایت‌بخش زندگی زناشویی)

پس از هر مصاحبه که زمان هر مصاحبه بین ۴۵ الی ۷۰ دقیقه متغیر بود، پژوهشگر عبارات و نقل قول‌هایی را که به درک تجربه‌ی افراد از پدیده‌ی مورد نظر یعنی ازدواج کارآمد زوج‌ها دلالت داشتند مشخص نمود. بعد از مشخص نمودن عبارات‌های مفهومی براساس آن‌ها کدهای باز استخراج شدند. این مرحله از طریق فرایند مقایسه‌ای، کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم، بررسی و مرور مکرر عبارات‌ها انجام شد و مفاهیم شبیه به هم در یک مقوله قرار گرفتند و مضامین فرعی را شکل دادند و در نهایت آن‌ها براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد ارزیابی قرار گرفتند و کدهای محوری استخراج شد. کدهای به دست آمده در طی فرایندی رفت و برگشتی با صرف زمان زیاد و درگیری نزدیک و مستمر با داده‌ها شناسایی شدند. به طور خلاصه براساس فرآیندی که شامل استخراج عبارات مفهومی از نقل قول‌ها؛ استخراج کدهای باز؛ استخراج مؤلفه‌های فرعی؛ و درنهایت استخراج مؤلفه‌های اصلی (کدهای محوری) بود، مدل پارادیمی تدوین گردید که در زیر به برخی برای نمونه اشاره می‌گردد:

۱- بسترها و زمینه‌ها (مضمون اصلی): ازدواج متناسب و آگاهانه (مضمون فرعی): داشتن ملاک و معیار برای انتخاب همسر (کدباز): آقای شماره‌ی ۱۲ بیان کردند: «من دنبال کسی بودم که با معیارهای من تناسب داشته باشه که خداروشکر انگار واسه هم ساخته شدیم.»

۲- درون‌مایه‌ی رابطه زناشویی (مضمون اصلی): تعهد و اعتماد متقابل (مضمون فرعی): رعایت حدود مرز در ارتباط با جنس مخالف (کدباز): آقای شماره‌ی ۴ بیان کردند: «من چون تو بانک کار می‌کنم و سروکارم با خانم‌ها هم زیاده، همیشه تلاش کردم اون محدوده رو رعایت کنم و به خانم‌ها اجازه ندم که از یه حریمی عبور کنن و هیچ وقت حلقه‌مو مخصوصاً تو محل کار از دستم در نمی‌ارم.»

۳- عوامل تسهیل‌گر (مضمون اصلی): حفظ احترام و ارتباط با خانواده‌های اصلی (مضمون فرعی): خود را جزئی از خانواده همسر دانستن (کدباز): خانم شماره‌ی ۹ بیان کردند: «اگه برای هر یک از اعضای خانواده خودم مسئله‌ای پیش بیاید، هر کاری از دستش بر بیاد براشون انجام می‌ده. اصلاً دریغ نمی‌کنه و خانواده‌ی من رو خانواده‌ی خودش می‌دونه و من هم متقابلاً همچین حسی دارم نسبت به خانوادش.»

۴- پیامدها (مضمون اصلی): احساس امنیت و آرامش (مضمون فرعی): منبع آرامش بودن همسر (کدباز): «آقای شماره‌ی ۹ گفت: «وقتی مشکلی برام پیش میاد حالا چه مربوط به کار یا هر چی، می‌دونم تنها کسی که می‌تونه آرومم کنه و با حرفاش آرامش می‌گیرم خانمم.»

بحث و نتیجه‌گیری

موفقیت در ازدواج با دو شاخص اصلی پایداری و رضایت زناشویی، مفهومی چندبعدی است و دستیابی به آن مستلزم وجود عوامل متعددی است و در این مطالعه سعی بر این بود که علاوه بر در نظر داشتن نقش فرهنگ در مطالعات حوزه‌ی زناشویی، به بررسی عمیق و کیفی آن دسته از ویژگی‌ها و تجارب زندگی‌های زناشویی پایدار و رضایتمند پرداخته شود که در قالب یک مدل کنار هم قرار می‌گیرند و این الگوی پارادایمی استخراج شده، بیانگر نحوه‌ی تعامل این عوامل است. در این مدل مفهومی، «ازدواج کارآمد» به عنوان پدیده‌ی مرکزی انتخاب شد زیرا پاسخ به این سوال تمام مفاهیم ارائه شده در این مدل را در برمی‌گیرد.

- شرایط زمینه‌ای

براساس این الگو شرایط زمینه‌ای آن دسته از عواملی هستند که زمینه را برای بروز شرایط علی فراهم می‌کنند و قبل از شکل‌گیری زندگی مشترک این عوامل وجود داشته‌اند. لذا مضمون «بسترها و زمینه‌ها»، که شامل عواملی چون ازدواج مناسب و آگاهانه و ویژگی‌های مثبت فردی بود، جزء شرایط زمینه‌ای موفقیت در ازدواج محسوب گردید. در مصاحبه با زوج‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش، که کارآمدی ازدواج خود را باور داشتند، مشخص شد ازدواج آن‌ها بر پایه‌ی تناسب، تشابه، شناخت، آگاهی و آمادگی بوده و با انگیزه‌ها، معیارها و دلایل مناسب شکل گرفته است؛ و در بسیاری از آن‌ها ویژگی‌های مثبت مانند خوش اخلاقی و شوخ طبعی، صبوری، مسئولیت‌پذیری، مدیریت هیجان و... وجود داشت. در تأیید این یافته‌ها، پژوهش آتاری^۱ و همکاران (2020) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی همسر مانند مهربانی و همچنین وجود تناسب در خانواده‌ها مهم‌ترین عوامل مرتبط با ترجیحات همسر در سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه هستند. علاوه بر این، تأثیر انتخاب آگاهانه در ازدواج در پژوهش‌های خدادادی سنگده و پرهیزکاری (۱۴۰۲) و ثمری صفا و همکاران (۱۴۰۱) مورد تأیید قرار گرفته است. از طرف دیگر مازوکا^۲ و همکاران (2019) نشان داد که در ازدواج‌های طولانی‌مدت، تعامل دوتایی بر کیفیت زناشویی تأثیرگذارتر است تا ویژگی‌های ثابت درون فردی. این امر گواهی بیشتر بر این واقعیت

1. Atari

2. Mazzuca

است که الگوهای تعامل در روابط بلندمدت می‌توانند تفاوت‌های فردی در تأثیرات عاطفی^۱ را نادیده بگیرند و این در واقع بیانگر نقش مهم دستاوردهای رابطه‌ی زناشویی بر رضایتمندی زناشویی است که در این پژوهش این دستاوردها تحت عنوان شرایط علی در مدل پارادایمی لحاظ شده است.

- شرایط علی

براساس این الگو، شرایط علی مجموعه وقایع و دلایلی است که وقوع یا گسترش پدیده را پیش‌بینی می‌کند؛ لذا در این پژوهش دستاوردهای رابطه‌ی زناشویی به صورت مجموعه‌ای از اصول و درون‌مایه‌های رابطه، در شکوفایی ازدواج کارآمد نقش مهمی دارند.

براساس یافته‌های این پژوهش، زوجها موفق و رضایتمند در رابطه‌ی خود اصولی را در نظر دارند که زندگی زناشویی خود را بر آن بنا کرده‌اند، اصولی از جنس تعهد و اعتماد، احترام، صداقت، عدالت، مشورت و بخشش، که در ادامه به تبیین هر یک پرداخته شده است.

متعهد و قابل اعتماد بودن به عنوان یکی از یافته‌های پژوهش حاضر، می‌تواند دربرگیرنده مجموعه رفتارها و خصوصیتی باشد که بیانگر احساس مسئولیت نسبت به رابطه‌ی زناشویی و مراقبت از آن است که یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها در هر رابطه‌ی صمیمانه‌ای به خصوص ازدواج است که تداوم آن را تضمین و ارتقا یا انحلال آن را تعیین می‌کند که این مقوله با یافته‌های پژوهش‌های متعددی از جمله لی^۲ و همکاران (2024) هم راستا است. از دیگر اصول مهم این زوجها در زندگی مشترک احترام متقابل و صداقت بود. برخی از آن‌ها، از همان ابتدا، این اصول را در رابطه‌ی خود عنوان کرده بودند و برخی دیگر، بدون آنکه در مورد آن‌ها به توافق رسیده باشند، آن را در زندگی عملی می‌کردند. آن‌ها حتی در اختلافاتشان احترام همدیگر و خانواده‌ها و ارزش‌های یکدیگر را حفظ می‌کردند و در زمینه‌ی صداقت و شفافیت اذعان داشتند که هیچ چیز مخفی و پنهان از همدیگر ندارند و همسرشان را در جریان اکثر امور از جمله امور مالی قرار می‌دهند و این یافته‌ها با پژوهش‌های ثناگویی زاده (۱۴۰۲)، کاظم و رفیق (2021) و کاوه-فارسانی و همکاران (۱۳۹۹) همسو است. از دیگر موضوعاتی که زوجها رضایتمند در تمام

1. Emotional influences
2. Li

مصاحبه‌های این پژوهش بارها به آن اشاره کردند؛ اصل بخشش، گذشت و فداکاری آن‌ها در زندگی مشترک بود. آن‌ها معتقد بودند ازدواج همان قدر که به معنای به دست آوردن است، به معنای بخشیدن و گذشت کردن هم هست و باور داشتند که اگر این مسئله را فراموش کنند، ادامه‌ی زندگی مشترک سخت خواهد شد. بر همین اساس نیز محققان شواهدی یافته‌اند که نشان می‌دهد افزایش بخشش با افزایش رضایت زناشویی مرتبط است؛ از جمله یافته‌های مطالعات لی و همکاران (2024) و اندرسون^۱ و همکاران (2018). طبق گزارشات زوج‌های این پژوهش، مشورت کردن و هماهنگ بودن آن‌ها با یکدیگر به عنوان یک اصل در زندگی، به واسطه‌ی اینکه توانسته مانع از ایجاد خیلی از اختلاف‌نظرها و تعارضات شود، سهم بسزایی در رضایتمندی زناشویی آن‌ها داشته‌است که یافته‌ی پژوهش سلیمی و گل‌محمدیان (۱۴۰۲) نیز بیانگر این موضوع است. مورد دیگری که در سراسر رابطه‌ی این زوج‌ها به چشم می‌خورد، توجه به رعایت تعادل و انصاف در جنبه‌های مختلف زندگی اعم از مسئولیت‌ها، رفت‌وآمدها، دارایی‌ها، توزیع عادلانه قدرت و... بود. نظریه‌ی بافتاری بوزورمنی - ناگی^۲ علاوه بر توجه ویژه به الگوهای رابطه‌ی درون خانواده معتقد است بین حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیف و امتیازات زوج‌ها باید تعادل وجود داشته باشد. زوج‌هایی که این تعادل را در زندگی خود مدنظر قرار می‌دهند، ازدواج باثبات‌تری خواهند داشت (Lyness, 2003: 27). همچنین طبق نظریه‌ی عدالت، زوج‌های رضایتمند در روابط خود تبادلات عادلانه و منصفانه‌ای دارند که پژوهش‌های بکوت^۳ و همکاران (2023) و ثناگویی‌زاده (۱۴۰۲) موید این یافته است. از دید زوج‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش هر فرد علاوه بر پذیرش شرایط زندگی مشترک باید امکان و شرایط دستیابی نسبی به استقلال و آزادی فردی را داشته باشد، بدون اینکه رابطه زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد؛ زیرا در این صورت می‌توان احساس امنیت را تجربه کرد و با خود واقعی در کنار همسر زندگی کرد. در تبیین نظری این یافته می‌توان به نظریه‌ی کنترل اشاره کرد. در این نظریه، احساس آزادی یکی از پنج نیاز اساسی است که سازگاری‌ها در این نیاز منجر به احساس خوشبختی در ازدواج می‌گردد. افرادی که به

-
1. Anderson
 2. Boszormenyi-Nagy
 3. Becotte

شدت عاشق یکدیگر هستند، با رضایت خاطر به یکدیگر آزادی می‌دهند، و با احساس امنیت در عشق‌شان، به راحتی فضای آزاد مورد نیاز را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند (گلسر، ۱۴۰۱: ۶۹).

شاخص‌ترین و بارزترین دستاورد در روابط زوج‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش، وجود عشق و اشتیاق متقابل بود که در کدگذاری نیز بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد وجود عشق و محبت بین همسران تا ۴۰ درصد رضایت زناشویی را تبیین می‌کند (زارع و صفیاری، ۱۳۹۴). علاوه بر این در پژوهش بکوت و همکاران (2023) که با هدف مشخص شدن رمز سازگاری و رضایتمندی زناشویی در مرحله‌ی گذار به والدین در زوج‌های سازگار و رضایتمند انجام شده بود، زوجها اذعان داشتند که عشق و علاقه متقابل به آن‌ها کمک می‌کند تا هم با ناراحتی‌ها، تعارضات و چالش‌ها به طور کارآمد روبرو شوند و هم همسر خود را، همان طور که هست، بپذیرند. دومین ویژگی مهم بعد از عشق و اشتیاق، برحسب فراوانی در روابط زوج‌های رضایتمند، توجه و قدردانی بود. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که اهمیت دادن به همسر و قدردانی کردن از او یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های برجسته کیفیت ازدواج است (Adler-Baeder, & et al., 2022; Parnell, Wood, & Schel, 2020)؛ زیرا یک احساس مهم برای برقراری ارتباط مؤثر و برای بقای ازدواج در نظر گرفته می‌شود و احساسات سپاسگزارانه‌ی زوجها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا زمان و انرژی بیشتری را به نفع رابطه سرمایه‌گذاری کنند. موضوع صمیمیت یکی دیگر از درونمایه‌های رابطه‌ی زناشویی این زوجها بود. صمیمیت یکی از نیازهای انسانی است که فرایندی پویا، تعاملی و ترکیبی می‌باشد و زوجینی که این نیاز را در یکدیگر برطرف می‌کنند احساس رضایت بیشتری از رابطه‌شان دارند؛ زیرا توانایی آن‌ها برای لذت بردن و ارزش دادن به رابطه‌شان را تقویت می‌کند. به طوری که باعث افزایش به اشتراک گذاشتن احساسات مثبت در هر دو نفر می‌شود؛ و این همان فرآیندی است که به عنوان رفتارهای نگهدارنده مفهوم‌سازی شده‌اند (Becotte, & et al., 2023: 15). در راستای این یافته از پژوهش حاضر، پژوهش‌های ثناگویی زاده (۱۴۰۲) و پاستلر و همکاران (2022) نقش مهم صمیمیت را در رضایتمندی زناشویی تأیید کرده‌اند. یکی دیگر از دستاوردهای رابطه‌ی زناشویی این زوجها رضایتمند، حمایت کردن و مراقبت کردن زن و شوهر از همدیگر بود که آن‌ها به صورت متقابل، مراقبت و حمایت را ابراز و دریافت می‌کردند و پشتوانه‌ی محکمی در زندگی برای

همدیگر فراهم کرده بودند و در سایه‌ی رفتارهای آگاهانه در این زمینه به حمایت درک‌شده رسیده بودند. حمایت درک شده یعنی میزانی که افراد احساس می‌کنند همسرشان حامی آن‌هاست، از آن‌ها مراقبت می‌کند و آن‌ها را تأیید می‌کند و به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده سلامت، صمیمیت و رضایت در روابط زناشویی در مطالعات ظاهر شده است (Meyer, Patel, & White, 2021)؛ مطهری نسب و همکاران، ۱۴۰۲؛ سلیمی و گل‌محمدیان، ۱۴۰۲). عامل مهم دیگری که از سوی تمام شرکت‌کنندگان به عنوان یکی از عوامل ایجاد و افزایش رضایت زناشویی آن‌ها گزارش شد، رابطه‌ی جنسی مطلوب آن‌ها بود. مطالعات و کیلی و همکاران (2024)، ستاررزاده و همکاران (۱۴۰۳) و دهقانی و دهقان، (2023) به تأثیر رضایت جنسی بر رضایت زناشویی اشاره کرده‌اند. بسیاری از محققان بر این باورند که ماهیت روابط جنسی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در زندگی زناشویی است زیرا آمیزش ناخوشایند یا متقاعدکننده منجر به احساس محرومیت، سرخوردگی و عدم امنیت می‌شود و احتمالاً سلامت روان را به خطر می‌اندازد و در نتیجه باعث آشفتگی و یا فروپاشی زندگی زناشویی می‌شود (Tavakol, & et al., 2017: 202). در مورد هویت زوجی مستحکم به‌عنوان یکی دیگر از دستاوردهای ازدواج کارآمد می‌توان گفت طیف وسیعی از مطالعات ارتباط بین کیفیت رابطه‌ی زوج و تلاش‌هایی را که احساس «ما بودن» را ترویج می‌کنند، نشان می‌دهند (Adler-Baeder, & et al., 2022: 284). زوج‌های موفق هویتی را به عنوان یک زوج ایجاد می‌کنند که به آن‌ها حس باهم‌بودن می‌دهد؛ براین اساس، آن‌ها خود را زوجی با آینده مشترک می‌دانند و تلاش بیشتری برای حفظ هویت خود به عنوان یک زوج می‌کنند. پژوهش انجام شده توسط رحمتی و همکاران (۱۳۹۹) نیز با این یافته همسو است.

- شرایط میانجی (تسهیل‌گر)

براساس این الگو شرایط میانجی عواملی هستند که شرایط علی را تخفیف، تسهیل یا به نحوی تغییر می‌دهند و در صورت فقدان این عوامل امکان دستیابی به شرایط علی امکانپذیر است اما در شرایط سخت‌تر. در این پژوهش نیز عواملی همچون وجود فرزند، خانواده‌های اصلی، نگرش-های محافظت‌کننده، امیدواری و خوشبینی، معنویت، شبکه‌ی ارتباطی و حمایتی و وضعیت اقتصادی مناسب جزو شرایط تسهیل‌گر مدنظر قرار گرفت، به این دلیل که این عوامل می‌توانند

با نقش تسهیل‌کنندگی خود، دستیابی زوجها را به ویژگی‌هایی همچون عشق، صمیمیت، تعهد، اعتماد و در نهایت دستیابی به ازدواج کارآمد آسان سازد.

زوج‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش که همگی صاحب فرزند نیز بودند، به‌طور واضح بیان داشتند که حضور بچه در زندگی آن‌ها به دوام زندگی و احساس خوشبختی بیشتر آن‌ها کمک کرده است و دو زوجی که برای چندین سال تجربه‌ی ناباروری داشتند، اذعان کردند حضور فرزند موجب پویایی و محکم‌شدن زندگی آن‌ها شده است. هنگامی که زوجها در نقش والدین به عنوان یک تیم برای مراقبت از فرزندان خود همکاری می‌کنند، این امر منجر به قدردانی بیشتر از شریک زندگی و احساس مراقبت در رابطه می‌شود؛ بنابراین، بزرگ کردن فرزندان باعث ایجاد حس مسئولیت، اتحاد، صمیمیت و با هم بودن می‌شود که می‌تواند یک ازدواج پایدار را ترویج کند و در پژوهش بکوت و همکاران (2023: 9) همه‌ی زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش یادآوری کردند که بچه‌دار شدن از کسی که واضح و ملموس^۱ است، نشان دهنده‌ی تعهد نسبت به طرف مقابل است. به همین دلیل برخی از زوجها تمایلی برای بچه‌دار شدن ندارند. در همین راستا افروز (۱۳۹۳: ۱۸۷) ویژگی همسران دل‌آرام را علاقمندی آنان به فرزندآوری و ارزشمند دانستن این امر می‌داند. عامل تسهیل‌گر دیگری که در این پژوهش شناسایی شد، حفظ احترام و ارتباط با خانواده‌های مبدأ بود. زوجها در این تحقیق عنوان کردند علی‌رغم اینکه توانایی این را دارند از مرزهای زندگی خود در برابر دخالت‌های احتمالی خانواده‌ها محافظت کنند، اما اکثر آن‌ها روابط مستمر و صمیمانه با خانواده‌ها را مهم پنداشتند و سعی داشتند تا جایگاه و احترام خانواده‌های اصلی را در زندگی حفظ نمایند و به کیفیت رابطه‌ی خود با خانواده‌ی همسر و احترام به آن‌ها به صورت متقابل اهمیت دهند؛ زیرا این احترام به منزله‌ی حفظ حرمت همسر بوده که به تبع نقش بسزایی در رضایتمندی زناشویی دارد و در پژوهش ثمری صفا و همکاران (۱۴۰۱) نیز احترام به خانواده همسر جزء مؤلفه‌های حفظ و پایداری ازدواج معرفی شده است. یکی دیگر از عوامل تسهیل‌گر شناسایی شده داشتن نگرش‌های کارآمد است که می‌تواند نقش محافظت‌کننده‌ای در زندگی زوجها داشته باشد؛ به خصوص در موقعیت‌های حساس و سخت. زوجها این پژوهش نیز با دارا بودن نگرش‌های سازنده در مورد خود، همسر، رابطه و زندگی مشترک و تقویت این

باورها سعی می‌کردند رابطه و زندگی خود را از مشکلات احتمالی محافظت کنند. وجود این نگرش‌ها و تأثیر مثبت آن بر زندگی زناشویی طبق نظریه‌ی ABC ایس قابل تبیین است. ایس معتقد بود محرک‌های محیطی به طور مستقیم عامل ایجاد حال خوب یا بد در ما نیستند بلکه رویدادها در نگرش‌ها و باورهای افراد معنا پیدا می‌کنند و تفسیر می‌شوند و به دنبال آن احساسات و رفتارها شکل می‌گیرند (پروچاسکا و نورکراس، ۱۴۰۲: ۴۸۰). در مورد معنویت به‌عنوان یکی دیگر از عوامل تسهیل‌گر شناسایی شده می‌توان گفت در اکثر مطالعات، نقش مذهب در ازدواج طولانی مدت برجسته شده است و پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوج‌های مذهبی شادتر هستند و رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند (Karimi, Bakhtiyari, & Masjedi Arani, 2019: 6). با توجه به اثرات مثبت معنویت در زندگی‌های زناشویی، احتمالاً این اثرات در جامعه‌ی اسلامی ایران بیشتر و قوی‌تر خواهد بود؛ به همین دلیل زوج‌های شرکت‌کننده در این پژوهش سعی می‌کردند سایه معنویت را در زندگی خود حفظ نمایند تا از اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر زندگی و رابطه‌ی زناشویی بهره ببرند. از آنجایی که معنویت به افراد اجازه می‌دهد تا حس امید، قدرت و آرامش را به دست آورند؛ لذا عنصر معنویت، توکل و شکرگزاری می‌تواند عاملی قوی در مقابله با استرس و مشکلات زناشویی باشد (Kasapoglu, & Yabanigul, 2018: 249). در این پژوهش مشخص شد یک عنصر دیگر در تسهیل دستیابی به ازدواج موفق، وجود روابط سالم و حمایتی بین زوج‌ها و اطرافیان آن‌ها می‌باشد. در جامعه‌ی ما، این روابط که «صله رحم» نامیده می‌شود، مورد تأکید ساختار فرهنگی اسلامی حاکم است و از این جهت روابط سالم و حمایتی با اقوام و دوستان را می‌توان یک عامل فرهنگی در ساختار جامعه ایران قلمداد کرد. بیشترین فضایی که زوج‌ها می‌توانند شبکه‌های ارتباطی و حمایتی مشترکی داشته باشند، ارتباط با بستگان و دوستان است و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد در ازدواج‌هایی که در آن‌ها شبکه‌های اجتماعی همسران همپوشانی زیادی دارند شادتر هستند (Finkel, 2017: 69). زوج‌های این پژوهش نیز داشتن ارتباطات سالم و سازنده با بستگان و دوستان را برای سلامت روانی و اجتماعی تمام اعضای خانواده به خصوص فرزندان ضروری می‌دانستند. مطابق این یافته، در سایر جوامع نیز روابط برون خانوادگی و ارتباطات حمایتی زوج‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (Adler-Baeder, & et al., 2022: 285). یک عامل تسهیل‌گرانه‌ی دیگر که در این پژوهش مدنظر قرار گرفت،

شرایط مناسب اقتصادی زوجها بود که طبق مصاحبه‌های صورت گرفته منظور از شرایط اقتصادی مناسب مواردی چون اشتغال حداقل یکی از زوجها، وجود درآمد متناسب با نیازهای زندگی و نبود بحران‌های مالی شدید و مزمن است. اگرچه که برخی از زوجها خاطرنشان کردند که در طول چند سال زندگی مشترک مواقعی بوده که درگیر مشکلات مالی شدید بودند اما توانسته بودند با همکاری و مشارکت یکدیگر از این بحران با موفقیت عبور کنند. در مورد رابطه‌ی وضعیت اقتصادی و رضایت زناشویی پژوهش‌های متعدد و در مواردی با نتایج متفاوت وجود دارد؛ به طور مثال برخی تحقیقات نشان می‌دهد که درآمد کم و ناامنی شغلی (به‌ویژه برای مردان) با رضایت زناشویی کمتر مرتبط است و زوج‌هایی که درآمد بیشتری دارند، رضایت زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (درونه و همکاران، ۱۳۹۶). با این حال، مطالعات دیگر هیچ رابطه‌ای بین سطح درآمد و رضایت زناشویی نشان نداده‌اند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷).

- راهبردها

طبق پارادایم ارائه شده، راهبردها، اقدامات هدفمندی هستند که به دنبال شرایط روی می‌دهند و ریشه در شرایط علی دارند و پدیده را شکل می‌دهند. راهبردها و مهارت‌های مهمی در این پژوهش شناسایی شد که زوجها با به کارگیری آن‌ها توانسته بودند علاوه بر پیشگیری و فائق شدن بر تعارضات و بحران‌ها، رضایت زناشویی را نیز حفظ و درنهایت یک ازدواج کارآمد بیافرینند. مهارت ارتباط عنصری ضروری و عامل تعیین‌کننده‌ی مهمی در کیفیت روابط بین همسران است و از دید شرکت‌کنندگان این پژوهش، ارتباط زناشویی سالم عامل مهمی در حفظ رضایتمندی و پایداری زناشویی آن‌ها بوده است. آن‌ها با رعایت آگاهانه‌ی اصول ارتباط سالم زناشویی باعث ایجاد چرخه‌ای مثبت بین رضایتمندی زناشویی و مثبت‌گرایی در تعاملات زناشویی شده بودند؛ به این معنی که رضایت زناشویی مثبت‌گرایی در رابطه را تسهیل می‌کرد و تجربیات مکرر مثبت‌گرایی به افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کرد که نتایج این قسمت با نتایج پژوهش‌های هرمزی و همکاران (۱۴۰۳)؛ فروزانفر و فاتحی‌زاده (۱۴۰۲)؛ بکوت و همکاران (۲۰۲۳) هم‌راستا است. در کنار مهارت ارتباط سالم زناشویی، یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که زوج‌های این پژوهش به کرات و به صورت متقابل در رابطه‌ی خود به کار می‌گرفتند، درک همدلانه‌ی متقابل بود که لازمه‌ی این درک شناخت از همسر است. که این یافته با نتایج پژوهش‌های عابدینی و

نیک‌نژادی (۱۴۰۰) و کاوه فارسانی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. درک شریک زندگی و دنیای او شامل آگاهی از چالش‌ها و موفقیت‌های روزانه، و همچنین آگاهی عمیق از ترجیحات، بیزاری‌ها، تجربیات، امیدها و اهداف او برای آینده است (Adler-Baeder, & et al., 2022: 283). زوج‌های این پژوهش با آگاهی از اهمیت درک متقابل سعی داشتند با کسب شناخت بیشتر از یکدیگر این مهارت را در تمامی ابعاد روابط زناشویی خود مدنظر قرار دهند. درکنار درک متقابل، سازگاری و انعطاف‌پذیری زناشویی یکی دیگر از راهبردهای مهم این زوج‌ها در زندگی بود. در طی مصاحبه مشخص شد آن‌ها ظرفیت و توانایی لازم برای انطباق‌پذیری، سازگاری و تغییر کردن در مواقع ضروری را دارند و می‌توانند در شرایط لازم، مسئولیت‌ها، نقش‌ها و مواضع قدرت را در بین خود جابه‌جا کنند و نگرش‌ها و رفتارهای خود را به نفع رابطه‌ی زناشویی تغییر دهند. وجود سازگاری و انعطاف‌پذیری مشترک و متعادل بین آن‌ها باعث شده بود تا بتوانند در مواقع بحرانی بدون هیچ‌گونه سرسختی و لجبازی به توافق برسند و شرایط را مدیریت کنند. در همین راستا یک مطالعه‌ی کیفی که توسط یانگ، رابرت و وارد^۱ (2021) انجام شد، بر انعطاف-پذیری و سازگاری زناشویی به خصوص در اولین سال پس از زایمان تأکید دارد. راهبرد مهم دیگر در روابط زوج‌های این مطالعه، وجود مهارت‌های لازم جهت مدیریت تعارض و حل مسالمت‌آمیز آن بود. آن‌ها از توانایی لازم برای حل تعارض برخوردار بودند و با تعیین اصول و قوانین مشخص و از پیش تعیین شده و اتخاذ رفتارهای آگاهانه توانسته بودند به خوبی از عهده‌ی حل تعارضاتشان برآیند و رضایت زناشویی خود را در سایه‌ی وجود اختلافات و حل موفقیت‌آمیز آن‌ها حفظ و ارتقا دهند. طبق یافته‌های پژوهشی این مهارت مربوط به روابط با سطح کیفیت بالاتر است (Adler-Baeder, & et al., 2022: 284) که در زوج‌های این پژوهش نیز کاملاً مشهود بود. در مصاحبه با شرکت‌کنندگان این پژوهش مشخص شد یکی از رمزهای خرسندی زناشویی آن‌ها توجه به پویایی و سرزندگی رابطه‌شان بوده است. آن‌ها اذعان داشتند با گذشت بیش از ده‌ها سال از رابطه‌شان و حتی با وجود فرزندان سعی می‌کنند پویایی، نشاط و دونفره بودنشان را همانند اوایل ازدواج‌شان حفظ کنند و رابطه‌ی خود را از یکنواختی دور سازند. به اعتقاد فینکل^۲ (2017: 67)

1. Young, Roberts, & Ward
2. Finkel

در عصر خودبینگری حاضر، گذراندن زمان اختصاصی و مشترک برای ایجاد یک ازدواج موفق لازم است زیرا سرمایه‌گذاری زمان با کیفیت در کنار هم، می‌تواند ذخیره‌ای از سرمایه‌ی رابطه ایجاد، و رابطه را غنی کند. در کنار تمام راهبردهای ارائه شده، یکی دیگر از مهارت‌های زوج‌های این پژوهش مدیریت اقتصادی و سواد مالی آن‌ها بود. چه بسا هستند زوج‌هایی که از درآمد خوبی برخوردارند اما به دلیل ناتوانی در مدیریت اقتصادی، مدام با چالش‌ها و بحران‌های مالی مواجه هستند اما در مقابل زوج‌هایی هستند همانند بسیاری از زوجین این پژوهش که سرمایه و درآمدهای بالایی ندارند اما با مدیریت صحیح توانسته‌اند از پس مشکلات مالی و نیازهای خود برآیند. در پژوهش مور^۱ و همکاران (2023) که با هدف بررسی اثربخشی آموزش روابط با خدمات یکپارچه ثبات اقتصادی بر زوج‌های کم درآمد انجام شد، نتایج نشان داد که زوج‌ها با یادگیری مدیریت اقتصادی و مدیریت پول خود توانستند مشکلات اقتصادی را کاهش دهند، بدون اینکه نتایج اشتغال و درآمد تغییری بکند. آنچه در تبیین این یافته ارائه شده این است که در زوج‌های کم درآمد با اینکه تغییری در درآمد آن‌ها حاصل نشد اما دریافت آموزش‌های سواد مالی به آن‌ها کمک کرد تا با مدیریت مؤثرتر منابع محدود خود، از برخی مشکلات اقتصادی و به دنبال آن تعارضات زناشویی اجتناب کنند.

- پیامدها

پدیده‌ی ازدواج کارآمد، پیامدهای متعددی را برای زوج‌های این پژوهش به همراه داشت که می‌توان به چهار مؤلفه‌ی کلی تقسیم‌بندی کرد: احساس خوشبختی و رضایتمندی، احساس امنیت و آرامش، کارآمدی در مدیریت زندگی و نظام والدینی.

احساس خوشبختی در زندگی آرمان همه‌ی زوجها است که این احساس در سایه‌ی وجود رضایتمندی زناشویی پایدار پدیدار می‌شود. در این پژوهش زوجها ادعان داشتند که نه تنها احساس خوشبختی می‌کنند بلکه این حس در کنار همسرشان روزبه‌روز بیشتر می‌شود و حتی اکثر آن‌ها در پایان مصاحبه بیان کردند که با مرور زندگی‌شان احساس خوبی پیدا کردند و مجدد به آن‌ها یادآوری شد که چقدر خوشبخت هستند. یکی دیگر از اثرات مشهود در زندگی این زوج‌ها، احساس امنیت خاطر و رسیدن به آرامش بود. خداوند در قرآن کریم (سوره روم، ۲۴)

همسران را مایه‌ی آرامش یکدیگر معرفی کرده است و پژوهش‌های هان^۱ و همکاران (2021) و فروزانفر و فاتحی‌زاده (۱۴۰۲) نیز رسیدن به آرامش را از پیامدهای مراقبت‌گری زوجی می‌دانند. تمام زوج‌های این پژوهش نیز به صراحت اعلام کردند که از کنار هم بودن در تمامی شرایط آرامش می‌گیرند و کوچکترین عدم احساس امنیتی در رابطه‌شان ندارند و امنیت احساس شده توسط زوجین به آن‌ها کمک می‌کند تا حوزه‌های مختلف زندگی خود را متعادل کنند، زیرا یک پایگاه امن برای کشف و حفظ سایر حوزه‌های زندگی خود دارند (Becotte, & et al., 2023: 14) که آن‌ها را به سمت مدیریت کارآمد زندگی و والدگری مطلوب نیز سوق می‌دهد که با یافته‌ی پژوهش ایوآسا، یوشیدا و ایشی (2024) همسو است. مقوله‌هایی که باعث شده بود آن‌ها بتوانند یک خانواده‌ی سالم و موفق و پدر و مادری کارآمد بیافرینند و با مدیریت صحیح جنبه‌های مختلف زندگی بتوانند محیطی امن برای رشد و پرورش خود، همسر و فرزندان ایجاد کنند.

افزایش روزافزون آمار طلاق رسمی در کشور (به‌خصوص خراسان رضوی که رتبه‌ی دوم طلاق پس از تهران را دارد) توجه جامعه و نهادهای مسئول را برانگیخت. این توجه به ضرورت تحقیقات و اقدامات اساسی در زمینه زوج و خانواده دامن زد؛ لذا پژوهش حاضر با هدف خدمت به خانواده‌ی ایرانی و الگو قراردادن ازدواج‌های کارآمد و موفق ایرانی به دنبال تعیین مؤلفه‌هایی است که رضایتمندی و بقای زندگی زناشویی را به دنبال دارد. نتیجه آن که یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی برای زوج‌ها در دستیابی به یک ازدواج کارآمد یعنی ازدواج پایدار و رضایتمند عمل کند و از طرفی می‌تواند برای مشاوران پیش از ازدواج و همچنین زوج درمانگران استفاده کاربردی داشته باشد. پژوهش حاضر همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بوده است؛ از جمله تعمیم مؤلفه‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده به همه زوج‌های ایرانی است. اگرچه که تلاش شد زوج‌های انتخابی نماینده‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بخش زیادی از جامعه باشند، اما احتمال دارد نتایج مطالعات بر روی زوج‌های مناطق کمتر برخوردار در مقایسه با زوج‌های مناطق برخوردار متفاوت باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد با اجرای مجدد پژوهش حاضر در نمونه‌ها و بافت‌های مختلف کشور علاوه بر کمک به اعتباریابی نتایج، بتوان الگوی کامل و جامعی از ازدواج کارآمد برای جامعه‌ی ایرانی به دست آورد. همچنین پیشنهاد می‌گردد با استفاده از نتایج حاصل

از این پژوهش مقیاس ازدواج کارآمد و بسته‌ی آموزشی در این زمینه تهیه شود و در حوزه‌ی آموزش ازدواج، خانواده، زوج درمانی و ... استفاده گردد.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

استراوس، انسلم، و کربین، جولیت (۱۴۰۱). مبانی پژوهش کیفی (مترجم: ابراهیم افشار). نشر نی.

افروز، غلامعلی (۱۳۹۳). روانشناسی ازدواج و شکوه همسری. تهران: دانشگاه تهران.
پروچاسکا، جیمز، و نورکراس، جان‌سی (۱۴۰۲). نظریه‌های روان‌درمانی (مترجم: یحیی سیدمحمدی). تهران: نشر روان.

ثمری صفا، جعفر، زارعی، اقبال، نجارپوریان، سمانه، و محمدی، کوروش (۱۴۰۱). ارائه الگوی ازدواج مجدد؛ یک پژوهش کیفی. پژوهش‌های مشاوره. ۲۱ (۸۳)، ۴-۴۶.

Doi:10.18502/qjcr.v21i83.11085

ثناگوی‌زاده، محمد (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مرتبط با کیفیت زناشویی در مطالعات ایرانی (۱۳۸۹-۱۴۰۱). پژوهش‌های مشاوره، ۲۲ (۸۷)، ۱۱۴-۱۴۳.

Doi:10.18502/qjcr.v22i87.13

حاتمی‌ورزنده، ابوالفضل، اسمعیلی، معصومه، فرحبخش، کیومرث، و برجعلی، احمد (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های درحال جدایی (مطالعه کیفی). فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۳۵، ۷-۳۹.

خجسته مهر، رضا، محمدی، رزگار، سودانی، منصور، و عباسپور، ذبیح‌الله (۱۳۹۷). تجربه زیسته‌ی فداکاری در ازدواج‌های پایدار. پژوهش‌های مشاوره، ۷ (۶۵)، ۱۵۱-۱۸۵.

خدادادی سنگده، جواد، و پرهیزکاری، هلیا (۱۴۰۲). تدوین الگوی مفهومی ازدواج موفق مبتنی بر سیره حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حضرت صدیقه طاهره (س). پژوهش‌های مشاوره، ۲۲ (۸۷)، ۴-۳۱.

درونه، طیبه، ازگلی، گیتی، شیخان، زهره، و نصیری، ملیحه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی با رضایت جنسی و زناشویی در یک نمونه از زنان ایرانی در سال‌های ۹۵-۱۳۹۴. مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ۳۵ (۴۸)، ۵۰-۵۶.

رحمتی، بیتا، فرحبخش، کیومرث، معتمدی، عبدالله، و برجعلی، احمد (۱۳۹۹). الگوی تحول «مایی» در زوج‌های موفق بر مبنای نظریه زمینه‌ای. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹ (۷۵)، ۲۵۲-

Doi:10.29252/jcr.19.75.252 .۲۸۹

زارع، بیژن و صفیاری جعفرآبادی، هاجر (۱۳۹۴). مطالعه رابطه عوامل موثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. *مطالعات روانشناختی اجتماعی زنان*،

۱۳(۱)، ۱۱۱-۱۴۰. Doi:10.22051/jwsps.2015.1940

ستاررزاده، نیلوفر، حکیمی، سویل، و شکیبایی‌فر، مهتاب (۱۴۰۳). تاثیر آموزش احقاق جنسی بر رضایت زناشویی و شادمانی زندگی زنان آذری - مطالعه نیمه تجربی. *مجله پزشکی دانشگاه*

علوم پزشکی تبریز، ۴۶ (۲)، ۱۸۸-۱۹۸. Doi:10.34172/mj.2024.025

سلیمی، حمید، و گل محمدیان، محسن (۱۴۰۲). واکاوی راهبردهای حفظ رابطه زوجی در زنان شاغل: تحلیل محتوای کیفی. *فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۸ (۶۲)، ۲۱۷-

۲۳۴.

عابدینی چمگردانی، سمیه، و نیک نژادی، فرزانه (۱۴۰۰). بررسی نقش میانجی مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در ارتباط بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی. *رویش*

روانشناسی، ۱۰(۱۲)، ۷۳-۸۴.

فروزانفر، آزاده، و فاتحی‌زاده، مریم (۱۴۰۲). تبیین داده‌بنیاد مراقبت‌گری زوجی: یک پژوهش

کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۲ (۸۸)، ۴-۳۵. Doi:10.18502/qjcr.v22i88.15452

کاوه فارسانی، ذبیح‌الله، رجبی، غلامرضا، امان‌اللهی، عباس، و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۹). تدوین مدل بومی کیفیت زناشویی: پژوهشی کیفی بر اساس نظریه زمینه‌ای. *دانش و پژوهش در*

روانشناسی کاربردی، ۲۱ (۱)، ۶۰-۷۱. Doi:10.30486/jsrp.2019.576024.1507

گلسر، ویلیام (۱۴۰۱). *ازدواج بدون شکست* (مترجم: علی صاحبی). تهران: سایه سخن.

مطهری‌نصب، اکرم، فرحبخش، کیومرث، برجعلی، احمد، و فرخی، نورعلی (۱۴۰۲). تدوین و اعتباریابی الگوی رضایت زناشویی درپاندمی‌ها و ارزیابی اثر بخشی آن بر بهزیستی

روانشناختی در دوره کرونا. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۲ (۸۵)، ۸۸-۱۲۷.

Doi:10.18502/qjcr.v22i85.12537

معمدین، مختار. (۱۳۸۳). تاثیر آموزش راهبرهای مقابله با باورهای غیرمنطقی و رضایتمندی زناشویی زوج‌های مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده بهزیستی/اهواز (پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره). دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

هرمزی، مریم، فرح بخش، کیومرث، و غلامزاده جفره، مریم (۱۴۰۳). بررسی کنش‌های ارتباطی در ازدواج‌های موفق (پژوهش کیفی). پژوهش‌های مشاوره، ۲۳ (۸۹)، ۳۶-۶۱.
Doi:10.18502/qjcr.v23i89.15788

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۸). راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

یوسفی افراشته، مجید، و حیاتی، مژگان (۱۴۰۲). ساخت و اعتباریابی مقیاس ایرانی «خوشبختی زناشویی» مبتنی بر مطالعه بومی مؤلفه‌های خانواده موفق ایرانی. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۸ (۶۲)، ۳۹-۶۵.

Abida Ajid, A., Khalid, M., Zartashia, K. J., & Minahil, A. (2024). Conflict resolution, psychological well-being and marital satisfaction among spouses of working people. *Pakistan Journal of Law, Analysis and Wisdom*, 3(2), 183-191.

<https://pjlw.com.pk/index.php/Journal/article/view/v3i2-183-191>

Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2022). How Couple's Relationship Lasts Over Time? A Model for Marital Satisfaction. *Psychological Reports*, 125(3), 1601-1627.
Doi:10.1177/00332941211000651

Adler-Baeder, F., Futris, T. G., McGill, J., Richardson, E. W., & Yildirim, E. D. (2022). Validating the Couple Relationship Skills Inventory. *Family Relations*, 71(1), 279-306. Doi:10.1111/fare.12590

Anderson, SH., Miller, R., Marks, L., Hatch, T., & Card, N. (2018). Longitudinal Test of Forgiveness and Perceived Forgiveness as Mediators between Religiosity and Marital Satisfaction in Long-Term Marital Relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 46(2), 356-374.
Doi:10.1080/01926187.2018.1547667

Bécotte, K., Brassard, A., Brault-Labbé, A., Gagné, L., & Péloquin, K. (2023). Positive relationship adaptation of couples transitioning to

- parenthood: An interpretative phenomenological analysis. *Family Relations*, 72(4), 2251-2269. Doi:10.1111/fare.12792
- Clyde, T. L., Hawkins, A. J., & Willoughby B. J. (2020). Revising premarital relationship interventions for the next generation. *Marital and Family Therapy*, 46(1): 149-164. Doi:10.1111/jmft.12378
- Dehghani, Ch. F., & Dehghan, A. (2023). Predicting sexual satisfaction in Iranian women by marital satisfaction components. *Sexual and Relationship Therapy*, 38(1), 35-71. Doi:10.1080/14681994.2020.1736279
- Finkel, E. J. (2017). *The all-or-nothing marriage : how the best marriages work*. New York, NY: Dutton.
- Han, S. H., Kim, K., & Burr, J. A. (2021). Take a Sad Song and Make it Better: Spousal Activity Limitations, Caregiving, and Depressive Symptoms Among Couples. *Social Science & Medicine*, 114081. 10.1016/j.socscimed.2021.114081
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, F. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence mode. *International Journal of psychology*, 54(3), 369-376. 10.1002/ijop.12473
- Iwasa, H., Yoshida, Y., & Ishii, K. (2024). Association of Spousal Social Support in Child-Rearing and Marital Satisfaction with Subjective Well-Being among Fathers and Mothers. *Behavioral Sciences*, 14(2) ,1-11. 10.3390/bs14020106
- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Masjedi Arani, A. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiol Health* ;41. Doi:10.4178/epih.e2019023
- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Masjedi Arani, A. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiol Health*,41. Doi:10.4178/epih.e2019023
- Kasapoğlu, F., & Yabanigül, A. (2018). Marital satisfaction and life satisfaction: The mediating effect of spirituality. *Spiritual Psychology and Counseling*, 3, 177-195. Doi:10.37898/spc.2018.3.2.0048
- Kazim, S. M., & Rafique, R. (2021). Predictors of Marital Satisfaction in Individualistic and Collectivist Cultures: A Mini Review. *Journal of Research in Psychology*, 3(1), 55-67. Doi:10.31580/jrp.v3i1.1958

- Lawrence, E.M., Rogers, R.G., Zajacova, A., & Wadsworth, T. (2019). Marital Happiness, Marital Status, Health, and Longevity. *Happiness Studies*, 20, 1539–1561. Doi:10.1007/s10902-018-0009-9
- Li, Q., & et al. (2024). Reciprocal associations between commitment, forgiveness, and different aspects of marital well-being among Chinese newlywed couples. *Family Process*, 63(2), 879-896. Doi:10.1111/famp.12909
- Lyness. K. P (2003). Extending emotionally focused therapy for couples to the contextual realm. *Journal of Couple & Relationship Therapy: Innovations in Clinical and Educational Interventions*, 2(4):19-32. Doi:10.1300/J398v02n04_02
- Margelisch, K. & et al. (2017). Marital stability, satisfaction and well-being in old age: variability and continuity in long-term continuously married older persons. *Aging & Mental Health*, 21(4), 389-398. 10.1080/13607863.2015.1102197
- Mazzuca, S., & et al. (2019). Emotion regulation and satisfaction in long-term marital relationships: The role of emotional contagion. *Social and Personal Relationships*, 36(9), 2880–2895. Doi:10.1177/0265407518804452
- Meyer, K., Patel, N., & White, C. (2021). The relationship between perceived support and depression in spousal care partners: a dyadic approach. *Aging & Mental Health*, 25(10), 1830-1838. 10.1080/13607863.2020.1836474
- Moore, Q., Wood, R. G., & Wu, A. Y. (2023). Impacts of healthy marriage and relationship education with integrated economic stability services. *Family Relations*, 72(4), 1422-1440. Doi:10.1111/fare.12877
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (rev ed.). Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH, Inc.
- Parnell, K., Wood, N. D., & Schel, M. (2020). A Gratitude exercise for couples. *Couple & Relationship Therapy*, 19(3), 212-229. Doi:10.1080/15332691.2019.1687385
- Postler, K. B., Helms, H. M., & Anastopoulos, A. D. (2022). Examining the linkages between marital quality and anxiety: A meta-analytic review. *Family Process*, 61(4), 1456-1472. Doi:10.1111/famp.12798

- Shifaw, Z. G. (2024). Marital Communication as Moderators of the Relationship between Marital Conflict Resolution and Marital Satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*, 52(3), 249-260. 10.1080/01926187.2022.2089404
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective Processes Underlying the Links between Marital Quality and Physical Health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152. Doi:10.1016/j.copsyc.2016.09.002
- Tavakol, Z., Nasrabadi, A. N., Behboodi, Z., Rezaei, E. (2017). A Review of the Factors Associated with Marital Satisfaction. *Galen Medical Journal (GMJ)*, 3(6), 197-207. Doi:10.31661/gmj.v6i3.641
- Vakili, J., Kimiaei, S. A., Kareshk, H., & Amin Yazdi, S. A. (2024). Grounded Theory Approach in Discovering the Factors Effective on the Sexual Communication of Iranian Couples. *J Health Sci Surveillance Sys*, 12(2), 156-166. Doi:10.30476/jhsss.2022.96157.1640
- Young, C., Roberts, R., & Ward, L. (2021). Enhancing resilience in the transition to parenthood: A thematic analysis of parents' perspectives. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 39(4), 358-370. 10.1080/02646838.2020.1724916

The Reflection of the Qur'an and Hadith in the Second Volume of *Maqamat al-Abrar* by Mohammad Hossein Ayati Birjandi

Ahmad Lamai Giv¹

Received: 6/10/2024

Accepted: 24/12/2024

Introduction

Sheikh Mohammad Hossein Ayati, a distinguished poet from Birjand, has left behind a remarkable literary legacy. Among his significant works is *Maqamat al-Abrar*, a masterful Mansavi comprising five volumes. The second volume, titled *The School of Wisdom*, recounts the ancient tale of Yousasaf and Buluhar. This collection is enriched with profound wisdom drawn from Qur'anic verses and noble hadiths. The work includes 2850 verses, which are analyzed in this study from the two perspectives of linguistic expression and thematic meaning. Their frequency percentages are subsequently illustrated in a chart. Despite the literary and intellectual value of Ayati's works, they have not received enough scholarly attention. Honoring the contributions of eminent figures from South Khorasan Province, such as Ayati, is vital both locally and globally. This research seeks to address two critical questions:

1. To what extent do the Qur'an and Hadith shape the linguistic and thematic structure of *The School of Wisdom*?
2. What themes emerge from the wisdom conveyed in the Qur'anic and Hadith-based verses within this work?

The scant literature indicates that Ayati's works remain largely underappreciated. Limited reprints and a lack of broader recognition have hindered widespread familiarity with his contributions. Consequently, researchers have shown little interest in delving into the intellectual dimensions of his oeuvre. As a result, scholarly articles on this subject are scarce, and only brief references to his life and work appear in a handful of local or national journals.

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. ahmad.lamei2@birjand.ac.ir



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Methods

This study employs a descriptive-analytical approach, utilizing library resources and existing documents as its primary tools. The primary aim is to analyze the influence and prevalence of Qur'anic and Hadith references within the second volume of *Maqamat al-Abrar*, commonly referred to as *Madrasat al-Hikmah*. The research involves a detailed examination of the poet's interpretation of Qur'anic and Hadith elements, focusing on both linguistic and thematic dimensions across all verses in the collection. Through this analysis, specific examples of the poet's contributions will be highlighted, and the frequency of these references will be illustrated in a chart to provide a comprehensive overview of their significance within the text.

Findings

The findings of this study revealed that the integration of Qur'anic and Hadith verses and their philosophical themes into poetry covers the following topics:

- The depiction of ignorance and ingratitude of worldly seekers – 7%
- The world as a field for boasting and entertainment – 10%
- The purity of authenticity and the elevation of humanity – 4%
- The wonder of the stages of human creation – 3%
- The true religion and the supremacy of Sharia and reason – 8%
- The Qur'an as a book of wisdom and guidance – 4%
- The virtues of ethics and salvation in the afterlife – 14%
- Other related topics – 50%

In the narrative verses derived from Qur'anic and Hadith content, the key themes are:

- The descent of humanity from paradise to earth – 4%
- The attributes of God – 10%
- The conflict between anger and justice – 5%
- Avoiding imitation without understanding – 4%
- The beauties of ethics – 40%
- The reprehensible aspects of ethics – 20%
- Other topics – 21%

The study highlights the poet's exceptional skill in weaving Qur'anic and Hadith themes into Persian poetry, demonstrating a level of creativity far beyond the mere inclusion of Qur'anic words or phrases. This mastery lies in his ability to present Qur'anic and Hadith concepts within the structure of Persian language poetry, which offers greater flexibility in crafting rhymes and poetic lines. Furthermore, the poet dedicates much of this work—80% of the themes—to interpretations and explanations of Qur'anic wisdom and advice, aptly naming it *Madrasat al-Hikmah* (*School of Wisdom*).

Discussion and Conclusion

The findings reveal that this esteemed scholar, with profound knowledge and mastery of the Qur'an and Hadith, as well as deep insight into the themes of the Book of Revelation, has skillfully integrated key Qur'anic words, partial verses, and Hadith into his poetry, adapting them appropriately to the context of each verse. The verbal incorporation of Qur'anic and Hadith elements accounts for nearly 50% of the total verses. In the second aspect, which emphasizes meaning and content, the poet demonstrates an even greater prevalence of Qur'anic and Hadith themes, with 79% of the verses addressing various moral and educational topics infused with these influences. This underscores the poet's exceptional ability to weave the profound meanings and teachings of the Qur'an into his poetry, surpassing mere linguistic references.

The results affirm that the poet's literary sensibility, coupled with his deep understanding of Qur'anic and Hadith concepts, has culminated in the creation of a remarkable and impactful collection. Known as the *School of Wisdom*, this work stands out for its scientific, literary, and educational-cultural significance, aptly justifying its title. Although this study provides a brief overview of the subject, it serves as a foundation for further research into the works of this enduring figure in the realms of religion and knowledge. Such efforts could illuminate the intellectual and cultural contributions of this significant scholar from the province, fostering greater recognition and appreciation for his legacy.

Keywords: Ayati Birjandi, Maqamat al-Abrar, the Qur'an, Hadith, wisdom.

References

- The Holy Qur'an. (1988). Translated by Mahdi Elahi Qomshe'i. Tehran: Qur'an Publishing Foundation. [In Persian]
- Ali ibn Abi Talib. (2000). *Nahj al-Balagha* [The peak of eloquence] (Translated by Mohammad Dashti). Tehran: Allame Publications. [In Persian]
- Alizadeh Birjandi, Z. (2011). *Tarikh-e bargozidegan va mashahir-e Birjand* [The history of the selected and notable figures of Birjand]. Tehran: Fekr-e Bekr. [In Persian]
- Ayati, M. H. (1958). *Maqamat al-Abrar* [Stations of the righteous]. Tehran: Iran State Printing Press. [In Persian]
- Ayati, M. H. (1992). *Baharestan* [The abode of spring]. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press. [In Persian]
- Ayati, M. H. (2000). *Durr-e Ghaltan* [The rolling pearl]. No location specified. [In Persian]
- Farid, M. (1987). *Al-Hadith* [The Hadith] (Vol. 2). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
- Feyz Kashani, M. M. (1991). *Akhlaq-e Hasanah* [Good morals] (Translated by Mohammad Bagher Saedi). Tehran: Payam-e Azadi. [In Persian]
- Ibn Shuba al-Harrani, al-H. (2014). *Tuhaf al-'Uqul 'an Aal al-Rasul (PBUH)* [The Masterpieces of the Minds from the Family of the Prophet] (Translated by Ali Akbar Mirzaei). Qom: Asar Daneshvaran. [In Persian]
- Khosravi, H., Rashid Mohseni, M., Hanafi, M. E., & Hosseini, S. M. (2014). Tasir Qur'an va hadith dar diwan Durr Ghaltan [The influence of the Qur'an and hadith on the poetry collection Durr-e Ghaltan]. *South Khorasan Cultural Studies Journal*, 7(3), 7-34. [In Persian]
- Kulayni, Y. I. (1985). *Usul al-Kafi* [Kitab al-Kafi] (Translated and Edited by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati & Seyyed Javad Mostafavi). Tehran: Ilmiyyah Islamiyyah Publications. [In Persian]
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* [The seas of lights]. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Mirzaei, A. (2011). *Tarjomeh va sharh-e Nahj al-Fasaha* [Translation and commentary of Nahj al-Fasaha]. Qom: Salehan Publications. [In Persian]
- Payandeh, A. (1995). *Nahj al-Fasaha* [The way of eloquence]. Tehran: Javidan. [In Persian]
- Thaalebi, A. M. (1892). *Al-Lata'if wa al-Zara'if* [Subtleties and witty remarks]. Cairo: Cairo University. [In Arabic]
- Thaalebi, A. M. (2003). *Al-Tamthil wa al-Muhadhara* [Representation and discourse] (Edited by Abd al-Fattah al-Helu). Cairo: Dar al-Arabiyyah lil-Kitab. [In Arabic]
- Zahadat, A. (2007). *Simay-e payambar-e akram dar Nahj al-Balagha* [The image of the Holy Prophet in Nahj al-Balagha]. Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Zanguei, H. (2009). *Shaeran-e Ghahestan* [The poets of Ghahestan]. Tehran: Roozgar Publications. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

بازتاب قرآن و حدیث در دفتر دوم «مقامات الأبرار» محمدحسین آیتی بیرجندیاحمد لامعی گیو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۴

http://www.farhangekhorasan.ir/article_211946.html**چکیده**

مقامات الأبرار یکی از آثار ارزشمند و منشآت زیبای فقیه برجسته، محمدحسین آیتی گزاری است، که آن را، در قالب مثنوی مشتمل بر پنج دفتر، به رشته‌ی نظم کشیده و هر دفتر را به موضوعی ویژه اختصاص داده است. آنچه در این پژوهش مورد تأمل و بررسی قرار گرفته، دفتر دوم این منظومه، با عنوان «مدرسه الحکمه» می‌باشد که شاعر با بهره‌گیری از آیات قرآن و احادیث شریفه‌ی معصومین، حکمت‌هایی درس‌آموز و پنددهنده به مخاطبان ارائه می‌دهد. مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، سعی نموده به سؤال محوری پژوهش، ناظر به کنکاش لفظی و محتوایی موضوعات مواج در دفتر دوم مقامات الأبرار، پاسخ دهد. نتایج پژوهش مبین این نکته است که شاعر، به لحاظ ساختار، داستان «یوزاسف و بلوهر» را که علامه مجلسی از آن تعبیر به گنجینه‌ی حکمت نموده، در تعداد ۲۸۵۰ بیت با عناوینی متناسب تنظیم کرده و در هر قسمت به اقتضای موقعیت، تلمیحی لفظی یا محتوایی به آیات قرآن یا حدیث داشته است که بسامد لفظی آن بیش از نیمی از مجموع ابیات را دربر می‌گیرد. محتوای ابیات نیز - با بیشترین بسامد - دربردارنده‌ی مضامین قرآنی و حدیثی است؛ به گونه‌ای که قسمت اعظم ابیات در حیطه‌ی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.



موضوعات مختلف اخلاقی و تربیتی آمیخته به معانی و محتوای قرآن بیان شده است که برآیند آن در تصویر حکمت‌هایی اخلاقی و تربیتی تجلی یافته و در واقع می‌توان آن را منظومه‌ای بی‌نظیر در باب تربیت و اخلاق برشمرد.

واژه‌های کلیدی: آیتی بیرجندی، مقامات الأبرار، قرآن، حدیث، حکمت.

مقدمه

ضیاء‌الدین محمدحسین بن محمد باقر آیتی خراسانی قاینی از مجتهدان وارسته و مورخان مشهور قرن چهاردهم هجری است که در نیمه‌ی ماه ذی‌القعدة به سال ۱۳۱۰ق در معموره‌ی مهموبی از توابع بیرجند چشم به جهان گشود (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۷۴). تا سن ۲۰ سالگی در محضر پدر و در مدرسه‌ی معصومیه بیرجند، مقدمات علوم اسلامی را آموخت و سپس به قصد کسب علم و معرفت به مشهد عزیمت نمود و در سال ۱۳۳۱ش به کعبه مشرف گردید و از آنجا برای زیارت مشاهد ائمه (ع) به عراق رهسپار شد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۰: ۸۵).

وی پس از مراجعت به ایران، به منظور تحصیل، دو سال به اصفهان رفت و سپس برای تکمیل مراتب فقه و اصول به نجف اشرف مشرف و مدت پنج سال از محضر اساتید و فقهای آن سامان بهره برد و به درجه‌ی والای اجتهاد نایل گشت (آیتی، ۱۳۷۹: ۳۲۸). مرحوم آیتی به سال ۱۳۴۲ش به زادگاهش بیرجند مراجعت نمود و تا پایان عمر به کار تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. وی از علمای آگاه، مبارز، مردم‌دوست و شاعری توانا بود که توانست با احاطه‌ی علمی و فضایل حمیده و قریحه‌ی ذاتی، اشعاری شیرین و ارزنده تقدیم جامعه‌ی ادبی نماید. سخنش مشحون به مضامین قرآنی و احادیث شریفه‌ی نبوی و علوی بود که از باورهای عمیق و ژرفای اندیشه‌ی او سرچشمه می‌گرفت (زنگویی، ۱۳۸۸: ۵۳). تألیفات و آثار ارزشمندی از او به یادگار مانده که می‌توان به شرح کفایه‌الأصول علامه خراسانی، درّالفرید فیما روی عن السبط الشهید، مقامات معنوی، مقامات الأبرار، دیوان شعر درّ غلطان و کتاب بهارستان - در تاریخ و تراجم رجال قاینات - اشاره کرد (آیتی، ۱۳۷۹: ۳۲۵-۳۲۹؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). آیتی پس از عمری تلاش و مجاهدت و خدمت به مردم و فرهنگ این دیار به سال ۱۳۹۱ق/۱۳۴۹ش دار فانی را وداع گفت.

مقامات الأبرار از تألیفات ارزشمند اوست که در قالب مثنوی و مترتب بر پنج دفتر می‌باشد که به گفته‌ی خود ایشان جامع منشآت وی است. دفتر اول، اشراق الآفاق و دفتر دوم، مدرسه الحکمه نام دارد که مشتمل بر داستان منظوم یوزارسف و بلوهر است؛ حکمت‌هایی ارزنده از قرآن و احادیث داراست؛ گنجی از گنج‌های پند و اندرز است. در توضیح داستان در مقدمه‌ی این دفتر آمده که یوزارسف نام یکی از پادشاه‌زادگان هندوستان بوده که یازده قرن پیش از میلاد مسیح داعیه‌ی نبوت نموده و در مردمان آن سرزمین تعلیماتی فلسفی و دینی درباره‌ی تهذیب نفس و خلع علایق جسمانی و ترغیب به مقامات عالم روحانی نشر داده است. گویند حکمت اشراق و کانون عرفان و تصوّف در قرون سالفه هند بوده و از آنجا به سایر ممالک چون ایران و مصر و یونان سرایت کرده و مؤسس آن فلسفه و تعلیمات یوزارسف بوده است که پیروان او را یوزارسانی می‌گفته‌اند. از آثار این معلّم روحانی کتاب یوزارسف و بلوهر است که در عهد ملوک ساسانی به ایران آمده و به زبان پهلوی ترجمه شده است (آیتی، ۱۳۳۷: ۴۱-۴۳). ابن بابویه، فقیه سترگ شیعه (۳۲۹ق/۹۴۰م)، آن را در کتاب *إكمال الدین* وارد ساخته و علامه محمدباقر مجلسی، صاحب *بحار الأنوار*، (۱۱۰ق/۱۶۹۹) آن را در کتاب *عین الحیاه* به فارسی ترجمه کرده و در این مثنوی شریف (*مقامات الأبرار*) به رشته‌ی نظم درآمده و صورت شعری به خود گرفته است. قصه «یوزارسف و بلوهر» مبتنی بر حکم شریفه‌ی انبیا و مواظ حکما می‌باشد و گنجی از گنج‌های حکمت ربّانی است. دفتر سوم در معرفت مبدأ و معاد و اثبات نبوت انبیا است. دفتر چهارم روضه الشهداء نام دارد و در مقتل امام حسین بن علی (ع) است. دفتر پنجم سوانح الأیام بوده که شرحی بر ورود اهل بیت به کوفه تا مراجعت به مدینه می‌باشد و تمام این دفاتر به نوعی مزین به حکمت‌ها و اندرزهای زندگی است. چنانکه خود شاعر گوید:

گوش کن گنجینه‌ای از حکمت است مر سعیدان را دری از دولت است
بوسستانی از ریاحین در مثل پر ز حکمت‌های شیرین چون عسل

(آیتی، ۱۳۳۷: ۵۰)

همانطور که گفته شد، این پژوهش به بازتاب آیات قرآن و احادیث در دفتر دوم *مقامات الأبرار* پرداخته است. این دفتر مشتمل بر ۲۸۵۰ بیت است که پژوهشگر ضمن بررسی و مطالعه‌ی دقیق ابیات موضوع را حسب سؤالات پژوهش در دو قسمت لفظ (کاربرد لفظی آیه و حدیث در شعر)

و معنا (دریافت محتوایی قرآن و حدیث در شعر) مورد مذاقه قرار داده است و سپس درصد بسامد هر یک را در شکل نمودار ترسیم نموده است. بی شک پرداختن به این مقوله از موضوعاتی است که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و از چند جهت حائز اهمیت است. نخست تکریم مقام علمی و اقامه‌ی پاسداشت مجاهدت‌ها و خدمات چهره‌های فرهنگی مفاخر استان خراسان جنوبی و دیگر اینکه آثار دانشی و تألیفات ارزنده این فرهیختگان به عنوان میراثی ماندگار، در جامعه و جهان، احیا می‌گردد. از این‌رو، بر ماست که با ورود به حوزه‌ی آثار و تجارب این بزرگان، این الگوی وارسته‌ی دینی و علمی را به صاحبان اندیشه و اصحاب دانش معرفی نماییم.

هدف پژوهش حاضر پاسخ به سؤال ذیل است:

- حکمت‌های مورد نظر در لفظ و محتوای آیات قرآن و حدیث در مقامات الابرار، ناظر بر چه موضوعاتی است؟

پژوهش حاضر با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مدارک و مستندات موجود به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و هدف اصلی این تحقیق، بررسی بازتاب و بسامدهای قرآن و حدیث در دفتر دوم مقامات الابرار که مشهور به «مدرسه الحکمه» است، می‌باشد. در این راستا سعی شده با مطالعه دقیق ابیات این دفتر، دریافت شاعر را از قرآن و حدیث در دو منظر لفظ و محتوا، مورد واریسی قرار گیرد و سپس ضمن ذکر نمونه‌هایی از آورده‌های ناظم، درصد بسامد حضور آن در قالب نمودار ارائه گردد.

پیشینه‌ی پژوهش

براساس بررسی‌های انجام شده، آثار و تألیفات شیخ محمدحسین آیتی بیرجندی به دلیل اینکه کمتر تجدید چاپ شده و چندان در سطح فراگیر شناخته شده، نیست، پژوهندگان از این آثار شناخت کافی ندارند و اقبال گسترده‌ای برای بررسی ابعاد فکری و زوایای اندیشه ایشان صورت نگرفته است؛ به همین جهت مقالات علمی - پژوهشی کمتری در این حوزه نگاشته شده است و تنها در لابلای برخی مجلات محلی و یا ملی، اشاراتی کوتاه در باب معرفی شرح احوال و آثار نامبرده، دیده می‌شود. در زمینه‌ی پژوهش حاضر تنها می‌توان به یک مقاله با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در دیوان دُرّ غلطان» (۱۳۹۲)، نوشته‌ی هادی خسروی و همکاران اشاره کرد که

نویسندگان در این مقاله از حضور آیاتی از قرآن و حدیث در حیطه‌های لفظی و برخی آرایه‌های بدیعی سخن گفته‌اند. به همین جهت موضوع این مقاله، ورود تازه‌ای به یکی از آثار گران‌سنگ این فقیه خراسانی، با عنوان *مقامات الأبرار* می‌باشد و در این قسمت به عنوان پیشینه‌ی پژوهش تنها می‌توان به آثار و تألیفات خود ایشان استناد جست. امید است این اقدام، فتح بابی برای حضور بیشتر علاقه‌مندان و خراسان‌پژوهان در رویکرد به فرهنگ و ادبیات آئینی این دیار باشد تا زمینه‌های احیا و شناخت مفاخر این استان در سطح کشور و جهان فراهم گردد.

بحث و بررسی

کاربرد لفظ آیات قرآن و حدیث و مضامین حکمی آن در شعر

در مثنوی مدرسه الحکمه آنچه در باب سخنان پندآموز و یا به بیانی دیگر کرامت‌های اخلاقی و سجایای نیک انسانی، آمده و مخاطبان را به کرسی وعظ و نصیحت فرا می‌خواند، به نوعی الهام از آیات وحی و احادیث شریف نبوی و علوی است. در این راستا بسیاری از ابیات به صور مختلف واژگانی و یا بخشی از آیه شکل یافته، که در این قسمت نمونه‌هایی از این ابتکار ادبی شاعر که در واقع تفسیر موضوعی آیه و یا حدیث به شمار می‌رود، می‌پردازیم.

تصویر جهالت و ناسپاسی دنیاطلبان

آیتی در فرازی از آغاز داستان بر حسب موضوع، سخن از کافران که به دنیای فانی دل خوش کرده و سرخوش شهوت و مست غرور قدرت‌اند به میان می‌آورد و به بخشی از این آیه شریفه در کلامش اشاره می‌کند: *(وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ)* (آل عمران: ۱۷۸). وی این مهم را این چنین به نظم می‌آورد:

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| چون جهان را مردم نادان گرفت | باید اندر کوه ایمان جا گرفت |
| سرخوش این گیتی و مست غرور | مست شهوت را کجا ماند شعور |
| چونکه این دنیا ندارد قیمتی | حق دهد مر کافران را مهلتی |
| مهلت یزدان نه از لطف است و بر | صد هزاران قهر دارد مستتر |

انَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ رَا در کتاب
از پیش برخوان لِيَزْدَادُوا عَذَاب
تا که او طغیان نماید در نعیم
پس چشاند از حمیش در جحیم
(آیتی، ۱۳۳۷: ۵۱)

او در واقع در تفسیر این آیه این نکته را یادآور می‌شود که ناشکری به نعمت حق و دل بستن به ثروت و شهرت این جهان، نشانه‌ی خیر و سعادت نیست، بلکه این مهلتی است کوتاه که در پی آن عاقبتی ناگوار و فرجامی خوارکننده است.

دنیا میدان تفاخر و سرگرمی

دنیا و مظاهر فریبنده‌ی آن از جمله موضوعاتی است که بیشترین بسامد و حضور را در ابیات این دفتر به خود اختصاص داده و در جای جای این قصه، شاعر مخاطبان را به بی‌اعتباری دنیا و عدم اعتماد بر آن سفارش می‌کند و یادآور می‌شود که روا نبود بر دوستی بی‌وفا و مرکبی سرکش تکیه کرد. وی سند گفتارش را این آیه از قرآن می‌دهد: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (الحديد: ۲۰). او در شعرش اینگونه می‌آورد:

راستی دنیا ندارد اعتبار
بی ثبات و بی قرار و بی مدار
اُف بر این دنیای زشت حيله باز
نوش او نیش است و سوز آورده ساز
کار وی بازی است اندر روز و شب
إِنَّمَا الدُّنْيَا هِيَ لَهْوٌ لَعِبٌ
از چنین دنیا وفاداری طمع
از طمع بگذر که عَزَّ مَنْ قَنَعَ
شیوه دنیا همین است و همین
چشم داری چشم بگشا و بین
چشم داری چشم بگشا و بین
(آیتی، ۱۳۳۷: ۵۵)

در این ابیات بخشی از حکمت زیبای حضرت علی (ع) هم به چشم می‌خورد که می‌فرماید: «عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ ا» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۸: ۱۸۱). در تکمیل این گفتار در جای دیگر حضرت،

قناعت را ثروتی تمام نشدنی: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» (علی بن ابی طالب، ۱۳۵۱: حکمت ۴۶۷) و طمع‌ورزی را بردگی همیشگی می‌شمارد: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ» (همان: حکمت ۱۷۱). آیتی، در ادامه‌ی سخن، دوستی دنیا را رأس هر مفسده‌ای می‌داند و چنین می‌گوید:

حُبِّ دُنْيَا هَسْتَ رَأْسَ هَرِّ فِسَادٍ خِيزِدُ مِنْ أَيْنِ دُوسْتِي بَغْضٍ وَ عِنَادِ
(آیتی، ۱۳۳۷: ۵۷)

این نکته ناظر به این حدیث پیامبر اسلام (ص) است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۸۹). وی راه نجات از این مهلکه را لطف و رحمت الهی می‌داند و قرآن را سرچشمه‌ی هدایت می‌شمارد:

تَدَلِي آمَادَه رَحْمَتِ نَبُوذِ مِيبِرْدُ مِنْ وَحِي سَبْحَانِي چِه سُوذِ
مِصْحَفِ يَزْدَانِ وَ قِرْآنِ مَبِينِ بَاز فَرْمَايِدُ هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ
در واقع مَبِينِ آيه‌ی شريفه‌ی ﴿ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (البقره: ۲) است.

پاکی اصالت و تعالی انسان

از مسائل مهم در سلامت روانی و اجتماعی جامعه که زمینه‌ساز سعادت و رشد اخلاقی انسان‌ها می‌گردد و تربیت بر محور صحیح شکل می‌گیرد، اصالت و پاکی نسل است که همواره مورد تأکید و سفارش بزرگان دین و دانشمندان حوزه‌ی تعلیم و تربیت بوده است. اهمیت به این موضوع از فروپاشی ستون‌های اخلاق و بحران‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. شاعر در بخشی از گفتارش این نکته را مورد تأمل قرار می‌دهد و به استناد قرآن آن را اندرزی حکیمانه می‌شمارد. مضاف بر اینکه می‌داند حکما و صاحبان اندیشه، در صلاح اجتماع و قوام اخلاق و مدار انسانیت، تأثیر بسزایی دارند و چنین می‌گویند:

چون فشانند دانه بر روی زمین می‌شود هر دانه در جایی دفین
آنچه افتد بر زمین خاردار چون بروید خارش اندازد ز کار
و آنچه افتادست اندر خاک پاک گرچه باشد، اندکی روید ز خاک
سنبل آرد بار بدهد در نماء آمدش سَبْعَ سَنَابِلٍ از سماء

او فشاند تخم و حق آرد برون
دانه صد دانه نَحْنُ الزَّارِعُونَ

پند و اندرز حکیمان در جهان
همچو آن بذر است ای میرجهان

حامل حکمت شناسای عیوب
می فشاند تخم حکمت در قلوب

(آیتی، ۱۳۳۷: ۷۳).

شاعر در این ابیات، به‌ویژه بیت پنجم به این آیه قرآن نظر دارد: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَلَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ (الواقعه: ۶۳-۶۴). همین‌طور نامبرده بر این اعتقاد است که تخم نیکی و بذر اصیل و سالم در خاک پاک باعث برکت و فزونی محصول و رشد تعالی می‌گردد و می‌گوید:

مثل آن تخمی که اندر خاک پاک
اوفتاد و رُست ایمن از هلاک

سنبل آرد هفت در وقت نماء
کامدش سَبْعَ سَنَابِلٍ از سماء

(آیتی، ۱۳۳۷: ۷۴).

در این راستا دو کلید واژه‌ی (سَبْعَ و سَنَابِلٍ) اشاره به این آیه قرآن دارد: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۶۱). این آیه هر چند به مسئله‌ی انفاق در راه خدا اشاره دارد، ولی در گستره‌ی معنای آن، همه‌ی کسانی را که برای تربیت و سلامت جامعه و نسل آینده از هستی، اندیشه، فکر و توان خود انفاق می‌کنند، دربر می‌گیرد.

شگفتی مراحل خلقت انسان و سیر تحول آن

مراحل خلقت آدمی نیز از شگفتی‌های دستگاه آفرینش است که در نهایت نظم براساس حکمت و مشیت الهی انجام گرفته و موجودی با همه صفات و ویژگی‌های مختلف جسمی و روحی و برخوردار از نفس ناطقه به نام انسان شکل یافته است. شاعر این فرآیند را چنین توصیف می‌کند:

آدمی بوده است اول آب و گل
تا که آمد نطفه و ز گل منفصل

نطفه آمد علقه اندر بطن مام
تا که آمد مضغه آنکه شد عظام

پس عظامش یافت کسوت از لحوم
در لحومش ای بسی نقش و رسوم

چون به پایان می‌رسد این ماجرا
ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخِرًا

خلق دیگر آمد و آن جسم نیست
امر ربی در طلسمی کرده زیست
(آیتی، ۱۳۳۷: ۸۳)

شاعر در این ابیات، واژگانی از آیات سوره‌ی مؤمنون که این مراحل را تبیین نموده می‌آورد: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (المؤمنون: ۱۲-۱۴)، توالی این مراحل با نظم و دقت و ظرافت و بدون کاستی، ذهن و اندیشه‌ی هر انسانی را به تعجب و امید می‌دارد و زبان او را در یگانگی و قدرت قاهره‌ی خداوندی به تحسین می‌گشاید و دیده‌ی صاحبان بصیرت را از رمز و راز نهفته در اشرف مخلوقات، خیره می‌سازد. پس روا بود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ».

دین حق و حاکمیت شرع و عقل

مکتب پیامبر اسلام (ص)، آیینی است جهانی که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها هویت یافته و پاسخگوی همه‌ی نیازهای مادی و معنوی جامعه‌ی بشری، چه در حال و چه آینده، می‌باشد؛ زیرا بنیان آن مبتنی بر حقایق وحی و عقلانیت است، بدین معنا که بر روابط انسانی و اجتماعی انسان، عقل و شرح حاکمیت دارد و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و قاعده‌ی بین متکلمین و فقهای اسلام که عبارت است از: «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۶)، یک رابطه‌ی منطقی و مکمل است؛ زیرا شرع صراط است و عقل سراج و حرکت در راه بدون چراغ از هدایت به دور است. امام موسی بن جعفر (ع) در تأیید این امر می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُمَّةُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (فرید، ۱۳۶۶: ۳۰۴). آیتی در یکی از منظومه‌های خود که با عنوان «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ» زینت یافته، چنین آورده است:

تا نباشد وحی و ارسال رسول
کی تواند بود ز ادراک عقول
در حقایق عقل‌ها کی ره برد
تا نباشد شرع استاد خرد
(آیتی، ۱۳۳۷: ۸۴)

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| عقل حکم شرع را تأکید کرد | شرع بیرون عقل را تأیید کرد |
| شرع عقلی مردمان را از برون | عقل شرعی هست کاید رهنمون |
| باید از مصباح شرعش اقتباس | عقل چون افتد بسی در التباس |

(همان: ۸۵)

وی دشمن عقل را جهل می‌شمارد که سبب افتادن در ضلالت و انحراف از صراط مستقیم است:

| | |
|--|--|
| جَهْلٌ شَدَّ مَعْرُوفٌ وَ جَاهِلٌ مَعْرَفَهُ | غَيَّرُوا الْأَحْكَامَ فِي كُلِّ الصَّفْهِ |
|--|--|

(همان: ۸۶)

مضاف بر این، ایشان هدف از ارسال رُسل و پیشوایان دین را شکوفا نمودن خرده‌های مردم و هدایت آنها در مسیر شرع می‌داند و دین اسلام را آخرین آیین می‌شمارد که به حکم قرآن تا قیامت پا برجاست و خداوند خود حافظ آن خواهد بود:

| | |
|--------------------------|--|
| لیک در شرع رسول هاشمی | یافت چون أحمد مقام خاتمی |
| تا قیامت هست برپا دین او | در زمین باقی بود آئین او |
| باشداز لطف خداوندش حصون | نَحْنُ نَزَّلْنَا وَ إِنَّا حَافِظُونَ |

مصرع دوم بیت آخر بخش اعظم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

است (حجر: ۹). مضاف بر آنچه گفته شد، بیت سوم در بالا ناظر بر این حدیث شریف حضرت علی(ع) است: «الْعَقْلُ شَرَعٌ مِّنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِّنْ خَارِجٍ» (فرید، ۱۳۶۶: ۳۰۳).

در همین رابطه سخن پیامبر اسلام(ص) نیز پیوستگی عقل و شرع را تأیید می‌کند: «و لَا بَعَثَ رَسُولًا وَ لَا نَبِيًّا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳).

۱. عقل برای بشر دین داخلی، چنانکه دین برای او عقل خارجی است.

۲. هیچ پیامبری از طرف خداوند رسالت یا نبوت مبعوث نشد، مگر آنکه واجد عقل کامل بود بحدی که عقل وی بر عقول جمیع امتش برتری داشت.

قرآن؛ کتاب حکمت و هدایت

بی شک، آنجا که سخن از هدایت و پیمایش راه سعادت به میان می‌آید، تنها راهبر و هادی امین، قرآن است، کتابی که دوی درد درمندان و شفای صدور آدمیان می‌باشد. شاعر، قرآن را کلید همه‌ی خوبی‌ها، و نوری در ظلمت‌ها و صراط اقوام زندگی ذکر می‌کند:

هست مفتاح همه خیر و امید
هم نجات از شر و پاکی از پلید
بوده درد درمندان را دوا
هم صراط أقوم و راه هدی
(آیتی، ۱۳۳۷: ۹۱)

ریسمان محکم پروردگار
هر که در این ریسمان آورده چنگ
رست از چاه طبیعت بی درنگ
هر چه خوانی ز این کتاب و این سطور
عُروَةُ الْوَثْقَايِ مُرْدِ هَوَشِيَارِ
إِنَّهُ نُورٌ شِفَاءٌ لِلصُّدُورِ
(همان: ۱۱۰)

چنگ زن در عروَةُ الْوَثْقَايِ دین
وَأَعْتَصِمِ بِاللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
(همان: ۱۱۳)

شاعر در این ابیات که به معرفی قرآن می‌پردازد، به واژگانی که ناظر بر آیاتی از قرآن است اشاره می‌کند. در بیت دوم، عبارت «صراط أقوم» و «راه هدایت» آمده که در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (أَسْرَاءُ: ۹) همانا این قرآن به آیینی که پایدارتر است، هدایت می‌کند، ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲). در بیت چهارم از قرآن به عنوان «نور» و «شفاء» یاد شده: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده/۱۵)؛ بدرستی که شما را از سوی خداوند نوری و کتابی آشکار آمد. ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ (تغابن: ۸). به خداوند و پیامبرش و نوری را که نازل کردیم ایمان آورید. همین‌طور واژه‌ی شفاء ﴿شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۵۷). قرآن برای آنچه در سینه‌هاست شفاست و کتاب و هدایت و رحمت برای مؤمنان است. در بیت آخر عنوان عروَةُ الْوَثْقَايِ دین که همان حبل الله است آمده و در قرآن سفارش به چنگ زدن و متمسک شدن به آن شده است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). باید گفت آنچه قرآن را کتاب حکمت

قرار داده، قوانین و دستورات راهگشای آن است که رستگاری و نجات انسان را در دو جهان ضمانت می‌کند و او را از مهلکه‌های انحراف و ظلمت نجات می‌بخشد.

محاسن اخلاقی و رستگاری اخروی

اخلاق شایسته و آراستگی به فضایل و سجایای حمیده، از عوامل مؤثر و اساسی در آرامش روحی و روانی فرد و اجتماع بوده و زمینه‌های رشد معنوی جامعه را فراهم می‌سازد. بسیاری از انحرافات و نابسامانی‌ها و بیماری‌های روحی، به‌دلیل دور شدن انسان از حیطه‌ی کرامت‌های اخلاقی و فاصله گرفتن از منش انسانی است که نتیجه‌ای جز فروپاشی مدار حقیقت و افول معنویت نداشته و آدمی را از هدف اصلی خلقت که معرفت پروردگار و پرستش اوست^۱ و رسالت پیامبر (ص)^۲ دور می‌سازد و او را از رسیدن به مقام رستگاری و خشنودی حضرت حق محروم می‌کند. آیتی در این داستان، بسیاری از زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری را از باب حکمت و اندرز، مستند به آیات وحی و احادیث شریف، ذکر می‌کند که به مواردی چند به اختصار اشاره می‌کنیم:

- صداقت در نیت و پرهیز از حسادت

آنچه انسان را خوش عاقبت نموده و لطف و توفیق الهی را قرین زندگی او می‌سازد، صدق نیت و حُسن عمل است و به هر اندازه درون انسان آلوده به ناخالصی و گناه باشد، از مسیر رستگاری و قرب ربوبی فاصله می‌گیرد. آیتی این موضوع را چنین انشاد می‌کند:

| | |
|------------------------------|-----------------------------------|
| گر ترا در دل بود کرم حَسَد | لا جَرَمَ بر خود زیانت می‌رسد |
| گر روا داری تو بَد بر مردمان | بر تو آید منعکس از آسمان |
| آسمان مرآت نیت شماسست | انعکاس نیت ما در سماست |
| رو بخوان قرآن که گردی منتبه | يَعْمَلُ كُلُّ عَلِيٍّ شَاكِلْتَه |
| پس برو باطن ز علت پاک‌دار | تا که گردی سرفراز و رستگار |

۱. (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (الذاریات: ۵۶)

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (زهادت، ۱۳۸۶: ۹۸)

مَا أَصَابَتْكَ إِلَّا مِنْ سَيِّئَاتٍ كَانَ مِنْ نَفْسِكَ فَلَا تَمْسِرِ الْجِهَاتِ
(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۶)

در این ابیات، شاعر بیماری حسادت را ناشی از ضعف ایمان و ناصافی باطن می‌شمارد که ناظر به حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) است: «إِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدَ؛ فَإِنَّهُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ» (فیض کاشانی، ۱۳۶۹: ۷۲). همین‌طور در بیت چهارم بخشی از آیه‌ی قرآن که می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴).

– وفا به عهد و پیمان

رعایت پیمان و وفاداری نشانه‌ی ایمان و اخلاص در عمل است و بی‌مبالاتی در این امر، انسان را از دایره‌ی مروت و معرفت خارج می‌سازد. شاعر در فرازی از سخن، ضمن ذکر جمله‌ای کوتاه از آیه‌ی سوره‌ی مائده بر این مهم تأکید می‌کند و می‌گوید:

معرفت اندر حقوق و در حدود عهد حق این است و أوفوا بالعقود
عهد فاسق را نشاید اعتماد آید و هم بگذرد مانند باد
(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۱-۱۲۰)

در بیت اول عبارت «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» مبتنی بر تعهد نسبت به پیمان و وفاداری که نشانی روشن از اعتقاد و ایمان است، می‌باشد و ناظر به این آیه‌ی شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» است (مائده: ۱). آیاتی دیگر نیز در قرآن بر این موضوع تأکید دارد؛ آنجا که خداوند خطاب به بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره: ۴۰).

- استقامت و پایداری در کارها

صبر و استقامت دو رمز موفقیت و نصرت در زندگی است و بارها قرآن مسلمانان را به پایمردی و استقامت در سختی‌ها سفارش نموده و بزرگان اندیشه و ادب نیز این امر را یکی از فضایل و اخلاق حسنه شمرده‌اند: «أَفْضَلُ أَخْلَاقِ الرِّجَالِ التَّصَبُّرُ» (ثعالبی، ۱۳۸۱: ۴۱۵) آیتی استقامت در امور را زمینه‌ی نصرت می‌شمارد و چنین می‌گوید:

| | |
|-----------------------------|--|
| استقامت گر تو ورزی در میان | می‌رسد نصرت فراهم ز آسمان |
| جُند حق آید بر ایشان قاهرون | رو بخوان عَشْرُونَ مِنْكُمْ صَابِرُونَ |
| | (آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۰) |

عبارت «عشرون منکم صابرون» بخشی از آیه‌ی شریفه است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِئَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال: ۶۵).

- انفاق

انفاق و بخشیدن در راه خدا از جمله فضایی است که در قرآن کریم بارها مورد عنایت و تأکید قرار گرفته و مؤمنان به بخشیدن از آنچه روزی‌شان شده سفارش شده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (بقره: ۲۵۴). شاعر نیز در اهمیت این موضوع به آیه‌ای از سوره‌ی آل عمران اشاره می‌کند:

| | |
|-----------------------------|---|
| بی تقاضا بی تمنی بی طلب | خلعت هستی بما داده است ربّ |
| روزها با روزه شبها در نماز | با خدا در توبت و راز و نیاز |
| تا که رضوانش برد و زر و بال | کرده در راه خدا انفاق مال |
| مال بدهد تا بگیرد آبرو | لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا |
| | (آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۷) |

آیه این است: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۹۲). بی شک انفاق مال، علم، توجه به مستمندان و ایتام و ... سبب برکت و سلامتی زندگی و خیر در عاقبت می‌شود.

– اصلاح امور مردم و ایجاد امید

از افضل عبادات و محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خداوند رسیدگی به امور مردم و رفع گرفتاری‌ها و اصلاح مشکلات آن‌هاست که مورد تأکید جدی قرآن و گفتار معصومین می‌باشد. آیتی در شعرش این مسئله را نیکوترین ذخیره‌ی روز معاد می‌شمارد:

| | |
|---|-----------------------------|
| أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي يَوْمِ الْمَعَادِ | باشد اصلاح امور این عباد |
| هست در دنیا و عقبایت شرف | این شرف را خود مکن شاها تلف |
| ساعتی با عدل و احسان سلطنت | بهرتر از یک سال طاعت باشدت |
| هر که نفسی ضایع و فاسد کند | آن فساد آخر بخود عاید کند |
| هر که احیاء کرد نفسی در جهان | کرده احیاء گو جمیع مردمان |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۳۴)

قرآن ضمن اینکه مومنان را برادر یکدیگر می‌داند، چنین می‌گوید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات: ۱۰) در آیه‌ی دیگر می‌خوانیم: ﴿... يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ...﴾ (بقره: ۲۲۰).

در نهج البلاغه این موضوع به عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی و دینی مورد توجه قرار گرفته، چنانکه حضرت می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ...» (علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹، حکمت ۸۹). در این حدیث توفیق رستگاری در آخرت، وابسته به اصلاح امور دنیا و ارتباط خالصانه با خداوند است. بی‌شک این رابطه محکم نتایج مطلوب و شایسته‌ای در سالم‌سازی جامعه و تحکیم ارتباطات صمیمانه و سالم بین مردم خواهد داشت.

- حق جویی و دوری از باطل

بیمودن مسیر حق و روی گرداندن از باطل حقیقی است که انسان را به مقام رحمت و قرب حضرت سبحان رهنمون می‌کند و در جهان واپسین او را روسپید و رستگار می‌گرداند. رسیدن به این درجه‌ی عالی، نتیجه‌ی اعمال صالح و پاک کردن قلب از آلودگی‌هاست. آیتی در بخش پایانی این داستان به خوبی این نکته را به نظم می‌کشد:

| | |
|-------------------------------|---|
| پاک دارید از صفات زشت دل | تا نباشد از صفات بد خجل |
| آدمی را راه چون شد مستقیم | می‌کشد خود سوی جنات نعیم |
| سوی باطل رو نگردانی زحق | حق بود باقی و باطل قد زهق |
| این عبارت کرده ابن بابونه | بَيِّضَ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي جَنَّتِيهِ |
| باید آخر رفت از این دنیا برون | نَحْنُ لِلَّهِ وَإِلَيْهِ رَاجِعُونَ |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۶۵)

در بیت سوم، واژه‌ی «قَدْ زَهَقَ» بخشی از آیه‌ی قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (الاسراء: ۸۱) و مبین این نکته است که آنچه بر مدار حق نباشد و در حیطه‌ی راستی و مستقیم قرار نگیرد، فناشونده و باطل است و طبیعی است که روی گرداندن از حق و روشنی، ورود به سیاهی و ظلمت است و در جهان آخرت، تنها، حق پرستان دارای چهره‌هایی درخشنده و امیدوار به رحمت و عطایای الهی هستند و باطل‌گرایان در عذاب و سختی. لذا قرآن می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَبِهِمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۷-۱۰۶). شاعر در بیت آخر به سرنوشت و پایان زندگی دنیا اشاره می‌کند، که باید روزی رخت بریست و به سوی خداوند رجعت نمود که مصرع دوم این بیت یادآور این آیات وحی می‌باشد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶) و ﴿...إِنِّي إِلَيْ رَبِّكَ الرَّجْعِي﴾ (علق ۸) و ﴿ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ﴾ (آل عمران: ۵۵).

آنچه در این قسمت از پژوهش تحت عنوان کاربرد لفظ آیات قرآن و حدیث و مضامین حکیمی آن، در داستان مدرسه الحکمه به طور اختصار بدان اشاره شد، برجسته‌ترین موضوعاتی است که

شاعر بر حسب اقتضای کلام بدان توجه داشته و شعرش را با واژه یا بخشی از آیات قرآن و یا حدیث زینت داده است و در نهایت عصاره‌ی آن را در قالب حکمت یا اندرز به مخاطبان عرضه کرده است و به جهت اطالهی کلام در این قسمت به همین اندک بسنده می‌کنیم.

دریافت محتوایی آیات قرآن و حدیث در ابیات داستان

از آنجا که مدرسه الحکمه بازنویسی منظوم یک داستان قدیمی با عنوان «یوزاسف و بلوهر» است، ناظم علاوه بر شرح و بسط داستان و ذکر مقدمه و مؤخره در هر قسمت با شیوه‌ای ابتکاری و زیبا، اندرزهایی درس‌آموز را با زیور آیتی از قرآن و احادیث ارائه می‌دهد. در قسمت اول مقاله به اختصار به بیان لفظ آیات شریفه و احادیث که در برخی ابیات به کار رفته، در قالب موضوعات مرتبط، پرداخته شد، اما در این قسمت، ضمن موضوع‌بندی محتوای قرآنی و حدیثی ابیات، اشارات حکمی آن‌ها نیز در استناد به منابع و مآخذ مختلف آمده است با این تفاوت که رویکرد محتوایی شاعر به آیات و احادیث و بسامد موضوعی آن، به مراتب بیشتر از کاربرد لفظی آن‌هاست. او در این مجال، آنچه در قالب حکمت طرح‌ریزی می‌کند، به نوعی در حیطةی اخلاق حسنه و کلیدهای موفقیت در زندگی دنیوی و اخروی می‌باشد، که در ادامه به توضیح کوتاهی از هر یک می‌پردازیم.

هبوط انسان (آدم و حوا) از بهشت به زمین

شاعر در طلّیعه‌ی سخن بعد از مقدمه کوتاهی از داستان، به جریان هبوط حضرت آدم و حوا اشاره می‌کند و نزول انسان به زمین را نتیجه‌ی لغزش از فرمان الهی و اطاعت شیطان می‌شمارد؛ زمین را تنگنایی می‌داند که او را از همه علایق محروم ساخته و درهای رحمت را به روی وی بسته است:

وندر آن اقلیم خوش کردم وطن

سال‌ها بودم در آن طرف چمن

اوفتادم اندر این محنت فضا

سوی این ویرانه آوردم قضا

آمدم در مجلس زندانیان

بودم اندر مجمع روحانیان

| | |
|----------------------------|---------------------------------|
| بر درخت سدره بودی جای ما | جنه المأوی بُدی مأوی ما |
| علم الأسماء را بودم کتاب | منکشف بر من حقایق بی حجاب |
| زین علایق روحم اندر تاب شد | بسته بر رویم همه ابواب شد |
| تنگنای این جهان برماست تنگ | دل به تنگ آمد از این لبث و درنگ |
| بگذرد این روزگار تلخ باز | روزگاری خوش رسد بس دلنواز |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۴۸-۴۷)

خداوند در سوره‌ی بقره به این فرایند اشاره می‌کند: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ. فَأَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (بقره: ۳۶-۳۵). شاعر در ابیات اول تا چهارم و نیز سه بیت ششم و هفتم و هشتم به این موضوع اشاره می‌کند. بیت پنجم به این آیه اشارت دارد که می‌فرماید: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره: ۳۲-۳۱).

آیتی در ادامه‌ی همین داستان بیان می‌کند که:

| | |
|---------------------------|--------------------------------|
| بگذرد این شام تاریک عبوس | خود رود این درد و این رنج فسوس |
| هر شبی را در عقب باشد سحر | صبح روشن می‌رسد با حُسن و فرّ |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۴۸)

این بیت در واقع در بردارنده‌ی این آیه‌ی شریفه است: ﴿إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾ (هود: ۸۱) و این در حکم ضرب المثلی است، برای امید داشتن به آینده و اینکه روزی هجران به پایان می‌رسد.

صفات خداوند

از جمله موضوعات مهم در داستان، مسئله‌ی توحید و بیان صفات حضرت سبحان در جهت شناخت و معرفت به مبدأ هستی است و در هر قسمت حکایت بنا به اقتضای سخن این نکته

مورد توجه و تأمل قرار گرفته است. شاعر در فرازی از منظومه با عنوان پرسیدن یوزارسف که خداوند با چه صفتی شناخته می‌شود، چنین می‌گوید:

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| گفت یوزارسف خدا را گوی باز | چون شناسی در صفات و امتیاز |
| آن بلوهر گفت فرد است و أحد | بی‌شریک و والد و یار و ولد |
| اوست ربّ و ما سوی مربوب او | اوست قاهر ما سوی مغلوب او |
| او قدیم و ما سوی حادث ز جود | آفرینش را دهد فیضش وجود |
| اوست صانع ما سوی مصنوع وی | او بود باقی و فانی کلّ شیء |
| خورد و خوابش نیست حیّ لاینام | و هو قیوم به کلّ القیام |
| لا یزال و لم یزل آمد قدیم | هم سمیع و هم بصیر و هم علیم |
| خود منزّه هست ذات کبریا | از تغیر و ز تبدل و ز فنا |
| نیست خالی ز وجودش هیچ جای | هر کجا روی آوزی باشد خدا |
| نیست در جایی مقام و منزلش | خانه حقّست از مؤمن دلش |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۰۸)

وی در جای دیگر در تکمیل این معنا می‌گوید:

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| در خور رویت نباشد ذات هو | نیست لایق اندر اینجا گفتگو |
| عقل ادراک صفاتش کی کند | چون تواند هم این ره کی کند |
| از تصویرها اجلّ و اعظم است | ذات پاکش ارفعست و اکرم است |
| از عدم آرد هستی کانیات | هم کند اعدام حادث از ممات |
| قاصر از نعمتش بیان‌ها آمده | الکن از وصفش زبان‌ها آمده |
| علم او باشد محیط و نی محاط | هستی او را مگیر از خود مناط |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۴)

تمامی این ابیات، به نوعی مبین صفات و ویژگی‌های خداوند در آیات وحی و احادیث شریفه است. بیت دوم اشاره به سوره‌ی توحید، یعنی شناسنامه‌ی خداوند، دارد و بر وحدانیت حق گواهی می‌دهد. در این سوره صفاتی چون احدیت، صمدیت و به گفته‌ی شاعر ناظم بی‌شریک و والد و

یار و ولد، که همه بر فردیت حق تعالی دلالت دارد، مورد ذکر قرار گرفته است. در سوره‌ی أسراء نیز به این مهم اشاره شده است: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ لِيٍّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا...﴾ (إسراء: ۱۱۱).

در بیت پنجم، شاعر به فناپذیری هر چیزی در عالم خاکی اشاره دارد و بقاء را مختص ذات خداوند می‌داند، چنانکه در آیه‌ی شریفه می‌فرماید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (قصص: ۸۸).

در بیت ششم، موضوع قائم به ذات بودن خداوند و حضور همیشگی او بر احوال عالم هستی مورد تأکید قرار گرفته که در قرآن نیز در آیه‌ی آغازین آیه الکرسی این مسئله ذکر شده است: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ...﴾ (بقره: ۲۵۶) همین‌طور در سوره‌ی فرقان می‌خوانیم: ﴿وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ...﴾ (فرقان: ۵۸). شاعر در ادامه، به صفات دیگر خداوند چون ازلی بودن، سمیع و بصیر و علیم بودن و اینکه خداوند همه جا حاضر و ناظر است، اشاره می‌کند که همه در قرآن به نوعی بیان شده است. در این رابطه در سوره‌ی شوری می‌خوانیم: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری: ۱۱). یا در سوره‌ی بقره آمده: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۱۱۵). اینکه خداوند به عنوان خالق جهان هستی، ذاتی است و الاثر از تصور کخ در حیطه‌ی ادراک عقل نمی‌گنجد، امری است که همه‌ی صاحبان اندیشه و تفکر بدان اذعان داشته‌اند و در قرآن نیز صراحتاً این نکته آمده است: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (أنعام: ۱۰۳).

خداوند به هر چیزی احاطه‌ی علمی دارد و همه چیز را می‌داند و قرآن در موارد بسیار به این موضوع اشاره می‌کند که در سوره‌ی انعام آیه ۵۹، سوره‌ی هود آیه ۶، سوره‌ی فاطر آیه ۳۸، سوره‌ی طه آیه ۷ و دیگر آیات این مطلب به صراحت ذکر شده است.

تعارض خشم و عقل

عقل و خشم دو نیروی متفاوت در ساختار وجودی انسان است که از منظر غریزه با یکدیگر متعارض هستند؛ بدین معنا جایی که عقل و خرد خیمه می‌زند، خشم و غضب عرصه‌ی ظهور

پیدا نمی‌کند. عقل یک نیروی درونی است که مهارکننده‌ی امیال درونی است و معیار تمییز خوبی از بدی شمرده می‌شود. در مقابل، خشم یک احساس هیجانی است که سلامت جسمی و روحی و مضافاً روابط اجتماعی انسان‌ها را متأثر می‌سازد. در منابع دینی و ادبی تعبیر مختلفی از این دو نیروی درونی انسان شده است تا آنجا که خداوند متعال در تعظیم عقل می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ﴾ (بقره: ۱۶۴) و همین‌طور انسانیت به داشتن عقل معنا شده است: «إِنَّمَا الْإِنْسَانُ عَقْلٌ» (ثعالبی، ۱۴۱۴: ۳۰) در نگاهی دیگر غضب زنگار عقل است: «الغضبُ صدأُ العقلِ» (ثعالبی، ۱۳۸۱: ۴۴۹) و به فرموده‌ی امام صادق (ع)، خشم کلید همه‌ی بدی‌ها شمرده شده است (فیض کاشانی، ۱۳۶۹: ۵۴). آیتی نیز در بخشی از ابیات داستان به این موضوع پرداخته و چنین می‌گوید:

گر نبودی نفس و عقل آدمی
بی‌ثمر افتاد خلق عالمی
(آیتی، ۱۳۳۷: ۴۹)

عقل می‌گوید گر از من شنوی
کرده همت از خوبان روی
(همان: ۵۰)

چونکه خشم آید خرد گیرد کنار
دشمن عقل است خشم ای هوشیار
(همان: ۵۳)

و روشن است که علت این دشمنی به دلیل عقده‌ای است که خشم در فرد یا اجتماع ایجاد می‌کند؛ چرا که پیامبر (ص) فرمود: «لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ» (میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). در مقابل، عقل و خرد دین انسان و مایه‌ی قوام او شمرده شده و در حدیث نبوی آمده است: «دینُ المرءِ عقلُهُ وَ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ» (همان: ۴۰۴).

پرهیز از تقلید بدون تعقل و کورکورانه

آیتی در قسمتی از داستان، با عنوان تحصیل حقیقت، به مسئله‌ی پرهیز از تقلید بدون علم و آگاهی سفارش می‌کند و هر مفسده‌ای را ناشی از تقلید کورکورانه می‌داند:

۱. دین هر شخصی عقل اوست و کسی که عقل ندارد دین ندارد.

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| تا کی این تقلید و کوران‌ه روی | عقل داری و قوای معنوی |
| هر که در تیه ضلالت اوفتاد | بودش از تقلید مانا آن فساد |
| مردمان تقلید اگر کرده رها | یافت باطل کی در این گیتی بها |
| چونکه نیکو بنگری هر مفسده | ناشی از تقلید عامی آمده |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۶۴)

قرآن نیز در بسیاری از آیاتش در موقعیت‌های مختلف تأکید می‌کند آدمی تا برایش معرفت کامل و یقین قطعی نسبت به یک نظریه یا عقیده حاصل نشده، نباید از آن پیروی کند و زندگی فردی و اجتماعی خود را دچار بحران فساد و تباهی کند و در این رابطه یک اصل کلی ارائه می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء: ۳۶). با این آیه، قرآن دست و پای انسان را از زنجیر پیروی کورکورانه آزاد می‌کند و او را از بردگی فکری و اختیار اراده‌ی دیگران رهایی می‌بخشد. در جای دیگر، قرآن اقوامی که تنها به تقلید و پیروی از پدران خود، دل خوش کرده و به آنچه از سوی خداوند نازل شده، توجهی ندارند، سرزنش نموده و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ لَا يُعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (مائده: ۱۰۴).

زیبایی‌های اخلاقی

بی‌شک، زندگی انسان بر پایه‌ی فضایل اخلاقی و پسندیده‌های رفتاری قوام می‌یابد و فضای روحی جامعه را در مسیر آرامش قرار می‌دهد و زمینه‌ی رشد و تعالی فردی و اجتماعی را رقم می‌زند و تا آن اندازه مقوله‌ی معیارهای اخلاقی اهمیت دارد که هدف اصلی رسالت پیامبر اسلام (ص) تکمیل کرامت‌های اخلاقی معرفی می‌گردد. شاعر در این باب سخن بسیار گفته و بیش از هر چیز دیگر بدان پرداخته است؛ زیرا بر این باور است که سعادت دنیا و آخرت در پای‌بندی به اصول اخلاق است که در این قسمت به چند نمونه از این زیبایی‌ها که نشان انسانیت است، اشاره می‌کنیم:

در جهان بس دیده‌ای اهل صلاح سالکان راه ایمان و فلاح

گو کدامین در صلاحش اُکمل است گفت آن صاحب‌دلی که عقل است.
(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۸)
در این ابیات، عقل بهترین و مطمئن‌ترین راه صلاح و فلاح معرفی شده که مبین این حدیث شریف امام صادق (ع) است: «العقلُ دَلیلُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۹).

رضوان الهی

گفت یوزاسف ز رضوان خدا بازگو ای سالک راه هُدی
گفت رضوان طاعت فرمان اوست موجبات خشم در عصیان اوست
آنچه را خواهی برای خویش هم از برای بندگان خواه از نَعَم
معنی عدلست و احسان این سخن کاندر آن باشد رضای ذوالمنن
(همان: ۱۰۸)

خشنودی خداوند و رسیدن به مقام والای رضا، در پیروی از دستورات الهی و اعمال صالح است و در مقابل هر گونه سرپیچی و انحراف از این مسیر، قرار گرفتن در حوزه‌ی شیطان است. در قرآن می‌خوانیم: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. جَزَأُوهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ) (بینه: ۸). بیت سوم، مفهوم این حدیث شریف پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ، وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۲۲۰) و این امر نشانه‌ی عدالت و احسان است.

تربیت نفس

تربیت بنما تو نفس خویشتن از ره تدبیر و عقل و هوش و فنّ
در منافع کن تو وادارش بجدّ وز شناع بازدارش حسب ضدّ
شب بگیر اول ز نفس خود حساب چون شدی فارغ برو آنکه بخواب
(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۲)

نفس سرکش و لجام گسیخته‌ی انسان اگر با تربیت و تدبیر شایسته مهار نشود و گرفتار بند خواسته‌های درونی و آمال دنیا گردد، بلاها و گرفتاری‌های زیادی را متوجه انسان می‌سازد. به همین خاطر حضرت علی(ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اِثْنَانُ؛ اِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ^۱» (فرید، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۳۰۵). و در حکمتی زیبا محاسبه‌ی نفس را سودی ارزشمند می‌شمارد: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحَ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا» (علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹: حکمت ۲۰۸).

مشورت و تجربه

| | |
|---------------------------|-----------------------------|
| عقل سوی مشورت دارد نیاز | سَر مپیچ از مشورت ای سرفراز |
| نیست اندر مشورت انکار عقل | مشورت شد رونق بازار عقل |
| أوثق اشیاء در نزد فحول | تجربیاتست و احکام عقول |

(آیاتی، ۱۳۳۷: ۱۱۲)

مشورت یک اصل مهم در تصمیم‌سازی اجتماعی است که برآیند آن صلاح جامعه و تنسیق امور فرهنگی، عمومی و سیاسی می‌باشد. در قرآن بر این اصل تکیه شده و خطاب به پیامبر در حوزه‌ی رفتار اجتماعی می‌فرماید: «... فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹). در سوره‌ی شوری، مشورت یکی از صفات برجسته‌ی مؤمنان، در کنار دیگر ویژگی‌های آنان، شمرده شده است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸). در حدیث معصومین نیز این نکته مورد تأمل است؛ پیامبر اسلام (ص)، مشورت را حصارِ مستحکم در برابر پشیمانی و باعث ایمنی در مقابل سرزنش دیگران می‌شمارد: «المُشَاوَرَةُ حِصْنٌ مِنَ النَّدَامَةِ وَ أَمْنٌ مِنَ الْمَلَامَةِ» (میرزایی، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

۱. همانا من از دو چیز، بیش از هر چیز بر شما می‌ترسم، یکی پیروی از تمایلات نفس و دیگری آرزوهای دراز.
 ۲. هر کس نفسش را محاسبه کند، سود می‌برد و هر کس از آن غفلت ورزد زیان بیند.

نرم‌خویی و محبت‌خوبان

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| باز پرسیدش در اخلاق نکوی | اکرم الأخلاق چی بود بازگوی |
| نرم گفتاری و پیوند و وفا | با همه یاران و اخوان الصفا |
| دوستی با بندگان حضرتش | با تذلل خواستن خود نصرتش |
| صحبت خوبان شمارش مغتنم | کافضل الاعمال باشد ای صنم |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۰)

مصاحبت با دوستان حق‌مدار و مجالست با خوبان از نشانه‌های بارز اخلاق‌مداری و پایبندی به اصول ایمان و وفاداری است. لقمان در مقام وعظ به فرزندش این نکات را به خوبی یادآور می‌شود و واژگانی زیبا و با عاطفه در حوزه‌ی رفتار فردی و اجتماعی بکار می‌برد. از آن جمله در برخورد با پدر و مادر در جایگاه بهترین دوست: ﴿وَ صَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ (لقمان: ۱۵) و در حیطه‌ی اجتماع ﴿وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (لقمان: ۱۷) و ﴿وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾ و ﴿وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾ (لقمان: ۱۸) و ﴿وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ (لقمان: ۱۹). همه‌ی موارد عامل اساسی در پیوندهای اجتماعی و استحکام بنیان خانواده است.

وی، در ادامه، قیمت و ارزش رفیق شفیق را بیش از جهان می‌شمارد:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| قیمت یار شفیق مهربان | خود جهان نبود تو قدر او بدان |
| راه آنان جو که هستند از خدا | مورد انعام و الطاف هدی |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۳۹)

سخن از فضائل و محاسن اخلاقی در این داستان گستره‌ی زیادی را در برمی‌گیرد و در واقع مجموعه‌ای از حکمت‌ها و فضائل نیک انسانی در زندگی فردی و اجتماعی است که اندک اشاره‌ای به برخی موارد برجسته در این پژوهش به عنوان نماد موضوع شده است و پرداختن به همه‌ی آن‌ها اطاله کلام را در پی خواهد داشت و در اینجا صرفاً در قالب عنوان می‌توان به مسئولیت اجتماعی انسان در جامعه، احوال دنیا، عبرت و پند، حقیقت عمر، یگانگی و صفات خداوند، شیطان و گمراهی انسان، تعریف خوشبختی، ملکات نفسانی، آداب زندگی، دوست و وفاداری، ایمان و اثر آن در دنیا و آخرت، زیرکی در دنیا، عمل تنها همسفر انسان در جهان آخرت اشاره کرد.

وَالْوَالِدِ... (الحدید: ۲۰). در حدیث نیز آمده که پیامبر (ص) فرمود: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» (الحرآنی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). در جای دیگر، در سفارش به حضرت علی (ع) دوستی دنیا را نشانه‌ی شقاوت می‌شمارد و می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: حَمْدُ الْعَيْنِ، وَ قِسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ بَعْدُ الْأَمَلِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا»^۱ (همان: ۳۳)؛ مضافاً دو بیت اول نیز توضیح این حدیث پیامبر (ص) است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»^۲ (پاینده، ۱۳۷۴: ۴۳۷).

آرزوهای دراز و دست‌نیافتنی

آرزو داشتن بر معیار عقل و شریعت و امید دستیابی به اهداف مطلوب و شایسته‌ی زندگی امری پسندیده است و مورد تأکید معارف دین می‌باشد، ولی رویکرد انتظار به آنچه ناممکن است و یا هدفی بر آن مرتب نیست و تنها کسب منافع مادی و دنیوی است، نه تنها پسندیده نیست، بلکه از آن نهی شده است. شاعر در گفتارش به این نکته واقف است و چنین می‌گوید:

آرزوی آنچه مقدر تو نیست در دلت گر جا نمود از ابلهی است

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۰۵)

آرزو بر خود مکن دور و دراز کن قناعت دور دار از نفس آز

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۹)

آرزوهای جهان باشد چو باد باد را هرگز نشاید اعتماد

(همان: ۱۶۴)

آرزوها را کنید از دل برون تا شود ایمان شما را رهنمون

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی زیبا نسبت به این امر هشدار می‌دهد: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ۹۰).

قرآن نیز خطاب به پیامبر در رویارویی با کفار می‌فرماید: ﴿ذُرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يَلْهَبُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر: ۳).

۱. ای علی چهار خصلت نشانه بدبختی است: خشکی چشم، سنگدلی، آرزوی دراز و دوستی دنیا.

۲. دوستی دنیا و دلبستگی به آن، سرآمد هر گناهی است.

نادانی و عدم آگاهی و علم

علم و خرد چراغ فروزان زندگی و هدایت به سوی معرفت و کمال است و علما همچون ستارگان در آسمان‌اند که مردم به وسیله‌ی آن‌ها در تاریکی‌های سرگردانی هدایت می‌شوند و اگر نباشند در کوره راه جهل اسیر می‌گردند. شاعر این مضمون را به خوبی در گفتارش تبیین می‌سازد:

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| هر چه با نادانی است و شور و شر | عمر نبود رفته از دست هدر |
| عمر با علم است و دین و معرفت | عمر نبود چون نداری این صفت |
| آدم بی علم و دانش مرده است | عاقبتش از زندگان نشمرده است |
| مرده کور است و کر است و گنگ و لال | تو شریک مرگانی در حصال |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۰۲-۱۰۳)

این ابیات ناظر به این حدیث شریف نبوی است که: «طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۵۵۵). نفس علم و دانش و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه تعالی معرفت جامعه بر کسی پوشیده نیست و در مقابل آن ناآگاهی و جهالت به دلیل تأثیرات مخرب آن بر انحراف انسان‌ها و نسل‌ها و بی‌هویت کردن آن‌ها از حوزه‌ی معرفت و انسانیت قابل تأمل است. پیامبر اسلام در سفارشات خود به امت در حکمت‌هایی ارزشمند جایگاه علم و دانش و ناپسند بودن جهل را این گونه توصیف می‌کند: «بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يَعْبُدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَقْلِ... وَ (صفه الجاهل) أَنْ يَظْلَمَ مَنْ خَالَطَهُ وَ يَتَعَدَّى عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ يَتَطَاوَلَ عَلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ، كَلَامُهُ بَغَيْرِ تَدَبُّرٍ، أَنْ تَكَلَّمَ أْتَمَّ وَ أَنْ سَكَتَ سَهًا وَ أَنْ رَأَى فَضِيلَةً أَعْرَضَ وَ...» (الحرآنی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱). به واسطه علم خداوند اطاعت و عبادت می‌شود و موجب شناخت و یگانگی او می‌گردد. ارتباط خویشاوندی را حفظ می‌کند و حلال و حرام را می‌شناسد و علم پیشوای عقل است و از صفات جاهل این است که با هر کس همنشینی شود، ستم می‌کند و به افراد پائین تر از خود تجاوز می‌نماید و نسبت به مافوق خود گستاخی روا می‌دارد سخن می‌گوید بدون اینکه بیندیشد و اگر صحبت کند گناه می‌کند. اگر سکوت کند غافل می‌گردد و اگر فضیلتی ببیند، روی بر می‌گرداند.

خشم و حسادت و لجاجت

آیتی در بخشی از منظومه‌ی مدرسه‌ی الحکمه با عنوان حکم بلوهر بسیاری از ناپسندیده‌های اخلاقی را بر می‌شمارد و در قالب حکمت، مخاطبان‌ش را اندرز می‌دهد:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| دشمنانت را شمارم ایسند | حرص و خشم و شهوت و حقد و حسد |
| در حسد جانا فساد نیت است | بدگمانت دل ز لطف حضرتست |
| بغض مردم آورد در سینه‌ات | در دل مردم بکارد کینه‌ات |
| حقد را آتش چو شد افروخته | خانمان‌ها را ز سطوت سوخته |
| در لجاجت دشمنی بالا رود | دیگ در جوش آید و غوغا رود |
| چون لجاجی کرد خود مقهور شد | قطع جهت آمدش محصور شد |

(آیتی، ۱۳۳۷: ۱۱۸)

آنچه در این ابیات طرح شده، به نوعی حکایت از امراض اخلاقی دارد که گاه انسان به دلیل عدم شناخت و غفلت دچار آن می‌گردد و اگر با داروی ایمان و تقوا مداوا نشود، به همهی جامعه تسری پیدا می‌کند. در قرآن و حدیث در این موضوع به تفصیل به سخن رفته است. امیر مؤمنان می‌فرماید: «الْعَصْبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ وَيَبْعِدُ عَنِ الصَّوَابِ» (فرید، ۱۳۶۶: ۱۴۴). پیامبر نیز حسدورزی را از بزرگ‌ترین گناهان شمرده و می‌فرماید: «أَعْظَمُ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ الْحَسَدُ» (ثعالبی، ۱۴۱۴: ۱۰۶). در سوره‌ی فلق نیز آمده است: «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق: ۵). حسود کمترین لذت را از زندگی می‌برد. لجاجت نیز سبب برافروخته شدن آتش انتقام و دشمنی گشته و عواقب ناخوشایندی را رقم می‌زند.

ریا، دروغ و عهدشکنی

شاعر در ادامه‌ی بر شمردن امراض قلبی و صفات ناپسند اخلاقی، ریا را بیماری پنهان ذکر می‌کند:

| | |
|-------------------------------|---------------------------|
| باز پرسیدن که پنهان‌تر چه بود | کش نفهمد آدمی در وقت زود |
| گفت شر دشمنی کارد ریا | می‌فریبد خلق را آن بی‌حیا |

ظاهر او نوش و باطن نیش هست باطن او گرگ و ظاهر میش است
 (آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۲)

ریا شرک خفی است و سرچشمه‌ی آن هوای نفس است و بسیاری از مردم در همین وادی
 هلاک می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الرِّيَاءَ فَإِنَّهُ شِرْكٌ بِاللَّهِ» (مجلسی،
 ج ۶۹: ۲۸۱؛ فرید، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۳۳). قرآن در آیات متعدد دروغ‌گویی را مذمت نموده و دروغگو
 را از جرگه‌ی ایمان خارج می‌داند و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ (نحل: ۱۰۵). آیتی در این باب گوید:

گفت خائن‌تر مجوی ای با فروغ از لسان آنکه می‌گوید دروغ
 هم خیانت با خدا می‌آورد هم خیانت با خود و عوضش درد
 هم خیانت می‌کند با بندگان خود نه نبینی چون خیانات زبان
 (آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۱)

عهدشکنی و عدم وفاداری به پیمان نیز در فرهنگ اسلامی نکوهش شده، شاعر در این خصوص آورده:
 باز پرسیدش در اصناف فجور چیست افحش کآید از شخص جسور
 گفت بستن عهد و پیمان با خدا باز بشکستن نیاوردن حیا
 (آیتی، ۱۳۳۷: ۱۲۱)

قرآن در این زمینه به صراحت می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا
 أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال: ۲۷).

در متون ادبی نیز به این موضوع تحت عنوان «انجاز الوعد» توجه شده و آن را واجب دانسته‌اند:
 «الْوَعْدُ نَافِلَةٌ وَ الْإِنجَازُ فَرِيضَةٌ» همین‌طور ابن معتز، از ادبا و ناقدان بزرگ دوره‌ی عباسی
 (۲۹۶ق/۹۰۸م) گفته است: «الْوَعْدُ سَحَابٌ وَ الْإِنجَازُ مَطْرُهُ» (ثعالبی، ۱۳۸۱: ۴۱۸).

آنچه در باب نکوهیده‌های اخلاقی ذکر شد، نمونه‌هایی از مسائل مختلف مربوط به این موضوع
 است و شاعر در این دفتر سعی نموده مجموعه‌ای از عیوب اخلاقی را به عنوان ابتلائات انسان در
 چرخه‌ی زندگی دنیا و اندرز حکیمانه ذکر نماید که در این مجال فرصت بیان همه‌ی آن‌ها، به
 جهت طولانی شدن مقاله، نیست.

نتیجه‌گیری

فقیه بزرگ و عالم سخنور، شیخ محمدحسین آیتی، از زمره شعرای شیرین‌سخن و خوش‌قریحه بیرجندی است که عمر گران‌مایه را در راه خدمت به ساحت علم و فقاہت و وعظ و خطابت گذراند و آثاری ارزشمند در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و تاریخی به یادگار گذاشت. *مقامات الأبرار* از زیباترین تألیفات این بزرگ‌مرد است که در قالب مثنوی روان و مشتمل بر پنج دفتر در موضوعات اعتقادی و حکمی به رشته نظم در آمده است. دفتر دوم این کتاب که شرح داستان کهن «یوزاسف و بلوهر» است و عنوان مدرسه الحکمه نام گرفته، مجموعه‌ای از حکمت‌های ارزنده و درس‌هایی رهگشا در مسیر زندگی است که براساس مفاهیم آیات و احادیث شریفه تدوین یافته است که در این پژوهش در دو قسمت لفظ و معنا بدان پرداخته شده و برجسته‌ترین موضوعات مربوط به هر قسمت در ذیل آن آمده است. در انجام این امر ۲۸۵۰ بیت این دفتر مورد مطالعه و واریسی قرار گرفته و مطابق پرسش‌های پژوهش و هدف آن، موارد خواسته شده استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد که این دانشمند فرهیخته با آگاهی و اشراف کامل بر قرآن و حوزه‌ی حدیث و بصیرت بر مفاهیم و مضامین کتاب وحی توانسته است تا آنجا که مقدور بوده، بنا به اقتضای سخن، برخی واژگان کلیدی قرآن و یا بخشی از آیه و حدیث را با هنرمندی و درایت در ابیات جای دهد که برابر نمودار شماره‌ی ۱، بسامد لفظی آن‌ها تقریباً میزان ۵۰٪ از مجموع ابیات را در بر می‌گیرد. در قسمت دوم که موضوع معنا و محتوا است، شاعر بیشترین بسامد را، در مقایسه با قسمت اول، از مضامین قرآنی و حدیثی در ابیات گنجانده است. بدین بیان که ۷۹٪ ابیات در موضوعات مختلف اخلاقی و تربیتی، آمیخته به معانی و محتوای قرآن است و می‌توان نتیجه گرفت که ذوق ادبی و تسلط شاعر بر فضای لفظ و معنای قرآن و احادیث، سبب شده، مجموعه‌ای مفید و گرانبها به عنوان حکمت‌های زندگی فراهم گردد که به لحاظ علمی و ادبی و برآیند تربیتی و فرهنگی آن بی‌نظیر است و الصاق عنوان مدرسه‌الحکمه بر این دفتر زیننده می‌باشد.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۶۷). (ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای). تهران: بنیاد نشر قرآن.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۳۷). *مقامات الأبرار*. تهران: چاپخانه دولتی ایران.
- _____ (۱۳۷۱). بهارستان. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _____ (۱۳۷۹). *دُرّ غلطان*. بی‌جا.
- ابن شعبه الحرّانی، ابومحمد الحسن (۱۳۹۳). *تحف العقول عن آل رسول (ص)* (ترجمه‌ی علی اکبر میرزایی). قم: آثار دانشوران.
- علی بن ابی طالب (۱۳۵۱). *نهج البلاغه* (شرح و ترجمه سید علینقی فیض‌الإسلام). تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۹). *نهج البلاغه* (ترجمه محمد دشتی). تهران: انتشارات علامه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۴). *نهج الفصاحه*. تهران: جاویدان.
- ثعالبی، ابومنصور (۱۳۸۱). *التمثیل و المحاضره* (تحقیق عبد الفتاح الحلو). القاهره: الدار العربیه للكتاب.
- _____ (۱۸۹۲). *اللطائف و الظرائف*. (قدم له و أعدّ فهارسه عبدالرحیم یوسف الجمل). القاهره: جامعه القاهره.
- خسروی، هادی و همکاران (۱۳۹۲). «تأثیر قرآن و حدیث در دیوان دُرّ غلطان». *مجله مطالعات فرهنگی خراسان جنوبی*، ۷ (۳)، ۳۴-۷.
- زنگویی، حسین (۱۳۸۸). *شاعران قهستان*. چ ۲. تهران: نشر روزگار.
- زهادت، عبدالمجید (۱۳۸۶). *سیمای پیامبر اکرم در نهج البلاغه*. چ ۳. قم: بوستان کتاب.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۰). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. چ ۲. تهران: فکر بکر.
- فرید، مرتضی (۱۳۶۶). *الحدیث*. ج ۲. چ ۴. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۹). *أخلاق حسنه* (ترجمه محمدباقر ساعدی). چ ۱۰. تهران: پیام آزادی.
- کلینی، یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۴). *اصول کافی* (ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی و سید جواد مصطفوی). چ ۴. تهران: انتشارات علمیه، اسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. الطبعة الثالثة. بیروت:

دار حیا التراث العربی.

میرزایی، علی اکبر (۱۳۹۰). ترجمه و شرح نهج الفصاحه. چ ۵. قم: صالحان.

Table and Content

| | |
|--|------------|
| A Phenomenological Study of Lived Experiences of Motherhood in the Folk Music of East Khorasan/ Sahar Tabrizi, Golamreza Tabrizikahou | 9 |
| The Etymology and Transformation of the Name and Status of Qaen and Qohestan/ Morteza Daneshyar | 45 |
| The Role of Electronic Human Resource Management in Organizational Entrepreneurship and Organizational Effectiveness, Mediated by Organizational Agility among Employees of Shahid Chamran Hospital, Ferdows/ Ahmad Arabshahi Karizi, Morteza Doroodgar | 85 |
| A Phenomenological Study of Communication Among Female Students in Dormitories: A Case Study of South Khorasan Farhangian University/ Mohammad Alipour, Mohammad Valipour, Fateme Abasimoghadam, Sajede Ahmadi | 129 |
| The Ideal Marriage Model: A Case Study of Couples Living in Mashhad/ Mona Kargar, Seyed Ali Kimiaee, Hossein Kareshki, Khodabakhsh Ahmadi Noude | 159 |
| The Reflection of the Qur'an and Hadith in the Second Volume of Maqamat al-Abrar by Mohammad Hossein Ayati Birjandi/ Ahmad Lamai Giv | 197 |



Referees of this Issue (In Alphabetical Order)

Zahra Alizadeh Birjandi, Associate Professor, University of Birjand

Kolsoum Ghorbani Jooybari, Associate Professor, University of Birjand

Tahereh Mirzaei, Assistant Professor, Payame Noor University

Hamid Masoudi, Assistant Professor, University of Birjand

Hamed Norouzi, Associate Professor, University of Birjand

Samira Pour, Assistant Professor, University of Birjand

Hadi Pourshafiee, Associate Professor, University of Birjand

Nayereh Shah Mohammadi, Associate Professor, Organization for Research and Educational Planning

Mohammad Ali Talebi, Assistant Professor, Payame Noor University

Alireza Tashkorian Jahromi, Assistant Professor, University of Birjand

Mohammad Valipour, Assistant Professor, Farhangian University



In The Name Of God

Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 72

ISBN 1735-8256

Summer 2024, 4rd Number, 18th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Editor-in-Charge: Farkhunde, Ali

Editor-in-Chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive Manager: Ramezani, Mahmoud

Executive Manager: Zerang, Mahin

Editorial Board

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editor: Poursoltani, Somayeh

Translator and English Editor: Ameri, Saeed

Technical Affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: New Media Magnifying Glass institute

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: General Office of Culture and Guidance, Shahid Mahallati Avenue, Birjand, South Khorasan Province

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

This journal expresses the views presented in its published articles. Authors are solely responsible for the content of their writings, and translators are responsible for the accuracy of their translations. Materials submitted for publication will not be returned if deemed unsuitable. The journal reserves the right to edit or delete portions of submitted materials.

